



فصلنامه پژوهش‌های نوین در حکمرانی اسلامی

● سال اول | شماره ۲ | تابستان ۱۴۰۴ ●

- | | |
|------------------------------------|---|
| ■ مدیر مسئول: دکتر حسین جهانگیری | ■ صاحب امتیاز: دانشگاه جامع انقلاب اسلامی |
| ■ امور اجرایی: دکتر حسین عباسی | ■ سردبیر: دکتر سید محمد طباطبائی |
| ■ ویراستار: زینب آقابائى | ■ مدیر داخلی: دکتر لیلا حیدریانی |
| ■ ناشر: دانشگاه جامع انقلاب اسلامی | ■ ویراستار انگلیسی: دکتر نیلوفر مقدمی خمایی |
| ■ طراح جلد: سید حسین حسینی | ■ صفحه‌آرا: محمد صادقی |
| ■ بهاء: ۰۰۰۰ ریال | ■ شمارگان: ۲۰۰ جلد |

وبسایت نشریه: <https://nrig.cuir.ac.ir>

کلیه حقوق © محفوظ است.

مسئولیت مطالب مطرح شده در مقالات، به عهده نویسنده یا نویسندگان آن است.

نشانی: تهران- میدان سپاه- خیابان پادگان ولیعصر(عج) - پلاک ۳- ساختمان جنوبی- طبقه هفتم



اعضاء هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

- دکتر اکبر اشرفی/ دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات
- دکتر ابراهیم برزگر/ استاد دانشگاه علامه طباطبائی
- دکتر یعقوب توکلی/ دانشیار دانشگاه معارف اسلامی قم
- دکتر محمد باقر خرمشاد/ استاد دانشگاه علامه طباطبائی
- دکتر عباسعلی رهبر/ استاد دانشگاه علامه طباطبائی
- دکتر محمد جواد سبحانی‌فر/ دانشیار دانشگاه جامع امام حسین علیه السلام
- دکتر سید محمد طباطبائی/ استاد دانشگاه علامه طباطبائی
- دکتر عباس کشاورز شکری/ استاد دانشگاه شاهد
- دکتر ابوالفضل محمدی/ دانشیار دانشگاه جامع امام حسین علیه السلام
- دکتر کیومرث یزدان پناه/ دانشیار دانشگاه تهران



راهنمای تدوین و ارسال مقاله

برای ارائه به فصلنامه علمی پژوهش‌های نوین در حکمرانی اسلامی

- ۱- مقاله‌های قابل چاپ در مجله «پژوهش‌های نوین در حکمرانی اسلامی»، مقالات اصیلی هستند که حاوی ایده‌ها، رویکردها و روش‌های نوین و حاصل یافته‌های تحقیقات علمی باشند، به نحوی که به پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی از لحاظ نظری و کاربردی یاری رسانند.
- ۲- مقاله‌ها باید جدید و حاصل تحقیقات نویسنده یا نویسندگان باشد و پیشتر در جایی دیگر به چاپ نرسیده باشند.

- ۳- مسئولیت کامل مطالب ارائه شده در مقاله به عهده نویسنده یا نویسندگان است. مجله در این زمینه هیچ مسئولیتی را عهده‌دار نمی‌شود.

- ۴- مقالاتی که توسط دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری با همکاری استادان راهنما و یا مشاور تهیه می‌شود، ضرورتاً باید با امضای استاد مربوطه به فصلنامه ارسال گردد؛ در عین حال نویسنده مسئول و ترتیب اسامی نویسندگان به همان ترتیبی که در سایت ثبت شده باشد، در مقاله خواهد آمد و پس از آن غیر قابل تغییر خواهد بود.

- ۵- حداکثر حجم مقاله شامل متن، شکل‌ها، نمودارها و جدول‌ها حداکثر ۱۰ هزار کلمه است.

- ۶- برای نگارش مقاله، آموزه‌های مندرج در این صفحه را دنبال بفرمایید.

- ۷- مقالات در چارچوب ساختار زیر که حاوی مقدمه، داده‌ها و روش کار، شرح و تفسیر نتایج،

نتیجه‌گیری و منابع و مآخذ است، تدوین می‌شود:





عنوان مقاله) عنوان بایستی با سؤال اصلی مقاله و محتوای آن تناسب داشته باشد، رسا و بدور از ابهام و ابهام باشد و حتی الامکان کوتاه باشد و هماهنگ با موضوعات و محورهای اعلامی فصلنامه باشد.

چکیده) ۱- مختصر، روان و گویا ۲- موضوعات اساسی چکیده (سؤال، روش، یافته‌ها و مهمترین پیشنهادها).

کلیدواژگان) حداقل سه واژه و حداکثر هفت واژه به تناسب موضوع و محتوای مقاله.

۱. مقدمه و بیان مسئله

مقدمه موضوع) شروع بحث و بیان موضوع با توجه به حوزه و رشته کلی مورد بحث و مباحث روز ضرورت موضوع) بیان نیازها و ضرورت موضوع مقاله با توجه به مطالعات پیشین و شواهد موجود و یا نقدهای موجود

اهمیت موضوع) بیان اهمیت و فواید و کارکردهای بررسی موضوع مقاله از لحاظ نظری و عملی مساله اصلی) ۱- بیان روشن و کامل مسئله و سوال یا سئوالات اصلی مقاله ۲- بیان اهداف (سوالات) مقاله و تنظیم مقاله در راستای حصول آنها نحوه سازماندهی مقاله) بیان نحوه سازماندهی مقاله در راستای پاسخ به سئوالات (یا تحقق اهداف مقاله)

۲. ادبیات موضوع و پیشینه (حداکثر پنج صفحه)

۱-۲. ادبیات نظری (چارچوب نظری، مبانی نظری، نظریه‌ها و) (حداکثر سه صفحه و نیم) جامعیت و کاربردی بودن مطالب و نظرات ارائه شده؛ ارتباط منطقی ادبیات نظری با سئوالات و اهداف مقاله؛

ارائه الگوی مفهومی و یا چارچوب نظری مشخص و کارا برای مقاله

۲-۲. پیشینه پژوهش (حداکثر یک صفحه و نیم) کفایت مطالعات و مقالات پیشین مرتبط با موضوع؛ دسته بندی و ایجاد ارتباط منطقی بین نظریات و مطالعات پیشین؛ مرور پژوهش‌ها و مطالعات انجام شده در مورد موضوع و مسئله تحقیق به نحوی که حداقل هشت تا ده مقاله علمی





پژوهشی و چند کتاب معتبر پنج سال اخیر مورد بررسی قرار گرفته و مهمترین یافته‌ها و روش هر یک در قالب جدولی ارائه شوند.

وجه نوآوری مقاله حاضر نسبت به مطالعات پیشین:

۳. روش پژوهش (حداکثر در دو صفحه) رعایت اصول روش تحقیق و چارچوب مقالات علمی - پژوهشی: ۲- استفاده صحیح، متناسب و کارآمد از روش‌شناسی ادعا شده در مقاله: ۳- نوآوری در روش و یا ابتکار در کاربرد روش‌های موجود: ۴- ارائه توضیحات کافی در مورد روش تحقیق: ۴- بیان جزئیات ضروری روش‌شناسی مقاله

نوع تحقیق) تحقیق بنیادی، توسعه‌ای یا کاربردی است

استراتژی کلی تحقیق) کمی یا کیفی و در هر کدام از چه شیوه‌ای و ...

تعریف مفاهیم یا متغیرها) (نظری و عملیاتی) (مشخص کردن و ارائه تعریف روشن و صحیح از متغیرها و مفاهیم کلیدی مقاله

روش‌های گردآوری داده‌ها) پیمایشی یا کتابخانه‌ای یا ...

روش‌های تحلیل داده‌ها

جامعه و نمونه) ۱- تعریف جامعه و نمونه مطالعه، ۲- روش نمونه‌گیری، ۳- حجم نمونه و روش محاسبه ۴- روش

روایی و پایایی ابزار جمع‌آوری اطلاعات) روش‌ها و آزمون‌های مورد استفاده و نتایج هر کدام

مراحل انجام و به کارگیری روش) شرح مختصر و مفید روش گفته شده

توضیحات لازم در خصوص روش‌های جدید به نحوی که اولاً معرف روش بوده و ثانیاً بیانگر و روشن‌کننده رویکرد استفاده شده باشد.

۴. یافته‌های پژوهش (حداکثر در شش صفحه مقاله) ۱- یافته‌ها برآمده از بکارگیری روش‌شناسی و ادبیات نظری و مطالعات پیشین: ۲- استفاده به‌جا و به اندازه از جداول، اشکال و الگوها به اقتضای مقاله: ۳- دسته‌بندی و ارائه منطقی یافته‌ها به تناسب اهداف و سوالات مقاله: ۴- پوشش‌دهی یافته‌ها نسبت به سوالات و اهداف مقاله





۵. بحث، نتیجه‌گیری و پیشنهادها

۱-۵. بحث) مقایسه یافته‌های مقاله با نتایج مطالعات پیشین و بیان دلایل شباهت و تفاوت آنها

با هم

۲-۵. نتیجه‌گیری) ۱- ارائه نتیجه‌گیری مشخص، مختصر و قابل استفاده ۲- ارتباط درست و

منطقی نتایج با یافته‌ها و اهداف مقاله

۳-۵. پیشنهادها) پیشنهادها مبتنی بر یافته‌های مقاله ۲- در راستای توسعه نظری و یا کاربردی

نتایج مقاله باشد. ۳- کاربردی و راهبردی بودن پیشنهادات: اولویت با ارائه پیشنهادات راهبردی می‌باشد

۶. منابع) استفاده از منابع معتبر و مقالات علمی و پژوهشی جدید مربوط به حداکثر ۵ سال

اخیر (حداقل ۶۰ درصد منابع)؛ رعایت اصول ماخذنویسی: استفاده کافی از منابع با توجه به موضوع

مقاله؛ تطبیق منابع با ارجاعات داده شده در متن؛ منابع به ترتیب حروف الفبایی شماره‌گذاری شده و

برای درج ابتدا منابع فارسی (در سه دسته به ترتیب مقاله‌ها، کتاب‌ها و منابع اینترنتی) و سپس منابع

لاتین (در سه دسته گفته شده قبلی) آورده شوند.

ارجاعات در متن مقاله باید به شیوه داخل پرانتز به گونه‌ای که ابتدا نام خانوادگی مؤلف یا مؤلفان و

سپس سال انتشار و در نهایت شماره صفحه به این صورت آورده شود: (احمدی، ۱۳۹۵، ص ۲۰) و

برای ارجاعات به منابع لاتین (Ahmadi, ۲۰۱۶, p ۲۰):

برای منابع با بیش از دو نویسنده، نام خانوادگی نویسنده اول و به جای نام سایر نویسندگان،

«همکاران» ذکر گردد؛ مانند: (احمدی و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۲۰) و برای ارجاعات لاتین

(Ahmadi et al., ۲۰۱۶, p ۲۰)

۱-۶. منابع فارسی

۲-۶. منابع لاتین





فهرست مطالب

بررسی و تحلیل صیانت و صدور ارزشهای انقلاب اسلامی در بستر حکمرانی مجازی / علی اخترشهر ۱۱
شناسایی عوامل مؤثر حکمرانی اسلامی بر موفقیت حکمرانی در جمهوری اسلامی ایران / محمدحسن صدری، مهدی قاسمی ورجانی ۴۱
تحلیل پارادایمی سیاست‌گذاری دفاعی / حسن قرونه، اعظم بابکی‌راد..... ۷۵
آسیب‌شناسی و بررسی نقش و عملکرد بسیج در پیشگیری و آگاه‌سازی از عوارض اعتیاد به مواد مخدر / طاهره حیدریان، مریم‌الهدادیان..... ۱۱۵
بازی شطرنج ژئوپلیتیک: کدهای آذربایجان و چالش‌های امنیتی ایران / محمدکبریا بابایی، کیومرث یزدان پناه درو، محمود واثق..... ۱۵۵
کاربردهای علم اصول فقه در اخلاق و تربیت / سید علی‌اصغر علوی ۱۸۱



سخن سردبیر

به نام خدا

سپاس از خداوند متعال و بندگان عالم او. کسانی که به پرورش و نشر علم می پردازند. با وجود همه سختی ها در این مسیر، با قاطعیت وارد آن می شوند. حال که با یاری خداوند و توجه محبت آمیز نویسندگان گرامی، اولین شماره از فصلنامه علمی "پژوهش های نوین در حکمرانی اسلامی" را منتشر نموده ایم، بر خود لازم می دانیم که از زحمات کلیه نویسندگان و عوامل فصلنامه تشکر به عمل آوریم. به یقین و به رغم تلاش بی وقفه همکاران، نخستین شماره ی فصلنامه خالی از نقص و کاستی نخواهد بود. امیدواریم محققان، اساتید و دانشجویان با بهره گیری از نظرات سازنده خود ما را در بارور ساختن بیش از پیش نشریه، هم در شکل و هم در محتوا یاری فرمائید. با توجه به اهمیت حکمرانی از این جهت که، حکمرانی نه تنها مرحله کانونی گفتمان توسعه را به خود اختصاص داده است بلکه به عنوان یک مؤلفه اساسی در سیاست توسعه کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه گنجانده شده است. بنابراین، در این راستا مجلات مربوط به علوم سیاسی و حکمرانی نقشی مهم در فرآیند ثبت، نشر و ارتقای این پژوهش ها و نیز ایجاد یک بستر مناسب برای توسعه ارتباط بین پژوهشگران این عرصه داشته اند. بر این اساس فصلنامه علمی «پژوهش های نوین در حکمرانی اسلامی» بر اساس بررسی های شکلی و محتوایی، به زبان فارسی و با رویکردهای پژوهشی با کیفیت، مقاله می پذیرد. در همین راستا از کلیه فعالان گرامی حوزه علوم سیاسی و تمامی علاقه مندان دعوت می نمایم تا با ارسال آثار و مقالات وزین خود در ارتقای سطح کیفی و کمی فصلنامه ما را یاری نمایند.

بلندمرتبه باد قله دانش ایرانیان در تراز انقلاب اسلامی

دکتر سید محمد طباطبایی



بررسی و تحلیل صیانت و صدور ارزش‌های انقلاب اسلامی در بستر حکمرانی مجازی

علی اخترشهر^۱

چکیده

هر انقلابی که در هر گوشه‌ای از دنیا اتفاق بیفتد حتی اگر ایدئولوژی جهان‌شمولی هم نداشته باشد، دست‌کم بر اساس «نظریهٔ پخش یا اشاعه» بر کشورهای همجوار خود تأثیر خواهد گذاشت و موجب تحرکاتی انقلابی در آنها خواهد شد. هدف این پژوهش آن است که عوامل تداوم و استمرار این شیوه در نظام جمهوری اسلامی بررسی و تفاوت بین حکمرانی با حکمرانی مجازی معلوم گردد. روش تحقیق این پژوهش بر اساس الگوی کنترلی و دولت‌محور، تحلیل اسنادی و کتابخانه‌ای است. پرسش اصلی در این پژوهش آن است که آیا حکمرانی مجازی بسترسازی مناسب برای صیانت و صدور انقلاب اسلامی فراهم می‌کند؟ انقلاب اسلامی از طریق کنش‌گری فعال در حوزه حکمرانی

۱. استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد لاهیجان، لاهیجان، ایران (akhtarshahr@yahoo.com).





مجازی، فضای امنی جهت صیانت از ارزش‌های انقلاب اسلامی و صدور آن فراهم می‌کند و این از طریق ویژگی‌ها و ابزاری است که حکمرانی مجازی دارد. روشن است که شکل‌گیری فضای مجازی برای انقلاب اسلامی که انگیزه تمدن‌سازی و جهانی‌شدن دارد، فرصتی طلایی است؛ به بیان دیگر شکسته‌شدن مرزهای فیزیکی و کمرنگ‌شدن نظم دولت-ملت بیش از آنکه برای انقلاب اسلامی تهدید باشد، فرصت است و روح تازه‌ای را به حرکت جهانی انقلاب اسلامی می‌بخشد و انقلاب اسلامی از این طریق می‌تواند به اهداف متعالی خود دست یابد.

کلیدواژه‌ها:

حکمرانی، حکمرانی مجازی، انقلاب اسلامی، جنگ نرم.



۱. مقدمه و بیان مسئله

فضای مجازی در زمانه حاضر در تمامی ابعاد زندگی فردی و اجتماعی مردم جهان نفوذ کرده و در حال ایجاد یک تمدن جدید بشری است که از تمدن‌های قبل به مراتب فراگیرتر است. حکمرانی چنین فضایی که از یک طرف با تسهیل ارتباط، ارائه فناوری‌ها، خدمات جدید و شگفت‌آور ضریب نفوذ بسیار بالایی دارد و از طرف دیگر با قابلیت‌های خود در حال تبدیل کردن حاکمیت ملی-حکومتی به یک حاکمیت شبکه‌ای- فرامرزی است، امری بسیار پیچیده و خطیر است.

این مسئله بیش از سایر کشورها برای جمهوری اسلامی ایران یک فرصت محسوب می‌شود؛ چراکه کشورمان از یک طرف همواره در معرض تهدیدات دشمنان خود به‌خصوص جریان استکبار جهانی و صهیونیسم قرار دارد و اکثر شرکت‌های بزرگ و صاحب نفوذ در فضای مجازی تحت سلطه این جریان‌اند و از طرف دیگر تأثیر انقلاب اسلامی بر منطقه و جهان مخصوصاً برای ملت‌های که زیر یوغ کشورهای مستبد خود هستند، فرصت طلایی است.

جمهوری اسلامی ایران به عنوان نظام سیاسی برآمده از انقلاب اسلامی و در چارچوب اصل دعوت، صدور انقلاب را در دستور کار خود قرار داده است؛ به گونه‌ای که صدور انقلاب به صورت یک اصل و هدف در جمهوری اسلامی درآمده است. با وجود این صدور انقلاب در دوره‌های مختلف انقلاب اسلامی ایران معنا و مفهوم مختلفی یافته و از الگوها و ابزارهای متفاوتی سود برده است؛ به طوری که می‌توان از الگوهای مختلف صدور انقلاب اسلامی سخن گفت. اما آنچه در صدور انقلاب مطرح است، صدور خود انقلاب نیست، بلکه صدور ارزش‌های انقلاب اسلامی است؛ ارزش‌هایی همچون مردم‌سالاری دینی، عدالت و ظلم‌ستیزی. از طرفی صحبت از حکمرانی یعنی در فضای سایبری با آن ویژگی‌ها و ابزار مطلوبی که دارد، می‌تواند به صیانت از ارزش‌ها و صدور انقلاب اسلامی بینجامد.

مسئله اصلی

تحولات دیجیتال با پیشرفت‌های بی‌سابقه‌ای در فناوری همراه بوده است که نحوه زندگی، کار و تعامل افراد و گروه‌های مختلف جامعه را تغییر داده است. ظهور فناوری‌های جدید سبب



پیوستگی و همگرایی فناوری‌های قدیم و جدید با یکدیگر شده است. این ارتباطات منجر به همگرایی شبکه‌های مخابراتی، اطلاعاتی و تلویزیونی با یکدیگر شده است. از مصادیق این همگرایی می‌توان به امکان مکالمه و انتقال پیام روی شبکه اینترنت، ویدئوی خانگی اینترنتی و دسترسی به اینترنت روی شبکه‌های موبایل اشاره کرد. از این رو حکمرانی فضای مجازی یکی از چالشی‌ترین حوزه‌های پیش روی حاکمیت‌هاست و موفقیت در آن نیازمند کسب شناختی صحیح از این پدیده، چالش‌های پیش روی آن و ارائه راهکارهای مناسب در جهت حل آن است.

بر این اساس سؤالات پژوهش حاضر عبارت‌اند از:

آیا حکمرانی مجازی بسترسازی مناسب برای صیانت و صدور انقلاب اسلامی فراهم می‌کند؟
در ادامه دو سؤال فرعی هم قابل طرح است:

۱. مزیت و آسیب‌های حکمرانی موجود کدام است؟
۲. آیا امکان دست‌یابی به واقعیت مطلوب از طریق حکمرانی مجازی جهت صدور ارزش‌های انقلاب اسلامی وجود دارد؟

۲. ادبیات موضوع و پیشینه

۱-۲. مبانی نظری

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و طرح مسئله صدور انقلاب، نظریات و برداشت‌های متفاوتی از این سیاست صورت گرفت و هر یک تلاش می‌کردند صدور انقلاب را از دیدگاه خود توجیه و تفسیر نمایند. با وجود این عده‌ای هم اعتقادی به صدور انقلاب نداشتند و انقلاب را فقط در چهارچوب مرزهای ملی بررسی می‌کردند. به طور کلی دیدگاه‌های موجود در مورد صدور انقلاب را می‌توان به سه دسته تقسیم‌بندی کرد:

۱. دیدگاه ملی‌گرایی و ناسیونالیسم که این دیدگاه مخالف صدور انقلاب است و معتقد است انقلاب فقط در چهارچوب مرزهای ملی قابل قبول است و باید از ایجاد حساسیت جهانی دوری جست.

۲. دیدگاه انقلابیون که دیدگاهی ایدئولوژیک و آرمان‌گرا بود و با شعار اسلام مرز نمی‌شناسد و دارای رسالت جهانی است، به دنبال گسترش افکار و ایده‌های انقلابی حتی به قیمت اعمال زور و خشونت بودند.

۳. دیدگاه سوم را می‌توان یک دیدگاه میانه‌رو و واقع‌گرا دانست. این دیدگاه معتقد است ابتدا باید در داخل یک جامعه نمونه و الگو بسازیم تا دیگران از آن الگوبرداری کنند (محمدی، ۱۳۸۵: ۶۱-۶۶) و سپس در صدد صدور این الگو برآییم. بنابراین ساختن الگو در حوزه داخلی برای انقلاب اسلامی از طریق حکمرانی مطلوب قابل اعمال است و در حوزه خارجی از طریق حکمرانی مجازی؛ زیرا حکمرانی که غرب بر آن تکیه می‌کند، دچار آسیب‌ها و نواقص زیادی است.

پژوهش حاضر با الگوبرداری از دیدگاه سوم بر آن است نشان دهد دیدگاه سوم و تلاش برای الگوسازی همواره در اولویت جمهوری اسلامی برای صدور انقلاب بوده است و ضمن نشان دادن ناکامی دو دیدگاه نخست، سیاست الگوسازی در داخل و عرضه توان‌مندی‌ها و دستاوردهای انقلاب به دیگران بر پایه قدرت نرم انقلاب اسلامی را به عنوان دیدگاه غالب و پایه تحقیق پیش رو می‌داند و تأکید دارد سیاست صدور انقلاب اسلامی ایران در صورتی با استقبال دیگران مواجه می‌شود که مدل تجربه‌شده و موفق آن را در داخل کشور ببینند و به ارزش و اهمیت دستاوردهای آن پی ببرند. در این صورت استفاده از تجربیات ایران و اشاعه آرمان‌های انقلاب اسلامی با استقبال دیگران روبه‌رو خواهد شد. یکی از دیدگاه‌های مطرح‌شده در مورد صدور انقلاب این است که بر نقش ایران به عنوان ام‌القرای جهان اسلام تأکید شده است. در واقع کشوری ام‌القرای جهان اسلامی می‌شود که دارای لیاقت رهبری کل امت باشد. ملاک اصلی رهبری بر امت‌ها، ولایت است نه موقعیت استراتژیکی و امثال آن و این کشور باید سطح رهبری خود را از مرزهای جغرافیایی‌اش فراتر ببرد (صدقی، ۱۳۸۶: ۸۱). در این دیدگاه ایران به عنوان رهبر کشورهای اسلامی شناخته می‌شود که برای نجات مظلومان و رهایی محرومان و گسترش اسلام تحت امر ولایت در خارج از مرزهای ملی فعالیت می‌کند. البته این نظریه، حفظ ام‌القرا را بر هر امر دیگری ارجح می‌داند و تأکید اولیه آن بر جامعه داخلی است که لازم است به عنوان الگو و نمونه ساخته شود (یزدانی، ۱۳۹۱: ۸۶-۵۹).

نظریه‌پردازان انقلاب، مبحث صدور انقلاب را یکی از مباحث ذاتی انقلاب‌ها می‌دانند؛ زیرا هر انقلابی که در هر گوشه‌ای از دنیا اتفاق بیفتد، حتی اگر ایدئولوژی جهان‌شمولی هم نداشته باشد، حداقل بر اساس نظریهٔ پخش یا اشاعه بر کشورهای هم‌جوار خود تأثیر خواهد گذاشت و موجب تحرکاتی انقلابی در آنها خواهد شد؛ همان گونه که وقوع انقلاب ایران موجب بروز ناآرامی‌هایی در عراق، بحرین و عربستان در همان روزهای اول پیروزی انقلاب شد (اسپوزیتو و افتخاری، ۱۳۷۸: ۱۳).

این نظریه یکی از دیدگاه‌های رایج در باب توضیح چگونگی انتشار نوآوری‌ها و گسترش ایده‌ها و اندیشه‌هاست؛ هرچند جغرافی‌دان سوئدی در خاستگاه اولیه آن در رشتهٔ جغرافیای سیاسی است که از هاگر استرند (Hager Strand) سال ۱۹۵۳ میلادی در خصوص چگونگی گسترش جغرافیای سل‌گاوی به کار گرفت و بعدها در علوم انسانی و از آن جمله بازتاب انقلاب‌ها به کار گرفته شد (ر.ک: برزگر، ۱۳۸۲).

این مقاله علاوه بر روش بالا بر اساس نظریه برجسته‌سازی (Agenda setting) به دنبال این مسئله است که مدعی یک رابطه مثبت بین آن چیزی است که رسانه‌های جمعی متعدد بر آن تأکید می‌کنند و آنچه رأی‌دهندگان به عنوان یک امر به شمار می‌آورند، بلکه همچنین این تأثیرگذاری را به عنوان یک فراوردهٔ گریزناپذیر جریان عادی اخبار تلقی می‌کنند. مفهوم کارکرد برجسته‌سازی رسانه‌های عمومی یک مفهوم ارتباطی است که به وجود رابطه‌ای قوی بین تأکید جمعی و برجستگی این مباحث برای افراد در میان مخاطبان تصریح می‌کند. این مفهوم در شرایط علت و معلولی بیان می‌شود (ایرانی‌پور، ۱۳۸۸: ۸۵). اولویت در عرصه سیاسی بر سه بعد حمایت، احتمال عمل و آزادی عمل (گستره اقدامات دولتی) مد نظر است (ایرانی‌پور، ۱۳۸۸: ۸۵).

الف) حکمرانی

حکمرانی (Governance) مفهومی گسترده‌تر از حکومت دارد. تعاریف متعددی از حکمرانی ارائه شده است که برخی از آنان در ارتباط با مفاهیم اقتصاد و حتی اقتصاد سیاسی مطرح می‌شوند. با این حال در تفکیک میان حکمرانی و حکومت باید گفت حکومت صرفاً کنترل فرایندهای سیاسی،

اقتصادی و مدیریتی را شامل می‌شود که توسط گروه حاکم صورت می‌گیرد و می‌توان آن را به طور مصطلح «بخش حکومتی» نام داد؛ اما حکمرانی شامل بخش حکومتی همراه با دو بخش مجزای دیگر، بخش‌های بازرگانی و جامعه مدنی نیز می‌شود. فلسفه حکمرانی نیز این است که با ادغام سه بخش حکومتی، بازرگانی و جامعه مدنی فوق، مقامات کارهای خود را به نحو مؤثرتری انجام دهند و بدین ترتیب شکل‌گیری «جامعه مطلوب» بیشتر تحقق می‌یابد (امام‌زاده فرد، ۱۳۹۰: ۳۵). از این منظر، نظام حکمرانی جامعه عهده‌دار تصمیم‌گیری‌ها و ایجاد سازوکارهایی برای بهره‌مندی عادلانه از نعمت‌ها، مواهب و خیرات در اجتماع است.

حکمرانی درواقع قدرت برتری است که در حیطه دولت-کشور، اراده‌ای فراتر از آن وجود ندارد؛ به گونه‌ای که در مقابل اعمال اراده و اجرای اقتدارش مانعی نمی‌پذیرد و از هیچ قدرت دیگری تبعیت نمی‌کند. این قدرت و اقتدار حاصل شده بر پایه ملت دارای هویت مشترک شکل گرفته و در پهنه جغرافیایی خاصی زیست می‌کند. این اقتدار درونی و هویت ملی و مشترک با گسترش فضای مجازی در حال به‌چالش کشیده شدن است (کیان‌خواه، ۱۳۷۹: ۶).

بنابراین حکمرانی اعمال قدرت اقتصادی، سیاسی و اداری برای مدیریت امور کشور در همه سطوح است. حکمرانی شامل فرایند تصمیم‌گیری، اجرا، نظارت و ارزیابی و سازوکارهایی است که از طریق آنها شهروندان و گروه‌ها منابع خود را دنبال و حقوق قانونی‌شان را اعمال و تعهدات خود را عملی می‌کنند و اختلاف نظر را به بحث می‌گذارند (چلبامبو، ۲۰۱۸).

حکمرانی مطلوب کوششی است در جهت حاکمیت قانون شفافیت، مسئولیت‌پذیری، مشارکت، برابری، کارایی، اثربخشی، پاسخ‌گویی و دیدگاه استراتژیک در اعمال اقتدار سیاسی، اقتصادی و اداری (می‌دری، ۱۳۸۳: ۹۰). نکته قابل توجه آن است که این حکمرانی با این ویژگی‌ها تنها در حوزه نظری و روی کاغذ مانده و عملاً دولت‌ها در اعمال آن موفقیتی کسب نکرده‌اند؛ به عبارت دیگر دولت‌ها تا به امروزه نتوانستند در بعد قانون‌گذاری و اجرایی قانون به شفافیت برسند یا مسئولیت‌پذیری افراد جامعه را در فرامین دولت‌ها بیشتر کنند یا بتوانند حضور مردم را به مشارکت در امر حکومت روز به روز افزایش دهند.

ب) حکمرانی مجازی

حکمرانی مجموع روش‌هایی است که افراد و نهادها - خصوصی و عمومی - امور مشترک خود را مدیریت می‌کنند. تنظیم کردن کارکرد نظام‌های حکمرانی و اجزای آن سبب بقا و تحقق اهداف نظام می‌شود. برای اینکه نظام تنظیم‌گری از اثربخشی و کارایی لازم برخوردار باشد، لازم است مجموعه‌ای از کارکردها، توسط نهادهای تنظیم‌گر محقق شود؛ زیرا همان طور که فناوری‌های در حال ظهور، در تلاش برای انتقال قدرت از دولت به شرکت‌ها و کنش‌گران غیردولتی‌اند، نگرش سنتی حکمرانی نیز به عنوان یک مفهوم در حال تغییر و توسعه است.

در دنیای امروز با قطعیت می‌توان گفت همه کشورها حاکمیت ملی را به فضای مجازی گسترش داده‌اند؛ هرچند درک متفاوتی درباره ایده‌ها و شیوه‌های اعمال این حاکمیت وجود دارد. از نیمه قرن بیستم، وزارت دفاع آمریکا سرمایه‌گذاری و تحقیق برای ایجاد یک شبکه گسترده ارتباطی و تبادل اطلاعات مبتنی بر علوم کامپیوتری را آغاز کرد. این تلاش‌ها پس از حدود سه دهه تکامل یافت و تبدیل به شبکه جهانی اینترنت شد که از آن پس سرعت نوآوری و تغییر و تحولات در آن روز به روز بیشتر و بیشتر می‌شود. به این ترتیب قلمرو پنجم نیز به موضوع حاکمیت اضافه شد: حاکمیت بر فضای مجازی (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات در تاریخ ۱۶/۰۶/۱۴۰۳). اگر ما توانستیم در فضای مجازی حکمرانی قانون‌مند داشته باشیم، فضای مجازی برای کشور یک فرصت می‌شود، وّالا ممکن است تهدید بشود (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۴۰۳/۶/۶).

ج) صدور انقلاب اسلامی

این معنا از صدور انقلاب اسلامی بر این باور و واقعیت استوار است که انقلاب اسلامی ایران فراتر از یک حادثه تاریخی و پدیده سیاسی-اجتماعی، یک گفتمان سیاسی و فرهنگی است. یعنی انقلاب اسلامی مجموعه‌ای از گزاره‌ها و احکام منطقی مرتبط و نظام معنایی و دلالت است که نظم سیاسی-اجتماعی و رویه‌ها و رفتارهای خاصی را مشروع و ممکن می‌کند (هوارت، ۱۳۷۸: ۱۹۵-۲۰۰)؛ زیرا انقلاب اسلامی ایران یک رویداد تاریخی نیست که در ۲۲ بهمن ماه ۱۳۵۷ پایان پذیرفته باشد، بلکه دسته‌ای از ایده‌ها، انگاره‌ها، گزاره‌ها، باورها، مفاهیم، مقولات و معانی است که به حیات

سیاسی-اجتماعی جامعه انسانی معنا می‌بخشد و رفتار و رویه‌های اجتماعی-سیاسی را تولید و بازتولید می‌کند (میلیکن (Milliken)، ۱۹۹۹: ۲۳۰-۲۲۹).

۲-۲. پیشنهاد پژوهش

یکی از نکات مهم در این تحقیق فقدان یا کمبود ادبیات موضوع در مسئله مورد تحقیق است. گرچه تا کنون بحث‌ها، مقالات و تفسیرهای زیادی در مورد صدور انقلاب اسلامی و حکمرانی مجازی گفته و نوشته شده است، اما مدل الگوی حکمرانی مجازی در صدور انقلاب اسلامی بر اساس ارزش‌های انقلاب اسلامی کمتر بوده است. آنچه در این بخش بررسی می‌شود، مرور بخشی از تحقیقات مشابه در قلمرو موضوعی این پژوهش است.

جدول شماره ۱: پیشنهاد پژوهش

نویسنده(گان) و روش استفاده‌شده	اهداف یا سؤال‌های اصلی	مهم‌ترین یافته‌ها
باهنر و مهدی‌پور (۱۳۹۸)، با روش توصیفی-تحلیلی	تحلیل دلالت‌های سیاسی در اندیشه رهبری درباره فضای مجازی	به طور کلی دیدگاه سیاستی ایشان در یک چارچوب تمدنی قابل فهم است و همچنین نگاه فرصت‌محور به فضای مجازی بر نگاه تهدیدمحور غلبه دارد.
دهقان اشکذری و جلالی‌فراهانی (۱۴۰۰)، با روش توصیفی-تحلیلی	ارائه حکمرانی مردم‌محور اسلامی بر فضای مجازی	نظام پدافندی فضای مجازی در ذهن تک‌تک افراد جامعه شکل بگیرد که در غیر این صورت و صرف استفاده از ابزار و فناوری و نیروی دفاعی، پدافند موفق شکل نخواهد گرفت.
قربانی، حمزه‌پور و اصغریا (۱۴۰۲)، با روش توصیفی-تحلیلی	شناسایی و تحلیل راهبردی عوامل مؤثر بر بهبود عملکرد حکمرانی فضای مجازی	حکمرانی فضای مجازی جمهوری اسلامی ایران در وضعیت نامطلوبی به سر می‌برد و نیازمند تغییر و تحول اساسی است



نویسنده (گان) و روش استفاده شده	اهداف یا سؤال‌های اصلی	مهم‌ترین یافته‌ها
فرزندی اردکانی (۱۳۸۶)، با روش توصیفی-تحلیلی-اسنادی	مبانی نظری صدور انقلاب از منظر امام خمینی	در اندیشه امام خمینی صدور انقلاب به دلیل ماهیت و ویژگی‌های ایدئولوژیک انقلاب اسلامی به عنوان وظیفه و تکلیف مطرح بوده و بر مبنای اعتقادی مبتنی است.
رشید کردستانی و ازغندی (۱۳۹۹)، با روش اسنادی و کتابخانه‌ای	نقد و بررسی دکترین صدور انقلاب در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران	دکترین‌ها در سیاست خارجی جمهوری اسلامی، بیشتر توجه‌کننده اقدامات پیشین هستند نه راهنمای اقدامات بعدی
فیروزآبادی و احمدآبادی (۱۳۹۹)، با روش اسنادی-تحلیلی	تحلیل پیشنهاد حکمرانی فضای مجازی جمهوری اسلامی ایران	مقاله پیش‌بینی می‌کند که ادامه این روند در دهه آتی منجر به کاهش ظرفیت حاکمیت می‌گردد
رجبی (۱۴۰۰)، با روش توصیفی-تحلیلی	رهیافتی بر ماهیت صدور انقلاب در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای	یافته‌های این تحقیق نشان از آن دارد که در اندیشه رهبر انقلاب اسلامی صدور انقلاب در معنا، اهداف و روش‌ها دارای ماهیتی نرم‌افزارانه و فرهنگی است که در تقابل با رویکرد قهری و سخت‌افزارانه آن قرار می‌گیرد
غلامی و احمدپور (۱۳۹۹)، با روش توصیفی-تحلیلی	الگوی شش ضلعی فضای مجازی در جمهوری اسلامی ایران	در کل حکمرانی جمهوری اسلامی ایران در یک بازه زمانی پنج‌ساله تشکیل می‌دهد و توجه همزمان به تمام این موارد باید مد نظر حکمرانان فضای مجازی کشور باشد.

۲-۳. وجه نوآوری پژوهش حاضر در مقایسه با مطالعات پیشین

در این تحقیق بر خلاف پژوهش‌های پیشین که بیشتر به مزایا و معایب حکمرانی مجازی و صدور انقلاب اسلامی پرداخته‌اند، به این لایه معنایی تأکید دارد که بهره‌مندی از الگویی پویا، اثربخش و هوشمند در طراحی الگوی صدور ارزش‌های انقلابی با تکیه بر تجربه انقلاب اسلامی باید با درک عمیق مفاهیم فلسفی و مبانی نظری تحول‌بنیادین و با درک تحولات منطقه‌ای، ملی و جهانی، نسبت به شناسایی قوت‌ها و ضعف‌ها و فرصت‌ها و تهدیدها اقدام و با شناسایی منابع و امکانات و موانع همراه باشد تا چگونگی دستیابی به تحقق اهداف مندرج را ترسیم نماید. لذا این پژوهش از دو ویژگی منحصر به فرد بهره می‌برد: الف) تلاش جهت تبیین حکمرانی مجازی؛ ب) احصای شیوه‌های صدور ارزش‌های انقلاب اسلامی در بستر حکمرانی مجازی.

۳. روش پژوهش

۱-۳. استراتژی کلی تحقیق: پژوهش حاضر از نوع کاربردی و راهبرد کلی آن کیفی است. بر اساس تعاریف موجود، راهبرد کیفی شامل پژوهش‌هایی می‌شود که یافته‌های آنها از شیوه‌های غیرکمی و غیرآماري به دست آمده‌اند (استراوس و کوربین، ۱۳۸۴: ۷) و در این نوع پژوهش‌ها محقق در پی فهم عمیق‌تر موضوعات و پدیده‌هاست و معمولاً نتایج آن بیشتر توصیفی است و ابعاد، مقوله‌ها و روابط از اطلاعات توصیفی حاصل می‌شوند (ازکیا و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۰۹-۱۱۰).

۲-۳. روش‌های گردآوری داده‌ها: گردآوری داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای و اسنادی است. ساختار مقاله حاضر به این صورت است که ابتدا مبانی نظری پژوهش در قالب صدور انقلاب اسلامی و حکمرانی مجازی به صورت مختصر مرور شده و پس از بیان پیشینه تحقیق و نیز جزئیات روش تحلیل کیفی «استراوس و کوربین»، یافته‌های پژوهش در چند موضوع حکمرانی، حکمرانی مجازی و وضعیت مطلوب حکمرانی مجازی جهت صدور ارزش‌های انقلاب اسلامی تشریح می‌گردد. در ادامه با توجه به یافته‌های تحقیق، مدل حکمرانی مجازی تبیین و درنهایت پیشنهادهایی ارائه می‌شود.

۴. یافته‌های پژوهش

در باب حکمرانی مجازی ما با دو دسته مباحث در ارتباطیم: یک- حکمرانی بر داده‌ها؛ دو- حکمرانی با داده‌ها. در رهیافت نخست نظام‌های سیاسی تلاش می‌کنند از طریق تنظیم‌گیری و قانون‌مند کردن کلیه فرایندهای جمع‌آوری، ذخیره‌سازی، نگهداری، استفاده و بازیابی داده‌های شخصی شهروندان خود، اهداف و مقاصد حکمرانی ملی را برآورده نمایند. در رهیافت دوم، حکمرانی در معنای وسیع‌تری دیده می‌شود و با مبنای قراردادن توسعه کسب‌وکارهای بومی به عنوان یک برگ برنده در سطح بین‌المللی در صدد پرورش و برانگیختن شرکت‌های داده‌محور داخلی برمی‌آیند. نکته حائز اهمیت این است که ارتباط لایه‌های حکمرانی در فضای مجازی نقش اساسی دارد (محمدی، ۱۳۹۹: ۱۳).



شکل شماره ۱: ارتباط میان لایه‌های حکمرانی فضای مجازی

۴-۱. الگوهای حکمرانی فضای مجازی حاکم در کشورها

به طور کلی الگوی تنظیم‌گری در هر کشوری در خصوص موضوعات روز یا فضای مجازی تا حد بسیاری متأثر از نظام سیاسی و رژیم حکمرانی آن است. همین موضوع در مدلی که برای تنظیم‌گری بر اینترنت و فضای مجازی انتخاب می‌شود، نیز بسیار مهم است؛ لذا طبقه‌بندی الگوهای حکمرانی فضای مجازی شامل موارد زیر است:

الف) الگوهای حکمرانی فضای مجازی در نظام لیبرالیستی: الگوی حاکم بر ایالات متحده آمریکا مبتنی بر الگوی آزاد بوده است، هرچند این الگو در سال‌های اخیر دچار تغییراتی شده است.

ب) الگوهای حکمرانی فضای مجازی در نظام مشارکتی اروپا: احترام به حریم خصوصی شهروندان و حقوق بشر مهم‌ترین دغدغه این الگوی حکمرانی است و در صورت فراهم‌نشدن امنیت برای شهروندان اروپایی، با واکنش و مداخله حاکمیت مواجه می‌شوند.

ج) الگوی حکمرانی فضای مجازی در نظام فکری کنترلی و دولت‌محور: دغدغه اصلی این الگو حفظ امنیت سیاسی است. الگوی چینی، الگوی روسی و شبکه ملّی اطلاعات ایران در این دسته‌بندی قرار دارند. این رویکرد طرفدار نظام‌مندساختن اینترنت حول نهادهای قانونی متمرکز است. تلاش این کشورها بر جداسازی و زیرساخت ارتباطی خود با زیرساخت‌های جهانی و بومی‌سازی اینترنت داخلی با هدف افزایش استقلال و اقتدار سایبری متمرکز است (رفسنجانی‌نژاد، ۱۴۰۱: ۱۷).

۲-۴. آسیب‌ها و نقاط ضعف حکمرانی غربی

در این قسمت در صدد پاسخ به پرسش اول فرعی پژوهش هستیم. بر اساس سندی که بانک جهانی در سال ۲۰۰۶ میلادی توسط کافمن، کری و ماسترازی انتشار داد، حکمرانی خوب دارای شش شاخص است: پاسخ‌گویی، ثبات سیاسی، اثربخشی دولت، کیفیت قوانین و مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد (آرنت و عمان، ۲۰۰۸: ۱۱). بر اساس اعلام بانک جهانی هر قدر کشوری به این شاخص‌ها نزدیک‌تر باشد، آن کشور از نرخ رشد اقتصادی بالاتری برخوردار بوده، رشد بخش خصوصی مؤثرتری خواهد داشت. همچنین میزان مرگ‌ومیر در آن کاهش و ورود سرمایه خارجی افزایش می‌یابد (پوراآقایی، ۱۳۸۳). بر عکس هر قدر کشوری با این شاخص فاصله داشته باشد، به همان اندازه رشد اقتصادی کاهش خواهد داشت (حسین‌تاش، ۱۳۹۳: ۸-۲۷). با توجه به دیدگاه‌های مزبور در زمینه شاخص‌هایی که بانک جهانی ذکر کرده است و اهمیتی که این شاخص‌ها دارد، در ادامه هر یک از این شاخص‌ها از نظر بانک جهانی بررسی و نقد می‌شود.

پاسخ‌گویی و حق اظهار نظر: یکی از شاخص‌های حکمرانی خوب را پاسخ‌گوبودن مسئولان و حاکمان می‌دانند؛ اما سؤال این است که آیا در جامعه حق اظهار نظر یعنی آزادی بیان از ناحیه

شهروندان، احزاب سیاسی، تشکل‌ها، انجمن‌ها، ادیان و مذاهب، رسانه‌های جمعی، اقوام و نژادها وجود دارد؟ (حسین‌تاش، ۱۳۹۳: ۸-۲۷).

بررسی و نقد: بررسی انجام‌شده نشان می‌دهد نظام‌های مدرن از طریق محدودیت‌هایی که برای شهروند‌های خود به بهانه ایجاد قوانین و امنیت به وجود آورده‌اند، مانع مشارکت مردم در جامعه و عدم آزادی بیان می‌شوند. حتی در بعضی کشورها به بهانه امنیت، داشتن چادر و گذاشتن روسری بر اساس اعتقادات دینی منع می‌شود و اجازه رفتن به دانشگاه و تحصیل را از آنها منع می‌کند.

ثبات سیاسی و نبود خشونت: یکی دیگر از شاخص‌های حکمرانی غربی را پاسخ‌گوبودن مسئولان و حاکمان می‌دانند. اینها معتقدند یکی از شاخص‌هایی که رشد پایدار اقتصادی را امکان‌پذیر می‌کند، ثبات سیاسی و عدم خشونت یعنی محیط پایدار و امن است؛ به عبارت دیگر ثبات سیاسی از جمله ملزومات رشد باثبات اقتصادی است و ریشه در اصل عدالت و برابری دارد؛ یعنی در صورتی ثبات سیاسی تحقق می‌یابد که عدالت اجتماعی و برابری در جامعه حاکم باشد. بر اساس این شاخص، هر قدر احتمال نبود ثبات سیاسی در یک کشور بیشتر باشد، نشان‌دهنده حکمرانی ضعیف است و هر قدر کشوری از ثبات بیشتری برخوردار باشد، در زمینه حکمرانی خوب امتیازی بالاتری کسب می‌کند (نادری قمی، ۱۳۹۰).

بررسی و نقد: همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، بر اساس این شاخص، رابطه میان ثبات سیاسی و توسعه اقتصادی برقرار است؛ یعنی هر قدر ثبات سیاسی برقرار باشد، به همان اندازه، توسعه اقتصادی نیز برقرار خواهد شد. اما امروزه شاهدیم که حکمرانی در این بخش هم قرین توفیق نبوده، به بهانه کسب و غارت منابع و انرژی به کشورهای دیگر حمله می‌کنند و بعضی از قسمت‌های یک کشور را اشغال می‌کنند. نمونه بارز آن حمایت دولت‌های بزرگ از داعش و هزینه‌های سرسام‌آور به بهانه مهار تروریسم باعث شد میلیاردها دلار برای خاورمیانه هزینه کنند تا به مطامع خود که همانا دست‌یابی به انرژی ارزان است، دست یابند. لذا دولت‌های لیبرالیسم در تلاش‌اند با دست‌گذاشتن روی تضاد فرهنگی و قومی یک کشور آنجا را به سوی ناآرامی سوق دهند. از طرفی به بهانه امنیت، اعتراض‌های مردمی را برنمی‌تابند و به شدت سرکوب می‌کنند و به جای اقدامات مسالمت‌آمیز، جامعه را درگیر ناآرامی و شورش می‌کنند. این شیوه نه تنها برای دولت خود بلکه برای دولت‌های دیگر مخصوصاً برای

جهان سوم به کار می‌برند؛ زیرا برای دولت‌ها ارزشی قائل نیستند؛ لذا حکمرانی‌های غربی نتوانسته است عدالت را برای مردمان خود به ارمغان بیاورد.

اثربخشی دولت‌ها: یکی دیگر از شاخص‌های حکمرانی غربی مسئله اثربخشی است. منظور از اثربخشی دولت، میزان استفاده از مهارت‌های فنی و کاری مدیران و میزان کارایی دیوان‌سالاری دولت است. به عبارت دیگر منظور از این شاخص آن است که دولت در جمع‌آوری درآمدهای مالیاتی و سایر درآمدهای دولتی، همچنین در اجرای نوآوری‌های سیاسی ملی، تدوین بموقع بودجه‌های سالانه، نظارت بر فعالیت‌های اقتصادی-اجتماعی، ایجاد زیرساخت‌های ملی و حل مشکلات اقتصادی داخلی توانا باشد؛ همچنین به میزان توانایی دیوان‌سالاری بر ارائه خدمات مدنی بدون تأثیرپذیرفتن از تغییرات سیاسی و جابه‌جایی‌های صورت گرفته در ساخت قدرت سیاسی نیز به اندازه توانمندی دولت در رویارویی با بلاهای طبیعی، مدیریت بدهی‌های خارجی و در تمرکززدایی از فعالیت‌های دولتی، به همان اندازه، توسعه اقتصادی و حکمرانی خوب تحقق یافته است؛ همچنین وجود رقابت در بین کارکنان دولتی، کیفیت مدارس عمومی و کارایی نیروی پلیس از زیرمجموعه‌های شاخص اثربخشی دولت است (حسین‌تاش، ۱۳۹۳: ۸-۲۷). خلاصه آنکه منظور از این شاخص، کیفیت خدمات عمومی و شهروندی و همچنین کیفیت تدوین و اجرای خط‌مشی‌های عمومی و دولتی و میزان تعهدی است که دولت در برابر این سیاست‌ها دارد. هرچه کیفیت خدمات عمومی و شهروندی بهتر باشد و خط‌مشی‌های عمومی به دور از جنجال‌ها و خط و ربط‌های سیاسی وضع و اجرا شوند و تعهد نظام سیاسی در قبال آنها بیشتر باشد، بیانگر وضعیت بهتری در حکمرانی خوب است (نادری قمی، ۱۳۹۰: ۷۶/ حسین‌تاش، ۱۳۹۳: ۲۷-۲۸).

بررسی و نقد: این نکات فقط در حد دیدگاه نظری است، ولی در عمل خلاف آن چیزی است که ما شاهد آن‌ایم. برای فهم توانایی حکمرانی در برقراری اثربخشی دولت در جامعه کافی است از مردم نظرخواهی شود. نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد میزان رضایت مردم از دولت‌ها در مسئله اثربخشی زیر پنجاه درصد حتی ۲۰ درصد است؛ به عبارت دیگر این امر نشان می‌دهد مردم رضایتی از دولت‌های خود ندارند؛ زیرا با کسب درآمدهای بالا، باز شهروندان در کسب مایحتاج خود دچار مشکلات فراوان‌اند. اگرچه حکمرانی با بهانه‌هایی مثل جنگ و بیماری‌های کرونا در صدد است

ضعف‌های خود را توجیه کند، این توجیبات باور و اذهان مردم را به سمت دولت‌ها مثبت نمی‌کند و در یک کلام، اعتماد عمومی شهروندان نسبت به دولت‌ها روز به روز در حال کاهش است.

کیفیت قوانین و مقررات: یکی دیگر از شاخص‌های حکمرانی غربی موضوع قوانین و مقررات است. منظور از این شاخص توان‌مندی دولت در تدوین و اجرای سیاست‌ها و قوانین و مقررات است. اصولاً کیفیت قوانین و مقررات مصوّب به عنوان پایه‌های اصلی نهادهای رسمی، نقش مهمی در موفقیت توسعه و اصلاحات اقتصادی و سیاسی دارد. هر قدر قوانین و مقررات موجود از کیفیت بهتری برخوردار باشد، حکمرانی وضعیت بهتری پیدا خواهد کرد؛ مثلاً می‌توان قوانین مورد نیاز در عرصه تجاری را سازگار با قوانین کشورهای دیگر تدوین نمود و به آنها به طور ساده دست یافت و آنها را به صورت شفاف و یکسان تفسیر و پیش‌بینی نمود؛ همچنین می‌توان قوانین و مقرراتی را درباره کار، مالیات، تجارت و بازرگانی تدوین نمود که با رشد فعالیت‌های اقتصادی سازگار باشد و از تحمیل هر گونه هزینه اضافی جلوگیری کند. به عبارت دیگر هر قدر دولت بتواند با تدوین سیاست‌ها و نظام‌های گوناگون، موجبات توسعه فعالیت‌های بخش خصوصی و اثرگذاری بیشتر آن بر اداره جامعه را فراهم آورد، شاهد سطح بالاتری از حکمرانی خوب خواهیم بود (حسین‌تاش، ۱۳۹۳: ۸-۲۷).

ارزیابی و نقد: اما چون قانون‌گذاران از طیف‌ها و جناح‌های مختلفی به پارلمان راه پیدا می‌کنند، برای حمایت از تمامی شهروندان، به صورت ناخودگاه سمت‌وسوی جناحی و حزبی به خود می‌گیرد. یا اینکه دولت‌ها در ارائه طرح و لوایح به مجلس، جانب دولت خود را می‌گیرند تا اولویت دادن به خواست شهروندان؛ برای نمونه یکی از ضعف‌های حکمرانی، عدم موفقیت در کاستن تضاد و فشار طبقاتی است. تنها کاری که دولت‌ها می‌کنند، این است که به شهروندان فقیر خود یارانه معیشت پرداخت کنند یا در موارد بحرانی، توسط کلیساها، غذای مجانی توزیع کنند یا با وام‌هایی با بهره کم به آنها خدمات دهند؛ اما این عملکردها در حد مسکن دردهای جامعه است، در حالی که دولت‌ها باید برای درمان مشکلات موجود همت کنند.

در بحث حاکمیت قانون نیز باید گفت حکمرانی غربی موفق نبوده است؛ زیرا منظور از این شاخص کیفیت اجرای قراردادها، عملکرد پلیس و محاکم قضایی است. اگر پس از انعقاد قراردادها،

پیمان‌ها و تعهدات، اعم از دولتی یا خصوصی، نتوان چندان به اجرای آنها امید داشت و همچنین اگر جرم و تخلف به سبب عملکرد ضعیف پلیس و محاکم قضایی قابل پیگیری نباشد، نشان‌دهنده وجود حکمرانی ضعیف در یک کشور است. به عبارت دیگر منظور از حاکمیت قانون در فرایند حکمرانی این است که سیاست‌گذاران همانند شهروندان در برابر قوانین یکسان تلقی شوند و در برابر عملکرد خود پاسخ‌گو باشند. بر اساس این شاخص، رعایت اصول عدالت، انصاف و استقلال در دستگاه قضایی و سرعت در اجرای مراحل قضایی تأثیر زیادی بر تثبیت حاکمیت قانون دارد (دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام و دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۸۹: ۶۷). همچنین تأثیرگذاری دولت یا سایر افراد بر فرایند قضاوت و نحوه تصمیم‌گیری در امر حاکمیت قانون مهم تلقی شده است.

ارزیابی و نقد: در این زمینه نیز دولت‌ها در اجرای عدالت دچار مشکلات عدیده‌ای هستند. نمونه بارز آن رفتار پلیس آمریکا با شهروندان سیاه‌پوست است یا رفتار حاکمان هند با اقلیت‌های مذهبی در کشور نمونه‌هایی است که حکمرانی نتوانسته است عدالت قضایی را در جامعه به نحو احسن اجرا کند. از طرفی فساد و رشوه باعث شده است عملاً دزدها و معتادان دست به سرقت بزنند و این کار کم‌کم به سمت عدم امنیت حرکت خواهد کرد. به عبارت دیگر زمانی افراد شرور و معتاد به بهانه‌های مختلفی دست به سرقت منازل می‌زنند و این امر در آینده نشان می‌دهد حرکت آنها به سوی تهدید امنیت جانی و مالی شهروندان را نشانه گرفته است.

مهار فساد و حکمرانی غربی: یکی از شاخص‌های حکمرانی خوب از دیدگاه بانک جهانی، مهار فساد اداری است. عوامل بسیاری بر این شاخص مؤثرند که برخی از آنها عبارت‌اند از: میزان فساد در کشور؛ گسترش روابط خانوادگی؛ استفاده از قدرت به نفع دوستان؛ گسترش دیوان‌سالاری که زمینه بروز فساد را فراهم می‌کند؛ میزان شیوع پرداخت غیرقانونی در بین افراد و شرکت‌های دولتی برای پیش‌برد کارها؛ پرداخت‌هایی که برای اثرگذاری بر فرایند قانون‌گذاری انجام می‌شود؛ بی‌اعتمادی عمومی به درست‌کاری مالی سیاست‌مداران؛ پرداخت‌هایی که برای دستیابی به مجوزهای صادراتی و وارداتی همچون فرار مالیاتی صوت می‌گیرد؛ استفاده سیاست‌مداران از بودجه عمومی و درنهایت پرداخت‌های غیرقانونی که توسط افراد بانفوذ و همچنین انحصارات در جهت زیان سایر بنگاه‌ها صورت می‌گیرد. اینها عوامل مهمی هستند که وضعیت شاخص کنترل فساد را تعیین می‌کنند. به

عبارت دیگر وجود این عوامل نشان‌دهنده حکمرانی ضعیف و فقدان آنها بیانگر رتبه بالاتری از حکمرانی خوب است (حسین تاش، ۱۳۹۳: ۸-۲۷).

ارزیابی و نقد: در این زمینه نیز حکمرانی غربی موفق به نظر نمی‌رسد؛ زیرا عملاً با گسترش دیوان‌سالاری در دولت‌های مدرن، زمینه رانت و فساد در جامعه گسترش یافته است. آنچه در بیشتر دولت‌ها باعث فساد اقتصادی می‌شود، وجود فساد سیاسی و رانتی است که یک دولت‌مرد در ساختار حکومتی دارد و از این طریق بستگان و خانواده وی نیز در دولت نفوذ می‌کنند. خلاصه آنکه بررسی‌های موجود نشان می‌دهد حکمرانی غربی نتوانسته است به اهداف خود دست یابد؛ لذا دولت‌مردان تلاش می‌کنند به سمت وسوی حکمرانی مجازی حرکت کنند تا نواقص موجود در حکمرانی را جبران کنند.

۳-۴. توجه به وجود واقعیتهای به نام حکمرانی مجازی

این بخش در صدد پاسخ به پرسش دوم فرعی پژوهش است. فضای مجازی عبارت است از نظام‌های اجتماعی حاصل از تعامل کاربران بر بستر شبکه. فضای سایبری (Cyberspace) ریشه در سایبرنتیک (Cybernetics) دارد و سایبرنتیک به عنوان یک حوزه علمی به سال‌های بعد از جنگ جهانی دوم در ایالات متحده برمی‌گردد (آمپلی (Umpleby)، ۲۰۰۵: ۵۶). از دهه ۱۹۵۰ میلادی که اولین رایانه‌های تجاری ساخته شد، اولویت‌های سازمان اطلاعات ایالات متحده مبنی بر شست‌وشوی مغزی و کنترل ذهنی منجر به تزیق بودجه پژوهشی بسیاری در حوزه بین‌رشته‌ای مطالعات زیستی و سایبرنتیک شد. از اوایل دهه ۱۹۶۰ و طی جنگ سرد، سرمایه‌گذاری شوروی نیز بر سایبرنتیک آغاز شد و آمریکایی‌ها در این رقابت مجموعه‌ای از مؤسسات و پژوهشگاه‌های سایبرنتیک را با عنوان «جامعه سایبرنتیک آمریکا» تأسیس کردند. بدین ترتیب در دهه ۱۹۶۰ پژوهش‌های سایبرنتیکی به صورت سازمان‌یافته‌ای توسعه پیدا کرد و در اواخر دهه ۱۹۶۰ منجر به تأسیس آزمایشگاه رایانه‌ای زیستی در دانشگاه ایلینویز شد. این ایده که انسان می‌تواند با ماشین تعامل داشته باشد و فضای ارتباطی انسان‌ها می‌تواند بر بستر ماشین به وجود آید، زمینه شکل‌گیری مفهوم فضای سایبری شد.

بسیاری به اشتباه فضای مجازی را با اینترنت یا دیگر شبکه‌های برآمده از فناوری اطلاعات و ارتباطات یکسان می‌گیرند؛ اما باید توجه نمود که اولاً آنچه فضای مجازی را فضای مجازی می‌کند، اتصال فناوری‌های اطلاعات، توسط فناوری‌های ارتباطات نیست، بلکه نظر مثبت کاربران (اعتبار وجوب) است که این نوع اتصال را مؤثر (معتبر) دانسته، فضای مجازی را در حکم عالم واقع مؤثر می‌کند (فیروزآبادی، ۱۳۹۹: ۵۶۳-۵۹۸).

کاربرد مفهوم حکمرانی تا دهه ۱۹۸۰ تفاوتی با مفهوم دولت نداشت. در آن دوران، منظور از حکمرانی، پیروی از الگوهای قواعد بود و ساختار حکمرانی، بروکراسی سلسله‌مراتبی ویر بود. در تفکر سنتی، حکمرانی به معنای هدایت و راهبری یک کشور، جامعه یا ملت به وسیله تقسیم وظایف میان بخش‌های حاکمیت است. با راه‌افتادن موج اول اصلاحات اداری بعد از بحران‌های مالی دهه ۱۹۷۰ و از سوی دیگر تغییرات جهانی به‌ویژه در حوزه اقتصاد بین‌الملل، نیاز به حکمرانی در معنای نوین آن شکل گرفت (بویر (Bevir)، ۲۰۱۰: ۲۱-۱۷).

با پایان یافتن جنگ جهانی دوم و آثار تخریبی و فقر شدیدی که در جهان فراگیر شده بود، بسیاری از کشورها به سوی الگوهای کینزی از اقتصاد رفتند. غلبه تفکر اقتصاد کینزی از ۱۹۴۵ تا ۱۹۷۳ و مسائل جنگ سرد موجب شکل‌گیری دولت‌ها در قالب دولت رفاه شد. دولت رفاه شکلی از دولت است که خود را مکلف به توزیع عادلانه ثروت و امتیازات اجتماعی میان شهروندان می‌داند. سرمایه‌گذاری جدی بر نظام‌های آموزشی، مراقبت و درمان و تأمین اجتماعی از جمله تأکیدات اصلی دولت رفاه به شمار می‌آید. بزرگی فزاینده دولت‌ها، نرخ بالای تورم و دشواری تأمین مالی سازوکارهای دولت رفاه همراه با بحران مالی دهه ۱۹۷۰ موجب رکود تورمی و گرایش به ساختارهای نئولیبرال دولت شد.

مدیریت دولتی نوین و نهضت بازآفرینی دولت، تجویزهای نئولیبرال برای مقابله با آسیب‌های دولت رفاه در دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ بود. اساس ایده این رویکردها، استفاده از مکانیسم‌های رقابت و کارایی بخش خصوصی در بخش دولتی بود. فعال‌سازی بخش خصوصی، انجام کارها از طریق عاملیت، به‌پیمان‌سپاری، کوچک‌سازی دولت، تنظیم مقررات و ... ادبیاتی است که در پی موج اول اصلاحات اداری و به‌طور خاص در مدیریت دولتی نوین شکل گرفت (مکلوگین و فریل (McLaughlin & Ferli)، ۲۰۰۲: ۱۲-۷).

با گسترش وسیع خصوصی‌سازی و واگذاری بسیاری از امور به بخش خصوصی، مسئله هماهنگی و سازوکارهای مدیریت افقی شکل گرفت. مسئله اصلی موج دوم اصلاحات اداری، تعامل شبکه‌ای از بازیگران بود که دیگر نه در روابط اقتدار سلسله‌مراتبی بلکه در شرایطی با دولت ارتباط دارند که استقلال خود را حفظ کرده‌اند و پیمانکار دولت به شمار می‌روند. موضوع تعامل با شبکه‌ای از بازیگران مستقل اما به هم وابسته فقط در عرصه ملی مطرح نبود، بلکه با توسعه اقتصاد جهانی و همکاری‌های بین‌المللی، این موضوع اهمیتی دوچندان یافته بود. علوم اجتماعی‌ها می‌گفتند ظرفیت دولت هم در سکان‌داری و هم در پارو زدن کاهش یافته است و لازم است استراتژی‌های متنوعی برای ظرفیت‌سازی دولت در حکمرانی ایجاد شود (بویر، ۲۰۰۷: ۳۶۶). ادبیات شبکه، همکاری و هماهنگی از جمله ادبیاتی است که در این دوره تاریخی به وجود آمد. در موج دوم اصلاحات اداری طیفی از رویکردها وجود دارد؛ از قائلان به دولت در عرض بقیه بازیگران تا رویکردهایی که قائل به حذف دولت‌اند.

۴-۴. وضعیت مطلوب، الگوی حکمرانی مجازی انقلاب اسلامی

در برنامه توسعه پنج‌ساله هفتم ابلاغی مقام معظم رهبری این‌طور آمده است: «برقراری حاکمیت ملی و صیانت از ارزش‌های اسلامی-ایرانی در فضای مجازی با تکمیل توسعه شبکه ملی اطلاعات و تأمین محتوا و خدمات متناسب و ارتقای قدرت سایبری در تراز قدرت‌های جهانی با تأکید بر مقاومت‌سازی و امنیت زیرساخت‌های حیاتی و کلان‌داده کشور».

چند کلیدواژه مهم در بند ۱۹ برنامه توسعه پنج‌ساله دیده می‌شود که زمینه و حرکت به سوی حکمرانی مجازی را برای نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران به ارمغان خواهد آورد:

الف) ارتقای قدرت: قدرت انقلاب ایران نه به دلیل قدرت نظامی یا اقتصادی آن بلکه به سبب وجه فرهنگی و معنوی آن است. انقلاب اسلامی ایران یک مصداق از مصادیق گفتمان معنویت‌خواهی در سیاست یا حضور دین در سیاست است که امروزه نمود عملی این خواسته و تکرار آن را در قیام‌های کشورهای مسلمان که به نام بیداری اسلامی خوانده می‌شود، شاهد هستیم. این مطالبه در کشورهای اسلامی از راه قهر و زور به آنها منتقل نشده است، بلکه این همان قدرت نرم

انقلاب اسلامی ایران است که ریشه در اعتقادات اسلامی مشترک همهٔ مسلمانان دارد و به صورت غیرمستقیم در این کشورها باعث خیزش‌های اسلامی شده است و همچنان ادامه دارد. یکی از جامع‌ترین تعاریفی که از قدرت نرم شده است، تعریفی است که جوزف نای ارائه کرده است. او قدرت نرم را عبارت از «توان شکل‌دهی به ترجیحات دیگران از طریق قدرت جذابیت» (نای، ۱۳۸۷: ۴۳) می‌داند که در فرهنگ، ارزش‌ها و سیاست خارجی یک کشور متجلی می‌شود (نای، ۱۳۸۷: ۵۱). مسلم است که توانایی شکل‌دهی ترجیحات دیگران نیازمند یک کار فرهنگی است و از طریق تأثیرگذاری بر ذهن و روان مخاطبان انجام می‌پذیرد و آنها را قانع می‌کند موضوعی را بپذیرند یا مانند آن عمل کنند و به هیچ وجه چنین امری از طریق کاربرد زور فیزیکی امکان‌پذیر نخواهد شد (جمال‌زاده، ۱۳۹۱: ۶۱-۸۶).

ب) صیانت از ارزش‌های انقلاب اسلامی: آنچه در برنامه توسعه پنج‌ساله هفتم مد نظر رهبران انقلاب اسلامی بوده است، بحث صیانت و دفاع از ارزش‌های انقلاب اسلامی است؛ همان چیزی که انقلاب اسلامی را بر دیگر انقلاب‌های جهان و نظام‌های سیاسی برتری می‌بخشد و باعث تمایز از آنها می‌شود.

روشن است شکل‌گیری فضای مجازی برای انقلاب اسلامی که انگیزه تمدن‌سازی و جهانی‌شدن دارد، فرصتی طلایی است؛ به بیان دیگر شکسته‌شدن مرزهای فیزیکی و کمرنگ‌شدن نظم دولت-ملت بیش از آنکه برای انقلاب اسلامی تهدید باشد، فرصت است و روح تازه‌ای را به حرکت جهانی انقلاب اسلامی می‌بخشد. با این حال، همان‌طور که اشاره شد، سلطه‌فزاینده امریکایی‌ها در این عرصه غیرقابل انکار است و اگر فکری برای مهار قدرت امریکایی‌ها و تقویت بنیه جمهوری اسلامی در فضای مجازی نشود، نه تنها از فرصت‌های طلایی فضای مجازی نمی‌توان استفاده کرد، موجودیت انقلاب اسلامی نیز به خطر خواهد افتاد.

در این شرایط، اول از همه باید طرز تفکر واداده که قائل به لزوم هضم در فضای مجازی فعلی با هدف بقاست، به انزوا کشیده شود. آن طرز تفکری باید در متن جمهوری اسلامی باشد که نه فقط هضم‌شدن در فضای مجازی را قبول نداشته باشد، بلکه با ادراک مزیت‌های جمهوری اسلامی و در نقطه مقابل، ضعف‌های امریکایی‌ها در فضای مجازی، امکان رقابت با امریکایی‌ها

در این میدان را با کمک جهان اسلام و همچنین کشورهای مشترک‌المنافع امکان‌پذیر بداند. ممکن است کسی بگوید اندازه سرمایه‌گذاری ما در مقایسه با امریکایی‌ها در فضای مجازی در خوش‌بینانه‌ترین وجه، یک به هزار هم نیست، در این شرایط چگونه می‌توان انتظار داشت جمهوری اسلامی ایران خود را در موقعیت رقابت با امریکایی‌ها در نظر بگیرد؟ در پاسخ می‌توان گفت نوع رقابت جمهوری اسلامی ایران با امریکایی‌ها نباید رقابت کلاسیک باشد، بلکه آن رقابتی با امریکایی‌ها موفقیت‌آمیز خواهد بود که نامتقارن و ناظر به نقاط ضعف امریکایی‌ها در فضای مجازی طراحی شود؛ ضمن آنکه جمهوری اسلامی ایران در این میدان تنها نیست و می‌تواند شرکای قدرت‌مندی را برای خود پیدا کند که هرچند ممکن است در محتوا با انقلاب اسلامی همسو نباشند، در انهدام سلطه فناوری و اقتصادی امریکایی‌ها در فضای مجازی با ایران به صورت مقطعی یا دائم در یک خط قرار دارند.

۵-۴. امکان دست‌یابی به واقعیت مطلوب از طریق حکمرانی مجازی انقلاب اسلامی

در برنامه توسعه پنج‌ساله هفتم سیاست‌های کلی نظام، ابلاغی مقام معظم رهبری در بند ۱۴ این طور آمده است: «تقویت کارایی و اثربخشی رسانه ملی در گسترش و تعمیق فرهنگ اسلامی-ایرانی و مواجهه مؤثر با جنگ روانی و تهاجم فرهنگی و سیاسی دشمنان» و در بند ۲۴ «تقویت زیرساخت‌ها و بهینه‌سازی سازوکارهای عمومی و دستگاهی برای مصون‌سازی و ارتقای تاب‌آوری در قبال تهدیدات به‌ویژه تهدیدات سایبری...» و در بند ۲۱ هم بر کنش‌گری فعال تأکید شده است.

از نکات کلیدی سیاست‌های کلی نظام به این موارد می‌توان اشاره کرد: ۱- تقویت و اثربخشی رسانه در مواجهه با تهاجم فرهنگی و سیاسی دشمنان؛ ۲- تقویت و مصون‌سازی و ارتقای تاب‌آوری در قبال تهدیدات به‌ویژه تهدیدات سایبری؛ ۳- کنش‌گری فعال همه این موارد مسیر صیانت و صدور ارزش‌های انقلاب اسلامی را فراهم می‌آورد. حکمرانی مجازی بهترین ابزار برای رسیدن به این سیاست‌های ابلاغی کلی نظام و صیانت از ارزش‌های انقلاب اسلامی است.



۵. بحث، نتیجه‌گیری و پیشنهادها

۵-۱. بحث

حکمرانی مجازی با داشتن ویژگی‌ها و ابزارها، زمینه صیانت و صدور ارزش‌های انقلاب اسلامی را فراهم می‌آورد؛ از طرفی ضعف‌های حکمرانی را از این طریق می‌توان تحت پوشش قرار داد.

ویژگی‌های فضای مجازی: فضای مجازی دارای ویژگی‌ها و مؤلفه‌هایی است که اگر عمیقاً درک نشود، مواجهه درست با آن را ناممکن می‌کند. در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌گردد:

(الف) شبکه‌ای بودن فضای مجازی: شبکه یعنی یک سیستم پیوندی تا حدی شبیه مغز و سلسله اعصاب در بدن انسان که افراد و گروه‌ها را در این فضا به هم متصل می‌کند (پوری، ۱۳۹۲: ۲۳). باید توجه داشت با همه‌گیر شدن فناوری هوش مصنوعی و بهره‌برداری تمام‌قد آن در زیرساخت‌های فضای مجازی، این شبکه شامل تجهیزات هوشمندی نیز خواهد شد که تحلیل و فهم آن را به واسطه تنوع و تعدد ربط‌ها و گره‌ها به مراتب از قبل پیچیده‌تر خواهد کرد.

(ب) تعاملی بودن فضای مجازی: یعنی تولید محتوا در فضای مجازی مانند رسانه‌های سنتی یک‌طرفه نیست که فردی محتوایی را تولید و دیگران آن را مصرف کنند، بلکه در این فضا همه افراد حتی کاربران معمولی نیز در مقام تولیدکننده قرار دارند و ممکن است محتوایی تولید کنند که بیشتر از محصول یک کمپانی بزرگ تولیدی دیده شود و اثرگذاری بیشتری داشته باشد. فارغ از این، ساختار فضای مجازی چنان است که امکان ثبت کوچک‌ترین تعاملات کاربران از جمله مشاهده یک محتوا، پسندیدن آن یا ارسال آن به سایرین را به عنوان یک محتوا ثبت کند و آن را به عنوان جزئی از یک محتوای اثرگذار معنادار کند. تعداد مشاهدات، پسندها و بازارسال‌ها که معانی متعددی را در فضاهاى مجازى بازنمایی می‌کنند، حاصل تجمع محتواهای کوچکی از این دست‌اند.

(ج) فراسرزمینی بودن فضای مجازی: فراسرزمینی بودن یعنی مرزهای جغرافیایی و محدودیت‌های اعتباری ناشی از نظم سیاسی دولت-ملت مانع از کارکردهای ملت و کارکردهای شبکه‌ای و تعاملی فضای مجازی نیست. بنابراین هرچند جغرافیا و حاکمیت ملی در فضای مجازی هنوز اثرگذار است، می‌توان در آینده نه‌چندان دور شاهد شرایطی بود که حاکمیت ملی حداقلی شده و



در مواردی از بین رفته باشد و جای آن را حاکمیتی متأثر از قواعد همه‌گیرشدن فضای مجازی بگیرد (لودر (Loader)، ۱۹۹۷/ ریدنبرگ (Reidenberg)، ۱۹۹۶/ حسین‌پور و قوچانی خراسانی، ۱۳۹۶: ۵۵). در این صورت کسانی که از جهات تکنیکی یا محتوایی بر فضای مجازی تسلط دارند، جهان را در مدیریت خود قرار خواهند داد (رضا غلامی، ۱۴۰۰: ۱-۲۶).

د) ابزار حکمرانی مجازی: آنچه می‌تواند تبیین ارزش‌های انقلاب اسلامی و صدور ارزش‌های انقلاب اسلامی را تسهیل کند و انقلاب اسلامی را در این عرصه موفق گرداند، داشتن ابزارهای ذیل است.

۱) محتوای ایدئولوژیک، ابزار و مزیت جمهوری اسلامی ایران: به نظر می‌رسد محتوای ایدئولوژیک جمهوری اسلامی همان مزیتی است که باید به صورت قوی و هنرمندانه از آن در جهت تغییر شرایط استفاده کرد. محتوای ایدئولوژیک جمهوری اسلامی ایران همان نیرویی است که آمریکایی‌ها در برابر آن از خود نابردباری نشان می‌دهند و حاضرند هزینه‌های هنگفت سانسور و حذف آن در فضای مجازی را بپردازند.

در واقع جمهوری اسلامی باید علاوه بر حضور فعال و اثرگذار در فضای مجازی تحت سیطره آمریکایی‌ها و تولید محتوای ایدئولوژیک خود در این فضا، وارد فاز ایجاد مناطق جدید و جذب‌کننده‌ای در فضای مجازی شود تا خارج از آن نیز بتواند به تولید و انتشار محتوای ایدئولوژیک خود برای مخاطب جهانی بپردازد. باید توجه داشت که منظور از آن صرفاً مناطقی با کارکرد فرهنگی یا سیاسی نیست، بلکه می‌توان این مناطق را کاملاً اقتصادی تعریف کرد و تولید و انتشار محتوای ایدئولوژیک را به شکل غیرمستقیم پی گرفت.

بنابراین ایران چاره‌ای جز سرمایه‌گذاری‌های بزرگ و تقلا برای رشد زیرساختی و همچنین رشد فناوریانه در عرصه فضای مجازی ندارد. اما روشن است که به دلیل فاصله‌هایی که در این زمینه با آمریکایی‌ها وجود دارد و سرعت برق‌آسایی که رشد فناوری‌ها در فضای مجازی دارند، دست‌کم از مسیرهای عادی نخواهیم توانست به سرعت به مرز فناوری‌های حاضر در فضای مجازی برسیم. به همین دلیل جمهوری اسلامی باید در کنار یافتن میان‌برهایی برای رشد جهشی فناوری به دنبال مزیت ویژه‌ای برای خود باشد که دیگران به‌ویژه آمریکایی‌ها از آن برخوردار نباشند و جمهوری اسلامی ایران

از طریق آن بتواند هرچه زودتر شرایط را، چه در داخل کشور و چه در سطح جهانی، به نفع خود تغییر دهد.

۲) حکمرانی مجازی ابزار برای جنگ نرم: نباید از نظر دور داشت که امروز فضای مجازی به مهم‌ترین ابزار جنگ فرهنگی و حتی سیاسی، اقتصادی و امنیتی امریکایی‌ها علیه جمهوری اسلامی ایران تبدیل شده است (علیمردانی، ۲۰۱۹/ نیولی و جونز (Jones&Newlee)، ۲۰۱۹). درواقع وقتی از فضای مجازی صحبت می‌کنیم، با شرایط معمولی روبه‌رو نیستیم؛ به طوری که جمهوری اسلامی ایران از این جهت با کمتر کشوری قابل مقایسه است. حتی مسئله چین و روسیه با امریکایی‌ها و عمق درگیری آنها در فضای مجازی با مسئله و عمق درگیری جمهوری اسلامی با امریکایی‌ها در فضای مجازی یک جنس و یک اندازه نیست.

طبیعی است که جمهوری اسلامی ایران در این وضعیت نه تنها باید قدرت دفاعی خود را در درجه اول در محیط سرزمینی‌اش برای مقابله با هجمه امریکایی‌ها افزایش دهد، باید توان خود را برای بازدارندگی به صورت دائمی ارتقا بخشد. البته موقعیت جمهوری اسلامی ایران در فضای مجازی صرفاً به جغرافیای سیاسی ایران محدود نیست و پیروان جمهوری اسلامی ایران در مناطق دیگر را نیز شامل می‌شود، اما هم‌اکنون نقطه کانونی هجمه‌ها ایران است.

استراتژی اصلی آمریکا در هجمه به فضای مجازی ایران، حداقل طی پنج سال گذشته، جذب ایرانیان در شبکه‌های اجتماعی تحت سیطره دولت آمریکا و انجام عملیات روانی روی آنها برای جداشدنشان از نظام اسلامی بوده است (بوچامپ (Beauchamp)، ۲۰۱۷/ راو (Rao)، ۲۰۱۹). این استراتژی به مراتب از استراتژی مختل کردن تأسیسات کشور از طریق حملات سایبری برای امریکایی‌ها مهم‌تر است. هرچند در این زمینه هم کارهای مفصلی علیه جمهوری اسلامی ایران انجام شده که بخش مهمی از آنها خنثی شده است. حتی ممکن است فکر تحریم اینترنت برای ایرانی‌ها از ذهن امریکایی‌ها عبور کرده باشد، اما تا هنگامی که فضای مجازی مسیر ضربه‌زدن به جمهوری اسلامی را برای آنها هموار می‌کند، آنها تحریم ایران در این زمینه را از حد یک تحریم تبلیغاتی جلوتر نمی‌برند؛ همچنان که سال‌هاست تنها بعضی از سرویس‌های کم‌اهمیت گوگل برای ایرانیان غیرفعال شده است (زمانی‌نژاد، ۲۰۱۵).



۲-۵. نتیجه‌گیری

فلسفه حکمرانی نیز این است که با ادغام سه بخش حکومتی، بازرگانی و جامعه مدنی، مقامات کارهای خود را به نحو مؤثرتری انجام دهند و بدین ترتیب شکل‌گیری «جامعه مطلوب» بیشتر تحقق می‌یابد. از این منظر نظام حکمرانی جامعه متکفل تصمیم‌گیری‌ها و ایجاد سازوکارهایی برای بهره‌مندی عادلانه از نعمت‌ها، مواهب و خیرات در اجتماع است. حکمرانی در واقع قدرت برتری است که در حیطه دولت-کشور، اراده‌ای فراتر از آن وجود ندارد؛ به گونه‌ای که در مقابل اعمال اراده و اجرای اقتدارش مانعی نمی‌پذیرد و از هیچ قدرت دیگری تبعیت نمی‌کند. این قدرت و اقتدار حاصل شده بر پایه ملت دارای هویت مشترک شکل گرفته و در پهنه جغرافیایی خاصی زیست می‌کنند. این اقتدار درونی و هویت ملی و مشترک با گسترش فضای مجازی در حال به‌چالش کشیده شدن است؛ زیرا فضای مجازی مثل آینه عمل می‌کند و تمامی نقاط ضعف حکمرانی را به راحتی برای همگان به تصویر می‌کشاند. از طرفی قدرت انقلاب ایران نه به دلیل توانمندی نظامی یا اقتصادی آن بلکه به سبب وجه فرهنگی و معنوی آن است. انقلاب اسلامی ایران یکی از مصادیق گفتمان معنویت‌خواهی در سیاست یا حضور دین در سیاست است که امروزه نمود عملی این خواسته و تکرار آن را در قیام‌های کشورهای مسلمان که به نام بیداری اسلامی خوانده می‌شود، شاهدیم. این مطالبه در کشورهای اسلامی از راه قهر و زور به آنها منتقل نشده است، بلکه این همان قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران است.

بنابراین فضای مجازی در زمان حاضر در تمامی ابعاد زندگی فردی و اجتماعی مردم جهان نفوذ کرده و در حال ایجاد یک تمدن جدید بشری است که از تمدن‌های قبل به مراتب فراگیرتر است. بدون شک حکمرانی چنین فضایی که از یک طرف با تسهیل ارتباط، ارائه فناوری‌ها، خدمات جدید و شگفت‌آور ضریب نفوذ بسیار بالایی داشته و از طرف دیگر با قابلیت‌های خود در حال تبدیل کردن حاکمیت ملی-حکومتی به یک حاکمیت شبکه‌ای-فرامرزی می‌باشد.

بر اساس سیاست‌های پنج‌ساله هفتم توسعه ابلاغی مقام معظم رهبری، فضای حکمرانی مجازی برای تقویت و صیانت از ارزش‌های انقلاب فراهم می‌آورد؛ زیرا بر اساس آنچه بیان شد، وقتی از صدور انقلاب بحث می‌کنیم، موضوع صدور فیزیکی و دخالت در کشورها نیست، بلکه بیان





آرمان‌های انقلاب اسلامی در فضای مجازی است و همین امر طرف‌داران خود را در اقصای نقاط این کره زمین پیدا می‌کند؛ لذا حکمرانی مجازی وضعیتی مطلوب نسبت به حکمرانی غربی در صیانت و صدور ارزش‌های انقلاب اسلامی به ارمغان می‌آورد؛ زیرا آن چیزی که مزیت انقلاب اسلامی در فضای مجازی محسوب می‌شود، بحث ایدئولوژی‌بودن انقلاب اسلامی است.

۳-۵. پیشنهادها

درباره صیانت از صدور ارزش‌های انقلاب اسلامی در فضای حکمرانی مجازی پیشنهادهای ذیل رهگشا خواهد بود:

- ✓ طراحی استراتژی اصلی و استراتژی‌های فرعی جمهوری اسلامی ایران در خصوص تعاملات بین‌المللی فضای مجازی و حضور و کنش‌گری فعال و هدف‌مند در مجامع بین‌المللی مرتبط با فضای مجازی در جهت منافع جمهوری اسلامی ایران و انقلاب اسلامی؛
- ✓ بازتعریف سیاست‌ها و راهبردهای فضای مجازی کشور بر اساس دیدگاه کل‌نگر و پاردایمی به این پدیده فناورانه جهت صدور ارزش‌های انقلاب اسلامی؛
- ✓ ایجاد غلبه گفتمانی برای مواجهه معقول و انقلابی با فضای مجازی بر اساس الگوی حکمرانی مجازی جهت صدور ارزش‌های انقلاب اسلامی؛
- ✓ ایجاد بسیج سایبری با رویکرد محتوایی و فراگیرشدن آن در حوزه صدور ارزش‌های انقلاب اسلامی در فضای حکمرانی مجازی؛





۶. منابع

منابع فارسی

قرآن کریم

اسپوزیتو، جان (۱۳۷۸). انقلاب ایران چشم‌اندازی ده‌ساله. ترجمه نورالله قیصری، نامه پژوهش، (۱۲-۱۳) بهار و تابستان.

اسپوزیتو، جان (۱۳۸۲). انقلاب اسلامی ایران و بازتاب جهانی آن. ترجمه محسن مدیرشانه‌چی، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.

افتخاری، اصغر (۱۳۷۷). تأثیرات انقلاب اسلامی ایران درگستره جهانی. نامه پژوهش، (۱۰-۱۱)، پاییز و زمستان.

ایرانی‌پور، الهه (۱۳۸۸). برجسته‌سازی. کتاب علوم اجتماعی، (۲۳).

برزگر، ابراهیم (۱۳۸۲). نظریه پخش و بازتاب انقلاب اسلامی. پژوهش حقوق عمومی، ۵ (۸)، ۷۳-۳۹.

پوری، احسان (۱۳۹۲). ارتباطات شبکه‌ای و رهبری مخاطب در شبکه‌های اجتماعی مجازی. فصلنامه رسانه، (۲۴).

جمال‌زاده، ناصر، (۱۳۹۱). قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران و نظریه صدور فرهنگی انقلاب. پژوهشنامه انقلاب اسلامی، ۲ (۴)، ۶۱-۸۶.

حسین‌پور، داود، و قوچانی خراسانی، محمدمهدی (۱۳۹۶). حاکمیت شبکه‌ای در نهادهای پژوهشی امنیت سایبری. فصلنامه علمی پژوهشی فرایند مدیریت و توسعه، ۳۰ (۱)، ۵۱-۸۰.

حسین‌تاش، سیدعلی، و واثق، قادرعلی (۱۳۹۳). حکمرانی خوب و ارائه حکمرانی شایسته بررسی و شاخص‌های این دوازده دیدگاه امیرالمؤمنین علی (ع). اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، ۳ (۲)، ۷-۲۸.

دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال، و رادفر، فیروزه (۱۳۸۹). الگوی‌های صدور انقلاب در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).

رفسنجانی‌نژاد، سیما. نگاهی به طراحی نظام حکمرانی فضای مجازی، در: <https://iranthinktanks.com>

رمضانی، روح‌الله (۱۳۷۸). صدور انقلاب ایران: سیاست‌های، اهداف و ابزار. پژوهشنامه انقلاب اسلامی، (۲)، تابستان.

شجاعیان، محمد (۱۳۸۲). انقلاب اسلامی و رهیافت فرهنگی. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

عاملی، سعیدرضا (۱۳۹۷). الگوی حکمرانی دوفضایی. تهران: انتشارات امیرکبیر.

غلامی، رضا و احمدپور، حیدر (۱۳۸۹). الگوی شش ضلعی حکمرانی فضای مجازی در جمهوری اسلامی ایران برای بازه زمانی پنج‌ساله. آینده‌پژوهی ایران، ۶ (۱)، ۱-۲۶.

فیروزآبادی، سیدابوالحسن و احمدی آزادی، جواد (۱۳۹۹). تحلیل پیشینه حکمرانی فضای مجازی جمهوری اسلامی ایران. دانش سیاسی، ۱۶ (۲)، ۵۶۳-۵۹۸.

محمودی، حافظ (۱۳۹۹)، چالش‌های حکمرانی فضای مجازی و ارائه راهکارها برای جمهوری اسلامی ایران. دومین همایش ملی حکمرانی اسلامی، تهران.

محمودی، منوچهر (۱۳۸۵). بازتاب جهانی انقلاب اسلامی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

هورات، دیوید (۱۳۷۸). نظریه گفتمان. در: دیوید مارش و جری استوکر، روش و نظریه در علوم سیاسی، ترجمه امیرمحمد حاجی‌یوسفی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

منابع لاتین

Milliken, J. (۱۹۹۹). The Study of Discourse in International Relations: A Critique of Research and Methods. *European Journal of International Relations*, ۵ (۲).

ZamaniNezhad, P. (۲۰۱۵). Google play help community. In: <https://support.google.com/googleplay/forum/AAAA^CVOTd^wUilZSUXY4s/?hl=en&gpf=d/topic/play/wUilZSUXY4s>.

شناسایی عوامل مؤثر حکمرانی اسلامی بر موفقیت حکمرانی در جمهوری اسلامی ایران

محمدحسن صدری^{۱*}

مهدی قاسمی ورجانی^۲

چکیده

از گذشته تا به امروز همواره نقش دولت‌ها و حکومت‌ها در پیشرفت و تعالی جوامع یا عقب‌افتادگی آنها محل بحث و مناقشه بوده است؛ به‌ویژه در چند دهه اخیر، این مهم بیش از پیش نمایان شده و مباحثی مانند دولت کوچک، دولت کارآمد، دولت کارآفرین، دولت الکترونیک و امروز حکمرانی به عنوان یک پارادایم غالب مطرح است. از طرفی پدیده «حکمرانی اسلامی» به عنوان یک نظریه جدید خود را در عرصه جهانی نشان داده است. هرچند به صورت یک پارادایم مطرح نیست،

۱. دانشجوی دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
(mhs_169@yahoo.com).

۲. دکتری تخصصی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (shahed01@chmail.com).



لیکن در معادلات حکمرانی در جهان مطرح است. نگاه اسلام به حکمرانی که همان حکمرانی الهی یا حکمرانی خوب با رویکرد اسلامی می‌باشد، نگاهی است بسیار عمیق و تعیین‌کننده که تعالی انسان در سایه آن رقم می‌خورد و تعبیر نور و ظلمت برای حکمرانی الهی و حکمرانی غیرالهی به کار برده شده است. حکمرانی اسلامی بر کلیه فرایندهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی تاثیرگذار بوده، محیط رشد و تعالی انسان را تأمین می‌کند. پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نوع توصیفی-پیمایشی است. هدف اصلی از نگارش پژوهش حاضر، شناسایی عوامل اثرگذار حکمرانی اسلامی بر موفقیت حکمرانی در جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. جامعه آماری پژوهش شامل استادان و نخبگان دانشگاهی است که نمونه‌ای ۲۱۰ عددی برای انجام پژوهش انتخاب شد. متغیرهای مهم تاثیرگذار بر حکمرانی اسلامی با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای از ادبیات موضوع استخراج شد و در نهایت ۲۱ متغیر انتخاب گردید و با تحلیل نتایج حاصل از پرسشنامه نهایی، شش مؤلفه به دست آمد. از این شش مؤلفه عامل مشارکت بر حکمرانی اسلامی مؤثر نبود. پنج عامل دیگر مربوط به پاسخ‌گویی، قانون‌مداری، عدالت، کارآمدی و اثربخشی و شفافیت است که بر موفقیت حکمرانی در جمهوری اسلامی ایران مؤثر بودند.

کلیدواژه‌ها:

حکمرانی، موفقیت حکمرانی، اسلام، حکمرانی اسلامی.

۱. مقدمه و بیان مسئله

۱-۱. مقدمه موضوع

جهان پرتلاطم امروزی انگاره‌های گوناگونی در زمینه حکمرانی که تماماً ریشه در تفکرات پوزیتیویستی دارد و توسعه و کمال را تنها در تأمین نیازهای مادی و دنیوی که اساساً از خرد و باورهای دوران رنسانس به‌ویژه انقلاب صنعتی در اروپا برمی‌آید، می‌داند. این در حالی است که دین اسلام با نگاهی همه‌جانبه، حکمرانی با مفهومی فراتر از بینش مادی‌گرایانه غربی ارائه می‌دهد که بر پایه کلان‌نظریه «عبادت‌محوری» به عنوان اساس خلقت آدمی، استوار است و در تمامی امور با توجه به «وجود برتر» معنا می‌یابد؛ پارادایمی که مشتمل بر ارتباطات درونی و عمیق آدمی و همچنین ارزش‌های حیات اجتماعی اوست که به عالم بالا یعنی کمال اصالت آدمی ختم می‌شود. الگویی که این ظرفیت را دارد شمول شهروندان را به وجود برتر رهنمون شود (رفیعیان و همکاران، ۱۴۰۱). حاکمیت از جلوه‌های اخلاقی دین مبین اسلام است که در بررسی منابع اسلامی (قرآن کریم، سنت و احادیث و روایات) به این نتیجه می‌رسیم که خداوند در رسالت پیامبر خود به سه وظیفه امر فرموده است: نخست خود رسالت است؛ دوم قضاوت است؛ سوم حکومت پیامبر ﷺ که علاوه بر دارابودن مسئولیت الهی رسالت و قضاوت، مبنای مشروعیت حکومتش که حکومت اسلامی است، انتصاب از سوی خداوند متعال است؛ از این روست که در امر رسالت و حکومت در زمان پیامبر ﷺ انتخابات معنا ندارد و رسول خدا منتخب مطلق خداوند است (متفکر و بهاروندی، ۱۴۰۱). اهمیت و ضرورت حکمرانی در این مسئله محوری تبلور می‌یابد که موفقیت‌ها یا عدم موفقیت‌های حکمرانی نه تنها نسل معاصر را تحت تأثیر قرار می‌دهد، بلکه با حرکت موج در گذر زمان، نسل‌های آینده را نیز تحت الشعاع قرار می‌دهد و نسل‌های معاصر و آینده تنها در صورتی می‌توانند به نیازهای خود پاسخ دهند که هم‌اکنون و در زمان حال حکمرانی مطلوب جاری و حاکم گردد (کمبجانی و همکاران، ۱۳۹۸).

۲-۱. ضرورت موضوع

امروزه جامعه اسلامی در سطوح مختلف زندگی خود، چه در مسائل نظری و چه در مسائل عملی، با چالش‌های مختلفی مواجه بوده و نیازمند نسخه‌ها و تجویزهای متقن و قابل اعتماد است تا بتواند بر این مشکلات فائق آید. یکی از این مشکلات و دغدغه‌های بسیار مهم در شرایط فعلی، نحوه حکمرانی است که در این خصوص نظریات و شاخص‌های مختلف و متعددی مطرح شده است. هرچند بسیط بودن جامعه مدنی، منطبق کردن کلیه نظریه‌ها به صورت کامل مبتنی بر جوامع پیچیده امروزی با جامعه مدینه‌النبی و عصر پیامبر امر دشواری است، با این حال می‌توان این موضوع را در حکومت پیامبر و امامان دنبال نمود و در باب بنیان‌های نظریه حکمرانی اسلامی حکومت این بزرگان، نظریه‌هایی را مطرح نمود (امام‌قلی‌پور و آسمانه، ۱۳۹۵).

۳-۱. اهمیت موضوع

حکمرانی یکی از اساسی‌ترین نیازهای جوامع بشری است که ضرورت آن بر کسی پوشیده نیست. امروزه حوزه سیاست و مسائل مربوط به آن پیوسته در حال تغییر و گسترش بوده و دامنه آن حتی به امور خصوصی زندگی افراد کشیده شده است؛ از این رو چگونگی حکومت کردن مطابق ضوابط و معیارهای اسلامی که همان حکمرانی اسلامی است، بیش از پیش گسترش یافته و در حوزه‌های مختلف علمی مورد توجه ویژه قرار گرفته است. در رویکرد اسلامی هدف تعالی انسان است و مادیات تنها به عنوان ابزاری برای این هدف مورد توجه قرار می‌گیرند و مبحث اخلاقیات که در جوامع غربی از آن غفلت شده است، از تأکیدات و ضروریات آیین اسلام می‌باشد. هدف ما در این پژوهش آن است که پس از تعریف حکمرانی و حکمرانی اسلامی، عوامل مؤثر حکمرانی اسلامی بر موفقیت حکمرانی در جمهوری اسلامی ایران را شناسایی کرده، روابط بین آنها را در قالب الگویی ارائه دهیم.

۴-۱. مسئله اصلی

فرضیه‌ها در قالب سؤالات زیر بیان می‌گردد:

۱. متغیرهای اثرگذار بر حکمرانی اسلامی کدام است؟



۲. چه رابطه‌ای بین متغیرهای شناسایی شده و موفقیت حکمرانی در جمهوری اسلامی ایران وجود دارد؟

۵-۱. نحوه سازمان‌دهی مقاله

متغیرهای مهم تأثیرگذار بر حکمرانی اسلامی با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای از ادبیات موضوع استخراج شد و در نهایت متغیرها انتخاب شدند و با تحلیل نتایج حاصل از پرسشنامه نهایی، مؤلفه‌ها به دست آمدند. از بین مؤلفه‌ها تنها یک عامل مؤثر نبود، بلکه عوامل دیگر نیز بر موفقیت حکمرانی در جمهوری اسلامی ایران اثرگذار بودند.

۲. ادبیات موضوع و پیشینه

۲-۱. مبانی نظری

الف) حکمرانی

حکمرانی در لغت به معنای اداره و تنظیم امور است و به رابطه میان شهروندان و حکومت‌کنندگان اطلاق می‌شود (میدری و خیرخواهان، ۱۳۸۳). در یکی از گزارش‌های بانک جهانی درباره آفریقا، حکمرانی به صورت «اعمال قدرت سیاسی به منظور اداره امور یک ملت» معنا شده است. همچنین بانک جهانی حکمرانی را به عنوان روشی که بر اساس آن قدرت بر مدیریت اقتصادی یک کشور و منابع اجتماعی آن برای رسیدن به توسعه اعمال می‌شود تعریف می‌کند؛ در حالی که بوئینگر حکمرانی را به عنوان «دولت مطلوب جامعه» تعریف می‌کند (لطیف، ۱۹۹۲). حکمرانی به معنای اداره و تنظیم امور جامعه به رابطه میان مردم و حکمرانان مرتبط می‌شود. درواقع فرایندها و نهادها و کارگزارانی که تصمیمات مقتضی را اتخاذ و اقتدار حاکمیتی را در یک کشور اعمال می‌کنند، به‌نوعی حکمرانی انجام می‌دهند. به عبارت دیگر حکمرانی اعمال اقتدار سیاسی-اداری، اقتصادی، اجتماعی، نظامی و انتظامی در راستای مدیریت امور عمومی کشور در تمام مقیاس‌های جهانی، بین‌المللی، منطقه‌ای، ملی، ناحیه‌ای و محلی است. به هر حال نظریه و رویکرد حکمرانی در مکاتب، اندیشه‌ها و ایدئولوژی‌های سیاسی مختلفی مورد بحث و مذاقه قرار گرفته و هر کدام با



اهداف، منظورها و ویژگی‌ها و مؤلفه‌های خاص خود به تشریح و تبیین آن پرداخته‌اند. در این میان دو پارادایم و دیدگاه مهم در عصر کنونی در تقابل با یکدیگر و با رویکردی متفاوت به امر حکمرانی نظر دارند: یکی مکتب دموکراسی و دیگری مکتب تئوکراسی. رویکرد اول با محوریت انسان و دیدگاه دوم با خدامحوری به تبیین مباحث خود می‌پردازند. مکتب انسان‌محور غربی در قالب اندیشه سیاسی دموکراسی با هدف داشتن دنیایی خوب برای عده‌ای خاص به دنبال فراهم کردن رفاه حداکثری در این دنیا برای افراد جامعه هدف خود است. اما در حکمرانی متعالی که مد نظر اسلام می‌باشد، خدا محور تمام مباحث و رشد و تعالی مادی و معنوی انسان است. ساختار مناسب، کارگزار شایسته و کارکرد مطلوب سه عنصر اساسی و عمده این رویکرد است که با دست‌یافتن به آنها می‌توان حکمرانی مطلوب و متعالی را برای تمامی انسان‌های آزاده دنیا اجرایی نمود (عابدی درچه، ۱۳۹۸). امروزه حکمرانی مفهومی است که در جغرافیای سیاسی، علوم سیاسی، جامعه‌شناسی سیاسی، امور دولتی به‌ویژه مدیریت توسعه مطرح و به کار گرفته می‌شوند (زارعی، ۱۳۹۹).

همه مدل‌ها و روش‌ها و نسخه‌هایی که برای توسعه کشورهای عقب نگه‌داشته‌شده یا در تکاپوی پیشرفت پیچیده می‌شود، قبل از آنکه درمانی بر دردهای توسعه‌نیافتگی باشد، عاملی است بر توسعه نفوذ و قدرت شرکت‌ها و کارتل‌های بزرگ جهانی (رضائی و همکاران، ۱۳۹۷). در ایران نیز با توجه به فاصله اقتصادی، جغرافیایی به‌ویژه فرهنگی که در بحث حکمرانی با دنیای غرب وجود دارد، مفاهیم جدید و نابیی از جمله حکمرانی متعالی (ناظمی اردکانی، ۱۳۹۸)، حکمرانی خدامدار (عرفانی‌فر، ۱۳۹۸)، حکمرانی اسلامی (رضائی و همکاران، ۱۳۹۷)، حکمرانی کریمه (منتظری و همکاران، ۱۳۹۷) و الگوی بومی اسلامی-ایرانی در دولت‌سازی (میرزاپور ارمکی، ۱۳۹۸) رشد و توسعه یافته است که در این پژوهش به مجموع آنها عنوان «حکمرانی اسلامی» اطلاق شده است (آقازاده و همکاران، ۱۴۰۰).

ب) حکمرانی اسلامی

حکمرانی اسلامی سبکی از حکمرانی است که بر مبنای ارزش‌ها و باورهایی که نظام‌سازی بر آن بنیان نهاده شده، اداره امور عمومی و تنظیم روابط بین حکمرانان و حکومت‌شوندگان یعنی آحاد مردم

جامعه انجام می‌شود. این الگو مؤلفه‌ها و ویژگی‌هایی دارد که از آیات قرآن کریم و روایات پیشوایان معصوم استخراج شده و تحت عنوان الگوی حکمرانی متعالی در جوامع اسلامی مطرح می‌باشد (عابدی درچه، ۱۴۰۲). در حکمرانی اسلامی قرآن و عترت مبنا هستند (عرفانی‌فر، ۱۳۹۸). همچنین حکمرانی اسلامی علاوه بر آنها بر وحی و سنت نیز مبتنی است (منتظری و همکاران، ۱۳۹۷). حکمرانی اسلامی شیوه تدبیر، تنظیم و اعمال قدرت مشروع بر اساس قوانین الهی شناخته شده است که مبتنی بر عقلانیت مهذب و آموزه‌های اسلامی، اخلاق و ایمان، عدالت و روش‌های زیست مؤمنانه، در ساحت‌های حیات جمعی عمل می‌کند. حکمرانی اسلامی فراتر از فرد حاکم و حتی دولت است. نتایج و پیامدهای حکمرانی اسلامی برای جامعه، حرکت به سمت حداکثرسازی تحقق اهداف الهی، پیشرفت و توسعه همه‌جانبه، کاهش فقر و فساد، همگرایی، انسجام و وحدت جامعه و اعتماد ارکان به یکدیگر است و اعمال قدرت و کسب اقتدار در حکمرانی اسلامی از طریق اقناع و مشارکت‌جویی همگانی، سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری معقول و صحیح، تجهیز و تخصیص عادلانه منابع، به‌کارگیری قدرت نرم و سخت و کنترل نظام‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، امنیتی و مانند آن است (متفکر و بهاروندی، ۱۴۰۱). در صورتی که مردم دریابند حاکمیت از آن خداست و به هر کس که صلاحیت آن را داشته باشد، باید واگذار گردد، مقبولیت مردمی بر مشروعیت الهی منطبق خواهد شد و در حکمرانی اسلامی به معنای واقعی کلمه خدامحوری حاصل می‌گردد. این شیوه حکمرانی، روش متعالی حکومت‌داری است. حکمرانی متعالی که با انقلاب در مفاهیم و کارکردهای سنتی و بر ساخته انسان به دست می‌آید، به‌نوعی به دنبال دگرگونی در مفاهیم کنونی حکمرانی در جهان است. امروزه که انسان‌های جهان همه مکاتب مادی را تجربه کرده و با بی‌مهری هر کدام از همه آنها دلسرد شده‌اند، به دنبال مکتبی اخلاق‌محورند تا با تکیه بر مبانی و ویژگی‌های انسان‌ساز و تمدن‌ساز آن بتواند هدایت و سعادت خود را نه فقط در دنیای کنونی بلکه در آخرت از آن مکتب طلب نماید.

بنابراین حکمرانی اسلامی، سبکی از حکمرانی است که با اعتقاد به حاکمیت الهی و در طول آن ولایت پیامبران و ائمه اطهار (علیهم‌السلام) در زمان حضور و همچنین ولایت فقیه جامع‌الشرایط در زمان غیبت، اداره و تنظیم امور جامعه به دست حاکمانی است که رفاه دنیوی و هدایت و سعادت اخروی ابنای



بشر را دغدغه و هدف خود می‌دانند و در اجرای آن از هیچ تلاشی فروگذار نکرده و مجاهدانه در این راه خدمت می‌کنند (عابدی درچه، ۱۳۹۸). به طور کلی حکمرانی اسلامی تعیین، اعمال و کاربرد قواعد شریعت‌مدار و حکمیانه با وحدت و همیاری صادقانه نقش‌آفرینان امت مبتنی بر روابط اخوت ایمانی با محوریت ولایت برای تحقق عدالت و رشد و هدایت جامعه در مسیر تقرب الی الله می‌باشد. نقش‌آفرینان نیز شامل نهادهای نظارتی، نهادهای حمایتی، منافقان و دشمنان، نهادهای رشد، نهادهای جهت‌دهنده افکار عمومی، نظامیان و نهادهای امنیتی، بیت حکمرانی (دبیران و نزدیکان حاکم)، نهاد قضاوت، کارگزاران حکومت، مردم (مسلمان و غیرمسلمان)، محرومان، نهادهای اقتصادی (بازرگانان و صنعت کاران) است که ولایت در محوریت این نقش‌آفرینان قرار دارد که در سه بخش ولایت، خواص و امت طبقه‌بندی می‌شوند (حجازی‌فر، ۱۴۰۲).

ج) عدالت

یکی از مهم‌ترین شاخص‌های حکمرانی مطلوب از دیدگاه اسلام عدالتجویی است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: آسمان‌ها و زمین بر عدالت استوار شده است. عدالت به مثابه صفت و ملکه انسانی و اجتماعی ریشه در فطرت انسان دارد؛ خداوند فرمان به عدل و احسان می‌دهد. عدالت از جمله مواردی است که در فطرت انسان، از طریق خداوند کریم، به ودیعه گذاشته شده است. در عرصه‌های مختلف حیات جمعی آدمیان، حقوق و تکالیفی را اقتضا می‌کند که گاه در قالب نصوص دینی بیان شده و گاه انسان به واسطه خرد خویش، این پیامبر درون، به آن رهنمون می‌شود. به همین علت است که در ارجاع به امر حکمرانی، حکمران باید واجد صفاتی از جمله عادل بودن باشد؛ پست‌های حساس حکومتی به افراد عادل سپرده و توصیه می‌شود مصدر امور به افراد عادل سپرده شود تا تمام آحاد و مقامات حکومتی، از مراجع رسمی گرفته تا قضات و شهود و منشی‌ها و ... از میان افراد عادل انتخاب شوند و به عدالت حکم برانند و عدالت را اجرا کنند (موسوی و همکاران، ۱۳۹۷).

قلی‌پور (۱۳۸۷) در کتاب خود تحت عنوان حکمرانی شایسته و مناسب دولت ضمن معرفی مفاهیم و ویژگی مؤلفه‌های حکمرانی شایسته، در مؤلفه عدالت شاخص‌های توزیع مساوی خدمات





دولتی، تحقق عدالت، تأمین حقوق فردی، ایجاد فرصت‌های مساوی در جامعه، رفع هر گونه تبعیض نژادی، جنسی و مذهبی را نام می‌برد (متفکر و بهاروندی، ۱۴۰۱).

د) شفافیت

شفافیت به این موضوع اشاره دارد که سیاست‌های کلی و خط‌مشی‌های سطوح مختلف کشور خارج از دیدگاه عمومی مردم تصمیم‌گیری نشود. به عبارت دیگر اگر تصمیم‌گیری‌ها پشت پرده گرفته شود و نقش مردم و خواسته‌های مردمی در آن لحاظ نگردد، شفافیت ندارد. بر این اساس شفافیت جریان آزاد، فراگیر، جامع و به هنگام صحیح اطلاعات شکل می‌گیرد؛ فرایندی که حذف سانسور را تقویت کرده و به ارائه و انتشار اخبار و اطلاعات از طریق رسانه‌های عمومی فراگیر (تلویزیون، رادیو، سایت‌های اینترنتی، روزنامه‌ها، هفته‌نامه‌ها، ماهنامه‌ها، فصلنامه‌ها و سالنامه‌ها) که به وسیله هیئت‌های تخصصی نظارت و ارزیابی مستقل پالایش شده‌اند، منجر می‌شود. شفافیت دارای ابعاد گوناگونی است که مهم‌ترین آن شفافیت مالی و پولی است. اصلی‌ترین شاخص شفافیت دولت‌ها آن است که میزان و نحوه کسب درآمدها و مصارف آن را به طور دقیق توضیح و نمایش دهند (ویسی، ۱۳۹۲). بنابراین قدم اساسی برای شفافیت مالی، تعریف و اجرای استانداردهای ثبات و انتشار اطلاعات است (میدری و خیرخواهان، ۱۳۸۳).

ه) قانون‌مداری

کیفیت قوانین و مقررات، توان‌مندی دولت در تدوین و اجرای سیاست‌ها و قوانین و مقررات است. اصولاً کیفیت قوانین و مقررات مصوّب به عنوان پایه‌های اصلی نهادهای رسمی، نقش مهمی در موفقیت توسعه و اصلاحات اقتصادی و سیاسی دارد. هر قدر قوانین و مقررات موجود از کیفیت بهتری برخوردار باشد، حکمرانی وضعیت بهتری پیدا خواهد کرد. حاکمیت قانون کیفیت اجرای قراردادها، عملکرد پلیس و محاکم قضایی است. اگر پس از انعقاد قراردادها، پیمان‌ها و تعهدات، اعم از دولتی یا خصوصی، نتوان چندان به اجرای آنها امید داشت و همچنین اگر جرم و تخلف به سبب عملکرد ضعیف پلیس و محاکم قضایی قابل پیگرد نباشد، نشان‌دهنده وجود حکمرانی ضعیف



در یک کشور است؛ همچنین همه افراد در برابر قانون یکسان‌اند و تبعیضی در مقابل قانون در بین شهروندان وجود ندارد (متفکر و بهاروندی، ۱۴۰۱).

و) مشارکت

فعالیت گروهی به دلیل درکنارهم قرارگرفتن افکار، انرژی‌ها و توان‌مندی‌ها، باعث به‌وجودآمدن آثار و برکات مثبت و مفیدی است که از جمله موجب تولید فکر بیشتر، تقویت اندیشه، به‌وجودآمدن افکار گوناگون، همدلی و همراهی بیشتر و تقویت انگیزه افراد می‌شود و درنهایت منجر به افزایش کمی و کیفی در امور می‌شود. یکی از میدان‌هایی که خدای متعال بر فعالیت گروهی همواره تأکید داشته است، عرصه امر به معروف و نهی از منکر برای اصلاح جامعه و تغییر روند نادرست آن به سمت خوبی‌ها و شایستگی‌هاست؛ زیرا در این میدان، فعالیت‌های گروهی بیشتر می‌تواند نتیجه‌بخش باشد؛ لذا اگر گروهی و با برنامه منسجم و متحد به صورت هماهنگ باشد، به قطع و یقین تأثیرگذاری بیشتری خواهد داشت (سهیلی و مرادی، ۱۴۰۱). تصمیم‌گیرندگان باید آرا و نظرهای شهروندان را در تصمیم‌گیری لحاظ کنند و نمایندگان نسبت به تصمیم‌گیری خود در برابر مردم پاسخ‌گو باشند (بایلی و الیوت، ۲۰۰۹).

ز) کارآمدی و اثربخشی

دولت مطلوب باید از دو ویژگی اثربخشی و کارآمدی برخوردار باشد. اثربخشی به معنای رسیدن به اهداف تعیین‌شده برای دولت است و کارآمدی یعنی استفاده از حداقل امکانات برای رسیدن به اهداف تعیین‌شده (یاغی، ۲۰۰۸). برای کارآمدبودن باید به اندازه کافی آمادگی و آینده‌نگری در برابر تقاضاهایی که هنوز بیان نشده‌اند، داشته باشد. حتی ممکن است اقدامات دولت به‌خوبی طراحی و اجرا نشده باشند، اما اولویت‌های لازم و مطلوبیت‌های مورد انتظار شهروندان باشد. بنابراین آن عملکرد دولت مهم است که درنهایت بر کیفیت زندگی مردم تأثیر مثبت داشته باشد و مردم به این کارآمدی صحنه بگذارند. کارآمدی دولت در وهله اول به این بستگی دارد که تا چه اندازه از عهده وظایفش در اداره امور داخلی قلمرو خود برآمده است و تا چه



حد نیازهای اجتماعی را شناسایی و راه‌حل‌های نوآورانه‌ای ابداع کرده است. در کارآمدی و اثربخشی دولت به این مسئله پرداخته می‌شود که آیا قوانین و مصوبات دولت بیانگر توانایی آن جهت واکنش کامل، پیوسته و خلاق به موضوعات مبتلا به بوده است؟ (پاتنام، ۱۳۸۰). کیفیت خدمات عمومی، کیفیت خدمات مدنی و درجه استقلال نهادهای ارائه‌کننده این خدمات دور از فشارهای سیاسی و اعتبار و ضمانت اجرایی تعهدات دولت به این خط‌مشی‌ها بیانگر میزان اثربخشی دولت است (ویسی، ۱۳۹۲).

ح) پاسخ‌گویی

از جمله تحقیقات داخلی که به‌نوعی به مقوله پاسخ‌گویی ولی با نگرشی کلی و بسته ورود کرده‌اند، می‌توان به پژوهش فولادی و شفیع (۱۳۹۷) اشاره کرد که انواع پاسخ‌گویی در نهج البلاغه را شامل پاسخ‌گویی در قبال مسئولیت، پاسخ‌گویی در قبال مردم و اجتماع، پاسخ‌گویی در قبال بیت المال و پاسخ‌گویی در قبال عملکرد دانسته‌اند. همچنین ذاکری و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهشی به تبیین الگوی پاسخ‌گویی و نظارت بر نظام اداری در حکومت علوی از منظر بوروکراسی و دموکراسی پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که در دوران زعامت امام علی (ع) بحث پاسخ‌گویی و نظارت بر دستگاه بوروکراسی از طریق نظامی جامع و چندوجهی انجام می‌گرفته است که شامل کنترل سیاسی، خودکنترلی بر مبنای ارزش‌های بوروکراتیک و نظارت همگانی بوده است. جست‌وجوی پیشینه پژوهشی خارج از کشور در حوزه پاسخ‌گویی اسلامی نیز بیانگر آن است که این تحقیقات نیز توصیفی از پاسخ‌گویی را در امور و قواعد اجتماعی همچون امور خیریه، وقف (عثمان، ۲۰۱۲)، زکات (سعد و همکاران، ۲۰۱۴)، مسائل بانکداری یا نقش و جایگاه کلی آن را در آموزه‌های دینی بررسی کرده و از ارائه یک چارچوب جامع و مدون غافل بوده‌اند و تنها بر ضرورت و اهمیت پاسخ‌گویی و فاصله آن تا وضعیت مطلوب در یک کشور اسلامی تأکید دارند (امیری، ۱۴۰۲).





۲-۲. پیشینه پژوهش

جدول شماره ۱: پیشینه پژوهش

نویسندگان - روش استفاده شده	اهداف یا سؤالات اصلی	مهم ترین یافته ها
متفکر و بهاروندی (۱۴۰۱)، به روش آمیخته - روش تحلیل محتوا	شاخص های حکمرانی مطلوب اسلامی بر اساس نظریه های حکمرانی اسلامی، خبرگان و کارشناسان کدام اند؟ چه سازوکارهای اجرایی حکمرانی مطلوب اسلامی بر اساس نظریه های حکمرانی اسلامی، خبرگان و کارشناسان وجود دارد؟	مدل پژوهش دارای ۵ بعد (انسجام هم گرایی و هم افزایی، اعتماد ارکان حکمرانی به یکدیگر، فرایند انتخاب اصلاح و نظارت بر حکومت، توسعه ظرفیت ها، سیاست ها و اقدامات و حاکمیت و توسعه ارزش های اسلامی در فرایندها) و ۱۴ مؤلفه و ۳۶ شاخص است. مؤلفه ها شامل: مشارکت، هم گرایی، قانون گرایی، عدالت محوری، شفافیت، شایسته سالاری، امر به معروف و نهی از منکر، کنترل فساد، استقلال و عزت اسلامی، رشد و تعالی مستمر، اثربخشی، اخلاق محوری و سلوک اسلامی، رعایت محرومان، کاهش و محو فقر.
رفیعیان، محرابی و دریانورد (۱۴۰۱)، به روش توصیفی - تحلیل - روش شبه دلفی	سنجش میزان تحقق شاخص های الگوی حکمرانی اسلامی در نظام مدیریت شهری ایران به چه صورت است؟ شاخص های حکمرانی با بنیان اسلامی شامل گویه های تکیه بر شریعت الهی و خدامحوری، بیش راهبردی و	دیدگاه پاسخ دهندگان به عملکرد نظام مدیریت شهری ایران با توجه به شاخص های حکمرانی اسلامی نامطلوب است و انحراف میانگین تمامی شاخص های مستخرج منفی است و بیانگر ضعف، انحراف و گاهی خروج از خط سیر این بینش الهی در حوزه مدیریت شهری ایرانی است. شاخص های حکمرانی با بنیان اسلامی شامل گویه های تکیه بر شریعت الهی و خدامحوری، بیش راهبردی و





نویسندگان- روش استفاده شده	اهداف یا سؤالات اصلی	مهم‌ترین یافته‌ها
		همه‌شمول، صراحت و روشنی اهداف و سیاست‌ها، پاسخ‌گویی و شفافیت، کارایی و اثربخشی، قانون‌محوری و کیفیت قانون، مبارزه با فساد و پرهیز از احتجاب، شایسته‌سالاری و تخصص‌گرایی، مشورت و مشارکت‌جویی، کنترل، اصلاح و نظارت همگانی، جلب رضایت عمومی، حاکمیت مقتدر، یکپارچه و به دور از استبداد، وفای به عهد و مسئولیت‌پذیری (امانت‌محوری)، حفظ نظم و پایداری سازمانی، اخلاق‌گرایی، خردگرایی، عمل‌گرایی، انتقادپذیری، ایثار و همدردی، امر به معروف و نهی از منکر، انصاف، تولیدگرایی و توسعه‌گرایی، حق‌طلبی، عدالت‌خواهی و عدالت‌گستری، پرهیز از خشم به هنگام تصمیم‌گیری، وحدت، تعاون و همگرایی، وفق و مدارا، توجه به محرومان، وفاداری، مسئولیت‌تربیتی و علمی و برقراری امنیت.
عابدی درچه (۱۴۰۲)، به روش توصیفی-تحلیلی	الزامات حکمرانی اسلامی فضای مجازی در گام دوم انقلاب اسلامی به چه صورت است؟	حکمرانی اسلامی فضای مجازی در جمهوری اسلامی ایران در بستر شبکه ملی اطلاعات در گام دوم انقلاب می‌تواند سبکی از زندگی مجازی با محوریت اسلام را برای کاربران فراهم نماید تا در آن علم و پژوهش، اقتصاد و کسب‌وکار، معنویت و اخلاق، استقلال و آزادی، عدالت و مبارزه با فساد، عزت و اقتدار ملی را به همراه داشته باشد. این راهبرد با





نویسندگان - روش استفاده شده	اهداف یا سؤالات اصلی	مهم‌ترین یافته‌ها
		سامانه محور نمودن فعالیت بخش دولتی، خصوصی و مدنی به عنوان سه قسمت اصلی در هر حکمرانی، باعث شفافیت، پاسخ‌گویی، جریان آزاد اطلاعات و کارآمدی هر حکومتی خواهد شد.
عابدی درچه و همکاران (۱۳۹۹)، به روش توصیفی-تحلیلی، روش مقایسه‌ای-تطبیقی	مقایسه دو رویکرد حکمرانی متعالی اسلامی و حکمرانی خوب به چه صورت است؟	شاخص‌های احصاشده در قسمت نتیجه‌گیری این مقاله شامل: حق حاکمیت، رشد انسان و جامعه، اسلامیت، جمهوریت، وضع قوانین، عدالت‌محوری، آزادی، مبارزه با فساد، نفی سلطه، مسئولیت‌پذیری، پاسخ‌گویی، تعاون و همکاری، حاکمیت ولی فقیه، رئیس‌جمهور، استقلال قوای سه‌گانه، اقتدار ملی (مشروعیت)، مشارکت مردم، شفافیت، رشد، نظارت، اثربخشی، کارایی، دفاع خارجی، امنیت داخلی، وضع قانون، قضاوت و امور خارجه می‌باشد.
عابدی درچه (۱۳۹۸)، به روش توصیفی - تحلیلی	تبیین مؤلفه‌های الگوی حکمرانی مطلوب اسلامی-ایرانی پیشرفت در نهادینگی تمدن نوین اسلامی چگونه است؟	حکمرانی مطلوب حرکت از «وضعیت نامطلوب» به «وضعیت مطلوب» بر اساس «راهبرد ترسیم الگوی حکمرانی مطلوب» می‌باشد؛ این تغییر و دگرگونی باید در ویژگی‌های بنیادین حکمرانی در ابعاد و سطوح مختلف اجرا و نهادینه شود. این ویژگی‌ها عبارت‌اند از: مشارکت، شفافیت و جریان آزاد اطلاعات، مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی، محاسبه‌پذیری، اثربخشی و کارایی، دولت الکترونیک و فضای مجازی سالم، مردمی‌بودن و عدالت‌محوری.



نویسندگان- روش استفاده شده	اهداف یا سؤالات اصلی	مهم‌ترین یافته‌ها
امیری (۱۴۰۲)، به روش تحلیل محتوا، روش فرایند چرخه‌ای تحلیل	مدل حکمرانی اسلامی در چارچوب پاسخ‌گویی قرآنی به چه صورت است؟	عوامل زمینه‌ساز پاسخ‌گویی در سه حوزه: - ذهنی و ادراکی (شناختی) شامل: توفیق الهی، پایداری، عبرت و قیامت - بینشی و نگرشی (عاطفی) شامل: آرامش، توکل و بصیرت - عملی و رفتاری شامل: مسئولیت‌پذیری، تکلیف‌پذیری، عبادت، مجاهده، درستکاری، پاکدامنی، برهان الهی، اعمال حسنه، ندبه، امرار معاش و انجام واجبات می‌باشند.
حجازی‌فر (۱۴۰۲)، به روش تحلیل مضمون	نقش آفرینان حکمرانی اسلامی بر اساس فرمایش‌های امام علی (علیه السلام) چه کسانی هستند؟	آنچه در این پژوهش مورد توجه قرار گرفت، پرداختن به تعریف حکمرانی اسلامی و همچنین شناسایی نقش آفرینان حکمرانی اسلامی بود. در مورد تعریف حکمرانی اسلامی، در نهایت تعریفی که ارائه شد این بود که حکمرانی اسلامی عبارت است از تعیین، اعمال و کاربرد قواعد شریعت‌مدار و حکیمانه با وحدت و همیاری صادقانه نقش آفرینان امت مبتنی بر روابط اخوت ایمانی با محوریت ولایت برای تحقق عدالت و رشد و هدایت جامعه در مسیر تقرب الی الله.
جلیل‌فر و همکاران (۱۴۰۲)، به روش تحلیل گفتمان	حکمرانی اسلامی از نگاه آیت الله نائینی چه شاخصه‌هایی دارد؟	این پژوهش نسبت به سایر پژوهش‌های موجود، وجوه کاملی از ابعاد حکمرانی اسلامی مشتمل بر قوانین عرفی استخراج‌شده از متون دینی توسط نائینی را نشان داده است. علامه نائینی در ضرورت حکومت بین مردم



نویسندگان - روش استفاده شده	اهداف یا سؤالات اصلی	مهم‌ترین یافته‌ها
		در هر شرایطی می‌نویسد: پایداری نظام جهان و زندگی بشر وابسته به حکومت و سیاست است؛ یعنی برای هر جامعه‌ای، وجود حاکم، یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است. نائینی اساس سلطنت ولایتیه را آزادی و مساوات دانسته و می‌نویسد: در این قسم از سلطنت، ولایت بر مصالح مملکت، دارای محدودیت بوده و آزادی گردن ملت از اسارت، غلامی، بندگی نحس و لعنتی سلطان مورد تأکید است. مشارکت در امور مملکتی برای مردم فراهم بوده و بین همدیگر و حتی با شخص سلطان در همه امورات عمومی مانند درآمد کشور و غیره برابری برقرار و حق محاسبه و مراقبت ملت و پاسخ‌گویی کارگزاران از نتایج فرعی دو اصل آزادی و برابری است. نائینی معتقد بود از آنجایی که به امام معصوم دسترسی وجود ندارد، لازم است از نظارت بیرونی به جای قوه عصمت استفاده نموده که وظیفه مراقبت، محاسبه و پاسخ‌گویی را به عهده دارد.
مرادی و سهیلی (۱۴۰۱)، به روش توصیفی-تحلیلی	چگونه می‌توانیم بر اساس بیانیه گام دوم انقلاب، مؤلفه‌های مدیریت جهادی را در راستای اعتلای حکمرانی اسلامی	دغدغه اصلی اغلب نظریه‌پردازان این حوزه، اجرای عدالت و جلوگیری از استبداد، خودکامگی و برقراری نظم و امنیت است. قانون اساسی هر کشوری ضمن تعریف اصول اساسی، ساختار، سلسله‌مراتب، جایگاه و حدود قدرت سیاسی دولت، به تعیین و تضمین حقوق شهروندان و تنظیم روابط قدرت می‌پردازد.



نویسندگان- روش استفاده شده	اهداف یا سؤالات اصلی	مهم‌ترین یافته‌ها
	مردم‌پایه در جمهوری اسلامی ایران بر اساس تدابیر و فرمایش‌های فرماندهی معظم کل قوا تبیین و تشریح و عملیاتی نماییم؟	حکمرانی خوب گفتمان جدیدی است که با مؤلفه‌هایی مانند قانون‌مندی، مشارکت، مسئولیت‌پذیری، پاسخ‌گویی، شفافیت، اثربخشی و کارایی تعریف می‌شود که در سال‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته است.
آقازاده و همکاران (۱۴۰۰)، به روش توصیفی-تحلیلی، روش تحلیل محتوا-تم	راهنماهای حکمرانی بر مبنای الگوی حکمرانی اسلامی کدام‌اند؟	راهنماهای احصاشده شامل: تسهیل حرکت به سوی رشد و توسعه، برقراری جریان آزاد اطلاعات، برقراری عدالت در حکمرانی، تقویت امور دفاع سایبری، تقویت تعهد و پاسخ‌گویی حاکمیت و شایسته‌سالاری می‌باشد.
محمدی و همکاران (۱۴۰۱)، به روش تحلیل مضمون	الگوی سازمان‌دهی نهادهای انقلابی در حکمرانی اسلامی چگونه است؟	بررسی‌ها نشان داد مؤلفه‌های اصلی سازمان‌دهی در اندیشه رهبر معظم انقلاب اسلامی شامل پنج بعد، شاکله ظاهری، شاکله معنوی، نظم انقلابی، روح انقلابی و موتور پیشران می‌باشند. شاکله ظاهری که بُعد قابل تغییر و تحولی نهاد است و شامل همه‌جانبگی و چندبعدی بودن، قابل توسعه و تکثیر بودن، اندیشه‌ورزی و آینده‌نگری، فرایندمحوری و انعطاف‌پذیری نهاد انقلابی می‌باشد. شاکله معنوی بعد ثابت نهاد است که شامل ایمان و باور، روحیه، انگیزه و شوق قلبی و بینش حق‌بین و حق طلب است.



نویسندگان - روش استفاده شده	اهداف یا سؤالات اصلی	مهم‌ترین یافته‌ها
		نظم انقلابی به تعبیری مکانیزم بین ثبات و تغییر در نهاد انقلابی است؛ به این معنا که نظم گویای ثبات و انقلاب گویای تحول است و طبق فرمان رهبر معظم انقلاب، نظریه نظم انقلابی (بیانیه گام دوم انقلاب) مکانیزم بین تغییر و ثبات سازمان‌دهی نهاد انقلابی محسوب می‌شود و شامل حفظ استقلال نهاد، قاعده‌مندی و رعایت مقررات، نظارت و کنترل انقلابی، برنامه‌ریزی صحیح و اثربخش و به‌روزشوندگی دائمی نهاد است. روح انقلابی به این معناست که نهاد انقلابی باید نسبت خود را با انقلاب اسلامی مشخص کند. این بعد شامل مقابله با دشمن، مأموریت‌محوری (انجام مأموریت‌های انقلاب اسلامی)، اقدام و عمل جهادی و مردمی بودن است. موتور پیشران سازمان‌دهی نهاد انقلابی، مدیر جهادی محسوب می‌شود که ابعاد مختلف مدیریت می‌تواند حرکت‌ساز و پیشران نهاد انقلابی قرار گیرد. در اینجا الگوی اساسی مطرح‌شده در اندیشه‌های رهبر معظم انقلاب اسلامی، الگوی مبتنی بر شایستگی است که شامل شایسته‌گزینی، شایسته‌پروری، شایسته‌گماری و شایسته‌داری است.
معدنی و نجاری (۱۴۰۱)، به روش	مؤلفه‌های حکمرانی سالم اسلامی در پرتو	با عطف به تحلیل‌ها و یافته‌های تحقیق می‌توان دریافت که حکمرانی سالم اسلامی شیوه حکومتی است که در



نویسندگان - روش استفاده شده	اهداف یا سؤالات اصلی	مهم‌ترین یافته‌ها
آمیخته، تحلیل روایت - دلفی تعدیل شده	ارزش‌های ناب انقلاب اسلامی از منظر و دیدگاه مقام معظم رهبری علیه السلام به چه صورت است؟	آن ابعاد روابط بین حکومت و مردم، تعامل اجزای تشکیل دهنده حکومت و رابطه آن با سایر حکومت‌ها، در اهداف و سیاست‌ها، قوانین و خط‌مشی‌ها، برنامه‌ریزی و اجرا و نظارت و ارزیابی بر اساس مبانی، اصول و روش‌های اسلامی تنظیم می‌گردد. در این چارچوب مؤلفه‌هایی چون: مدیریت حکیمانه و مصلحت‌جویانه، سلامت اخلاقی و عملکردی، تحقق تمدن نوین اسلامی، تحول بنیادین و پیشرفت جامع و پایدار و حمایت از اجتماعات نخبگانی به عنوان درون مایه‌های اصلی و کلیدی این حوزه می‌باشند که هسته مرکزی این مقوله را تشکیل می‌دهند.

۳. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی است که مبنای پژوهش کمی است و از نظر گردآوری داده‌ها، از نوع توصیفی-پیمایشی است. روش‌های گردآوری اطلاعات، شامل مطالعه کتابخانه‌ای و جمع‌آوری داده‌ها از راه پرسشنامه بوده است.

به منظور شناسایی و کشف ابعاد یا سازه‌های اصلی داده‌های تحقیق برای شناسایی عوامل مؤثر و تبیین سهم واریانس و دگرگونی توسط این عامل‌ها و نیز اولویت آنها در زمینه عوامل اثرگذار حکمرانی اسلامی بر موفقیت حکمرانی روش تحلیل عاملی-اکتشافی استفاده شده است.

جامعه آماری پژوهش شامل استادان و نخبگان دانشگاهی است که نمونه آماری در آن توزیع و جمع‌آوری شده است.

با توجه به اینکه تعداد متغیرهای تحقیق در پرسشنامه ۲۱ متغیر است و در تجزیه و تحلیل داده‌ها



از تحلیل داده‌ها و مدل ساختاری استفاده می‌شود، لازم است حجم نمونه بزرگ در نظر گرفته شود تا بتوان تکنیک ساختاری را انجام داده، به مدل برازش شده دست یابیم. به همین دلیل حجم نمونه را با استفاده از محدوده زیر به دست می‌آوریم:

$$Q^{10} < n < Q^0$$

(صدرالسادات و مینایی، ۱۳۹۲)

که در آن Q تعداد گزینه‌ها و n تعداد نمونه است. بنابراین تعداد نمونه این تحقیق معادل ده برابر گزینه‌های به‌دست‌آمده ($Q \times 10$) می‌باشد که معادل ۲۱۰ پرسشنامه محاسبه شده است. جهت تعیین اعتبار و روایی پرسشنامه از روش اعتبار محتوا استفاده شده است. در این تحقیق، پرسشنامه خبرگان جهت تأیید متغیرها به نظر ۱۰ تن از خبرگان دانشگاهی رسید؛ سپس پرسشنامه اول جهت تعیین مؤلفه‌ها با ۳۰ متغیر و پرسشنامه دوم جهت تعیین روابط و تعیین مدل ساختاری با ۲۱ متغیر استفاده شد.

برای محاسبه پایایی پرسش‌های پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ استفاده شد که آلفای به‌دست‌آمده برای کل آزمودنی‌ها با نرم افزار SPSS انجام و برابر با ۰/۸۴۵ محاسبه شد. از آنجا که مقدار آلفای کرونباخ به‌دست‌آمده بزرگ‌تر از ۰/۷۵ است، می‌توان ادعا نمود آزمون از پایایی قابل قبولی برخوردار است.

۴. یافته‌های پژوهش

- اطلاعات به‌دست‌آمده از آمار توصیفی به طور خلاصه در ذیل آمده است:
- از ۲۱۰ نفر، بیشترین آمار از بین پاسخ‌دهندگان را مردان تشکیل می‌دهند که معادل ۷۵ درصد است.
 - بیشترین افراد نمونه را بین ۴۰ تا ۴۵ سال تشکیل می‌دهند و کمترین آنها بین ۳۰ تا ۳۵ سال سن دارند.
 - افراد با مدارک کارشناسی ارشد بیشترین درصد از افراد نمونه را به خود اختصاص داده‌اند (۵۷ درصد).





همان گونه که در جدول زیر مشاهده می‌شود، در تحلیل عامل اولیه با توجه به اینکه اندازه میانگین کفایت نمونه‌گیری (KMO) حدود $0/681$ است، داده‌ها برای استفاده از تحلیل عاملی مناسب‌اند.

جدول شماره ۲: اندازه کفایت نمونه‌گیری KMO و آزمون کرویت بارتلت در آزمودنی‌های پژوهش

KMO and Bartlett's Test		
$0/681$	اندازه کفایت نمونه‌گیری KMO	
$4250/205$	مجذور خی	آزمون کرویت بارتلت
435	درجه آزادی	
$0/000$	سطح معناداری	

طبق آزمون کرویت بارتلت چون مقدار آن (Sigma برابر 0) در جدول زیر کوچک‌تر از 5 درصد است، توانایی عاملی شدن داده‌ها تأیید می‌شود؛ ولی بهتر است سایر شاخص‌های توانایی عاملی شدن را به دلیل حساس بودن این آزمون مورد بررسی قرار داد.

با توجه به توضیحاتی که پیش از این بیان شد و مقادیر به‌دست‌آمده برای شاخص KMO با مقدار $0/681$ و سطح معناداری $0/000$ در آزمون کرویت بارتلت سؤالات پرسشنامه شرایط لازم برای اجرای تحلیل عاملی اکتشافی را دارا می‌باشد.

جهت تعیین میزان تبیین واریانس هر گویه به وسیله تحلیل در آزمودنی‌های پژوهش برای 30 گویه، از اشتراکات استفاده شد که اگر مقدار مشترک گویه‌ای کمتر از $0/5$ باشد، از تحلیل حذف می‌شود. بر اساس نتایجی که محقق به دست آورد، 3 متغیر از تحلیل حذف شد و سایر متغیرها برای ادامه تحلیل مناسب‌اند؛ یعنی 27 سؤال باقی ماند که واریانس کل تبیین‌شده برای آنها در جدول زیر آمده است.





جدول شماره ۳: واریانس کل تبیین شده

عوامل	مقادیر ویژه اولیه			مقادیر استخراج			مقادیر عوامل استخراج بعد از انجام چرخش		
	کل واریانس	درصد واریانس	درصد تراکمی واریانس	کل واریانس	درصد واریانس	درصد تراکمی واریانس	کل واریانس	درصد واریانس	درصد تراکمی واریانس
۱	۵,۱۹	۱۹,۲۳	۱۹,۲۳۰	۵,۱۹	۱۹,۲۳	۱۹,۲۳	۲,۷۴	۱۰,۱۸	۱۰,۱۸
	۳	۰		۳	۰	۰	۹	۱	۱
۲	۳,۲۶	۱۲,۰۹	۳۱,۳۲۳	۳,۲۶	۱۲,۰۹	۳۱,۳۲	۲,۷۳	۱۰,۱۳	۲۰,۳۱
	۶	۳		۶	۳	۳	۶	۵	۶
۳	۲,۷۸	۱۰,۳۰	۴۱,۶۳۲	۲,۷۸	۱۰,۳۰	۴۱,۶۳	۲,۲۹	۸,۵۱۴	۲۸,۸۳
	۴	۸		۴	۸	۲	۹		۰
۴	۱,۹۰	۷,۰۵۹	۴۸,۶۹۱	۱,۹۰	۷,۰۵۹	۴۸,۶۹	۲,۲۹	۸,۴۹۲	۳۷,۳۲
	۷			۷		۱	۳		۱
۵	۱,۵۵	۵,۷۷۱	۵۴,۴۶۲	۱,۵۵	۵,۷۷۱	۵۴,۴۶	۲,۱۵	۷,۹۹۳	۴۵,۳۱
	۹			۹		۲	۸		۵
۶	۱,۴۷	۵,۴۴۴	۵۹,۹۰۶	۱,۴۷	۵,۴۴۴	۵۹,۹۰	۱,۹۰	۷,۰۶۶	۵۲,۳۸
	۱			۱		۶	۸		۱
۷	۱,۲۸	۴,۷۴۳	۶۴,۶۴۸	۱,۲۸	۴,۷۴۳	۶۴,۶۴	۱,۸۴	۶,۸۳۸	۵۹,۲۱
	۲			۲		۸	۶		۹
۸	۱,۱۷	۴,۳۶۴	۶۹,۰۱۲	۱,۱۷	۴,۳۶۴	۶۹,۰۱	۱,۸۴	۶,۸۱۶	۶۶,۰۳
	۹			۹		۲	۰		۵
۹	۱,۰۰	۳,۷۳۲	۷۲,۷۴۴	۱,۰۰	۳,۷۳۲	۷۲,۷۴	۱,۸۱	۶,۷۰۹	۷۲,۷۴

۳	مقادیر ویژه اولیه	مقادیر استخراج	مقادیر عوامل استخراج بعد از انجام چرخش
۹	۹	۹	۱
۱۰	۸۶۳	۳,۱۹۴	۷۵,۹۳۸
۱۱	۷۴۹	۲,۷۷۰	۷۸,۷۰۷
۱۲	۶۸۷	۲,۵۴۲	۸۱,۲۴۹
۱۳	۶۱۵	۲,۲۷۵	۸۳,۵۲۴
۱۴	۵۶۱	۲,۰۷۳	۸۵,۵۹۷
۱۵	۵۱۶	۱,۹۰۸	۸۷,۵۰۵
۱۶	۴۶۹	۱,۷۳۴	۸۹,۲۳۸
۱۷	۴۳۵	۱,۶۰۹	۹۰,۸۴۷
۱۸	۳۶۴	۱,۳۴۵	۹۲,۱۹۲
۱۹	۳۴۶	۱,۲۷۷	۹۳,۴۶۸
۲۰	۳۱۸	۱,۱۷۴	۹۴,۶۴۲
۲۱	۲۹۵	۱,۰۸۸	۹۵,۷۳۰
۲۲	۲۷۶	۱,۰۱۹	۹۶,۷۴۸
۲۳	۲۴۷	۹۲۱	۹۷,۶۷۰
۲۴	۲۰۶	۷۶۱	۹۸,۴۳۰
۲۵	۱۷۷	۶۶۳	۹۹,۰۹۴
۲۶	۱۴۸	۵۴۳	۹۹,۶۳۷
۲۷	۰۹۹	۳۶۳	۱۰۰,۰۰۰
Extraction Method: Principal Component Analysis.			



۲۷ عامل احتمالی وجود دارد؛ یعنی به همان تعدادی که گویه وارد تحلیل شده است؛ اما این بدان معنا نیست که هر گویه، یک عامل است. برای هر عامل، به دنبال مجموع واریانس که تبیین می‌کند (مقدار ویژه)، واریانس تبیین‌شده بر حسب درصدی از کل واریانس و سپس درصد تراکمی آمده است. جهت بررسی بارگذاری گویه‌ها روی عوامل شناسایی شده در آزمودنی‌های پژوهش از بار عاملی قبل و بعد از چرخش استفاده شد و در نهایت ۲۱ گویه مورد قبول واقع شد.

پس از حذف سؤالات و شماره‌گذاری مجدد سؤالات، ۲۱ سؤال پرسشنامه نهایی با شماره‌گذاری زیر در نرم‌افزار وارد گردیده‌اند. تحلیل عاملی با شش عامل اجرا شد و نام‌گذاری توسط محقق به صورت زیر صورت گرفته است و در جدول ۴ آورده شده است.

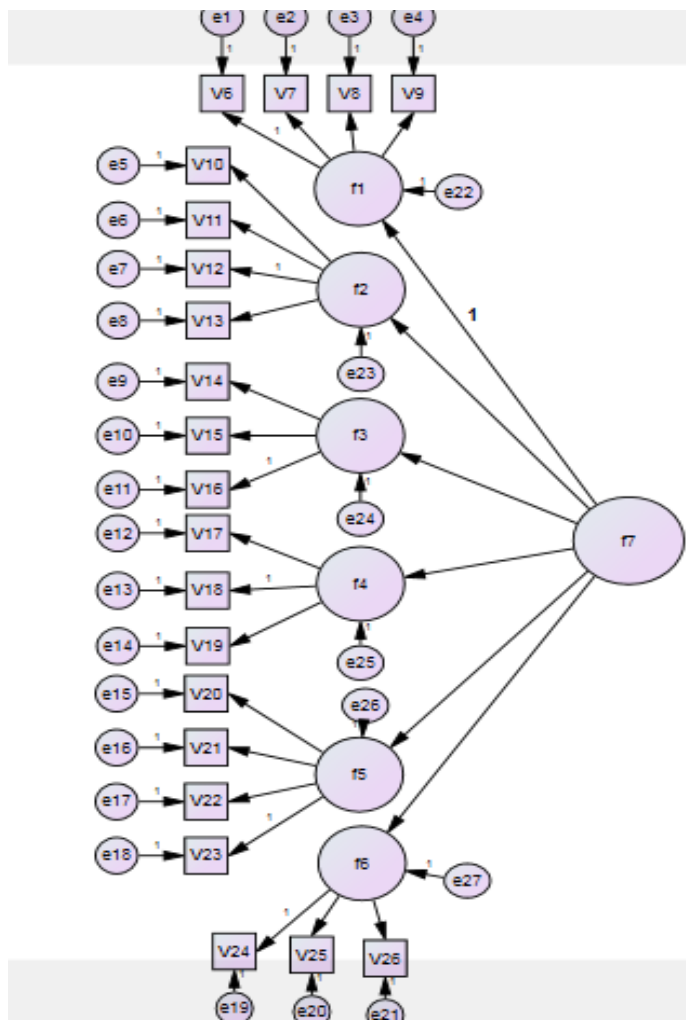
عامل: عدالت، شفافیت، قانون‌مداری، مشارکت، کارآمدی و اثربخشی و پاسخ‌گویی.

جدول شماره ۴: عنوان عامل‌ها و متغیرها

عنوان عامل	عنوان متغیر	نماد هر متغیر
(عامل یک) F ^۱ عدالت	انصاف (توزیع مساوی خدمات و رفع تبعیض)	۷۶
	توجه به محرومان و مستضعفان	۷۷
	عدالت قضایی	۷۸
	تأمین حقوق فردی	۷۹
(عامل دو) F ^۲ شفافیت	نظارت‌پذیری	۷۱۰
	اطلاع‌رسانی عمومی	۷۱۱
	جریان آزاد اطلاعات	۷۱۲
	استانداردسازی انتشار اطلاعات	۷۱۳
(عامل سه) F ^۳ قانون‌مداری	کیفیت قوانین و مقررات	۷۱۴
	حاکمیت قانون	۷۱۵
	برابری در مقابل قانون	۷۱۶

۷۱۷	مشارکت اجتماعی	F ^۴ (عامل چهار) مشارکت
۷۱۸	امر به معروف و نهی از منکر	
۷۱۹	آزادی و حق اظهار نظر	
۷۲۰	فقرزدایی	F ^۵ (عامل پنج) کارآمدی و اثربخشی
۷۲۱	تأمین معیشت و رفاه	
۷۲۲	کنترل فساد (فسادستیزی)	
۷۲۳	تأمین امنیت (امنیت‌گرایی)	
۷۲۴	در قبال مسئولیت و عملکرد	F ^۶ (عامل شش) پاسخ‌گویی
۷۲۵	در قبال بیت‌المال	
۷۲۶	در قبال مردم و اجتماع	

با استفاده از مدل معادلات ساختاری که در زیر آورده شده است، فرضیه‌های طرح‌شده (سؤال دوم پژوهش) مورد استنباط قرار می‌گیرد:



شکل شماره ۱: مدل معادله ساختاری پژوهش (مدل عاملی مرتبه دوم)

در پاسخ به سؤال دوم که چه رابطه‌ای بین متغیرهای شناسایی شده و موفقیت حکمرانی در جمهوری اسلامی ایران وجود دارد، به تفکیک مؤلفه‌ها به طور خلاصه در ذیل آمده است:

۱- بین عدالت و موفقیت حکمرانی در جمهوری اسلامی ایران ارتباط معناداری وجود دارد.

Label	P	C.R.	S.E.	Estimate	پارامتر		
	***	۶۴۳.۴	۳۵۲.	۶۲۲.۱	موفقیت حکمرانی	<---	عدالت



مقدار $P < 0/005$ است؛ بنابراین فرضیه تأیید می‌شود؛ یعنی عدالت بر موفقیت حکمرانی در جمهوری اسلامی ایران مؤثر است و رابطه معناداری بین متغیر مستقل و متغیر وابسته وجود دارد.

۲- بین محتوای شفافیت و موفقیت حکمرانی در جمهوری اسلامی ایران ارتباط معناداری وجود دارد.

Label	P	C.R.	S.E.	Estimate	پارامتر	
	0/002	128.3	182.	570.	موفقیت حکمرانی	<---
					شفافیت	

مقدار $P < 0/005$ است؛ بنابراین فرضیه تأیید می‌شود؛ یعنی شفافیت بر موفقیت حکمرانی در جمهوری اسلامی ایران مؤثر است و رابطه معناداری بین متغیر مستقل و متغیر وابسته وجود دارد.

۳- بین قانون‌مداری و موفقیت حکمرانی در جمهوری اسلامی ایران ارتباط معناداری وجود دارد.

Label	P	C.R.	S.E.	Estimate	پارامتر	
	***	4/920	350.	1/724	موفقیت حکمرانی	<---
					قانون‌مداری	

مقدار $P < 0/005$ است؛ بنابراین فرضیه تأیید می‌شود؛ یعنی قانون‌مداری بر موفقیت حکمرانی در ج.ا. مؤثر است و رابطه معناداری بین متغیر مستقل و متغیر وابسته وجود دارد.

۴- بین مشارکت و موفقیت حکمرانی در جمهوری اسلامی ایران ارتباط معناداری وجود ندارد.

Label	P	C.R.	S.E.	Estimate	پارامتر	
	0/090	1/694	189.	0/320	موفقیت حکمرانی	<---
					مشارکت	

مقدار $P > 0/05$ است؛ بنابراین فرضیه تأیید نمی‌شود؛ یعنی مشارکت بر موفقیت حکمرانی در جمهوری اسلامی ایران مؤثر نبوده و رابطه معناداری بین متغیر مستقل و متغیر وابسته وجود ندارد.

۵- بین کارآمدی و اثربخشی و موفقیت حکمرانی در جمهوری اسلامی ایران ارتباط معناداری وجود دارد.

Label	P	C.R.	S.E.	Estimate	پارامتر	
	***	4/807	333.	1/603	موفقیت حکمرانی	<---
					کارآمدی و	



اثر بخشی							
----------	--	--	--	--	--	--	--

مقدار $P < ۰/۰۰۵$ است؛ بنابراین فرضیه تأیید می‌شود؛ یعنی کارآمدی و اثربخشی بر موفقیت حکمرانی در جمهوری اسلامی ایران مؤثر است و رابطه معناداری بین متغیر مستقل و متغیر وابسته وجود دارد.

۶- بین پاسخ‌گویی و موفقیت حکمرانی در جمهوری اسلامی ایران ارتباط معناداری وجود دارد.

Label	P	C.R.	S.E.	Estimate	پارامتر		
	***	۴/۸۱۶	۳۶۸.	۱/۷۷۳	موفقیت حکمرانی	<---	پاسخ‌گویی

مقدار $P < ۰/۰۰۵$ است؛ بنابراین فرضیه تأیید می‌شود؛ یعنی پاسخ‌گویی بر موفقیت حکمرانی در جمهوری اسلامی ایران مؤثر است و رابطه معناداری بین متغیر مستقل و متغیر وابسته وجود دارد.

۵. بحث، نتیجه‌گیری و پیشنهادها

۵-۱. بحث

از نتایج این تحقیق می‌توان به این نکته اشاره کرد که می‌توان با الگوگیر از ارزش‌های ناب انقلاب اسلامی، حکمرانی اسلامی را با شیوه حکومتی که مبتنی بر مردم‌سالاری دینی است، عملیاتی کرد و سبک جدیدی از حکومت و حکمرانی را در چارچوب قوانین الهی و اسلامی ارائه نمود که در راستای رشد و تعالی کشور مثمر و کارآمد باشد. پاسخ‌گویی به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر موفقیت حکمرانی شناسایی شده است. این نشان می‌دهد مردم انتظار دارند مسئولان در برابر نظرات و مطالبات آنها پاسخ‌گو باشند و برای رفع مشکلات آنها اقدام کنند. حاکمیت قانون و رعایت اصول عدالت در اجرای قوانین، عامل دیگری است که تأثیر مستقیمی بر موفقیت حکمرانی دارد. این امر نشان می‌دهد مردم به قانونی بودن تصمیمات و اعمال حاکمیت اعتماد دارند. عدالت در توزیع منابع و فرصت‌ها و برخورد برابر با همه افراد جامعه یکی از مهم‌ترین اصول حکمرانی اسلامی است. نتایج پژوهش نیز بر اهمیت عدالت در موفقیت حکمرانی تأکید دارد. کارآمدی و اثربخشی در اجرای سیاست‌ها و برنامه‌ها از دیگر عوامل مؤثر بر موفقیت حکمرانی است. مردم انتظار دارند دولت بتواند مشکلات را به صورت مؤثر و کارآمد حل کند. شفافیت در تصمیم‌گیری‌ها و عملکرد دولت، اعتماد



عمومی را افزایش می‌دهد و به بهبود مشارکت مردم در فرایندهای تصمیم‌گیری کمک می‌کند. بر خلاف انتظار، عامل مشارکت، تأثیر معناداری بر موفقیت حکمرانی نداشته است. این یافته می‌تواند حاکی از پیچیدگی‌های بیشتری در رابطه بین مشارکت و موفقیت حکمرانی باشد و نیازمند بررسی‌های بیشتر در مطالعات آتی است.

۲-۵. نتیجه‌گیری

با توجه به نتایج آزمون، ابتدا ۶ عامل به عنوان عوامل اثرگذار حکمرانی اسلامی بر موفقیت حکمرانی در جمهوری اسلامی ایران شناسایی شد که عبارت‌اند از: عامل مشارکت؛ پاسخ‌گویی؛ قانون‌مداری؛ عدالت؛ کارآمدی و اثربخشی و شفافیت است که از این میان تنها عامل مشارکت بر موفقیت حکمرانی در جمهوری اسلامی ایران مؤثر نبود. پس ۵ متغیر دیگر بر موفقیت حکمرانی در جمهوری اسلامی ایران (متغیر وابسته) تأثیر معنادار دارند. با توجه به یافته‌های تحقیق، می‌توان نتیجه گرفت که برای دستیابی به حکمرانی اسلامی موفق در جمهوری اسلامی ایران باید بر تقویت این پنج عامل تمرکز شود. این امر نه تنها به بهبود کیفیت حکمرانی کمک خواهد کرد بلکه زمینه‌ساز توسعه پایدار و رضایت عمومی نیز خواهد بود. بنابراین سیاست‌گذاران باید استراتژی‌هایی را طراحی کنند که این عوامل را در مرکز توجه خود قرار دهند تا بتوانند به اهداف بلندمدت نظام حکمرانی دست یابند. همچنین یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد عوامل پاسخ‌گویی، قانون‌مداری، عدالت، کارآمدی و اثربخشی و شفافیت، نقش بسیار مهمی در موفقیت حکمرانی در جمهوری اسلامی ایران دارند. مسئولان باید پاسخ‌گوی عملکرد خود باشند و به نظرات و انتقادهای مردم توجه کنند. باید تلاش شود قوانین به صورت عادلانه و یکسان اجرا شوند و از هر گونه تبعیض جلوگیری شود. توزیع عادلانه منابع و فرصت‌ها بین همه افراد جامعه از مهم‌ترین اولویت‌های حکمرانی باید باشد. دولت باید برای افزایش کارایی و اثربخشی در اجرای سیاست‌ها و برنامه‌ها تلاش کند. تصمیم‌گیری‌ها باید به صورت شفاف و با مشارکت مردم انجام شود. با توجه به این نتایج می‌توان گفت بهبود در این حوزه‌ها می‌تواند به ارتقای سطح رضایت‌مندی مردم و افزایش مشروعیت نظام کمک کند. نتایج نشان می‌دهد عوامل پاسخ‌گویی، قانون‌مداری، عدالت، کارآمدی و اثربخشی و شفافیت تأثیر معناداری بر





موفقیت حکمرانی در جمهوری اسلامی ایران دارند. این بدان معناست که بهبود در این حوزه‌ها می‌تواند به طور مستقیم به ارتقای سطح موفقیت حکمرانی کمک کند.

۳-۵. پیشنهادها

پیشنهاد می‌گردد با توجه به نقش برجسته تحقیق و پژوهش در تمام زمینه‌های علمی، حوزه حکمرانی اسلامی نیز برای شکوفایی نیازمند پیشرفت و تکامل محققان و صاحب‌نظران و همچنین تحقیقات در این حوزه است؛ به طوری که مبانی نظری در این حیطه علاوه بر جامع بودن، کاملاً به‌روز باشد. پیشنهاد می‌گردد در پژوهش‌های آتی موانع و محدودیت‌های موجود بر سر تحقق الگوی حکمرانی اسلامی به شکلی دقیق شناسایی گردد تا با شناسایی و رفع محدودیت‌ها و موانع موجود، در سال‌های آتی شاهد وضعیت مطلوبی در حوزه حکمرانی در کشور باشیم. در جست‌وجوی موانع و محدودیت‌های موجود بهتر است ابتدا به دنبال عوامل داخلی و ضعف‌های سازمانی بود، سپس عوامل خارجی بررسی شود؛ زیرا عوامل داخلی راحت‌تر از عوامل خارجی قابل اصلاح و کنترل است. یکی از نکات مهم در راه رسیدن به نتایج مطلوب، پیگیری، تداوم و ارزیابی اقدامات برای حصول نتیجه نهایی است؛ لذا پیشنهاد می‌گردد پس از شناسایی موانع و محدودیت‌های موجود و تلاش مداوم در رفع آنها، همواره وضعیت موجود در مقاطع مختلف مورد پایش قرار گیرد تا انحراف از الگوی حکمرانی اسلامی رخ ندهد. همچنین پیشنهاد می‌گردد با توجه به عدم تأثیر معنادار مشارکت در این پژوهش، لازم است در مطالعات آتی، ابعاد مختلف مشارکت و رابطه آن با موفقیت حکمرانی به طور دقیق‌تر بررسی شود. نقش نهادهای مدنی در تقویت پاسخ‌گویی، شفافیت و مشارکت مردم می‌تواند موضوع مهمی برای تحقیقات آتی باشد. مقایسه وضعیت حکمرانی در ایران با سایر کشورها می‌تواند به درک بهتر عوامل مؤثر بر موفقیت حکمرانی کمک کند.



۶. منابع

۶-۱. منابع فارسی

قرآن کریم.

امام‌قلی‌پور، سارا، و آسمانه، زهرا (۱۳۹۵). شاخص حکمرانی در اسلام و تأثیر آن بر برون‌دادهای سلامت در ایران. فصلنامه علمی-ترویجی اقتصاد و بانکداری اسلامی، (۱۵)، ۹-۱۰۸.

امیری، مهدی (۱۴۰۲). چارچوب پاسخ‌گویی قرآنی: مدلی برای حکمرانی اسلامی، فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، ۹ (۳)، ۴۱-۶۰.

آقازاده، هاشم، پیروزمند، علیرضا، و محبی، علی (۱۴۰۰). راهبردهای حکمرانی اسلامی بر مبنای آیات منتخب قرآن کریم. اولین همایش بین‌المللی حکمرانی و کشورداری در ایران.

آیت‌الله خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۷۳). پیام نوروزی سال ۱۳۷۳ در دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، منشور فرهنگی انقلاب اسلامی. تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.

بنیانیان، حسن، و علی‌احمدی، علیرضا (۱۳۹۳). گفتگو: تحقق سبک زندگی اسلامی ایرانی ضرورتی گریزناپذیر در نیل به تمدن اسلامی. فصلنامه تخصصی علوم انسانی اسلامی صدرا، (۱۱-۱۲).

پاتنام، رابرت (۱۳۸۰). دموکراسی و سنت‌های مدنی. ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: انتشارات وزارت کشور.

پل، کلاین (۱۳۹۲). راهنمای آسان تحلیل عاملی. ترجمه سیدجلال صدرالسادات و اصغر مینایی، تهران: انتشارات سمت.

جلیل‌فر، محمد، کاوه پیشقدم، محمدکاظم، و حقیقت، حمیدرضا (۱۴۰۲). حکمرانی اسلامی از نگاه آیت‌الله نائینی. فصلنامه جامعه و سیاست، ۱ (۱)، ۴-۱۵.

حجازی‌فر، سعید (۱۴۰۲). چستی و نقش‌آفرینان حکمرانی اسلامی بر اساس فرمایشات امام علی (ع). نشریه علمی مدیریت اسلامی، ۲ (۳۱)، ۸۷-۱۲۸.



- خزاعی، علی و رجیبی دوانی، محمدحسین (۱۳۹۴). بررسی تطبیقی فرجام‌شناسی تمدنی. مجموعه مقالات همایش ملی تمدن نوین اسلامی، ۱۶ مهرماه، تهران: دانشگاه شاهد.
- ذاکری، محمد، اسدی، اسماعیل، و لطفی، هادی (۱۳۹۰). تبیین الگوی پاسخ‌گویی و نظارت بر نظام اداری در حکومت علوی از منظر رابطه بوروکراسی و دموکراسی. فصلنامه رسالت مدیریت دولتی، ۲ (۴)، ۱۸-۱.
- رضایی، حسن، دهقانی، روح‌الله، و کیانپور، مهرداد (۱۳۹۰). طراحی و تبیین مؤلفه‌ها و شاخص‌های اساسی حکمرانی اسلامی. مرکز بررسی‌های استراتژیک.
- رفعیان، محسن، محرابی، محراب، و دریانورد، خضر (۱۴۰۱). ارزیابی وضعیت شاخص‌های الگوی حکمرانی اسلامی در نظام مدیریت شهری ایران. نشریه علمی مدیریت اسلامی، ۳۰ (۳)، ۲۱۶-۱۹۱.
- زارعی، بهادر (۱۳۹۹). حکومت محلی و توسعه ایران. تهران: ستوس.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴). شیعه در اسلام. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- عابدی درچه، محسن (۱۳۹۸). تبیین مؤلفه‌های الگوی حکمرانی مطلوب اسلامی - ایرانی پیشرفت در نهادینگی تمدن نوین اسلامی. هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، ۱۳۸۳-۱۴۰۵.
- عابدی درچه، محسن، زارعی، بهادر، احمدی، سیدعباس، و پیشگاهی‌فرد، زهرا (۱۳۹۹). تبیین مقایسه‌ای دو رویکرد حکمرانی متعالی اسلامی و حکمرانی خوب. پژوهش‌های انقلاب اسلامی، ۳۴ (۹)، ۱۷۷-۲۰۵.
- عابدی درچه، محسن (۱۳۹۸). الگویابی دانشگاه اخلاق‌مدار در گام دوم انقلاب اسلامی مبتنی بر حکمرانی علمی - اسلامی. مجموعه مقالات اولین همایش ملی گام دوم انقلاب اسلامی؛ رسالت دانشگاه‌ها، دانشگاه اصفهان، دانشگاه حضرت امیرالمؤمنین (ع)، ۱۵-۳۱.
- عابدی درچه، محسن (۱۴۰۲). الزامات حکمرانی اسلامی فضای مجازی در گام دوم انقلاب اسلامی. فصلنامه رهیافتهای نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، ۹ (۳)، ۸۱-۶۱.
- عرفانی‌فر، علی (۱۳۹۸). الگوی حکمرانی اسلامی (اهداف، مبانی نظری، مؤلفه‌ها، شاخصها، ساختارها). همایش ملی حکمرانی، مدرسه حکمرانی شهید بهشتی.
- فریدی، محمدرضا (۱۳۹۴). واکاوی خصوصیات و ویژگی‌های تمدن نوین اسلامی. مجموعه مقالات همایش ملی تمدن نوین اسلامی، ۱۶ مهرماه، تهران: دانشگاه شاهد.
- کارگر، رحیم (۱۳۶۸). جستارهایی در مهدویت. قم: مرکز تخصصی مهدویت.
- کیمیجانی، علی، عیوضی، محمدرحیم، بزرگ‌مهری، مجید، و نظامی‌پور، قدیر (۱۳۹۸). سیمای حکمرانی مطلوب در آینده‌پژوهی: از تصویرپردازی تا شکل‌گیری آینده. آینده‌پژوهی ایران، ۴ (۱)، ۲۳۵-۲۰۷.



متفکر، حسین و بهاروندی، سهیلا (۱۴۰۱). ارائه مدل مؤلفه‌ها و شاخص‌های حکمرانی اسلامی بر اساس تحلیل نظر خبرگان و کارشناسان حکمرانی مطلوب. فصلنامه حکمرانی متعالی، ۳ (۱)، ۳۱-۷۴.

محمدی، حمیدرضا، میری، محسن، و لطفی، میثم، مهتدی، محمد مهدی و بازرگانی، حسین (۱۴۰۱). طراحی الگوی سازمان‌دهی نهادهای انقلابی در حکمرانی اسلامی (تحلیل کیفی اندیشه‌های رهبر معظم انقلاب اسلامی؛ مطالعه موردی نیروهای مسلح)، نشریه علمی مدیریت اسلامی، ۳ (۳۰)، ۴۳-۷۶.

مرادی، بهرام، و سهیلی، حمیدرضا (۱۴۰۱). حکمرانی اسلامی مردم پایه بر اساس مدیریت جهادی با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب. فصلنامه حکمرانی متعالی، ۲ (۴)، ۱۰۷-۱۳۹.

معذنی، جواد، و نجاری، رضا (۱۴۰۱). واکاوی و تبیین مؤلفه‌های حکمرانی سالم اسلامی در پرتو ارزش‌های ناب انقلاب اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری. نشریه علمی مدیریت اسلامی، ۳ (۳۰)، ۱۱۵-۱۴۸.

منتظری، محمد، بهمنی، اکبر، و فتحی‌زاده، علیرضا (۱۳۹۷). الگوی حکمرانی خوب از دیدگاه نهج البلاغه: گامی در جهت تبیین الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت. دوفصلنامه علمی پژوهشی مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، ۶ (۱۱)، ۱۵۵-۱۳۳.

موسوی، سید زین‌العابدین، اقایی جنت‌مکان، حسین، و نوروزی، نورمحمد (۱۳۹۷). نقش اخلاق اسلامی در حکمرانی مطلوب. پژوهش‌های اخلاقی، ۸ (۴)، ۲۰۳-۲۳۳.

میدری، احمد و خیرخواهان، جعفر (۱۳۸۳). حکمرانی خوب، بنیان توسعه. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دفتر بررسی‌های اقتصادی.

میرزاپور ارمکی، ابوالفضل (۱۳۹۸). ارائه الگوی اسلامی-ایرانی دولت‌سازی با تأکید بر تجربه حکمرانی اسلامی. فصلنامه علمی-پژوهشی سیاست متعالیه، ۷ (۲۷)، ۸۷-۱۰۸.

ناظمی اردکانی، محمد (۱۳۹۸). تبیین مؤلفه‌های حکمرانی اسلامی.

ویسی، هادی (۱۳۹۲). درآمدی بر دولت محلی. تهران: سمت، چ ۱.

۶-۲. منابع لاتین

Bailey, s. Elliott, M. (۲۰۰۹). Taking Local Government Seriously: Democracy, Autonomy and the Constitution *Cambridge Law Journal*, July, ۶۸ (۲), ۴۳۶-۴۷۲.

Lateef, k. S. (۱۹۹۲). Comment on Governance and Development. by Boetninger, Proceedings of the World Bank Annual Conference on Development Economics ۱۹۹۱, Supplement to the world bank Economic Review and Research Observer, The World Bank, Washington D.C.



Osman, A. Z. (۲۰۱۲). Accountability in managing waqf properties: The case of two State Religious Councils in Malaysia (Doctoral thesis). Royal Holloway University of London, United Kingdom.

Saad, R. A. J., Aziz, N. M. A. & Sawandi, N. (۲۰۱۴). Islamic accountability framework in the zakat funds management. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, (۱۶۴), ۵۰۸-۵۱۵.

Yaghi, A. (۲۰۰۸). Good Governance Practices by Local Administration in Jordan and USA. *International Journal of Rural Management*, ۴ (۱&۲), ۴۷-۶۵.





تحلیل پارادایمی سیاست گذاری دفاعی

حسن قرونه^۱

اعظم بابکی راد^{۲*}

چکیده

مقاله با هدف پارادایم ها و مکاتب سیاست گذاری دفاعی در چارچوب تحلیلی پارادایمی به تنظیم شده و با چارچوبی بدیع و جامع ارائه می گردد. روش تحقیق طبقه بندی مفهومی مبتنی بر روابط معناسازی است. یافته های تحقیق نشان دهنده یک طبقه بندی جامع در قالب پارادایم پست مدرن، نمادین و تفسیری در راستای مکاتب رئالیسم و نئورئالیسم، مکتب کپنهاگ و مکتب انتقادی و پاریس است؛ هرچند با وارد شدن به مباحث پست مدرن نمی توان نظریات این بخش را فقط در چارچوب پست مدرن به نظم درآورد، مانند نظریه پایه فمینیستی که دارای عقبه در سایر پارادایم هاست. البته این

۱. استادیار گروه حکمرانی، دانشگاه جامع شیراز، شیراز، ایران (hassan.ghoronh@gmail.com).

۲. استادیار گروه مدیریت دولتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، مشهد، ایران (نویسنده مسئول) (babaki.rad@gmail.com).





طبقه‌بندی کاملاً متمایز و جامع نیست که بخشی از آن به دلیل ضعف نویسنده و قسمتی نیز ناشی از ماهیت علوم انسانی و علوم اجتماعی است که تعیین دقیق مرزها در آن نه امکان‌پذیر است و نه هدف، بلکه مانند پرده نقاشی کولاژ پست‌مدرن‌ها، لذت‌بخش و برانگیزاننده است.

کلیدواژه‌ها:

پارادایم، مکتب، سیاست، سیاست‌گذاری دفاعی، نظریه‌های پایه.





۱. مقدمه و بیان مسئله

در زبان انگلیسی دو واژه «Politics» و «Policy» اولی به مفهوم علم سیاست -چه نبرد قدرت و چه علم دولت- و دیگری به مفهوم یک سیاست ویژه، تمایز این دو مفهوم را آسان می‌کند (فروزنده و وجدانی، ۱۳۸۸: ۱۸۱) و سیاست‌گذاری در معنای ساده «شیوه مشخص شکل دادن به عمل» تعریف می‌شود که تلاشی آگاهانه و هدف است تا نامنظم و تصادفی (کول بیچ، ۲۰۰۲). سیاست‌گذاری در اصل تنها به تلاش در بخش عمومی منحصر نمی‌شود؛ اما تأکید این نوشتار اساساً بر سیاست‌گذاری عمومی است (فروزنده و وجدانی، ۱۳۸۸: ۱۸۱). توماس دای (۱۹۹۹: ۲) آنچه را دولت‌ها انجام می‌دهند، چرا آن را انجام می‌دهند و نتایجی را که بر این انجام مترتب است، سیاست می‌خواند. هارود لاسول (استارلینگ، ۱۹۷۹: ۴) آن را هم‌معنای برنامه معین با اهداف، ارزش‌ها و عملکردها می‌داند. دیویداستن (۱۹۶۵: ۲۱۲) معمار اندیشه سیستمی در سیاست، از سیاست به عنوان تأثیر فعالیت‌های دولت یاد می‌کند. جیمز اندرسون (۱۹۹۷: ۵) مجموعه‌ای از کنش‌های هدف‌دار از سوی یک بازیگر یا مجموعه‌ای از بازیگران در ارتباط با یک مسئله را سیاست می‌داند. سرانجام مولر (۱۹۹۸: ۳) در یکی از کوتاه‌ترین تعاریف سیاست را معادل علم دولت در عمل می‌خواند (ملک محمدی، ۱۳۸۵: ۱۷۸). به طور کلی جوهره فرایند سیاست انتخاب و تصمیم‌گیری است، خواه در سیاست‌گذاری یا فعالیت‌های اجرا یا ارزیابی (آلیسون، ۱۹۷۱). سیاست‌گذاری عمومی عرضه‌کننده الگویی تحلیلی-راهبردی در مقام تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری است (فروزنده و وجدانی، ۱۳۸۸: ۱۸۰).

مطالعات سیاست‌گذاری دفاعی به عنوان یکی از حوزه‌های سیاست‌گذاری عمومی و امنیت تلاش می‌کند بدین پرسش‌ها پاسخ دهد و علی‌رغم تلاش‌های صورت‌گرفته در این باره همچنان موضوعی حساس در مباحث عمومی است و ذهن سیاست‌گذاران عمومی و دفاعی را به خود مشغول کرده است. با توجه به مطرح‌شدن تمدن‌سازی نوین اسلامی و مباحث الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در بخش دفاعی و امنیت، ضرورت اندیشیدن به هر یک از پارادایم‌ها و مکاتب سیاست‌گذاری دفاعی را دوچندان کرده است.





این کار، ضمن تدقیق نگاه پارادایمی غرب و برجسته کردن نگاه‌های چندگانه و تأثیر آنها بر مکاتب و نظریه سیاست‌گذاری دفاعی در حوزه نظری و عملی، امکان بدیل‌اندیشی را برای ما میسر می‌کند؛ زیرا شیوه‌های مختلف نگاه کردن به جهان (پارادایم‌ها) موجب پیدایش دانش‌های گوناگون می‌شود؛ نگاه‌های مختلف (پارادایم‌ها) با مفاهیم و نظریه‌های خاص خود پیوند می‌خورند. آگاهی از نگاه‌های مختلف از آن جهت اهمیت دارد که اولاً به ما در درک پیچیدگی‌ها، عدم قطعیت و درک تقاضاهای متناقض کمک می‌کند. ثانیاً تسهیل در مورد کنش اخلاقی (Ethical action) و انجام عمل مسئولانه را فراهم می‌کند؛ زیرا هنگام استفاده از آنها از پیش فرض‌ها و ارزش‌های زیربنایی نظریه و عملتان آگاه می‌شوید و اساس کنش‌ها را بهتر درک می‌کنید و ما را بر آن می‌دارد بارکش و پیرو صرف نظریه‌ها و مکاتب سیاست‌گذاری دفاعی نباشیم. بنابراین سیاست دفاعی چیست؟ با توسل به چه چارچوب و مبانی فکری به سیاست‌گذاری دفاعی اقدام می‌شود؟ مرجع سیاست‌گذاری دفاعی چیست؟ نظریات پایه آن کدام‌اند؟

۲. سؤال‌های پژوهش

۱-۲. سؤال اصلی

۱. طبقه‌بندی پارادایم‌ها و مکاتب سیاست‌گذاری دفاعی کدام‌اند؟

۲-۲. سؤال‌های فرعی

۲. نظریه‌های پایه پارادایمی آنها کدام‌اند؟

۳. نگاه پارادایمی آنها به سیاست‌گذاری دفاعی چیست؟

۳. روش‌شناسی پژوهش

در این پژوهش از راهبرد کیفی استفاده شده است و از نظر روش «تحلیل طبقه‌بندی مبتنی بر روابط معناسازی» بهره برده شده است. تحلیل مبتنی بر روابط معناساختی دربردارنده مفهوم پیچیده و تکامل یافته دسته‌بندی (طبقه‌بندی) است. دسته‌بندی (تمایز و ایجاد روابط عمودی و افقی) یکی از



مهم‌ترین فرایندهای زندگی ماست. طبقه‌بندی نه‌تنها در آمار و ریاضیات بلکه در مفهوم‌سازی زبان و گفتار می‌تواند مبنا قرار گیرد. طبقه‌بندی در مفهوم ابتدایی خود، به معنای انتظام -از بیرون- و تنظیم -از درون- اعضای مشابه در طبقات و گروه‌های متفاوت است. در طبقه‌بندی ما به صورت پیشینی، مفاهیمی را فرض نموده‌ایم که بر آن اساس برخی ویژگی‌ها را قابل توجه و برخی دیگر را غیرقابل اعتنا تلقی می‌کنیم و بر این اساس آنها را در یک طبقه یا طبقه‌های متفاوت قرار می‌دهیم. به زبان آماری ما در طبقه‌بندی به دنبال کاهش پراکندگی درون‌گروهی و افزایش تمایز بین گروه‌ها هستیم (لطیفی، ۱۳۸۸: ۷۲) تا از این طریق در این پژوهش ضمن دست‌یافتن به طبقه‌بندی نظریات پایه به طبقه‌بندی جامع و مانع از پارادایم‌ها و مکاتب سیاست‌گذاری دفاعی دست یابیم.

۴. یافته‌های پژوهش

۴-۱. پارادایم و مکتب

«نظریه» مجموعه‌ای از مفاهیم و روابط بین آنها برای تبیین پدیده مورد بررسی است. البته این تعریف نسبتاً مدرنیستی و اثبات‌گراست؛ زیرا نظریه ممکن است صرفاً تبیین علی ارائه ندهد، بلکه صرفاً توصیفی از رفتار پدیده را نشان دهد یا تبیین دلیلی به جای علی ارائه دهد» (هچ و کانلیف، ۱۳۸۹: ۲۶). (Cunliffe & Hatch، ۱۳۸۹: ۲۶). مقوله‌هایی که اجزای مهم ترکیب یک نظریه را تشکیل می‌دهند یا در ارتباط نزدیک با آن اجزا قرار دارند، عبارت‌اند از: قوانین، مفاهیم و پارادایم‌ها. «قوانین» الگوهای نظام حاکم در میان پدیده‌های خاص را بیان می‌کنند. آنها ممکن است برای پیش‌بینی و یا سایر مقاصد توصیفی به کار روند و بسیاری از مدل‌ها و الگوها که نظریه را تشکیل می‌دهند از قوانین رسمی یا تجربی به دست می‌آیند» (میرزایی اهرنجانی، ۱۳۸۶: ۷۸). «مفهوم» (Concept) اجزای اصلی ساختار نظریه‌اند و در نقش سنگ بناهای ساختار نظریه عمل می‌کنند و طبقه‌بندی ذهنی را برای نظم‌دهی (Sorting)، سازمان‌دهی (Organizing) و ذخیره‌سازی (Storing) تجربه فراهم می‌سازد و از طریق فرایند انتزاعی‌سازی شکل می‌گیرند» (هچ و کانلیف، ۱۳۸۹: ۳۱). مفهوم بعدی که در ارتباط بسیار نزدیک با نظریه قرار دارد، مقوله «پارادایم» است. توماس کوهن (Thomas Kuhn) در کتاب معروفش به نام ساختارهای انقلاب‌های علمی نظریه «پارادایم» را ارائه داد. کوهن از مفهوم

پارادایم استفاده و نظریه جدیدی را مطرح کرد که در آن به جای اینکه پیشرفت‌های علمی را حاصل انباشت صرف تلاش‌های علمی بدانند، بر انقلاب‌های علمی تأکید می‌کند که این انقلاب‌ها در مقاطعی روی می‌دهند و نقاط عطفی را در پیشرفت‌های علمی به وجود می‌آورند. توماس کوهن فرض می‌کند که میان آن نقاط عطف انقلابی و فعالیت‌های علمی یک حالت «طبیعی» وجود دارد که در آن عاملان فعالیت‌های علمی به جنبه‌های فنی و «راه‌حل مسئله» (Solution-Problem) متمرکز می‌شوند؛ در حالی که آنها در چارچوب بینش وسیع‌تری که همان «پارادایم» است، عمل می‌کنند، بدون آنکه متعرض آن حالت شوند یا آن بینش را که از انبوهی از ارزش‌ها و بصیرت‌های آن بینش تشکیل شده، به طور جدی نقد کنند. به عبارتی دانشمندان و محققان که عهده‌دار فعالیت‌ها و تلاش‌ها و پیشرفت‌های علمی اند، خود تابع چارچوب وسیع‌تری از بینش خاص قرار می‌گیرند. در تحولات و حوادث تاریخی-اجتماعی هر دوره و مقطعی، یکی از این بینش‌ها (پارادایم‌ها) بر بقیه بینش‌ها غلبه و حاکمیت پیدا می‌کند.

اما کوهن برای متناسب کردن تعریف کلی خود از پارادایم با نیازهای عملیاتی حوزه‌های گوناگون علمی، تعاریفی را انتخاب می‌کند که به آسانی با هم تطابق ندارند. خانم مسترمن (Masterman) در نقدی نشان داد که کوهن در کتاب معروفش واژه «پارادایم» را در ۲۱ معنای متفاوت به کار برده است. خانم مسترمن نشان می‌دهد ۲۱ معنای متفاوت کوهن در سه مقوله اصلی، قابل طبقه‌بندی است. اولین مقوله طبقه متافیزیکی یا متاپارادایمی (Paradim Meta) است. در این طبقه پارادایم را در معانی مجموعه‌ای از معتقدات، اسطوره، یک تفکر موفق متافیزیکی، شیوه جدیدی از رؤیت، اصل هدایت‌گری که ادراک را جهت می‌دهد و جز اینها به کار برده است. در مقوله دوم و در معانی خلاف طبقه اول کوهن پارادایم را به مفهوم جامعه‌شناختی آن به کار برده است: «پارادایم» در این معنا یک موفقیت علمی پذیرفته‌شده در سطح جهانی است که شعاع مشروعیت پارادایم به غیر از نسل فعلی عاملان علمی، نسل‌های بعدی را نیز در بر می‌گیرد. بالاخره کوهن پارادایم را در معنای بسیار باریک‌تر و محدودتر نیز به کار می‌برد. در آن معنا پارادایم تا حد یک ابزار پایین آمده است؛ زیرا او پارادایم را گاهی به معنای صرف «روش حل معما» و «ابزار پژوهش» نیز به کار برده است. «مسترمن» معنای اخیر را با عبارت «پارادایم برساخته» بیان می‌کند. از سه مقوله‌ای که کوهن پارادایم



را به کار برده است، معنای جامعه‌شناختی آن نزدیک‌ترین و مرتبط‌ترین معنا به مقاصد این نوشتار است. البته این بدان معنا نیست که معانی دو طبقه یا دو مقوله دیگر (متافیزیکی و برساخته) مهم نیستند، بلکه در چارچوب معنای جامعه‌شناختی پارادایم، ماهیت رابطه بین نظریه و پارادایم دقیق‌تر و مفیدتر روشن می‌شود؛ در حالی که «پارادایم‌ها» و پارادایم‌های به معنای جامعه‌شناختی کلی‌تر و وسیع‌تر از نظریه‌اند و شرایط محدودکننده، پیدایش نظریه را فراهم می‌نمایند. «پارادایم‌های برساخته» که به منظور حل معما ایجاد می‌شوند، مسلماً جزئی‌تر و محدودتر از نظریه‌اند. پارادایم در این سطح چیزی بیش از یک روش پژوهش نیست و عاری از هر نوع محتوای نظری، تعمیم‌یافته است و به عنوان یک وسیله در فرایند توسعه چنان محتواهایی به کار گرفته می‌شود. این نوع «پارادایم»‌ها به منزله یک یا چند قلم از دستورالعمل‌های تحقیق محسوب می‌شوند و برای فعالیت‌های علمی معمولی و عادی به کار می‌روند (میرزایی اهرنجان، ۱۳۸۶: ۸۰-۸۴).

۴-۲. پارادایم‌ها و مکاتب سیاست‌گذاری دفاعی

در اینجا ابتدا پارادایم در سطح کلان آن مطرح می‌شود و سطح نازل‌تر آن به عنوان یک «برساخته» در مکاتب سیاست دفاعی مطرح شده است که شامل مکاتب رئالیسم و نئورئالیسم، مکتب کپنهاگ و مکتب انتقادی و پاریس است. در جدول (۲) با توجه به معیارها به بررسی این مکاتب می‌پردازیم. به طور کلی چارچوب‌های نظری، مدل‌ها و الگوهای هر مکتب با تأکید بر صاحب‌نظران مطرح شده است و هر یک از این مکاتب با معیارهای جدول مورد بررسی قرار گرفته است. حرکت ما نه به سمت دلالت‌های نظریه‌ای، مدل‌ها و الگوهای این مکاتب است، بلکه به سمت نظریه‌های پایه، عناصر پارادایمی و مبنای این مکاتب، به منظور شناخت بهتر این مکاتب است. در سطح نازل‌تر (مکاتب) پارادایم یک تصور بنیادی و اساسی از «پدیده مورد بررسی» است. در این تعریف کمتر توجهی به بیان مدل، مثال و مصداق خارجی است؛ بلکه منظور تصور، دیدگاه و تأمل کلی و بنیادی نسبت به «پدیده مورد بررسی» است. حال اگر علم مورد نظر ما «سیاست‌گذاری دفاعی» بوده است، پارادایم، در یک نگاه کلی، عبارت است از تصورات بنیادی و اساسی از موضوع سیاست و سیاست‌گذاری دفاعی. با فرض تعریف «تصور بنیادی از موضوع»



مباحث، سیاست و سیاست‌گذاری دفاعی دربردارنده تنوع و چندگانگی خواهد بود. علت این تنوع به گوناگونی در موضوع‌های مطرح‌شده در خصوص سیاست دفاعی، در طول تاریخ برمی‌گردد. بنابراین در این سطح نازل‌تر تصور واحد از موضوعات سیاست دفاعی وجود نداشته، بلکه تصورات گوناگون و چه‌بسا معارض با یکدیگر مطرح بوده‌اند. اما این تعریف نازل‌تر به «مثال‌واره» (Exemplar) نمی‌انجامد تا هزاران نوع مثال‌واره در سیاست دفاعی مد نظر قرار گیرد. در این تصور پارادایم‌های مطرح‌شده به مکاتب نزدیک می‌شوند؛ یعنی حوزه تفکر یا گرایش‌های فکری مشابه و نزدیک به هم که احیاناً یکدیگر را تحت تأثیر قرار می‌دهند. این گرایش‌های فکری مشابه و نزدیک، زمینه خاصی را برای تحقیق و تتبع و نظریه‌پردازی را فراهم می‌کنند و معمولاً هر مکتبی حول یک اندیشه اصلی و به همت یک بنیان‌گذار تشکیل و پیروانش اصول و ضوابط و نحوه تفکر آن را دنبال می‌کنند (طالب، ۱۳۶۷: ۱۱).

در حالی که نظریه موقتی و محدود است، مکتب اصول کلی و مجموعه‌ای از نظریه‌ها را در بر دارد. این ویژگی کلی که می‌توان بر مبنای آن، اندیشه‌پردازان را در مجموعه بزرگ‌تری جای داد، می‌تواند تشکیل‌دهنده مکتب باشد. «مکتب می‌تواند نسبت به نظریه تقدم و تأخر داشته باشد؛ یعنی گاهی از درون مجموعه‌ای از نظریات، مکتب استخراج می‌شود و گاه بر اساس نظریاتی ارائه می‌شود» (پاپلی یزدی و ابراهیمی، ۱۳۸۶: ۱۵).

در این راستا ابتدا لازم است برای روشن‌شدن بحث هر یک از معیارهای جدول برای تقسیم‌بندی پارادایم‌ها و مکاتب توضیح داده شود.

هر پارادایم به سه سؤال بنیادی زیر پاسخ می‌دهد:

هستی‌شناسی: شکل و ماهیت واقعیت چیست و چه چیزهایی درباره آن باید دانسته شود؟

شناخت‌شناسی: ماهیت رابطه بین پژوهشگر و واقعیت چیست؟

روش‌شناسی: پژوهشگر چگونه می‌تواند واقعیت را درک کند؟

البته پارادایم‌ها با عناصر دیگری همچون ارزش‌شناسی، انسان‌شناسی و فن بلاغت نیز شناخته می‌شوند (نیومن (Neuman)، ۱۳۸۹: ۶۶). بنابراین پارادایم‌ها سازه‌های انسانی و ادعاهای دانشی بوده و نگاه ما را شکل می‌دهند.

جدول شماره ۱: انواع پارادایم‌ها و مکاتب سیاست‌گذاری دفاعی (منبع: محققان)

پارادایم	عناصر پارادایمی	نظریات پایه پارادایم	پارادایم امنیتی متناظر (مکاتب)
مدرن	هستی‌شناسی (Ontology): عینی‌گرایی، باور به واقعیتی خارجی و عینی که وجودش مستقل از دانش ماست. شناخت‌شناسی (Epistemology): اثبات‌گرایی، حقیقت را از طریق مفهوم‌سازی معتبر و اندازه‌گیری پایا آزمون می‌کنیم. روش‌شناسی (Methodology): صورت‌بندی فرضیات، گردآوری داده‌ها و پی‌بردن به روابط آنها.	نظریه عمومی سیستم‌ها نظریه سیستم‌های فنی-اجتماعی (Social) Technical Systems (Theory) (سخت و نرم)	رنالیسم و نئورنالیسم
نمادین و تفسیری	هستی‌شناسی: ذهن‌گرایی، واقعیت مستقل از انسان‌ها نیست و به صورت اجتماعی ساخته می‌شود. شناخت‌شناسی: تفهیمی، تعامل بین پژوهشگر و موضوعات و از طریق توافق بر سر تفسیرهای چندگانه. روش‌شناسی: تفسیرهای مختلف الگوی مورد توافق را شکل می‌دهد.	نظریه ساخت اجتماعی نظریه معنابخشی و وضع واقعیت نهادگرایی انعکاس‌گری	مکتب کپنهاگ
پست‌مدرنیست	هستی‌شناسی: واقعیت یک پدیده اجتماعی چندبعدی و چیزی است که	نظریه انتقادی زبان و بازی زبانی	مکتب انتقادی مکتب پاریس

پارادایم	عناصر پارادایمی	نظریات پایه پارادایم	پارادایم امنیتی متناظر (مکاتب)
	از آن سخن گفته می‌شود که در لایه‌های زبان و گفتمان نهفته است. شناخت‌شناسی: هیچ واقعییتی نیست و دانش نوعی بازی قدرت است. روش‌شناسی: چگونگی افشای روابط قدرت و افشای افراد سرکوب‌شده.	روایت بلند و اعطای صدا گفتمان و اعمال گفتمانی شالوده‌شکنی و تفاوت صور خیالی و تصور خیالی از واقعیت فمینیسم	

پارادایم‌های و مکاتب سیاست‌گذاری را می‌توان بر اساس معیارهای مختلف دیگری نیز تقسیم‌بندی کرد. یکی از این معیارها مکان‌پیدایش و تکامل این پارادایم‌ها و مکاتب است و دیگری تقسیم‌بندی‌های مورد اجماع در نحله‌های فکری، علمی و دانشگاهی در غرب است؛ برای مثال از حیث مکان، آمریکا را باید مبدأ پیدایش برخی پارادایم‌ها و مکاتب دانست؛ از این رو می‌توان از پارادایم آمریکایی و در مقابل آن پارادایم اروپایی که بیشتر در نقد پارادایم آمریکایی هویت یافته‌اند، نام برد. پارادایم آمریکایی بر محور ایدئولوژی‌های لیبرالی، نتولیبرالی و محافظه‌کاری و در نام‌گذاری رئالیسم و انواع آن، سازه‌گرایی، نظریه نظم جهانی سازمان یافته‌اند. «اگر بخواهیم پارادایم‌های آمریکایی را روی برداری نشان دهیم، می‌توان گفت واقع‌گرایی شامل واقع‌گرایی هجومی (Offensive Realism) و واقع‌گرایی دفاعی (Defensive Realism) و در مرکز و واقع‌گرایی پساکلاسیک (Post-classical Realism) در حاشیه این مرکز قرار می‌گیرد. سازه‌گرایی (Constructivism)، نظریه نظم جهانی (World System Theory) در میانه واقع می‌شود که با ایدئولوژی نئو محافظه‌کاران و لیبرالیسم سنتی نزدیک است» (قیصری، ۱۳۹۳: ۸۳۳).

اما پارادایم غالب در تفکر دفاعی آمریکا را باید رئالیسم قدرت‌محور دانست (خانه‌کشی و مشهدی اسماعیل، ۱۳۸۷: ۴). پارادایم‌های اروپا شامل پارادایم سنتی (واقع‌گرایی)، انتقادی، مکتب کپنهاگ و مکتب پاریس است. در حاشیه این مباحث پارادایم پست مدرنیستی و فمینیستی قرار دارد. «این پارادایم‌ها به نوعی متأثر از ایدئولوژی محافظه‌کارانه انگلیسی، لیبرالیسم و پست مدرنیسم فرانسوی و ایدئولوژی مارکسیستی پدیدار شده‌اند. اما همه پارادایم‌های بالا در خصوص ادعای دانشی، صورت‌بندی‌های نظری و روش‌های پژوهش متفاوت هستند، اما بنیان‌های ایدئولوژیک همه آنها ماتریالیستی است» (قیصری، ۱۳۹۳: ۸۳۴).

این پارادایم‌ها به لحاظ منشأ هستی‌شناختی از ایدئالیسم ذهن‌گرایانه و ماتریالیسم عقل‌گرایانه و معرفت‌شناسی بازتابی و پوزیتیویستی متأثرند (قیصری، ۱۳۹۳: ۸۳۶). در نتیجه رویکرد در تقسیم‌بندی این پارادایم‌ها و مکاتب نشئت گرفته از فلسفه علم یا فلسفه مضاف در غرب است. در این نوشتار، رویکرد دوم را انتخاب کرده‌ایم؛ زیرا این تقسیم‌بندی می‌تواند تمایزهای بهتر و کاربردی‌تری را جهت مقایسه نحله‌های مختلف فکری، چه در سطح پارادایمی و چه سطح مکاتب سیاست‌گذاری دفاعی برای «بررسی مبانی مکاتب (عناصر پارادایمی و نظریات پایه) و «نگاه مکاتب به سیاست و سیاست‌گذاری دفاعی» ایجاد نماید.

۴-۳. مدرنیسم: رئالیسم و نئورئالیسم

درک مفهوم رئالیسم با مفاهیمی همچون تجدد و مدرنیته، خردگرایی و عقل‌گرایی مرتبط است؛ مکتب رئالیسم زیر گفتمان مدرنیته است؛ بنابراین درک رئالیسم مستلزم درک مبانی نظری مدرنیته است. اساساً جریان تاریخ در دوره جدید متأثر از جریان تجدد و مدرنیته است. مدرنیته مفهومی پیچیده است. «مدرن همواره در تقابل با دو مفهوم کهنه و سنت قرار می‌گیرد و به معنای تازه و کهن به معنای گذشته است» (کانت (Kant)، ۱۳۷۶).

اصل مدرنیته به معنای همواره به پیش رفتن و در عین حال فراخواندن نو و کنار گذاشتن کهنه است. مدرنیته همان قدر به مفهوم باور به عقل وابسته است که به مفهوم «پیشرفت» در معنای عام و پیشرفت عقل انسانی در معنای خاص وابسته است. از این جهت مدرنیته به معنای رشد اقتصادی، افزایش

- شهرنشینی و پیشرفت فناوری هاست. مهم‌ترین محورهای مدرنیته را می‌توان به شرح ذیل برشمرد:
۱. مهم‌ترین محور مدرنیته شکل‌گیری «فرد» است. فرد چهره اصلی جهان مدرن محسوب می‌شود. به عبارت دیگر مدرنیته را می‌توان نظامی از اندیشه‌ها و ارزش‌هایی دانست که به پیدایش فردگرایی در جهان مدرن انجامیده است.
 ۲. با «کانت» عصر مدرنیته در فلسفه آغاز شد. کانت نخستین کسی است که جهان فیزیک را از متافیزیک جدا کرد. به تعریف او جهان فیزیک قابلیت مشاهده و تبیین علمی را داراست؛ در حالی که جهان متافیزیک خارج از ادراک و فهم ما قرار دارد.
 ۳. عقلانی‌سازی برآمده از فلسفه دکارت (عقل به جای کتاب مقدس) و فیزیک گالیله به قلمرو علوم انسانی همچون سیاست نیز گسترش یافت. با ظهور مدرنیته، جامعه سیاسی تدریجاً از همه قیود ماوراءالطبیعه رها می‌شود و دولت به مثابه نهادی مدرن مسئول و ضامن حفظ آزادی تولید و تداوم قراردادهای اجتماعی و سیاست‌گذاری می‌گردد.
 ۴. از دیگر محورهای مدرنیته، فناوری است که امکان سروری و مالکیت طبیعت را مهیا می‌کند. به قول ماکس وبر فناوری اوهام انسان را زایل و افسون قصه‌های کهن را از میان می‌برد.
 ۵. تغییر موضع انسان در جهان از محورهای مهم مدرنیته است. همان گونه که از زمان کوپرنیک زمین به دور خورشید می‌گردد، با دکارت نیز «سوژه مدرن» در مرکز کائنات قرار می‌گیرد و سرور و مالک طبیعت می‌شود (سو، ۱۳۷۸).
- در کیهان‌شناسی ارسطویی و بطلمیوسی زمین پدیده‌ای الهی بود؛ اما با کوپرنیک زمین به یکی از جرم‌های آسمانی تبدیل می‌شود. این گسست یا واژگونی کیهان‌شناختی بر شکل‌گیری تفکر مدرن سیاسی اثرات عمیقی به جا نهاد. از آن زمان اندیشه سیاست و سیاست‌گذاری کوشید پدیده‌های سیاسی را با مراجعه به نظم طبیعی بفهمد که فیزیک جدید، کشف کرده بود.
- بر این اساس جامعه‌ای را مدرن می‌خوانند که بنا بر قوانین انسانی اداره می‌شود نه بر اساس قوانین آسمانی؛ نظامش بر خردباوری و کنش عقلانی حساب شده در راستای دست‌یابی به هدف باشد، یعنی کنش‌های علمی و فناوریانه. «اندیشه مدرنیته را می‌توان در چند مفهوم اساسی خلاصه کرد:



۱. عقل‌گرایی
۲. اومانیسم
۳. لیبرالیسم
۴. فردگرایی
۵. آزادی
۶. برابری
۷. کارگزاری تاریخی انسان
۸. داعیه معرفت انسان
۹. اصل ترقی و پیشرفت بی‌حدوحصر

اینها اجزای پروژه انقلابی و بنیان‌برافکن تجدد را تشکیل می‌دهند. تجدد و مدرنیته متضمن نفی هر خصوصیت و تمایزی است که بتوان بر اساس آن درباره انسان داوری کرد» (بشپریه، ۱۳۷۸: ۴۴۷).

«پارادایم مدرنیست ریشه در روشنفکری فلسفه اروپا در قرن هفدهم و هیجدهم دارد که منتسب به "دکارت"، "لاک" و "کانت" است. روشنگری که به عنوان عصر خرد توصیف می‌شود و در پی جایگزینی علوم عقلی به جای فئودالیسم و موهوم‌پرستی بود و عقلانیت به انسان اجازه می‌دهد که محیط خود را از طریق دانش علمی و کاربرد آن از طریق ابزارهای فناورانه کنترل نماید و مبنای ایده پیشرفت بود؛ یعنی انسان مدرن بیشتر از انسان‌های باستانی می‌دانسته است؛ زیرا صاحب انواع دانش باستانی به اضافه برخی دانش‌های خاص خود است.

مدرنیست امروزی نیز از فیلسوف آلمانی "امانوئل کانت" الهام می‌گیرد؛ کسی که معتقد به نوعی از انسان بود که بر آرمان‌های عدالت و آزادی استوار است؛ نوعی از ایدئولوژی که بعدها برای توجیه استعمارگری استفاده شد؛ زیرا چنین گفته شد که منجر به بهبود جهان‌شمول شرایط انسان است» (مولانا، ۱۳۷۱). نظریه‌پردازان مدرنیست سیاست دفاعی معتقدند دانش کامل به معنای فهم کامل چگونگی و چرایی نحوه اقدام دولت‌ها در حوزه دفاع و امنیت است. چگونگی تأثیرات کارکردی سیاست دفاعی نیازمند فهم شرایط مختلف محیطی در سطوح مختلف است. به طور خاص از منظر مدرنیست سیاست دفاعی اثربخش فشارهای داخلی و خارجی را متوازن می‌نماید و قابلیت‌های دفاعی را شکل می‌دهد؛ کارایی و انطباق با تغییرات محیط امنیتی و دفاعی را افزایش می‌دهد؛ نظریه پایه سیستم‌ها بخش اعظم منطق زیربنایی مدرنیست امروزی را در رئالیسم و نئورئالیسم دفاعی شکل می‌دهند.



۴-۴. نظریات پایه رئالیسم سنتی و نئورئالیسم

نظریه عمومی سیستم‌ها (General Theory of Systems)

برای درک تفکر سیستمی در نظریه سیاست دفاعی، درک مفهوم یک سیستم ضروری است. سیستم چیزی است مرکب از بخش‌های مرتبط به هم که سیستم فرعی نامیده می‌شوند. هر بخش به عنوان عامل مؤثر بر بخش‌های دیگر تصور می‌شود و هر کدام بر کلیت پدیده وابسته‌اند. استفاده از واژه چیز (Thing) نشان می‌دهد نظریه عمومی سیستم‌ها تا چه حد عمومی است. اشاره به بخش‌های «مرتبط به هم» در نظریه سیستم بر این نکته تأکید دارد که گرچه همه سیستم‌ها می‌توانند از لحاظ تحلیلی و بنا به اهداف مطالعه تجزیه شوند، ولی فلسفه وجودی آنها فقط می‌تواند زمانی شناسایی و تعیین شود که سیستم به عنوان یک «کل» دیده شود. ویژگی دیگر این است که سیستم‌ها به شدت قابل تفکیک‌اند؛ یعنی هر سیستم نوعی کار ویژه انجام می‌دهد و نوعی «تخصص‌گرایی» در آن وجود دارد. البته این تخصص‌گرایی نیازمند یکپارچگی و هماهنگی در سطح سیستم است (هچ و کانلیف، ۱۳۸۹: ۹۱).

بر این اساس بولدینگ، اقتصاددان آمریکایی، سلسله‌مراتب سیستم‌ها را از «ساده به پیچیده» مد نظر قرار دارد. وی تأکید می‌کند که باید به «سطح» سیستم‌ها در مطالعه آنها توجه داشت. البته صاحب‌نظران ویژگی‌های دیگری نیز برای سیستم قائل‌اند، همچون آنتروپی منفی، هم‌پایانی، انطباقی و تحولی بودن، مرزداشتن که همه این موارد سبب جهت‌دهی به تفکر دفاعی در طراحی و اجرای سیاست دفاعی تا به امروز بوده است و در پرتو این نظریه تهدید، آسیب و قابلیت معنا می‌یابد. در روابط داخلی و خارجی به منظور توازن و یکپارچگی اجزای داخلی سیستم - برای مثال در اینجا کشور - با محیط بیرونی خود - خارج از مرزها به طور مثال محیط منطقه‌ای یا بین‌الملل - تعریف و تبیین می‌شود. ویژگی آنتروپی مثبت و منفی در نظریات سیستم‌ها و سیستم‌های پویا برای درک معنای هرج‌ومرج و تحلیل محیط دفاعی به کار گرفته می‌شود.

۴-۵. رئالیسم سنتی

با آغاز جنگ جهانی دوم و بعد از آن نگاه قدرت‌محور رئالیستی در چارچوب نظریه سیستمی باعث شد عوامل تدوین و اجرای سیاست دفاعی با توجه به وابستگی‌های داخلی و خارجی دیده

شود. مفاهیمی همچون تهدید و فرصت در برابر نقاط قوت و ضعف، پيشران اندیشه دفاعی و امنیتی بوده است. سیاست دفاعی در تعامل و ارتباط این عوامل تعریف می‌شود. در رئالیسم سنتی «ماهیت دفاع» نشئت گرفته از طبیعت انسان است و تمایل او به کسب قدرت سرچشمه می‌گیرد که از مفروضات انسان‌شناسی «مورگنتای» مبنی بر عاقل بودن انسان است (گلدستین (Goldstein)، ۲۰۱۰: ۴۸۸) و اگر نگاه رئالیستی داشته باشیم، وضعیت ضعیف به لحاظ نظامی سبب پندار به تهدید و خطر را در سیاست دفاعی افزایش می‌دهد (لطفیان، ۱۳۹۰: ۱۷۵). بر اساس ایده واقع‌گرایان پویایی‌های شکل‌دهنده یا به عبارت دیگر ساختارهایی که اقدامات دولت را شکل می‌دهد، از خصلت هرج و مرج یا آنارشستی نشئت می‌گیرد. این ویژگی دولت‌ها را به کسب قدرت و الزامات ناشی از آن در تدوین سیاست دفاعی وادار می‌کند. در چنین فضایی هیچ دولتی از امنیت خود مطمئن نیست و از این رو به واقعیت بیرونی قدرت به شدت حساس‌اند و از هیچ گونه تلاشی برای دستیابی به موقعیت مطلوب از لحاظ قدرت دریغ نمی‌کنند (قیصری، ۱۳۹۳: ۸۳۹). در این پارادایم هدف مطالعات سیاستی انباشت دانش درباره قدرت نظامی است و سیاست دفاعی معطوف به امنیت دولت در برابر تهدید خارجی است (افتخاری، ۱۳۷۲: ۱۶). رئالیست‌ها تهدید را به عنوان واقعیت خارجی مد نظر قرار می‌دهند که تابع نابرابری قدرت‌هاست (لطفیان، ۱۳۹۰: ۱۷۵).

۴-۶. نئورئالیسم

رئالیسم سنتی و نئورئالیسم تصویری از مرزهای چندلایه سیستمی برای تدوین سیاست قائل‌اند. کشور، منطقه و نظام بین‌الملل (کرمی، ۱۳۸۰: ۵۱) که هر سطح دارای رابطه علت معلولی با سطح پایین‌تر و منشأ عدم قطعیت محیطی خارج از سیستم هر سطح است. حتی تجزیه و تحلیل برای سیاست دفاعی با توجه به این مرزبندی‌ها صورت می‌گیرد و از منظر موازنه عوامل داخلی و خارجی تهدید، آسیب، قابلیت‌ها و ضعف‌ها تحلیل و سیاست دفاعی را تئوریزه می‌کنند (خلیلی، ۱۳۸۵: ۴۷۰). دیدگاه نئورئالیست‌ها در چارچوب یک مدل سیستمی «نامتوازن‌تر» است و یک چارچوب جامع و کامل نیست و نئورئالیسم‌ها بیشتر بر ساختار بین‌الملل و قدرت‌های بزرگ در محیط دفاعی تأکید دارند. نسبت به عوامل داخلی نرم به‌ویژه هویت و جنگ شناختی حرف چندانی برای گفتن

ندارند (کرمی، ۱۳۸۰: ۵۲). اما در نئورئالیسم ماهیت دفاع نشئت گرفته از طبیعت انسان نیست بلکه از پویایی‌های ناشی از روابط بین دولت‌ها یا کنشگران اصلی شکل می‌گیرد. نظریه‌های کنت والتز سرآغاز این مکتب است. مفروضات انسان‌شناختی مورگنتا را که تأکید بر طبیعت انسان و تمایل به کسب قدرت انسان داشت، کنار نهاد. اقدامات دفاعی دولت از نگاه والتز برای ایجاد موازنه قوا در وضعیت هرج و مرج تدوین می‌گردد.

در این پارادایم نیز وجه غالب محیطی، هرج و مرج است. در نتیجه دولت‌ها همواره به دنبال افزایش قدرت خودند. بین نظام محیطی درونی و برونی و سیاست‌گذاری دفاعی رابطه علی وجود دارد. در این پارادایم نیز دولت‌ها، مرجع اصلی سیاست‌گذاری دفاعی‌اند و سیاست دفاعی در تلاش برای حل معضل قدرتمندسازی دولت‌هاست. هرج و مرج و عدم قطعیت محیط دفاعی پیچیده دولت‌ها را بر ائتلاف‌سازی در سیاست دفاعی برای افزایش قدرت و توان دفاعی سوق می‌دهد که به دلیل توجه به پیچیدگی‌های محیط امنیتی است و توجه آنها به ائتلاف‌سازی نه به دلیل سیاست‌های همکاری‌گونه است. اما این نظریات که به نئورئالیسم «والتری» مشهور است، معضل تئوریک دارد و برای سیاست دفاعی نظریه روشنی ارائه نمی‌دهد. در پاسخ به معضلات این نظریات اندیشه‌ورزی‌های جدیدی صورت گرفت و گرایش‌های واقع‌گرایی هجومی و دفاعی پا به عرصه گذاشتند (اسنایدر (Snyder)، ۲۰۱۱: ۶۷/ر. ک: قیصری، ۱۳۹۳: ۸۴۰). این دو نحله فکری نیز از هرج و مرج محیط بیرونی به‌ویژه نظام بین‌الملل برای نظریه‌پردازی آغاز می‌کنند؛ اما هر یک تبیینی متفاوت از سیاست دفاعی ارائه کرده، به نتایج متفاوتی نیز می‌رسند. از هر دو منظر آنچه اهمیت دارد و قابل بحث و بررسی است، عوامل سیاست داخلی و عواملی است که به نحوی ادراک و برداشت‌های دولت‌مردان اثر گذاشته، آنها را وادار به انتخاب‌هایی می‌کند که با منطق شرایط راهبردی که دولت با آن مواجه‌اند، متفاوت است (اسنایدر، ۲۰۱۱: ۶۸/ر. ک: قیصری، ۱۳۹۳: ۸۴۱).

بنیان‌گذاران رئالیست هجومی مانند جان مرشایمر (Jhon Mearsheimer) و فرید زکریا به افزایش قدرت نفوذ یک کشور در سایر کشورها معتقدند. از نظر آنها تلاش کشورها برای افزایش حداکثری قدرت از منطق حاکم بر رقابت ناشی می‌شود؛ منطقی که ایجاب می‌کند هر کشور از هیچ فرصتی برای گسترش نفوذ خود فروگذار نکند (مرشایمر، ۲۰۰۱: ۳۵). رئالیسم دفاعی حاصل کار افرادی



همچون استفن ون ایورا (Stephen Van Evera)، استفن والت (Stephen Walt) و جان اسنایدر است و به دنبال موازنه قوا و بازدارندگی به ویژه در موضوع هسته‌ای میان دولت‌ها یا سایر قدرت‌هاست. از نظر آنها هرج و مرج محیطی، منطق تشویق به تجاوز را ایجاد نمی‌کند، بلکه مشوق سیاست‌های خویشتن‌دارانه است. برای واقع‌گرایان دفاعی افکار عمومی به مثابه نیروی بازدارنده در مقابل نخبگان خودخواه در سیاست دفاعی عمل می‌نماید (لایبر (Lieber)، ۲۰۰۷: ۱۵۷). از نظر واقع‌گرایان هجومی اقدام هجومی دولت به امنیت می‌انجامد؛ در صورتی که واقع‌گرایان دفاعی آن را نمی‌پذیرند (اسنایدر، ۲۰۱۱: ۶۷. ر.ک: قیصری، ۱۳۹۳: ۸۴۱). از نظر هر دوی اینها مرجع اصلی سیاست دفاعی دولت است و متولی تجهیزات، فناوری، دانش و ابزارهای سیاست دفاعی است.

نظریات مکتب رئالیسم و نئورئالیسم از تأکید بر ماهیت خودخواهانه و ترسوی انسانی شروع و به ماهیت آشفته روابط بین‌الملل و موضوعاتی چون قدرت نظامی، دولت‌گرایی، وضع موجود و اجتناب‌ناپذیری منازعات کشیده می‌شود. این مکاتب تأکید دارند که دفاع باید به عنوان عرصه یا حوزه «سخت» منظور شود و در این راستا اقدامات فنی و راهبردی دولت را شامل می‌شود که هدف آنها بقاست.

این امر باعث شده است این مکاتب عمق نظری لازم را نیابند؛ زیرا به جای طرح پرسش‌های بنیادین در خصوص سیاست به مباحثه رویین، ناشی از جهان‌نگری و اعتقادات سیاسی، مشغول شده‌اند. در معنای رئالیستی و نئورئالیسمی، سیاست دفاعی که ناشی از ترس «هابزی» است، شایع و ناشی از ماهیت هرج و مرج موجود در محیط است و اقدامات تناقض‌آمیز را سبب می‌شود که دفاع از خود به زیان امنیت دیگران را تعقیب می‌کند (قیصری، ۱۳۹۳: ۸۳۹)؛ به این معنا که هر اقدام دولت در حوزه دفاع از طرف دولتی دیگر تهدید درک می‌شود و اقدامات تأمینی آنها در واکنش به تهدیدات تصویری، به اقدامات مشابه دیگر منجر می‌شود. نبود اطمینان عنصری مهم در تدوین سیاست دفاعی است و ترس و شک نسبت به اقدامات یکدیگر منجر به بروز جنگ و منازعه می‌گردد؛ آنچه همه تمهیدات برای گریز از آن است (کلینس، ۲۰۰۴: ۲۹/ ر.ک: قیصری، ۱۳۹۳: ۸۴۰). این موضوع باعث شده است واقع‌گرایی آمریکا از آغاز با چند تضاد اصلی دیگر نیز مواجه باشد و نتواند این تناقض‌ها را حل و فصل کند که شامل بدبینی واقع‌گرایانه در برابر خوش‌بینی لیبرالی، جهان‌گرایی



ایدئالیستی در برابر اخلاق نتیجه‌گرایی اقتضایی، انسان علمی در برابر سیاست قدرت و جایگاه نخبگان در برابر افکار عمومی است (اسنایدر، ۲۰۱۱: ۵۴/ر.ک: قیصری، ۱۳۹۳: ۸۳۹).
توجه ویژه این مکاتب به دولت به عنوان مرجع سیاست دفاعی، هواداران این مکاتب را از توجه جدی به مباحثی مانند فقر، خشونت‌ها نژادی و بلوکی و قاره‌ای و حتی جنسیتی باز داشته است. اما در جهان طبیعی «اکثریت‌های خاموش»، «مردمان فقیر» و «ضعفا» کنار گذاشته نمی‌شوند و سکوت در عالم به معنای نبود فیزیکی صدا نیست. این سکون، سکوتی سیاسی است و مستضعفان افرادی فاقد قدرت نیستند، بلکه افرادی هستند که به استضعاف کشیده شده‌اند. فقر ژنی ندارد که قابل کشف باشد، بلکه انتخاب‌های سیاسی است که برخی را فقیر کرده است (قیصری، ۱۳۹۳: ۸۵۲). جهان سیاست‌گذاری از طریق سیاست‌گذاران ساخته و پرداخته می‌شود؛ آنچه ما را وادار به ورود به پارادایم بعدی سیاست‌گذاری دفاعی می‌نماید.

۷-۴. نمادین - تفسیری (Symbolic - Interpretation): مکتب کپنهاگ

در پارادایم نمادین و تفسیری که گاه آن را سازه‌گرایی می‌نامند، سیاست دفاعی رابطه بین بازیگران است و بر ساخته‌شدن واقعیت‌های دفاعی و سیاست دفاعی تأکید دارد. در این راستا بر نقش ایده‌ها، ساخته‌شدن هویت‌ها، هنجارها و معانی نیز تأکید می‌شود؛ از آن به عنوان پارادایم «انگلیسی» نیز نام می‌برند؛ معرفت‌شناسی آن تفهیمی و تفسیری است و سیاست آن چیزی است که بین‌الذهانی ساخته می‌شود. دولت اجرا می‌کند یا تفسیری از اقدامات دفاعی دولت است. سوژه اصلی ساخت اجتماعی سیاست دفاعی و امور غیردفاعی (مدنی) است. معضلات دفاعی از طریق همگرایی و تعریف مجدد هویت جمعی و دفاعی قابل حل است. نمادگراها و تفسیریون با به‌چالش کشیدن موفقیت‌آمیز علم عینی (Objective Science) مدرنیسم، برای نخستین بار و ارائه راه‌کار جایگزین قابل قبول برای آن، نقش بسیار مهمی در سیر تطور تاریخ سیاست دفاعی دارند. منطق این نگاه بر این باور است که واقعیت امنیتی و دفاعی به موازاتی که افراد شروع به تعامل و مذاکره می‌کنند، تجربه خود را معنا می‌بخشند و این واقعیت‌ها به صورت اجتماعی ساخته می‌شوند. سیاست‌گذاری دفاعی در این پارادایم، چگونگی معنابخشی و ابلاغ معانی دفاعی و امنیتی را در وضعیت خاص مطالعه می‌کند؛

چون معنا (Meaning) درون تعاملات و نمادها و مصنوعات مستتر است و به وسیله افراد مختلف، متفاوت تفسیر می‌شود. در این پارادایم باید به تفاسیر چندگانه (Multiple Interpretations) و نقشی که بستر (Context) در شکل‌دهی تفسیر وضعیت‌ها و رویدادها دارد، پردازیم. این تفاسیر از سوی افرادی است که آنها را تجربه کرده‌اند یا ایفاکننده آن‌اند. در انجام این کار باید به طور خاص بر زبان حساس باشیم؛ زیرا از طریق زبان (هم‌کلامی و هم‌شکل‌های مکتوب) است که واقعیت را می‌سازیم، اصلاح می‌کنیم، معنا می‌بخشیم و انتقال می‌دهیم. پس این نگاه بر شعور متعارف (Common Sense) و فهم تجربه تأکید دارد و غالباً بر فهم‌ها و تفاسیر خود به موازات مطالعه سوژه، بازاندیشی (تأمل) می‌کند (هچ و کانلیف، ۱۳۸۶: ۹۹).

- چگونه تحلیل‌گران دفاعی از طریق تفاسیر سخنان، داستان‌ها، شاعران، نمادها، کنش‌ها، تعاملات روزانه و غیره معنای دفاع و سیاست دفاعی را خلق می‌کنند.
- چگونه افراد و گروه‌های مختلف معانی چندگانه از دفاع و سیاست دفاعی را تولید می‌کنند و آن را در درون بستر فرهنگی و فرهنگ دفاعی خود تفسیر می‌کنند.
- چگونه تفاسیر چندگانه افراد و خرده‌فرهنگ‌ها با ساخت اجتماعی از مقوله دفاع و سیاست دفاعی در هم می‌آمیزد.

در بخش بعد به چهار نظریه پایه آنها در مقوله دفاع و سیاست دفاعی می‌پردازیم؛ یعنی نظریه ساخت اجتماعی (Social Construction Theory)، نظریه وضع واقعیت (Enactment Theory)، نهادینه‌سازی (Institutionalization) و انعکاس‌گری (Reflexivity). نظریه ساخت اجتماعی واقعیت، رشته پیونددهنده این ایده‌هاست؛ زیرا همه نمادگرایان و تفسیریون می‌پذیرند که ما واقعیت اجتماعی را -که درون آن زندگی خود را حیات می‌بخشیم- می‌سازیم. از این چهار نظریه به نهادینه‌سازی به دلیل حجم نوشتار پرداخته نمی‌شود.

۴-۸. نظریات پایه مکتب کپنهاگ

الف) ساخت اجتماعی واقعیت

ساخت‌گرایان اجتماعی معتقدند واقعیت آن طور عینی نیست که گویی «شیء‌گونه» شده است

(به صورت اجتماعی به طریقی ساخته می‌شود که عینی به نظر می‌آید). این امر ثبات و بی‌ثباتی سیاست دفاعی را در دورن فهم ما تزریق می‌کند و بر پتانسیل تغییر امور دفاعی تأکید دارد. اگر دفاع و سیاست دفاعی ساخت اجتماعی اند، ثبات آنها با بازسازی مستمر خلق می‌شود و می‌توان آنها را تغییر داد. در عین حال گرایش انسان به تکرار رفتار گذشته در کنار ماهیت بین‌الذهانی پتانسیل تغییر را محدود می‌کند. متذکر این نکته نیز هست که انسان‌ها و جهان اجتماعی آنها به طریقی با هم تعامل می‌کنند که هم هویت فردی را و هم واقعیت تجربه‌شده را تولید می‌کنند. ساخت اجتماعی به شرح ذیل عمل می‌کند: برای پردازش ساخت اجتماعی سه عنصر وجود دارد: برون‌سازی (Externalization)، شیء‌گونه‌سازی (Objectification) و درونی‌سازی (Internalization). فعالیت اجتماعی انسان، جهان را می‌سازد و انسان‌ها در حین تعامل، معانی خود را هم به صورت واقعیات شخصی و هم مشترک برون‌سازی می‌کنند؛ یعنی به آن صبغه خارج از ذهن می‌دهند. این واقعیات‌ها که به صورت بین‌الذهانی ساخته می‌شوند، در تصور افرادی که آنها را برون‌سازی می‌کنند، شکل عینی می‌گیرند و شیء‌گونه می‌شوند. سپس اعضای جدید در این «بافتار معنا» جامعه‌پذیر می‌شوند؛ یعنی آنها را وادار می‌کند با درپیش گرفتن برخی نقش‌ها، «آن» و پذیرش «معانی آن» را درونی کنند. این ایده، عقبه عبارت مشهور گیرتز است که می‌گفت «انسان حیوانی است که در وب معانی که خود او ریسیده، گرفتار شده است» (هیچ و کانلیف، ۱۳۸۶: ۱۰۳).

ب) معنا بخشی و وضع واقعیت

معنا بخشی بر کشف حقیقت بنا نهاده نشده، بلکه بر نظم‌دهی تجاربمان -طوری که زندگی معنا پیدا کند- استوار است. البته ما معمولاً این نقشه معانی را به صورت فردی خلق نمی‌کنیم، بلکه میزانی خاص از توافق و همکاری اجتماعی (Agreement and Cooperation Social) وجود دارد. وایک آن را تجسم بخشی (Reification) نامید و با مفهوم شیء‌گونه‌سازی مترادف است. به موازاتی که انسان‌ها دفاع و سیاست دفاعی را وضع می‌کنند، با استفاده از ساخت واقعیت‌های حاصل از تجسم‌سازی و شیء‌گونه‌سازی، کنش‌های خود را نیز معنا می‌کنند (هیچ و کانلیف، ۱۳۸۶: ۱۰۵). برای نمونه محیط دفاعی یک کشور مستقل از افراد یک کشور یا بهتر بگوییم تحلیل‌گران دفاعی،



وجود ندارد؛ بلکه به موازاتی که اطلاعات را گردآوری و تحلیل می‌کنند، تصمیم‌ها را اتخاذ کرده، بر اساس تحلیل‌های خود دست به کنش می‌زنند. خودشان و سیاست دفاعی‌شان به صورت اجتماعی ساخته و بازسازی می‌شود. محیط عینی نیست که داده‌های را برای تحلیل فراهم می‌کند، بلکه این تحلیل آنهاست که ویژگی‌های امنیتی و دفاعی را به وجود می‌آورد تا آنها واکنش نشان دهند.

ج) انعکاس‌گرایی

بخشی از راه‌های اندیشیدن در قاموس ساخت‌گرایان اجتماعی و همین‌طور پست‌مدرنیست‌هاست. ساخت‌گرایان و همچنین شالوده‌شکنان این نکته را موشکافی می‌کنند که چگونه واقعیت‌های اجتماعی از طریق تعاملات معناسازی (Meaning-Producing Interaction) ما از جمله و به‌خصوص از طریق استفاده از زبان، ساخته می‌شود (هیچ و کانلیف، ۱۳۸۶: ۱۰۹). در این نگاه محفل‌های تفسیری (Interpretive Community) که تحلیل‌گر دفاعی عضوی از آن است، علائق خاص خود را دارند؛ اما با خودانعکاس‌گری به موازات دیگران که «پدیده مورد بررسی» را مشاهده می‌کنند، خود را نیز بررسی و مشاهده می‌کند. در خودانعکاس‌گری به این امر پی می‌برد که پیش‌فرض‌های زیربنایی من چیست و چگونه تحلیل و تدوین سیاست دفاعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد تا آنچه واقعیت پنداشته شده، به شرح‌های ناکامل و پیوسته مورد مذاکره تبدیل می‌شود.

۹-۴. مکتب کپنهاگ

یک مکتب برجسته نمادگرایان و تفسیریون که دارای اشتراکاتی با مکتب انتقادی پست‌مدرنیستی است، مکتب کپنهاگ است. ویور با گرایش سازه‌گرایی از نظریه‌پردازان این مکتب است (قیصری، ۱۳۹۳: ۸۴۴). در این نگاه فقط موضوع‌های راهبردی مربوط به دفاع نیست، بلکه موضوعات زندگی روزمره مردم نیز به دفاع و سیاست دفاعی وارد می‌شود. به جای رهیافت تک‌قطبی به رهیافت‌های بین‌رشته‌ای همچون انسان‌شناسی، قوم‌شناسی و جامعه‌شناسی به سیاست دفاعی راه می‌یابند و روابط بین بازیگران و زیست‌بوم نیز مد نظر قرار می‌گیرد (بوزان (Buzan) و همکاران، ۱۹۹۸: ۱). در این مکتب، سیاست‌های دفاعی نباید متخاصم باشند و مربوط به اموری هستند که با این نگاه قابل حل و





فصل‌اند. واقعیت دفاع با ساختاردهی اجتماعی و سیاسی تحریف شده است (تحلیل انتقادی). وضعیتی که در آن موضوع‌ها در گفتمان سیاست دفاعی قرار می‌گیرند، می‌توانند به گفتمان متعارف مدنی تبدیل شوند (ولکيسون (Wilkinson)، ۲۰۰۷: ۲۰). بنابراین پرسش اساسی این مکتب آن نیست که چگونه می‌توان سیاست دفاعی را تدوین نمود، بلکه این است که چه کسی و چرا و چگونه موضوعات معینی را به موضوع‌های دفاعی می‌کشاند؛ از این رو نقش تحلیل‌گر مسائل دفاعی مشاهده‌گری موضوعات دفاعی نیست. او موضوع‌های خاصی را در موضوع‌های دفاعی جاسازی می‌کند و پیش از آنکه تحلیل‌گر باشد، سیاسی و سیاست‌مدار است.

از جمله ادعاهای کلیدی و اصلی این مکتب آن است که قواعد، هنجارها، نهادهای اجتماعی و دولت‌ها جواز خشونت سیاسی‌اند؛ زیرا فضای حراست‌شده‌ای را برای اعمال رفتارهای غیرانسانی علیه افراد، بدون پیگیری و مجازات عاملان ایجاد می‌کنند (قیصری، ۱۳۹۳: ۸۵۰). تغییر مرجع امنیتی از دولت‌ها به افراد مهم‌ترین تغییری است که باید به صورت اجتماعی معناسازی و ساخته شود. این مکتب در پی آن است که مفهوم نویی از هویت ایجاد کند. در نظریات قبلی هویت در چارچوب وفاداری و تعلق به دولت ملّی تعریف می‌شد؛ اما در این مکتب شهروندی و وفاداری را فرای مرزهای ملّی تعریف می‌کند؛ مرزهایی چون «جنسیت» یا «ما مردمان» که ناشی از نگرشی جهان‌گرایانه و ورای ملّی‌گرایانه است و سیاست دفاعی را در راستای حقوق بشر تعریف می‌کند. اما باز این سؤال پیش می‌آید که حقوق بشر چه کسی؟ حقوق بشر غالب یا حقوق بشر محض یا محلی (اولاف و صارمی، ۱۳۸۶: ۹۹). این دوگانه «دفاع از دولت» یا «دفاع از جامعه» که اولی نگران حاکمیت و دومی نگران هویت است، از ابداعات این مکتب در عرصه سیاست‌گذاری دفاعی است. این مکتب بر منابع مختلف و متنوعی برای ساخت و معنابخشی به سیاست دفاعی تأکید دارد و امکان تأثیرگذاری بر شکل‌های غیرنظامی قدرت را نیز فراهم می‌کند.

در این رویکرد اگر هویت همکاری به جای رقابت و منازعه، مفهوم‌سازی و انضمام اجتماعی شود، هزینه تسلیحاتی نیز کاهش می‌یابد (هانسن (Hansen)، ۲۰۰۰: ۳۰۱) و سیاست دفاعی نیز همکارگونه است؛ یعنی ساخت اجتماعی «واقعیت‌های همکاری جویانه و اتلافی» که اثر آن را در شکل‌گیری اتحادیه اروپا می‌بینیم. اما می‌توانیم معناسازی و ساخت اجتماعی امنیتی از سوی نخبگان





قدرت محور نیز داشته باشیم تا سیاست دفاعی بسته‌تر و متخصص‌تری را در پیش گیریم. در این مکتب جامعه تجمعی از نهادهایی است که با احساس هویتی مشترک با هم ترکیب شده‌اند (نهادگرایی). بنابراین معناسازی دفاع به عنوان نظامی‌گری و بازی با جمع صفر، می‌تواند بامعناسازی جدید به بازی دیگری تغییر کند؛ یعنی کنش کلامی با رویکردی مثبت و غیرنظامی. تمایل به تغییر از سوی تحلیل‌گران و سیاست‌گذاران دفاعی می‌تواند در روابط بین‌الذهانی این معنا را ایجاد کند و این تفسیر را برای کنش گسترش دهد؛ برای مثال از نظر این نگاه ساخت اجتماعی هویت مشترک، پندار از تهدید را کاهش خواهد داد (لطفیان، ۱۳۹۰: ۱۷۵)؛ آنچه در اتحادیه اروپایی و سایر اتحادیه‌ها به عنوان واقعیتهایی ساخته و معناسازی شده است. مهم‌ترین نقد این نگاه، نسبی‌گرایی و تأکید بر نقش وضع‌کنندگی تحلیل‌گر است که این مکتب را به موضعی کشانده است که قادر نیست تعیین کند «دفاع واقعی» برای «مردم واقعی» و در «مکان واقعی» چیست.

۴-۱۰. پست‌مدرنیسم: مکتب انتقادی و پاریس

پست‌مدرنیست‌ها چنان ایده‌های متعدد و متفاوتی در چننه دارند که یافتن نکات توافقی میان آنها دشوار است. با وجود این تمایل آنها برای به‌چالش کشیدن افکار مدرنیست در مورد واقعیت، دانش و هویت، به نظر مشترک می‌آید. پست‌مدرنیسم با هدف مخدوش کردن مدرنیسم، غالباً جهت‌گیری‌اش انتقادی به نظر می‌آید، اگرچه مضحک نیز می‌تواند باشد. پست‌مدرنیست‌ها معتقدند هیچ واقعیت قابل تعریف به صورت عینی وجود ندارد؛ هر آنچه من یا شما می‌دانیم، نسبت به لحظه تجربه ما از آن نسبی است؛ چون زبان هیچ گونه معنای ثابتی ندارد، هیچ گونه شرح دقیقی از جهان ما وجود ندارد و ما نمی‌توانیم گزاره قطعی در مورد آن یا خودمان بسازیم. نظریه پست‌مدرن از دو مأخذ اصلی منبعث است. نخست نظریه انتقادی (Critical Theory) است که به وسیله دانش‌پژوهان مکتب فرانکفورت در آلمان پس از جنگ جهانی دوم توسعه یافت و دوم نهضت فراساختارگرا در فلسفه فرانسه که بعدها با نظریه نقد ادبی (Theory of Literary Criticism) به طور برجسته در ایالات متحده و بریتانیا گسترش یافت (هچ و کانلیف، ۱۳۸۹: ۱۱).



نظریات پایه مکتب انتقادی و پاریس

۱) نظریه انتقادی

نظریه انتقادی زاینده مکتب فرانکفورت است. این مکتب در مؤسسه پژوهش‌های اجتماعی در سال ۱۹۲۳ به عنوان مؤسسه‌ای وابسته به دانشگاه فرانکفورت آلمان برای مطالعه اندیشه مارکسیستی تأسیس شد (الوانی و دانایی فرد، ۱۳۸۱: ۱۵). بنابراین نظریه انتقادی ریشه در آثار کارل مارکس دارد و برای انجام پژوهش‌هایی ضروری است که گروه‌های سرکوب‌شده را از سرکوب آزاد کرد و بدان طریق، شرایط اجتماعی‌شان را تغییر داد (هابرمارس (Habermas)، ۱۳۷۸/ دیوتیاک و درمان، ۱۳۸۲). کاربرد نظریه انتقادی به همراه پارادایم تفسیر به نوعی هم‌افزایی منجر می‌شود؛ اما با مدرنیسم قربانی ندارند. این نظریه، پارادایم تفسیری را نیز به دلیل اینکه همه نظرها را به یک اندازه ارزش می‌دهد، مورد نقد قرار می‌دهد تا از علم و پژوهش برای تقویت گروه‌های اقلیت استفاده کند. پست‌مدرنیست به نظریه و علمی بها می‌دهد که برای تغییر جهان به نفع گروه‌های سرکوب‌شده به کار رود. واقعیت در این نظریه قابل درک فرض می‌شود؛ اما واقعیتی منعطف است و هاله‌ای از عوامل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و ... آن را احاطه کرده‌اند و سپس آن را درون مجموعه‌ای از ساختارها قرار داده‌اند که در زمان حال به شکلی نامناسب، عنوان واقعیت به خود گرفته است؛ واقعیتی که طبیعی و لایتغیر قلمداد می‌شود (دانایی فرد و همکاران، ۱۳۸۳). بنابراین نظریه انتقادی مدعی است جهان پدیده‌ای پیچیده است که از طریق ساختارهای آشکار و پنهان قدرت، سازمان یافته است. صاحبان قدرت واقعیت‌ها را می‌سازند و گروه‌های اقلیت نقشی در ساخت این واقعیات ندارند. بنابراین هاله‌هایی از قدرت اطراف واقعیات را احاطه کرده است و این واقعیات‌ها، واقعی نیستند. جهان اجتماعی مجموعه‌ای هماهنگ از افراد و نهادهای صاحب قدرت تصور می‌شود که برای حفظ وضع موجود و متعاقباً جایگاه قدرتشان تلاش می‌کنند (استف و جیمز (Grimes & Steffy)، ۱۹۸۶/ ر.ک: دانایی فرد، ۱۳۸۶: ۹۹).

۲) زبان و بازی‌های زبانی

نظریه‌پردازان نقد ادبی فراساختارگرا به این باور مدرنیسم که الگوی قابل تشخیص زیربنای همه سیستم‌ها هستند و رفتار آن را تعیین می‌کنند، حمله‌ور شدند. فراساختارگراها بر اساس نظریه علائم

(Theory of Signs) که به وسیله فردیناند دی سوسور زبان‌شناس بنا شد، این باور مدرنیسم را که زبان آینه انعکاس واقعیت است، زیر سؤال بردند؛ نظری که تا به امروز نیز غالب است. این نظریه می‌گوید علت اطلاق نام‌های خاص به چیزهای خاص آن است که برخی حلقه‌های پیوندی بین کلمه و چیز وجود دارد که از طریق مطالعه تاریخچه زبان بازیابی می‌شود. در عوض سوسور بیان می‌کند که معنای یک کلمه به وسیله چیز یا مفهوم بازنمایی آن تعیین نمی‌شود؛ بلکه از طریق موضع آن درون زبان یعنی از طریق رابطه‌اش با دیگر کلمات تعیین می‌شود. به گفته سوسور زبان سیستمی از علائم (System of Signs) -نظیر حرف و کلمات- است و همه علائم دو بخش دارند: دال (تلفظ=Signifier) و مدلول (Signified) (مفهومی که به دال اشاره می‌کند). در نظریه سوسور رابطه بین دال و مدلول اختیاری است؛ زیرا هیچ رابطه طبیعی و ضروری بین یک کلمه و یک مفهوم وجود ندارد؛ برای مثال دامنه وسیعی از دال‌ها برای پرنده در زبان‌های مختلف وجود دارد (هیچ و کانلیف، ۱۳۸۹: ۱۱۵).

تعدادی از فراساختارگرایان و پست‌مدرنیست‌ها ایده سوسور را از ماهیت اختیاری علائم، دست‌مایه خود قرار داده و مدعی شدند زبان، ساخت هر واقعیتی را که کلمات می‌توانند تولید کنند -از جمله امر محال و توهم) میسر می‌کند؛ همچنین به زعم وی استفاده از زبان و دیگر علائم برای ساخت معنا، خاص یک محفل (اجتماع) است. جوامع خاص، سیستم علائم خاص خود را دارند؛ برای مثال کلمه دفاع و سیاست دفاعی در فضای فرهنگی، اقتصادی و ... معنای متفاوتی دارد. ایده محافل معنا (Communities of Meaning) به اندیشه لودیگ ویتگنشتاین، فیلسوف آلمانی، در باب بازی زبانی مرتبط می‌شود. دقیقاً همان طور که بازی مثل فوتبال قواعد خاص خود را دارد، زبان نیز دارد که از طریق آن کلمات در پیوند با قواعد مورد استفاده در جوامع خاص، معنای خاص به خود می‌گیرند. بر اساس بازی زبانی که با آن درگیر می‌شوید، نوع زبان مورد استفاده و چگونگی واکنش شما به گزاره‌ها متفاوت است. برای کسانی که به یک بازی زبانی پایبندند، دشوار است با بازی زبانی متفاوتی هم‌بازی شوند و سردرگمی فراوانی ایجاد می‌کند (هیچ و کانلیف، ۱۳۸۹: ۱۲۴).

۳) شالوده‌شکنی (Deconstruction)

به گفته دریدا، فیلسوف فراساختارگرای فرانسوی (متولد الجزایر) یک معنا نسبت به معنای دیگر نمی‌تواند صحیح‌تر باشد. شما فقط می‌توانید منتظر شکل‌گیری متن جدیدی باشید تا معنای دیگر ظاهر شود. رهنمود ضمنی نظریه دریدا آن است که با تغییر بستر محاط بر یک متن، شما می‌توانید معنای آن را تغییر دهید و این زیربنای عمل «شالوده‌شکنی» دریدا است. شالوده‌شکنی یکی از شیوه‌های قرائت و قرائت مجدد متون با استفاده از متون مختلف است. این کار به منظور بر ملا کردن بی‌ثباتی‌های بنیادی و تفاسیر چندگانه آنهاست. حقیقت و دانش به اندازه هر عنصر دیگر زبانی، بی‌ثبات‌اند. هدف شالوده‌شکنی متن، یافتن معنای غایی و بی‌بدیل نیست، بلکه آشکار کردن پیش‌فرض‌ها، تناقض‌ها و استثناءهاست.

۴) گفتمان و اعمال گفتمانی

فوکو به مطالعه سیر تطور تاریخ انتقاد ادبی، روان‌شناسی، روان‌تحلیلی، جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی، جرم‌شناسی، علم سیاست و اقتصاد پرداخت و نتیجه‌گیری کرد که جوامع مدرن غربی اختیار تعیین هنجارهای اجتماعی را به علوم انسانی تفویض کرده‌اند (فوکویاما (Fukuyama)، ۱۳۷۹). در فرایند طراحی و پاسخ به سؤال‌های که «چه چیزی طبیعی است؟»، فوکو معتقد بود علوم انسانی نوعی حلقه ارتباطی بین قدرت و دانش را ایجاد و حفظ می‌کند. به علاوه چون دانشی که این رشته‌های علمی-دانشگاهی را تولید می‌کنند، برای طبقه‌بندی و کنترل و در برخی موارد برای زندانی کردن اعضای کم‌قدرت جامعه استفاده می‌شود، دانش و قدرت یک چیزند و ما نباید آنها را به صورت مجزا یعنی «قدرت و دانش» ببینیم؛ بلکه باید آنها را به شکل «قدرت/دانش» تصور کنیم. قدرت/دانش از طریق اعمال گفتمانی اعمال می‌شوند و در گفتمان‌های بروز می‌کنند و نرمالیت‌ه (نرمال‌سازی رفتار) را نظم و نسق می‌دهند. از جمله اعمال گفتمانی زبان فنی (Jargon) است. آن طور که فوکو ترویج می‌کند، «گفتمان» اشاره به نوعی مد، اندیشیدن یا الگوی تفکر، مجموعه‌ای از اعمال فرهنگی یا نوعی چارچوب نهادی است که همیشه جزئی از نگاه یک گروه خاص را عرضه می‌کند (مورگان (Morgan)، ۲۰۰۱/ر.ک: هج و کانلیف، ۱۳۸۹: ۱۱۸). از دیدگاه فوکو گفتمان به

صورت تاریخی بر اساس روابط موجود قدرت، درون یک جامعه ساخته می‌شود و کسانی که قدرت را اعمال می‌کنند، اجازه می‌دهند چیزهای گفته، نوشته یا راجع به آنها اندیشیده شود؛ اما برخی چیزها را منع می‌کنند. رهنمودهای ضمنی متعددی از ایده‌های فوکو در باب گفتمان و اثرات اعمال گفتمانی وجود دارد. یکی از آنها این است که وقتی فردی به بخشی از یک گفتمان خاص تبدیل می‌شود، هویت آنها خنثی از ساختمان گفتمانی است که جزء آن‌اند. به عبارت دیگر آنچه به عنوان هویتان (خود) می‌پذیرید، صرفاً اثر شیوه استفاده محفل (جامعه) از زبان است. رهنمود ضمنی دیگر ایده فوکو آن است که تمرکز بر عناصر سرکوب‌شده یا مخفی‌شده، گفتمان موجود را تغییر خواهد داد و بدان طریق ساختن و نگهداری الگوهای تفکر جدید را سبب می‌شود (ویور (Wæver)، ۲۰۰۴).

۵) صورت خیالی و تصور خیالی از واقعیت

بودریار فیلسوف اجتماعی فرانسوی است که در کتاب صورت خیالی و تصور خیالی از واقعیت استدلال می‌کند چون تصویر (ذهنی) از مراحل گذر کرده است، صحبت کردن درباره آنچه واقعیت است را غیر ممکن می‌کند:

- انعکاس یک واقعیت بنیادی.
- پوشانیدن یا از حالت عادی خارج کردن یک واقعیت بنیادی.
- مخفی‌نگه‌داشتن عدم حضور یک واقعیت بنیادی.
- با هیچ واقعیتی رابطه ندارد و تصویر، صورت خیالی محض است (بیودی لارد، ۱۹۹۴: ۶/ ر.ک: هیچ و کانلیف، ۱۳۸۹: ۱۲۵).
- برای مثال وقتی دولت‌ها دست به تبلیغات یا عدم اشاعه اطلاعات می‌زنند، به نحوی مشابه، عدم حضور واقعیت را مخفی می‌کنند. ویژگی عصر پست مدرن این است که شبیه‌سازی‌ها تصاویر ذهنی و از آن طریق واقعیت را خلق می‌کنند. واقعیت موسوم به تلویزیون، فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی جعل‌های تولید می‌کنند که هیچ رابطه‌ای با واقعیت ندارد، بلکه صور خیالی از واقعیت‌اند؛ برای نمونه بودریار می‌گوید شهر بازی (دیزی‌لند) نماد صور خیالی آرمانی را در ذهن مخاطب و بازدیدکننده خلق و توصیف می‌کند و ارزش‌های



آمریکایی را خلق می‌کنند که هرگز وجود نداشته‌اند؛ اما مخاطب بعد از سال‌ها نیز زندانی این صور خیالی است.

۶) فمینیسم

نظریات فمینیستی طیف متنوعی از عقاید درباره نقش، موقعیت و هویت زنان به نسبت مردان را شامل می‌شود. فرض کلیه نظریات فمینیستی این است که روایت‌های مربوط به زنان، زبانی مردانه دارد. بنابراین تغییر وضعیت زن، جزء اهداف مشترک آنهاست، اگرچه رهیافت آنها به موضوع متفاوت است (قیصری، ۱۳۹۳: ۸۴۵). در مطالعات سیاست‌گذاری دفاعی، تلاش فمینیست‌ها این است که توجه را به موضوع جنسیت و روش‌های متفاوت اندیشیدن به آن در مفهوم‌سازی سیاست و پاسخ به معضلات دفاعی جلب کنند. از نظر آنها این موضوع‌ها ماهیت جنسیتی دارد.

فمینیست‌ها دارای گرایش مختلفی هستند و رهیافت آنها نیز به سیاست دفاعی متفاوت است:

- لیبرال فمینیسم: در این نگاه اصل ایده برابری است و بنابراین حضور زن در عرصه و فضاهای عمومی را بررسی و ارزیابی می‌کند. از نظر آنها وضعیت زن در فضاهای عمومی به لحاظ کمیت و کیفیت موقعیت‌های اشغال‌شده با مردان قابل مقایسه نیست. آنها با روش‌های تجربی و توسل به داده‌های کمی اثبات می‌کنند که در حوزه سیاست دفاعی نابرابری‌های جنسیتی وجود دارد؛ برای مثال نسبت مردان به زنان در ارتش و پرسش آنها این است که چرا وضعیت این گونه است و دیگر اینکه آیا می‌توان نابرابری‌ها را حذف کرد؟ موانع نابرابری چیست؟ پیشنهاد آنها ایجاد فرصت برابر مشارکت است. (ویت ورت، ۲۰۰۸: ۱۰۵/ر.ک: قیصری، ۱۳۹۳: ۸۴۵).

- رادیکال: در مقابل این جریان قرار دارد و به جای ایده برابری، تمایزها و تفاوت‌های جنسیتی را مبنای تحلیل موضوع قرار داده‌اند. از نظر آنها مرد و زن تمایزهای وجودی با هم دارند و این تفاوت‌های بیولوژیکی و جامعه‌پذیری در دو جنس باعث شده است که زنان ذاتاً متمایز باشند؛ برای مثال مردان کمتر قادر به ابراز احساسات‌اند و پرخاشگر و مهاجم‌اند و بیشتر به رقابت می‌اندیشند؛ در حالی که زنان بیشتر مشوق و حامی، کل‌نگر و کمتر انتزاعی‌اند. از





نظر آنها ساختار و سازمان جامعه مردسالارانه شکل گرفته و نحوه اندیشیدن به جهان را تحت تأثیر قرار داده است. تأکید آنها بر ورود زنان در عرصه جامعه از منظر برابری نیست، بلکه به خاطر تأثیری است که تفاوت‌های وجودی زنان بر تصمیمات عمومی نسبت به مردان دارد؛ موضوعاتی مانند جنگ و صلح و منازعات که به جای قهر و خشونت به همکاری و مدیریت مسائل مبدل می‌شود (ویت ورت، ۲۰۰۸: ۱۰۶/ر.ک: قیصری، ۱۳۹۳: ۸۴۶).

- فمینیسم انتقادی: به جای تأکید بر مرد و زن و تفاوت‌های آنها به مسائل شکل گرفته از این توجه حساس است؛ برای مثال درباره عقاید جنسیتی، مفروضاتی درباره الگوی رفتاری و نقش‌های مطلوب زنانه در محیط کار و خانواده رایج است. این اعتقادات باید واکاوی شود؛ زیرا حتی بر مردان اثر دارند؛ به‌ویژه مردانی که از حیث مشارکت اجتماعی و سیاسی در حاشیه و انزوا قرار گرفته‌اند. از نظر آنها لازم است این مفروضات در سطح گفتمانی و همچنین سطح و شرایط واقعی زندگی زن و مرد و زمان و مکان بازبینی شود (قیصری، ۱۳۹۳: ۸۴۶).

- فمینیسم پسااستعماری: معتقد است امپریالیسم یکی از نقاط عطف در پایدارسازی هویت مدرن در همه اشکال آن و از جمله در رابطه با جنسیت است. باینکه رابطه میان طبقه، نژاد و جنسیت توسط برخی فمینیست‌ها بررسی شده است، اما تصویری که اینها در ذهن دارند از آغاز در گرایش رادیکال و لیبرال است نه زنی که استعمار را تجربه کرده است. چنین زنی درک و رابطه‌ای متفاوت با سیاست دفاعی دارد (ویت ورت، ۲۰۰۸: ۱۰۶/ر.ک: قیصری، ۱۳۹۳: ۸۴۵) و هویت مقاومت، مبارزه و پایداری بخشی جدایی‌ناپذیر از هویت جنسیتی وی است.

- فمینیسم پست‌مدرن: به جهان‌شمول‌بودن تعاریف و به طور کلی مواضع نظری نسبت به جنسیت و زن و مرد انتقاد دارد. واسازی یا ساخت‌شکنی، راهبرد فمینیست‌های پست‌مدرن در این زمینه است؛ یعنی ساخت‌شکنی چیزهایی که بر اعتقاد مردانه شکل گرفته است. این راهبرد شامل بررسی، واسازی، رد و ابطال روابط خاصی است که به صورت طبیعی درآمده است.



در جمع‌بندی این پارادایم باید گفت جنسیت یکی از متغیرهای اصلی در نگرش فمینیستی به سیاست دفاعی است و از نظر آنها ابژه سیاست دفاعی باید «افراد» باشد؛ در حالی که پارادایم‌های ماقبل بر دولت‌محور و تولیدکننده برتری مردان در جهان استوار است و زنان در آن نقش و سهمی نداشته‌اند. این پارادایم بر ساخته‌شدن سیاست دفاعی از طریق جنسیت تأکید دارد. این امر نه تنها ماهیت سیاست دفاعی را متمایز می‌کند، بلکه در نقش و کارکردهای تحمیلی بر زنان به عنوان تصمیم‌گیرنده، مذاکره‌کننده، جاسوس یا قربانی بازنگری می‌شود؛ حتی نقش آنها در جنبش‌های مخالف جنگ و هواداری از صلح.

۴-۱۱. مکتب انتقادی

در پارادایم انتقادی، سیاست دفاعی زمانی مناسب است که بتواند «شدن تاریخی» را ایجاد کند؛ یعنی میزانی که سیاست دفاعی می‌تواند برای از بین بردن ناآگاهی و سوء ادراک عمل کند؛ میزانی که اقدام عملی برای تحول در ساختارهای موجود فراهم می‌کند. هدف تدوین سیاست دفاعی انتقادی انتقاد، تحول و تغییر ساختارهای اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اخلاقی و ... است که بشر را تحت فشار و استثمار قرار می‌دهد. سیاست‌گذار دفاعی نقش محرک و تسهیل‌گر برای رفتارهای همکاری‌جویانه و مذاکره‌گرایانه به خود می‌گیرد؛ زیرا موضع این پارادایم در ابتدا نسبت به همه امور پرسشی هستی‌شناختی و فرایندی است و تغییر در جهان را امری ضروری می‌داند (قیصری، ۱۳۹۳). در نگاه این مکتب گرایش‌ها و رفتارهای مختلف سیاست دفاعی، ریشه در نظریه‌های سیاسی دارد و صرفاً فنی و راهبردی نیست. البته تأکید بر این مفروض مبنی بر این نیست که پارادایم انتقادی در موضوعات فنی و راهبردی دفاعی، همچون تأسیس پایگاه‌های نظامی، مباحث موشکی و تأسیس پایگاه‌های نظامی چیزی برای گفتن ندارد؛ بلکه تأکید دارد در مطالعات سیاست دفاعی به پرسش‌های عمیق‌تر از موضوعات راهبردی و فنی می‌اندیشد؛ پرسش‌هایی که به سیاست و بنیان‌های آن مربوط می‌شود (بوث Booth)، (۲۰۰۷: ۱۵۸/ر.ک: قیصری، ۱۳۹۳: ۸۵۰)؛ پرسشی مانند اینکه آیا مرجعیت دولت برای دفاع به امنیت منجر می‌شود؟ یا خود دولت تأمین‌کننده امنیت است، مهم‌ترین عامل ناامنی است (دیسکایا Diskaya)، (۲۰۱۳/ر.ک: قیصری، ۱۳۹۳: ۸۵۳). سیاست

دفاعی نوعی تلاش رهایی‌بخش است. در نگاه انتقادی سیاست دفاعی در هستی‌شناسی رئالیسم تاریخی (Historical Realism) و واقعیتی که فرض می‌شود، قابل درک است؛ واقعیتی منعطف و در هاله‌ای از عوامل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اخلاقی و ... احاطه شده است و سپس آن را درون مجموعه‌ای از ساختارها قرار داده‌اند که در حال حاضر در شکلی نامناسب عنوان واقعیت را به خود گرفته است؛ یعنی واقعیتی که طبیعی و لایتنیغیر قلمداد می‌شود. ساختارها ظاهراً واقعیت‌اند، ولی در اصل واقعیتی مجازی و تاریخی‌اند (دانایی فرد و همکاران، ۱۳۸۳: ۳۷). برای مثال شناخت‌شناسی ذهنیت‌گرایی و تعاملی این مکتب سبب می‌شود تحلیل‌گر سیاست و پدیده مورد بررسی به طور تعاملی با هم پیوند داشته باشند و ارزش‌های تحلیل‌گر و سایرین بر پدیده مورد بررسی تأثیر می‌گذارد (میلر (Miller)، ۱۹۹۹ / دیلون (Dillon)، ۲۰۰۰ / دانایی فرد و همکاران، ۱۳۸۳: ۳۷) و بی‌تردید آنچه می‌تواند به‌واقع مورد شناخت قرار گیرد، حاصل عقلانیت ارتباطی و کنش متقابل است. روش‌شناسی آن گفت‌وگو و بحث دیالکتیکی است و گفت‌وگو باید ماهیتی دیالکتیکی داشته باشد تا از سوءبرداشت‌ها و غفلت‌ها جلوگیری کند؛ یعنی پذیرش تاریخی ساختارهای واسطه‌ای به عنوان واقعیتی مسلم و تغییرناپذیر تا گفت‌وگوها به نوعی آگاهی تبدیل شود (دانایی فرد و همکاران، ۱۳۸۳: ۳۷). رهنمون ضمنی آن این است که چگونه ساختار تغییر می‌کند و ممکن است تغییر داده شود و کنش‌های لازم برای تأثیرگذاری بر تغییر درک می‌شوند.

۴-۱۲. مکتب پاریس

دی‌دار بیگو و جف هویز مانز از نظریه‌پردازان برجسته این مکتب در سیاست‌گذاری‌اند. آموزه‌های این نگاه از جامعه‌شناسی فرانسوی به‌ویژه اندیشه فراساختارگرایانه متأثرند (قیصری، ۱۳۹۳: ۸۴۲) که نظریات پایه آنها مرور شد. در این مکتب برای درک معنای سیاست دفاعی، به جای تعریف آن، تحلیل مفهومی سیاست دفاعی رهگشاست؛ یعنی درک معنای سیاست دفاعی از خلال پرسش‌هایی که سیاست دفاعی را ایجاد می‌کند. ادراک ما از سیاست دفاعی به روابط ما با دیگران و طبیعت با خودمان بستگی دارد؛ از این رو سیاست دفاعی به بافتارهای معنایی و چارچوب‌های گسترده مرتبط می‌شود که ما شکل خاص حیات خود را از طریق آنها سازمان‌دهی می‌کنیم. در چنین

نگاهی، سیاست دفاعی به موضع و جایگاه بسیار متفاوت تغییر می‌یابد؛ موضعی که تابع زمینه و بافتار معنایی روزمره و جهان زیست ماست. سیاست دفاعی باید به عنوان «دالی غلیظ» (Thick Signifier) درک شود. هویز مانز به پیروی از سوسور معتقد است نشانه‌ها ترکیبی از دال‌ها یا کلمات اند و خود استقلال معنایی ندارند؛ بلکه معنای آنها در تمایز با سایر دال‌ها و در زنجیره‌ای از دال‌های به هم مرتبط شکل می‌گیرد و مشخص می‌شود؛ از این رو دال‌ها ابزارهای خنثی نیستند که بتوان برای بیان هر مقصودی از آنها استفاده کرد. سیاست دفاعی دالی است که به چیزی یا محتوایی ارجاع دارد که معنای آن در زنجیره‌ای از دال‌ها روشن می‌شود؛ برای نمونه «دفاع همه‌جانبه، سیاست دفاع ملّی ماست» که درک سیاست دفاعی در ارتباط با «دفاع»، «همه‌جانبه»، «ملّی» و «ما» و مدلول‌های آنها حاصل می‌شود.

از این رو درک سیاست دفاعی به عنوان اینکه تاریخی برای خود دارد و ناظر بر معنایی و بیان خاصی از روابط اجتماعی است، منسوخ می‌شود. تحلیل سیاست دفاعی به عنوان دالی غلیظ نه تنها تبیین‌کننده معناهای تهدیدات و مراجع سیاست‌گذاری دفاعی از طریق روایت سیاست دفاعی است، بلکه بیانگر روابط ما با دیگران، خودمان و طبیعت نیز است. دال هم وضعیت سیاست دفاعی را تصویر می‌کند و هم روابط اجتماعی را در درون روابط دفاعی سازمان می‌دهد. در این راستا «سیاست دال» است که اهمیت دارد نه تبیین درست یا غلط از آن. سیاست، دال افراد را در روابطشان با همدیگر، با طبیعت و سایر انسان‌ها در درون نظامی گفتمانی و نمادین خاصی قرار می‌دهد (قیصری، ۱۳۹۳: ۸۴۳). به عبارت دیگر در کنار چارچوب‌های مفهومی مربوط به تعریف سیاست دفاعی، معنای سیاست دفاعی، شکل خاصی از سازمان اجتماعی را ایجاد می‌کند. وجهه تمایز این نگاه در تعریف و تبیین سیاست دفاعی با نگاه رئالیستی این است که در رئالیسم، واقعیت خارجی فرض گرفته می‌شود، مثل تهدیدات خارجی و سیاست دفاعی به آن ارجاع داده می‌شود؛ اما در این نگاه، سیاست دفاعی خود ارجاع (Self-Referential) است؛ به جای ارجاع به یک واقعیت عینی خارجی، خود سیاست دفاعی را شکل می‌دهد و تصریح دال است که وضعیت دفاعی و بدون دفاع را تبیین می‌کند و هم به آن شکل می‌دهد. در این نگاه دستورالعمل مطالعات سیاست دفاعی، دغدغه‌های تبیینی صرف در مورد معنای سیاست دفاعی



شکل نمی‌دهد، بلکه هدف مطالعات سیاست دفاعی، تفسیر اقدامات دفاعی به منظور تفسیر معنای سیاست دفاعی است که بیانگر و همچنین سازمان‌دهنده سیاست دفاعی است. مطالعات سیاست دفاعی به جای اینکه ابزاری برای شناسایی تهدیدها و اتخاذ تمهیدات لازم باشد، کاوش معنای سیاست دفاعی یعنی آشکار ساختن اثر سیاسی، دال سیاستی است که اثر آن چیست و این دال چه می‌کند و چگونه به روابط اجتماعی نظم می‌دهد؟ از این رو ابعاد ذهنی، معنایی و هنجاری که در دیدگاه رئالیستی و اثبات‌گرایانه از ورود آن پرهیز می‌شود، نقش پررنگی دارند و میان سیاست‌گذاری دفاعی و معنای سیاست دفاعی، رابطه تنگاتنگی ایجاد می‌کنند و نظریه‌پردازان و تحلیل‌گران دفاعی تأثیر مستقیم در سیاست‌ها و خط‌مشی‌های دفاعی دارند. در این نگاه کلیه آژانس‌هایی که بر سیاست دفاعی اثرگذارند اعم از دولت، نهادهای غیردولتی و سایر آژانس‌ها که تأثیرگذارند به‌ویژه فرایندها و اقداماتی که خارج از گفتمان یا گفتمان رسمی است، مورد توجه نظریه‌پردازان و پژوهشگران این مکتب است. از نگاه نظریه‌پردازان این مکتب، سیاست دفاعی حوزه‌های داخلی و خارجی ندارد و کشورها در سیاست دفاعی اهمیت گذشته را ندارند و عرصه رقابت‌پذیری با آژانس‌هایی است که کارکردهای دفاعی دارند.

۵. بحث، نتیجه‌گیری و پیشنهادها

۵-۱. بحث

مکاتب سیاست‌گذاری دفاعی مجموعه‌ای از نظریات و رهیافت‌های تبیین‌کننده مفهوم سیاست دفاعی است که مبتنی بر بنیان‌های نظری و هستی‌شناسی، شناخت‌شناسی، روش‌شناسی، انسان‌شناسی و ارزش‌شناسی پارادایمی به مثابه ادعاهای دانشی اند. این پارادایم‌ها روایت‌های مختلفی از سیاست و سیاست‌گذاری دفاعی، ویژگی‌ها و مختصات آنها ارائه داده‌اند و زمینه و پایگاه سرزمینی و ایدئولوژیک متنوعی در مباحث سیاست و سیاست‌گذار دفاعی ایجاد نموده است. اما داوری در مورد اینکه کدام پارادایم و مکتب فارغ از نگرش مؤسسان و هواداری بر دیگری برتری دارد، آسان نیست. به دلیل پیچیدگی، چندلایه‌بودن و تنوع عوامل مؤثر در ایجاد سیاست و سیاست‌گذاری دفاعی، هیچ یک از پارادایم‌ها و مکاتب به رغم ادعا نتوانسته‌اند همه زوایای موضوع سیاست‌گذاری دفاعی را در بر گیرند و



نویدبخش وضعیتی رضایت‌آمیز باشند. از این رو غفلت و ناتوانی پارادایم‌ها و مکاتب آنها را با آنومی مواجه ساخته است و همواره عرصه را برای ظهور مکاتب و پارادایم‌ها جدید فراهم کرده است. پارادایم‌ها و مکاتب جدید تلاش‌های نظری و عملی را برای بازنمایی وجوه غفلت‌شده انجام داده‌اند و پارادایم‌ها و مکاتب جدید وجوه غفلت‌شده یا ناتوان از بازنمایی در پارادایم‌ها و مکاتب قبلی را برای خود هویت‌سازی کرده‌اند. تفاوت مکاتب و پارادایم‌ها به پیش‌فرض‌ها یا عناصر پارادایمی یا صرفاً به تفاوت‌های فلسفی ختم نمی‌شود؛ بلکه موضع‌های مختلف پارادایم‌ها و مکاتب پیامدهای ضمنی یا غیرضمنی را برای هدایت اقدام‌ها و بدیل‌های سیاست‌گذاری دفاعی به همراه دارد؛ برای مثال شبکه‌های اجتماعی، اگرچه به لحاظ ایجاد و توسعه در پارادایم رئالیستی و نئورئالیستی و نظریه پایه سیستم‌های اجتماعی و فنی قرار دارند؛ اما می‌توانند کارکردهای دیگری در پارادایم نمادین و تفسیری و مکتب کپنهاک داشته باشند و مقوله سیاست دفاعی را به دیگر عرصه‌ها و سطوح (فرد و خانواده) توسعه دهند. یا در رویکرد انتقادی و با رویکرد مثبت، شبکه‌های اجتماعی، تعامل و اقدامات همکاری‌جویانه را گسترش داده و مرجع دفاع و امنیت را از دولت‌ها به جوامع گسترش دهند. در نگاه پست‌مدرنیستی شبکه‌های اجتماعی می‌تواند کارکردهای محتوایی همچون «صور خیالی یک واقعیت» را برای دفاع داشته باشند و اقدامات و کنش‌های دفاعی و امنیتی را از سوی دولت‌ها و جوامع هدایت کنند؛ مانند آنچه در انقلاب‌های رنگی غرب علیه بلوک شرق شاهد آن بودیم یا آنچه در اعتراضات اخیر (سال‌های ۹۶، ۹۸ و ۱۴۰۱) در ایران رخ نمود و شبکه‌های اجتماعی باعث تعریف میدان‌های کنش جدید امنیتی در ایران شد. شهرهای متوسط - نه کوچک و نه کلان‌شهرها - با تکیه بر شبکه‌های اجتماعی به عنوان بافتارهای جدید برای امنیت داخلی ایران مطرح شدند.

۵-۲. نتیجه‌گیری

اما نظر دفت (Daft) باید به این نکته توجه داشت که پارادایم اغلب ادراک و آگاهی ما را محدود می‌کند. ما قادر به دیدن چیزی که با فرضیات بنیادی ما مطابقت ندارد، نیستیم؛ به تعبیری ساده، پارادایم تعیین می‌کند که در حوزه علمی خاص چه چیزی از طریق چه پرسش‌هایی بررسی شود و در تفسیر یافته‌ها چه قواعدی رعایت شود. شیوه‌های مختلف نگاه‌کردن به جهان موجب پیدایش دانش‌های



گوناگون می‌شوند. بدین ترتیب نگاه‌های مختلف با مفاهیم خاص خود گره خورده‌اند و مفاهیم و نظریه‌های یک نگاه ویژه ابزار اندیشیدن بارزی را به شما عرضه می‌کند (هچ و کانلیف، ۱۳۸۹: ۳۸). این نگاه‌های چندگانه، پارادایم‌های مختلفی هستند که به مدد آن ایده‌هایی در مورد پدیده مورد بررسی، خواهید داشت. این تفاوت‌های پارادایمی صرفاً علمی و دانشگاهی نیستند، بلکه جنبه عملی به خود می‌گیرند و نحوه عمل هر واحد اجتماعی را تعیین می‌کنند. اصولاً هیچ شکافی بین ایده و عمل وجود ندارد و هر عملی در چارچوب یک نظام فکری خاص قرار می‌گیرد. شناخت این نگاه‌های چندگانه به شناخت بهتر پدیده مورد بررسی - در اینجا سیاست دفاعی - کمک می‌کند؛ اما مواجهه با چنین نگاه‌های گوناگون و متناقض، ذهنی جست‌وجوگر برای درک می‌خواهد نه ذهنی جزءنگری و حمال نظریه، برای نمونه در خصوص رابطه شبکه‌های اجتماعی و امنیت. کارکرد شبکه‌های اجتماعی در پارادایم رئالیسم و نئورئالیسم بستر همسویی یا مخالف با یک پدید عینی امنیتی است. در مکتب کپنهاگ بستر ساخت و اجماع‌سازی یک پدیده امنیتی است و در مکتب انتقادی شبکه اجتماعی بستر سلطه‌سازی و تسلط روایت خاص از سوی شبکه‌های جهانی قدرت و ثروت است.

جدول شماره ۲: تقسیم‌بندی مکاتب سیاست‌گذاری دفاعی

مکاتب سیاست‌گذاری دفاعی	سیاست به مثابه	سیاست‌گذاری به مثابه	حوزه عملکرد سیاست دفاعی	کانون تمرکز (مرجع سیاست دفاعی)	محیط خارجی
رئالیسم و نئورئالیسم	تصمیمی واقعی و آگاهی بخش	فرایند تدوین موجودیت‌های واقعی شامل قوانین، شیوه‌ها و فنون هستند که باید به‌خوبی طراحی و اجرا شوند	ابتدا نظامی و اخیر سایر حوزه‌ای سخت و نرم	دولت	هرج و مرج و هرج و مرج کنترل‌شده





مکاتب سیاست‌گذاری دفاعی	سیاست به مثابه	سیاست‌گذاری به مثابه	حوزه عملکرد سیاست دفاعی	کانون تمرکز (مرجع سیاست دفاعی)	محیط خارجی
مکتب کپنهاگ	تصمیمی اجماع سازی شده	فرایندی که به طور پیوسته به وسیله اعضا از طریق تعامل نمادین، ساخته و بازسازی می‌شود.	جامعه؛ دفاع از اجتماع و هویت	هویت	آنچه به صورت بین‌الذهانی ساخته شده است.
مکتب انتقادی مکتب پاریس	تصمیمی پاره‌پاره و شالوده شکن	فرایندی برای وضع روابط قدرت، بی‌عقلی و تخریب است.	فرد؛ رهایی از سلطه	فرد و آژانس‌های دفاعی	ذاتاً منفی و مورد انتقاد

۳-۵. پیشنهادها

- با در نظر گرفتن این نگاه‌های چندگانه مکاتب سیاست‌گذاری دفاعی از پیش فرض‌های و ارزش‌های زیربنایی، نظریه و عمل‌تان آگاه می‌شوید و دلایل و اساس کنش دیگران را در سیاست دفاعی درک می‌کنید.
- این نگاه‌های چندگانه بدیل‌های سیاست‌گذاری دفاعی یعنی نحوه تجویز راه‌حل‌ها برای مسئله و معضلات دفاعی را گسترش می‌دهند و گزینه عدم اقدام یعنی غیردفاعی و امنیتی کردن هم می‌تواند یکی از گزینه‌ها باشد. این نگاه‌ها بدیل‌های هجومی و تدافعی دفاعی هر مرجع امنیتی اعم از فرد، جوامع و کشور را نیز افزایش می‌دهد.



۶. منابع

۶-۱. منابع فارسی

- افتخاری، اصغر (۱۳۸۲). روش‌شناسی اثباتی در مطالعات امنیتی. مطالعات راهبردی، ۶ (۱۹)، ۳-۹.
- اولاف، نادسن و صارمی شهاب، اصغر (۱۳۸۶). مطالعات امنیتی پساکپنهاگی: غیرامنیتی کردن امنیتی کردن. امنیت، ۹۳ (۳)، ۹۳-۱۱۶.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۸). جامعه‌شناسی تجدد. تهران: انتشارات نقد و نظر.
- بورادیو، پی‌یر (۱۳۸۷). گفتارهایی درباره ایستادگی در برابر نئولیبرالیسم. تهران: اختران، چ ۱.
- پاپلی یزدی، محمدحسین، و ابراهیمی، محمدامیر (۱۳۸۶). نظریه‌های توسعه روستایی. تهران: انتشارات سمت، چ ۳.
- جوهرچ، ماری، و آل کانلیف، آن (۱۳۸۹). نظریه سازمان: مدرن، نمادین-تفسیری و پست‌مدرن. ترجمه حسن دانایی‌فرد، تهران: مؤسسه کتاب مهربان نشر، چ ۱.
- خانه‌کشی، فرهاد، و مشهدی اسماعیل، ایرج (۱۳۸۷). جهت‌گیری سیاست دفاعی و امنیتی ایالات متحده آمریکا در مقابله با تهدیدات نامتقارن. مدیریت نظامی، (۳۲)، ۴۰-۱.
- خلیلی، رضا (۱۳۸۵). مطالعات پایه: تبارشناسی مطالعات امنیتی. مطالعات راهبردی، (۳۳)، ۴۹۰-۴۶۳.
- دانایی‌فرد، حسن (۱۳۸۶). پارادایم‌های رقیب در علم سازمان و مدیریت: رویکرد تطبیقی به هستی‌شناسی، شناخت‌شناسی و روش‌شناسی. دوماهنامه علمی-پژوهشی دانشگاه شاهد، ۱۴ (۲۶)، ۸۹-۱۰۴.
- دانایی‌فرد، حسن، الوانی، سیدمهدی، و آذر، عادل (۱۳۸۳). روش‌شناسی پژوهش کیفی در مدیریت: رویکردی جامع. تهران: انتشارات صفار.
- دیوتیاک، دی‌رد، و دردرمان، جیمز (۱۳۸۲). نظریه انتقادی و پست مدرنیسم. تهران: نشر نی.
- سو، آلورین (۱۳۷۸). تغییر اجتماعی و توسعه. ترجمه محمود حبیبی مظاهری، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، چ ۱.
- طالب، مهدی (۱۳۶۷). جنبه‌های جامعه‌شناختی از ترویج. ماهنامه جهاد، ۸ (۱۰۸).



فروزنده دهکردی، لطف‌الله، و وجدانی، فؤاد (۱۳۸۸). سیاست‌گذاری عمومی چیست؟ اطلاعات سیاسی اقتصادی، (۲۷۰).

فوکویاما، فرانسیس (۱۳۷۹). پایان نظم. ترجمه غلام‌عباس توسلی، تهران: انتشارات جامعه ایرانیان. قیصری، نوراله (۱۳۹۳). مکاتب امنیتی؛ نقدهای موجود و ضرورت طرح نگری نوین. فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۴۴ (۴)، ۸۵۸-۸۳۳.

کانت، ایمانوئل (۱۳۷۶). روشنگری چیست؟ ترجمه سیروس آرین‌پور، تهران: نشر آگه، چ ۱. لطفیان، سعیده (۱۳۹۰). پندار از تهدید و سیاست‌های امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه روابط خارجی، ۳ (۱)، ۱۷۵-۲۰۷.

لطیفی، میثم (۱۳۸۸). بازپردازی مفهوم نظم و انضباط در سازمان (با تأکید بر رویکرد اسلامی). رساله دکتری، استاد راهنما دکتر حسن دانایی‌فرد، دانشگاه تربیت مدرس.

ملک‌محمدی، حمیدرضا (۱۳۸۵). سیاست‌گذاری؛ دانش و روش. فصلنامه سیاست داخلی، ۱ (۱)، ۱۷۸-۱۸۹.

مولانا، حمید (۱۳۷۱). گذر از نوگرایی: ارتباطات و دگرگونی جامعه. ترجمه یونس شکرخواه، تهران: انتشار وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.

میرزایی اهرنجانی، حسن (۱۳۸۶). مبانی فلسفی تئوری‌های سازمان. تهران: انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب درسی (سمت)، چ ۲.

هابرماس، یورگن (۱۳۷۸). نقد در حوزه عمومی. ترجمه دکتر حسین بشیریه، تهران: نشر نی.

الوانی، سیدمهدی، و دانایی‌فرد، حسن (۱۳۸۱). گفتارهای در فلسفه تئوری‌های سازمان‌های دولتی، تهران: انتشارات صفار.

۲-۶. منابع لاتین

Booth, Ken (۲۰۰۷). *Theory of World Security*. Cambridge University Press. www.cambridge.org/9780521835527.

Buzan, B., Wæver, O. and De Wilde, J. (۱۹۹۸). *Security: A New Framework for Analysis*. Boulder, Colo.: Lynne Rienner Pub.

Da Costa, O., Warnke, P., Cagnin, C., & Scapolo, F. (۲۰۰۸). The Impact of Foresight on Policy-Making: Insights from the Forlearn Mutual Learning Process. *Journal Technology*, ۳ (۲۰)، ۳۶۹-۳۸۷.



Diskaya, Ali (۲۰۱۳). Towards a Critical Securitization Theory: The Copenhagen and Aberystwyth Schools of Security Studies. <http://www.e-ir.info/۲۰۱۳/۰۲/۰۱/towards-acritical-securitization-theory-the-copenhagen-and-aberystwyth-schools-of-security-studies/>

Goldstein, Daniel M. Source (۲۰۱۰). Toward a Critical Anthropology of Security. *Current Anthropology*, ۵۱ (۴) (۲۰۱۰), August, ۴۸۷-۵۱۷.

Hansen, Lene (۲۰۰۰). The Little Mermaid's Silent Security Dilemma and the Absence of Gender in the Copenhagen School. *Millennium - Journal of International Studies*, (۲۹), ۲۸۵-۳۰۶.

Keir A., Lieber (۲۰۰۷). The New History of World War I and What It Means for International Relations Theory. *International Security*, ۳۲ (۲), ۱۵۵-۱۹۱

Mearsheimer, John (۲۰۰۱). *The Tragedy of Great Power Politics*. New York: W. W. Norton, ISBN ۰-۳۹۳-۰۲۰۲۵-۸.

Snyder, Jack (۱۹۵۴). Tensions Within Realism: ۱۹۵۴ and after. pp ۵۴-۷۹, in Nicolas Guilhot (edited) (۲۰۱۱). *The invention of international relations theory: realism, the Rockefeller Foundation, and the ۱۹۵۴ Conference on Theory*, New York: Columbia University Press.

Steffy, B.D., & Grimes, A. J. (۱۹۸۶). A Critical Theory of organization science. *An Academy of Management Review*, (۱۱), ۳۲۲-۳۶.

Wæver, Ole (۲۰۰۴). New 'Schools' in Security Theory and their Origins between Core and Periphery. Paper presented at the annual meeting of the International Studies Association, Le Centre Sheraton Hotel, Montreal, Quebec.

Wilkinson (۲۰۰۷). The Copenhagen School on Tour in Kyrgyzstan: Is Securitization Theory Useable Outside Europe? *Security Dialogue*, ۳۸ (۱), March, ۵-۲۵.

آسیب‌شناسی و بررسی نقش و عملکرد بسیج در پیشگیری و آگاه‌سازی از عوارض اعتیاد به مواد مخدر

طاهره حیدریان^۱

مریم اله‌دادیان*^۲

چکیده

اعتیاد به مواد مخدر یکی از معضلات اجتماعی و بهداشتی مهمی است که نیازمند راهکارهای پیشگیرانه مؤثر می‌باشد. این پژوهش با هدف بررسی نقش و عملکرد بسیج در پیشگیری از اعتیاد و مأموریت‌پذیری آن انجام شد. روش تحقیق کیفی و مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای است و یافته‌ها نشان می‌دهد بسیج می‌تواند از طریق تدوین قوانین حمایتی، اجرای برنامه‌های آموزشی و آگاه‌سازی و بسیج اجتماعی در سطح محله و شهر نقش کلیدی در کاهش گرایش به مواد مخدر ایفا کند. یکی

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران (taherehdrvv@yahoo.com).

۲. استادیار، دانشگاه آزاد اسلامی واحد فلاورجان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول) (maryamallahdadian@yahoo.com).



از چالش‌های اصلی در اجرای این مأموریت، خلأهای قانونی و موانع اجرایی در همکاری بسیج با نهادهای مرتبط است که نیاز به اصلاح دارد. با بررسی مدل‌های موفق جهانی مانند مدل ایسلندی و برنامه «CTC» الگوی عملیاتی پیشنهادی بسیج شامل ایجاد پایگاه‌های آموزشی در مناطق پرخطر، برگزاری دوره‌های مهارت‌های زندگی، همکاری با مراکز درمانی و بهزیستی و افزایش سرمایه اجتماعی ارائه شد. همچنین طرح‌های ملی اجراشده در ایران مانند «طرح یاریگران زندگی» و «طرح کرامت» به عنوان نمونه‌های موفق مورد بررسی قرار گرفتند. این اقدامات می‌توانند زمینه‌ساز کاهش اعتیاد و بهبود سلامت اجتماعی باشند.

کلیدواژه‌ها:

اعتیاد، مواد مخدر، پیشگیری، بسیج، نهادهای اجتماعی، رویکردها



۱. مقدمه و بیان مسئله

اعتیاد به مواد مخدر یکی از مهم‌ترین معضلات اجتماعی و بهداشتی است که ابعاد فردی، خانوادگی و اجتماعی زندگی افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد (یازرلو، ۱۴۰۱). بر اساس گزارش سازمان ملل، در سال ۲۰۲۱ میلادی بیش از ۲۹۶ میلیون نفر در جهان مواد مخدر مصرف کرده‌اند که نسبت به دهه قبل ۲۳ درصد افزایش داشته است. همچنین تعداد افراد مبتلا به اختلالات مصرف مواد به ۳۹/۵ میلیون نفر رسیده که در ۱۰ سال اخیر ۴۵ درصد رشد داشته است (گزارش جهانی مواد مخدر، ۲۰۲۳). در ایران نیز حدود ۴/۴ میلیون مصرف‌کننده مستمر و غیرمستمر مواد وجود دارد که با در نظر گرفتن بعد خانوار، حدود ۱۵ میلیون نفر از جمعیت کشور درگیر این معضل هستند (شرق). بر اساس آخرین آمار نرخ شیوع اعتیاد در کشور ۵/۳ درصد می‌باشد (گلستان، ۱۴۰۱).

تعریف اعتیاد شامل تمایل غیرقابل کنترل به مصرف مواد، علی‌رغم پیامدهای منفی آن است. این وابستگی از یک سو باعث تسکین موقت و از سوی دیگر منجر به افزایش تدریجی مصرف و بروز رفتارهای پرخطر می‌شود (کیاها، ۱۴۰۱). این بیماری مغزی منشأ چندعاملی دارد و چندین عامل محیطی و شبکه‌های ژنی در تعامل بین آنها هستند که منجر به یک فنوتیپ آسیب‌پذیر برای توسعه فرایند اعتیاد می‌شود (مالدونادو (Maldonado) و همکاران، ۲۰۲۱).

گرایش به اعتیاد علل متعددی دارد که می‌تواند شامل عوامل فردی، اجتماعی، روانی و محیطی باشد.

عوامل فردی: شخصیت، نداشتن مهارت‌های مقابله‌ای (جاوک و دیتیریش (Jauk & Dieterich، ۲۰۱۹) و ناتوانی در مدیریت استرس می‌توانند فرد را به سمت مصرف مواد مخدر سوق دهند (العربی (al'Absi) و همکاران، ۲۰۲۱).

عوامل ژنتیکی: تحقیقات نشان داده‌اند ژنتیک می‌تواند نقش مهمی در افزایش خطر ابتلا به اعتیاد داشته باشد. افرادی که اعضای خانواده‌شان سابقه اعتیاد دارند، بیشتر در معرض خطرند (بردن (Bourdon) و همکاران، ۲۰۲۵).

عوامل روانی: اختلالات روانی مانند افسردگی، اضطراب و اختلالات دوقطبی می‌توانند فرد را به سمت مصرف مواد مخدر سوق دهند (ولکو (Volkow) و همکاران، ۲۰۲۱).

عوامل اجتماعی: فشار همسالان، محیط‌های اجتماعی نامناسب و مشکلات خانوادگی می‌توانند از عوامل مهمی در گرایش به اعتیاد باشند (ولکو و بلانکو، ۲۰۲۳).

عوامل محیطی: دسترسی آسان به مواد مخدر، زندگی در مناطق با نرخ بالای مصرف مواد مخدر و حمایت اجتماعی ضعیف نیز از عوامل محیطی موثرند (کیالها، ۱۴۰۱).

عوامل اقتصادی: فقر، بیکاری و نابرابری‌های اقتصادی می‌توانند از دلایل اصلی افزایش گرایش به اعتیاد باشند (ولکو و بلانکو، ۲۰۲۳).

اعتیاد می‌تواند علائم فیزیکی، روانی و رفتاری داشته باشد که بسته به نوع ماده مصرفی متفاوت است. از نظر فیزیکی، تغییرات ناگهانی وزن، ظاهر نامرتب، بهداشت فردی ضعیف، ضعف سیستم ایمنی بدن، بی‌خوابی یا خواب‌آلودگی زیاد و علائم مصرف مانند زخم‌های تزییق مشاهده می‌شود. در بُعد روانی، افراد مبتلا دچار نوسانات شدید خلقی، اضطراب، افسردگی، کاهش تمرکز و حافظه، افکار پارانوئیدی یا توهم شده، علاقه خود را به فعالیت‌های لذت‌بخش از دست می‌دهند. علائم رفتاری نیز شامل انزوای اجتماعی، کناره‌گیری از خانواده و دوستان، تغییر در روابط و معاشرت با افراد مصرف‌کننده، افزایش نیاز مالی، افت عملکرد تحصیلی و شغلی و انجام رفتارهای پرخطر است. این علائم در کنار یکدیگر می‌توانند نشانه‌ای از وابستگی فرد به مواد باشند (مؤسسه ملی سوء مصرف مواد مخدر (National Institute on Drug Abuse)، ۲۰۲۰).

اعتیاد آثار مخربی بر جسم، روان، خانواده، شغل و اجتماع دارد و می‌تواند منجر به ارتکاب جرم و جنایت شود. این معضل علاوه بر کاهش بهره‌وری فرد، منابع و امکانات جامعه را از بین برده، هزینه‌های سنگینی را بر فرد، خانواده، نظام سلامت و دستگاه‌های انتظامی و قضایی تحمیل می‌کند (یازرلو، ۱۴۰۱).

با توجه به آثار مخرب اعتیاد، راهکارهای پیشگیری اهمیت ویژه‌ای دارند. پیشگیری از اعتیاد شامل جلوگیری از ورود افراد به مسیر مصرف مواد، از مصرف آزمایشی تا وابستگی کامل است. این رویکرد به سه سطح تقسیم می‌شود: «پیشگیری همگانی» که با ارائه آموزش‌های عمومی به کل جامعه انجام می‌شود؛ «پیشگیری انتخابی» که گروه‌های پرخطر مانند نوجوانان دارای مشکلات خانوادگی یا روانی را هدف قرار می‌دهد؛ «پیشگیری موردی» که به افرادی با اولین نشانه‌های اعتیاد

مانند افت تحصیلی و مصرف سیگار توجه دارد. این مداخلات بر کاهش عوامل خطر و تقویت حمایت‌های اجتماعی تمرکز دارند (پیشگیری، ۱۳۹۰).

اعتیاد به مواد مخدر یکی از چالش‌های جدی اجتماعی، بهداشتی و اقتصادی است که سلامت عمومی را تهدید می‌کند. آمارهای جهانی نشان می‌دهند مصرف مواد مخدر رو به افزایش بوده و ایران نیز از این روند مستثنا نیست. اعتیاد نه تنها فرد را درگیر می‌کند، بلکه بنیان خانواده و جامعه را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. با توجه به هزینه‌های بالای درمان و پیامدهای منفی اعتیاد، تمرکز بر پیشگیری اهمیت ویژه‌ای دارد. بسیاری از کشورها به جای روش‌های کیفری، سیاست‌های پیشگیری اجتماعی را اجرا کرده‌اند که بر آموزش، حمایت اجتماعی و مداخلات اجتماع‌محور تأکید دارد. در ایران، بسیج به عنوان یک نهاد مردمی و انقلابی می‌تواند با اجرای برنامه‌های آموزشی، تأمین نیروی متخصص و حمایت از خانواده‌ها، نقش مؤثری در کاهش گرایش به مواد مخدر ایفا کند. بررسی عملکرد بسیج و مقایسه آن با مدل‌های موفق جهانی می‌تواند به تدوین راهکارهای مؤثر برای کاهش این معضل کمک کند.

در کشور ما نیز از سال ۱۳۷۵ رویکرد پیشگیری ایجاد شد (آهنگ (Ahang) و همکاران، ۲۰۲۰). اعتیاد به مواد مخدر یکی از مهم‌ترین چالش‌های اجتماعی، بهداشتی و اقتصادی در جوامع مختلف است و این بیماری تأثیرات گسترده‌ای بر جوانان، خانواده‌ها و جوامع دارد و باعث زیان‌های جبران‌ناپذیری بر سلامت عمومی می‌شود. همچنین طبق فرمایش رهبر معظم انقلاب آیت‌الله خامنه‌ای که به این مسئله با دقت و هوشمندی توجه نموده‌اند، برای حضور و مشارکت جدی مردم و خانواده‌ها و حمایت از تشکلهای مردمی در زمینه‌های پیشگیری، کاهش آسیب و درمان معتادان، توصیه به اتخاذ تدابیر لازم کرده‌اند. برای مقابله با این چالش، برنامه‌های جامع و هماهنگ برای آگاه‌سازی و پیشگیری لازم است. در کشور، بسیج به عنوان یک نهاد مردمی و انقلابی نقش مهمی در مقابله با این معضل ایفا می‌کند (ابلاغیه سیاست‌های مبارزه با مواد مخدر به همراه نامه رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای خطاب به رؤسای سه قوه درباره مبارزه با مواد مخدر منتشر می‌شود، ۱۳۸۵). این مقاله به بررسی نقش بسیج در پیشگیری از اعتیاد می‌پردازد.

۲. ادبیات موضوع و پیشینه

۲-۱. مبانی نظری

الف) اعتیاد به مواد مخدر

- **تعریف و ماهیت اعتیاد:** اعتیاد به مواد مخدر به عنوان یک بیماری مزمن و عودکننده مغزی تعریف می‌شود که با تغییرات بلندمدت در ساختار و عملکرد مغز همراه است. این تغییرات منجر به بروز رفتارهای اعتیادی و وابستگی به مواد مخدر می‌شود (مؤسسه ملی مواد مخدر، ۲۰۲۰).

- **عوامل مؤثر بر اعتیاد:** عوامل ژنتیکی، محیطی، روان‌شناختی و اجتماعی نقش مهمی در شکل‌گیری و توسعه اعتیاد دارند. تعامل این عوامل می‌تواند میزان آسیب‌پذیری فرد را نسبت به اعتیاد افزایش دهد (ولکو و بلانکو (Volkow & Blanco)، ۲۰۲۳).

ب) پیشگیری از اعتیاد

- **مفهوم پیشگیری:** مدل زیست‌پزشکی بهداشت و مراقبت‌های بهداشتی، مداخلات پیشگیری به طور سنتی بر اساس سه سطح متمایز طبقه‌بندی می‌شوند: اولیه، ثانویه و ثالثیه. هدف راهکارهای پیشگیری اولیه کاهش عوامل خطر و جلوگیری از ایجاد شرایط بهداشتی است. مداخلات پیشگیری ثانویه به دنبال شناسایی هرچه زودتر یک وضعیت سلامتی برای متوقف کردن یا کند کردن پیشرفت آن است. رویکردهای پیشگیری ثالثیه تلاش می‌کنند پیامدهای منفی حاد مانند مرگ را در بین مبتلایان به این بیماری به حداقل برسانند (لاتیمور (Latimore) و همکاران، ۲۰۲۳).

- **نقش بسیج در پیشگیری از اعتیاد:** بسیج به عنوان یک نهاد مردمی و انقلابی و با داشتن شبکه گسترده‌ای از نیروهای مردمی و داوطلبانه می‌تواند نقش مهمی در پیشگیری از اعتیاد ایفا کند. بسیج می‌تواند با تدوین برنامه‌های آموزشی و آگاه‌سازی، فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی و ایجاد مراکز مشاوره و حمایت از خانواده‌ها به کاهش میزان اعتیاد در جامعه کمک کند (حبی و همکاران، ۱۳۹۰).

- **تجربیات موفق جهانی:** مدل‌های موفق پیشگیری از اعتیاد در جهان نشان داده‌اند استفاده از رویکردهای اجتماع‌محور می‌تواند به کاهش میزان سوء مصرف مواد منجر شود؛ برای نمونه مدل

ایسلندی با تأکید بر فعالیت‌های سالم برای جوانان، مشارکت والدین و حمایت‌های دولتی توانسته است میزان سوء مصرف مواد را به طور قابل توجهی کاهش دهد. برنامه‌های «CTC» در آمریکا نیز با استفاده از رویکردهای اجتماع‌محور و تدوین برنامه‌های پیشگیری مبتنی بر شواهد، به نتایج موفقیت‌آمیزی دست یافته‌اند.

ج) نمونه‌هایی از مدل‌های پیشگیری از اعتیاد

- **مدل ایسلندی:** این مدل بر اساس ایجاد فعالیت‌های سالم برای جوانان، مشارکت والدین و حمایت‌های دولتی استوار است. ایجاد محیط‌های مثبت و سالم برای جوانان و افزایش مشارکت آنها در فعالیت‌های اجتماعی و ورزشی می‌تواند به کاهش میزان سوء مصرف مواد منجر شود (کریست‌جانسون (Kristjansson) و همکاران، ۲۰۱۹).

- **برنامه «CTC» در آمریکا:** این برنامه با استفاده از رویکردهای اجتماع‌محور و تدوین برنامه‌های پیشگیری مبتنی بر شواهد به نتایج موفقیت‌آمیزی دست یافته است. این برنامه بر ایجاد شبکه‌های حمایتی در جامعه و افزایش مشارکت جامعه در پیشگیری از اعتیاد تأکید دارد (هاوکینز (Hawkins) و همکاران، ۲۰۱۴).

- در کنار مدل‌های موفق جهانی، در ایران نیز بسیج به عنوان یک نهاد مردمی و انقلابی، طرح‌های متعددی را در حوزه پیشگیری از اعتیاد اجرا کرده است. از جمله این برنامه‌ها، «طرح یاریگران زندگی» است که با همکاری وزارت آموزش و پرورش و ستاد مبارزه با مواد مخدر اجرا شده و هدف آن افزایش آگاهی و توان‌مندسازی دانش‌آموزان، والدین و کارکنان مدارس در زمینه پیشگیری اولیه از اعتیاد است (طرح یاریگر زندگی).

- همچنین «طرح کرامت» با تمرکز بر کاهش آسیب‌های اجتماعی در مناطق حاشیه‌نشین، از طریق آموزش مهارت‌های زندگی، حمایت از خانواده‌های آسیب‌دیده و ایجاد اشتغال برای افراد در معرض خطر توانسته است تأثیر بسزایی در کاهش گرایش به مصرف مواد مخدر داشته باشد (گام بلند مبارزه با اعتیاد با اجرای طرح ملی کرامت، ۱۴۰۲).

- علاوه بر رویکرد جامعه‌محور، بسیج از طریق رویکرد بسیج‌کنندگی و بسیج‌شوندگی مبتنی بر باورهای دینی و فرهنگ بسیجی نیز در پیشگیری از اعتیاد نقش مؤثری ایفا می‌کند. این رویکرد با تکیه

بر ارزش‌های اسلامی مانند امر به معروف و نهی از منکر، مسئولیت‌پذیری جمعی و تقویت هویت دینی در میان جوانان توانسته است انگیزه‌های درونی برای دوری از اعتیاد را تقویت کند؛ برای مثال برگزاری برنامه‌های فرهنگی-مذهبی نظیر هیئت‌های محلی و اردوهای جهادی با هدف ترویج فرهنگ ایثار و مقاومت به عنوان عاملی محافظتی در برابر آسیب‌های اجتماعی از جمله اعتیاد عمل کرده است. در یک پژوهش نشان داده است باورهای دینی که در فعالیت‌های بسیج تقویت می‌شوند، می‌توانند گرایش به سوء مصرف مواد را کاهش دهند (رابطه باورهای دینی و بحران هویت با گرایش به مصرف مواد مخدر، ۱۳۹۴).

- همچنین فرهنگ بسیجی با ایجاد حس تعلق به جامعه به عنوان یک راهبرد پیشگیرانه در برابر اعتیاد شناخته شده است (حبی و همکاران، ۱۳۹۰).

- این ظرفیت‌ها، همراه با نقش سازمان‌های مردم‌نهاد مانند بسیج، در کاهش آسیب‌های اجتماعی تأیید شده است (حاتمی (Hatami) و همکاران، ۲۰۲۳). این رویکرد، در کنار طرح‌های عملیاتی، توانایی بسیج را برای مقابله با معضل اعتیاد چندجانبه‌تر می‌کند.

پیشگیری از اعتیاد رویکردی چندبعدی دارد که بر اساس نظریه‌های مختلف اجتماعی، روان‌شناختی و زیستی قابل بررسی است. نظریه شناخت اجتماعی بندورا (۱۹۸۶) تأکید دارد که یادگیری اجتماعی از طریق مشاهده رفتار دیگران نقش مهمی در تصمیم‌گیری افراد برای مصرف یا پرهیز از مواد دارد. در این راستا بسیج می‌تواند از طریق ارائه الگوهای مثبت، مشارکت اجتماعی و فعالیت‌های فرهنگی، در کاهش گرایش به مواد مؤثر باشد (بندورا (Bandura)، ۱۹۸۶). نظریه رفتار برنامه‌ریزی شده آجزن (۱۹۹۱) نیز نشان می‌دهد نگرش‌های فرد، هنجارهای اجتماعی و کنترل ادراک‌شده رفتاری در پیشگیری از مصرف مواد نقش دارند (آجزن (Ajzen)، ۱۹۹۱). بسیج می‌تواند با تغییر نگرش‌های اجتماعی نسبت به اعتیاد و افزایش حس کنترل فردی، اثربخشی اقدامات پیشگیرانه را تقویت کند. همچنین مدل زیستی-روانی-اجتماعی اعتیاد (ولکو و بلانکو، ۲۰۲۳) نشان می‌دهد اعتیاد تحت تأثیر عوامل ژنتیکی، محیطی و روانی است. این مدل اهمیت مداخلات اجتماع‌محور را برجسته می‌کند؛ چراکه پیشگیری اجتماعی از طریق ارتقای سرمایه اجتماعی، افزایش حمایت‌های خانوادگی و اجرای برنامه‌های فرهنگی می‌تواند در کاهش اعتیاد نقش بسزایی داشته باشد.

این مبانی نظری به ما نشان می‌دهد اعتیاد یک مشکل چندبعدی است که نیاز به رویکردهای جامع و چندجانبه برای پیشگیری دارد. نقش نهادهای مردمی مانند بسیج در این زمینه بسیار حائز اهمیت است و تجربیات موفق جهانی نیز می‌تواند به عنوان الگوهای مفید در این زمینه مورد استفاده قرار گیرد.

۲-۲. مدل مفهومی پژوهش

این مدل مفهومی با الهام از مدل‌های موفق جهانی، تجربیات بومی در ایران و ظرفیت‌های نهادی بسیج، به بررسی راهکارهای پیشگیری از اعتیاد و نقش بسیج در اجرای برنامه‌های آموزشی، اجتماع‌محور و حمایتی می‌پردازد.

۱. مداخلات آموزشی و آگاه‌سازی:

- آموزش مهارت‌های زندگی - مانند مهارت‌های مقابله‌ای، تصمیم‌گیری و مدیریت استرس؛
- افزایش آگاهی درباره مضرات اعتیاد از طریق برنامه‌های آموزشی در مدارس، دانشگاه‌ها و مساجد؛
- بهره‌گیری از فناوری‌های نوین مانند آموزش‌های دیجیتال، نرم‌افزارها و برنامه‌های هوشمند و واقعیت مجازی؛
- اجرای برنامه «یارگران زندگی» برای توان‌مندسازی دانش‌آموزان، والدین و معلمان در پیشگیری اولیه از اعتیاد.

۲. مداخلات اجتماع‌محور:

- تقویت مشارکت اجتماعی از طریق شبکه‌های حمایتی محلی؛
- حمایت از خانواده‌ها از طریق آموزش والدین در زمینه تربیت فرزندان و پیشگیری از اعتیاد؛
- ایجاد پایگاه‌های مشاوره‌ای و گروه‌های پشتیبانی برای نوجوانان و خانواده‌ها؛
- ترویج فرهنگ بسیجی با تأکید بر ارزش‌های دینی، هویت اجتماعی و حمایت‌های گروهی؛



- اجرای «طرح کرامت» با تمرکز بر کاهش آسیب‌های اجتماعی از طریق آموزش مهارت‌های زندگی و ایجاد اشتغال برای افراد در معرض خطر؛
- بهره‌گیری از ظرفیت‌های بسیج شامل مساجد، پایگاه‌های مقاومت، حوزه‌ها و کانون‌ها برای اجرای برنامه‌های پیشگیرانه و افزایش انسجام اجتماعی؛
- توسعه اقدامات جهادی گروهی، حلقات تربیتی، آموزشی، معرفتی و بصیرتی برای تقویت نقش بسیج در آگاهی‌بخشی و کاهش گرایش به مصرف مواد.

۳. مداخلات حمایتی و نظارتی:

- تدوین قوانین حمایتی و اعمال نظارت بر مصرف مواد مخدر؛
- تقویت نظارت اجتماعی از طریق بسیج محلات و گروه‌های داوطلب مردمی؛
- تأمین نیروی متخصص برای مداخلات پیشگیرانه و ارائه خدمات مشاوره‌ای؛
- استفاده از الگوهای بسیج‌کنندگی و بسیج‌شوندگی مبتنی بر باورهای دینی برای افزایش انگیزه‌های درونی در دوری از اعتیاد؛
- بررسی خلأهای قانونی و موانع اجرایی در مسیر مأموریت بسیج در پیشگیری از اعتیاد و ارائه راهکارهای اصلاحی.

۴. تلفیق با مدل‌های جهانی:

- مدل ایسلندی: تمرکز بر ایجاد محیط‌های سالم برای جوانان، مشارکت فعال والدین و حمایت‌های دولتی که منجر به کاهش چشمگیر مصرف مواد در نوجوانان شده است؛
- برنامه «CTC» در آمریکا: ایجاد شبکه‌های حمایتی اجتماعی و ارتقای سرمایه اجتماعی به منظور کاهش گرایش نوجوانان به مصرف مواد؛
- استفاده از مداخلات دیجیتال: بهره‌گیری از برنامه‌ها اپلیکیشن‌های آموزشی، بازی‌های تعاملی و پلتفرم‌های آنلاین برای افزایش آگاهی و تقویت مهارت‌های پیشگیری؛



- مدل‌های مبتنی بر والدین: برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای والدین جهت بهبود مهارت‌های تربیتی و تقویت ارتباط با فرزندان.

نتیجه‌گیری: این مدل مفهومی نشان می‌دهد بسیج با بهره‌گیری از ترکیبی از رویکردهای آموزشی، اجتماع‌محور، حمایتی و طرح‌های عملیاتی در ایران می‌تواند نقش کلیدی در پیشگیری از اعتیاد ایفا کند. استفاده از تجربیات موفق جهانی، به همراه ظرفیت‌های بومی بسیج، امکان اجرای برنامه‌های جامع و مؤثر را فراهم می‌کند که در کاهش معضل اعتیاد در جامعه نقش بسزایی خواهد داشت. همچنین ضروری است الگوی عملیاتی بسیج برای اجرای مأموریت‌های پیشگیری از اعتیاد مشخص شود و در عین حال چالش‌های قانونی احتمالی که ممکن است مانع اجرای مؤثر این مأموریت‌ها شوند، مورد بررسی و اصلاح قرار گیرند.

۳-۲. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های مختلفی در زمینه نقش نهادهای اجتماعی در پیشگیری از اعتیاد انجام شده است که به اختصار به آنها می‌پردازیم.

جدول شماره ۱: پیشینه پژوهش

نویسندگان - روش استفاده شده	اهداف یا سؤالات اصلی	مهم‌ترین یافته‌ها
رحیمی و همکاران (۱۳۹۰)، به روش پیمایشی	بررسی سرمایه اجتماعی با تأکید بر نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در پیشگیری از اعتیاد	یکی از اثرات کاهش سرمایه اجتماعی، افزایش اعتیاد است و برای پیشگیری و مبارزه با آن می‌توان سرمایه اجتماعی را افزایش داد و بر نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در پیشگیری از اعتیاد تأکید کرد. این پژوهش نشان می‌دهد با تقویت و افزایش انگیزه‌های اجتماعی در افراد به‌ویژه معناتان و سازمان‌دهی آنها در نهادهای مدنی می‌توان فرهنگ‌های درمانی و حمایتی



نویسندگان - روش استفاده شده	اهداف یا سؤالات اصلی	مهم‌ترین یافته‌ها
		خاصی را ایجاد کرد. علاوه بر اینکه سطح بالاتری از مشارکت و تعلق اجتماعی به وجود می‌آید. رفتارها و تعاملات اجتماعی و درمانی اعضای این نهادها را نیز می‌توان با سیاست‌های موجود کنترل کرد. همچنین این روش موجب کاهش هزینه‌های درمان، ایجاد اشتغال و انتقال دانش میان اعضای گروه‌ها می‌شود. در این پژوهش همچنین آمده است برای پیشگیری از اعتیاد و افزایش کیفیت و تأثیرات درمان و کاهش آسیب افراد، باید به استفاده از شاخص‌های اجتماعی به‌ویژه ایجاد سازمان‌های فعال مردمی، در کنار درمان پزشکی اعتیاد توجه کرد. از آنجا که هدف اساسی در ریشه‌کنی و کاهش اعتیاد، پیشگیری از آن است، به نظر می‌رسد با تغییر در کیفیت آموزش‌ها و ایجاد و گسترش سرمایه اجتماعی در بین افراد جامعه به‌ویژه جوانان و نوجوانان، بتوانیم مسئله اعتیاد را حل کنیم.
حبی و همکاران (۱۳۹۰)، به روش توصیفی-تحلیلی	آمادگی بسیج برای مشارکت در امر فرهنگ‌سازی و پیشگیری از مصرف مواد مخدر در کشور به چه میزان است؟	یکی از خط‌مشی‌های موثر در فرهنگ‌سازی و مصرف مواد، گسترش سازمان‌های غیردولتی و جلب مشارکت عمومی است. در این راستا بسیج می‌تواند با تدوین قوانین حمایتی،



نویسندگان - روش استفاده شده	اهداف یا سؤالات اصلی	مهم ترین یافته ها
	کارکردهای تخصصی بسیج در مقابله با مواد مخدر و فرهنگ سازی جهت کاهش توزیع و مصرف مواد مخدر کدام اند؟ بهترین شیوه به کارگیری پایگاه های مقاومت بسیج در مقابله با مواد مخدر و فرهنگ سازی جهت کاهش توزیع و مصرف مواد مخدر کدام اند؟	برنامه ریزی صحیح، آموزش و اطلاع رسانی بموقع و تأمین نیروی متخصص مورد نیاز در فرهنگ سازی و پیشگیری از سوء مصرف مواد عمل نماید.
صفرزایی و همکاران (۱۳۹۴)، به روش کتابخانه ای	بررسی نقش ورزش و فعالیت جسمانی در پیشگیری از اعتیاد در نوجوانان	ورزش یکی از عوامل مهم پیشگیری و درمان اعتیاد است. می توان نتیجه گرفت با انجام ورزش، اضطراب و ناکامی ها درمان شده، از طریق یک رقابت سالم ورزشی، همکاری و مشارکت اجتماعی و حس تعلق و در قالب سرمایه اجتماعی را تقویت کرد و در نهایت از انزوای اجتماعی که یکی از اشکال آن گرایش به مواد مخدر است، جلوگیری نمود.
سلیمانی (۱۳۹۵)، به روش تحلیلی - کتابخانه ای	بررسی نقش سازمان های مردم نهاد در کاهش مصرف مواد مخدر در قالب ارائه خدمات	می توان با انگیزه سازی از طریق سازمان های مردم نهاد، اصلاح شخصیت افراد توسط این سازمان ها، تشویق معتادانی که همکاری خوبی



نویسندگان- روش استفاده‌شده	اهداف یا سؤالات اصلی	مهم‌ترین یافته‌ها
	بهداشتی و درمانی، آموزشی و اشتغال و خدمات مادی	با انجمن‌ها داشته‌اند و ایجاد زمینه‌های کارایی برای افراد در حال ترک، مصرف مواد مخدر را کاهش داد.
احمدی و همکاران (۱۳۹۵)، به روش کیفی-تحلیلی	چگونه می‌توان با معضل سوء مصرف مواد مخدر مقابله کرد و کدام یک از روش‌های پیشگیری کنشی یا واکنشی مؤثرتر است؟	با استفاده از رویکردهای اجتماع‌محور و مشارکت اجتماعی، می‌توان به طور مؤثر از اعتیاد پیشگیری کرد.
محمدی (۱۳۹۶)، به روش مروری-کتابخانه‌ای	هدف از این مطالعه بررسی نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در برنامه‌های پیشگیرانه می‌باشد.	برای افزایش حساسیت مسئولان و سازمان‌های مردمی نسبت به اعتیاد، ایجاد یک نهضت عمومی در پیشگیری از اعتیاد امری حیاتی است. مبارزه با مواد مخدر از طریق مشارکت اجتماعی و درگیرکردن تمام افراد جامعه باید به عنوان یک سیاست ارجح برای دولت‌ها در اولویت قرار گیرد.
صرامی و همکاران (۱۳۹۷)، به روش مروری-کتابخانه‌ای	مروری بر رویکرد اجتماعی برای مبارزه با مصرف مواد مخدر با تأکید بر نقش مشارکت اجتماعی	در اجتماعی شدن مقابله با مصرف مواد، مشارکت اجتماعی نقش بسیار مهمی دارد و می‌توان با تأکید مشارکت اجتماعی از وابستگی مواد و آسیب‌های آن جلوگیری نمود.
وطن‌دوست و همکاران (۱۳۹۷)، به روش اسنادی-کتابخانه‌ای	بررسی رویکردی اجتماعی به پیشگیری از اعتیاد با تأکید بر نقش تسهیل‌گری مرکز سلامت روان محلی اندیشه مهرشهر	مردم می‌توانند از طریق روش‌های مختلف مانند افزایش حساسیت خود نسبت به مواد مخدر و مضرات آن، افزایش سطح اطلاعات و آگاهی درباره انواع مواد مخدر و خطرات



نویسندگان - روش استفاده شده	اهداف یا سؤالات اصلی	مهم ترین یافته ها
	محمودآباد از توابع شهرستان شاهین دژ	مصرف آنها و تشکیل گروه های داوطلبانه مبارزه با مواد مخدر با تأکید بر نقش مثبتشان در اجتماع یا محله خود، در زمینه مبارزه با سوء مصرف مواد مخدر به پیشگیری از اعتیاد کمک کنند. همچنین بیان شد که میزان موفقیت نهادهای پیشگیری از اعتیاد وابسته به این است که تا چه حد این نهادها زمینه ها و بسترهای لازم برای حضور و مشارکت مردم و سازمان های غیردولتی را فراهم کرده و آموزش های لازم را درباره چگونگی مشارکت آنها در اجرای طرح ها و برنامه های پیشگیری ارائه می کنند. آنها همچنین استفاده از رویکرد اجتماعی در مبارزه با مواد مخدر را گامی مؤثر در پیشگیری از اعتیاد می دانستند.
کیالها (۱۴۰۱)، به روش توصیفی - کتابخانه ای	مرور بر مبانی نظری و پیشینه پژوهش ها راجع به نقش عملکرد خانواده در اعتیاد نوجوانان است.	از آنجا که بخش عمده ای از شخصیت فرد در خانواده شکل می گیرد و اساس سازگاری او در جامعه در خانواده پی ریزی می شود، اگر خانواده عملکرد مطلوبی نداشته باشد، این مسئولیت به عهده دیگر افراد یا گروه ها، مانند گروه همسالان، منتقل می شود. وضعیت نابه سامان در خانواده های گسسته و آسیب دیده



نویسندگان- روش استفاده شده	اهداف یا سؤالات اصلی	مهم‌ترین یافته‌ها
		یکی از عوامل مهم در ایجاد و گسترش اعتیاد در نوجوانان است.
هاکینس و همکاران (۲۰۱۴)، به روش کارآزمایی بالینی تصادفی شده	بررسی این موضوع که آیا سیستم پیشگیری جوامعی که مراقبت می‌کنند (CTC= communities that care) سطوح خطر و رفتارهای مشکل‌ساز نوجوانان را در سطح جامعه ۸ سال پس از اجرای CTC کاهش می‌دهد یا خیر.	برنامه‌های "CTC" در آمریکا از روش‌های مبتنی بر جامعه برای پیشگیری از رفتارهای پرخطر از جمله اعتیاد استفاده می‌کنند. این برنامه‌ها شامل آموزش‌های گسترده برای والدین، مدارس و جوانان است که نتایج مثبتی در کاهش میزان سوء مصرف مواد نشان داده‌اند.
کریست جانسون و همکاران (۲۰۱۹)، به روش مروری	مقاله دوقسمتی است که فرایندهای مبتنی بر نظریه و عمل مرتبط با اجرای موفقیت‌آمیز مدل ایسلندی برای پیشگیری اولیه از مصرف مواد را توصیف می‌کند. در اینجا توسعه مدل پیشگیری ایسلندی (IPM) را مورد بحث قرار می‌دهیم. یک مرور کلی نظری ارائه می‌کنیم و شواهد جمع‌آوری شده از اثربخشی رویکرد در کاهش میزان مصرف مواد نوجوانان در ایسلند را خلاصه می‌کنیم.	مدل ایسلندی همچنان یکی از موفق‌ترین مدل‌های پیشگیری از اعتیاد در جهان است. این مدل با تأکید بر فعالیتهای سالم برای جوانان، مشارکت والدین و حمایت‌های دولتی، به کاهش چشمگیر میزان سوء مصرف مواد در میان نوجوانان ایسلندی منجر شده است. نتایج اخیر نشان می‌دهند این مدل می‌تواند به عنوان الگویی برای کشورهای دیگر نیز مورد استفاده قرار گیرد.

نویسندگان- روش استفاده‌شده	اهداف یا سؤالات اصلی	مهم‌ترین یافته‌ها
والکو و همکاران (۲۰۲۳)، به روش مروری- کتابخانه‌ای	هدف این مقاله بررسی و تحلیل اختلالات مصرف مواد (SUDs= substance use disorders)، تأثیرات آنها بر سلامت و عملکرد اجتماعی و عوامل بیولوژیکی و اجتماعی مؤثر در ایجاد این اختلالات است. همچنین مقاله به بررسی راهبردهای پیشگیری، درمان‌های موجود و نقش ارائه‌دهندگان مراقبت‌های بهداشتی در مدیریت SUDs می‌پردازد. مقاله به‌ویژه بر اهمیت راهبردهای پیشگیری دوران کودکی و نوجوانی، مدل‌های مراقبت مزمن و نقش سلامت از راه دور در گسترش دسترسی به درمان تأکید دارد. علاوه بر این مقاله بر لزوم تغییر سیاست‌هایی که جرم‌انگاری مصرف مواد را تداوم می‌بخشند و اهمیت حمایت و دسترسی به پیشگیری و درمان را مورد بحث قرار می‌دهد.	مشارکت ارائه‌دهندگان مراقبت‌های بهداشتی در تشخیص و مدیریت SUD ها، از جمله ارجاع موارد شدید به مراقبت‌های تخصصی می‌تواند مدل‌های مراقبتی پایداری را ارائه دهد. علی‌رغم پیشرفت‌ها در درک و مدیریت SUD ها، افراد مبتلا به این اختلالات همچنان مورد اتهام قرار می‌گیرند و در برخی کشورها زندانی می‌شوند. ضرورت برچیدن سیاست‌هایی که جرم‌انگاری مصرف مواد را تداوم می‌بخشند و جایگزینی آنها با سیاست‌هایی که حمایت و دسترسی به پیشگیری و درمان را تضمین کنند، اهمیت دارد. این نتیجه‌گیری‌ها نشان می‌دهند با شناخت دقیق‌تر عوامل مؤثر بر SUD ها و به‌کارگیری راهبردهای پیشگیری و درمان مؤثر می‌توان بهبود قابل توجهی در سلامت و رفاه افراد مبتلا به این اختلالات ایجاد کرد. رایج‌ترین راهبرد پیشگیری، آموزش جهانی مواد مخدر در مدرسه است.

۲-۴. وجه نوآوری مقاله حاضر نسبت به مطالعات پیشین

با توجه به اینکه در مطالعات ذکرشده به نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در پیشگیری از اعتیاد پرداخته‌اند، اما هیچ کدام نقش بسیج را در پیشگیری از اعتیاد به صورت عملیاتی بررسی نکرده‌اند، لذا در پژوهش حاضر به آسیب‌شناسی و بررسی نقش و عملکرد بسیج در پیشگیری و آگاه‌سازی از عوارض اعتیاد به مواد مخدر می‌پردازیم.

۳. روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش به دلیل بررسی موضوعی پیچیده و اجتماعی مانند اعتیاد و نقش بسیج، از روش کیفی-تحلیلی بهره برده است. برای گردآوری داده‌ها از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است. روش کیفی به دلیل ماهیت انعطاف‌پذیر خود، امکان بررسی عمیق‌تری از پدیده‌های اجتماعی فراهم می‌کند و مناسب‌ترین رویکرد برای مطالعه تعاملات اجتماعی، فرهنگی و سیاستی است. برای تقویت روایی این تحقیق، از منابع معتبر داخلی و بین‌المللی استفاده شده است که شامل گزارش‌های رسمی سازمان‌های بین‌المللی و همچنین مقالات علمی منتشرشده در نشریات معتبر ایرانی و خارجی است.

علاوه بر این به منظور افزایش دقت و اطمینان در یافته‌های این تحقیق، معیارهای علمی ارزیابی روایی مانند ارجاع به داده‌های مستند و مقایسه با مطالعات مشابه به کار گرفته شده است. در این مطالعه از چندین منبع مختلف به صورت تطبیقی استفاده شده است تا نتایج تحقیق با دیگر مطالعات مشابه که بر نقش نهادهای مردمی در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی تأکید داشته‌اند، مقایسه شود. برای مثال مطالعات مشابهی که در کشورهای دیگر در رابطه با نهادهای اجتماع‌محور مانند «CTC» در آمریکا و «IMP» در ایسلند انجام شده است، به نتایجی مشابه با یافته‌های این پژوهش دست یافته‌اند که بر افزایش سرمایه اجتماعی و مشارکت اجتماعی برای کاهش گرایش به اعتیاد تأکید دارند. از طرف دیگر برای افزایش روایی محتوایی، تمامی منابع علمی و داده‌های ارائه‌شده در این پژوهش بر اساس معیارهای اعتبار علمی انتخاب شده‌اند. منابع به‌کاررفته شامل گزارش‌ها و مقالاتی است که توسط سازمان‌های معتبر ملی و بین‌المللی تهیه شده‌اند و نتایج تحقیقات آنان به عنوان مبنای علمی

برای تحلیل موضوع مورد بررسی قرار گرفته است. به طور مشخص داده‌های استفاده‌شده از ستاد مبارزه با مواد مخدر ایران و گزارش‌های سازمان ملل متحد در زمینه اعتیاد به مواد مخدر به عنوان منابع معتبر برای پشتیبانی از ادعاهای تحقیق مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

۳-۱. تعریف مفاهیم یا متغیرها

۱. اعتیاد: یک بیماری مغزی چندعاملی که به واسطه تعامل عوامل محیطی و ژنتیکی منجر به وابستگی به مواد می‌شود (ولکو و بلانکو، ۲۰۲۳).
۲. پیشگیری: فرایند جلوگیری از گرایش به مصرف مواد مخدر و تبدیل افراد به مصرف‌کنندگان آزمایشی، تفریحی و درنهایت وابسته به مواد (پیشگیری، ۱۳۹۰).
۳. بسیج: یک نهاد مردمی و انقلابی که با تدوین قوانین حمایتی، آموزش و اطلاع‌رسانی و تأمین نیروی متخصص می‌تواند در پیشگیری از سوء مصرف مواد مؤثر باشد (حبی و همکاران، ۱۳۹۰).
۴. رویکردهای اجتماع‌محور: استفاده از فعالیت‌های سالم برای جوانان، مشارکت والدین و حمایت‌های دولتی که می‌تواند به کاهش میزان سوء مصرف مواد منجر شود (کیالها، ۱۴۰۱/ وطن‌دوست و آرمند، ۱۳۹۷).

۳-۲. مراحل انجام و به‌کارگیری روش

انتخاب منابع: منابع مورد استفاده بر اساس ارتباط موضوعی با نقش بسیج و سازمان‌های مردم‌نهاد در پیشگیری از اعتیاد و معتبربودن آنها انتخاب شدند. این منابع شامل کتب تخصصی در زمینه اعتیاد، مقالات علمی منتشرشده در مجلات معتبر و گزارش‌های رسمی سازمان‌های مرتبط بودند.

مطالعه و یادداشت‌برداری: منابع انتخاب‌شده به دقت مطالعه و نکات کلیدی مرتبط با موضوع تحقیق استخراج شدند. یادداشت‌ها شامل اطلاعاتی در مورد فعالیت‌های بسیج در آموزش، برنامه‌های فرهنگی، همکاری با نهادهای مختلف، مشاوره و حمایت از خانواده‌ها و بازتوانی معتادان بود.

تحلیل و تفسیر داده‌ها: اطلاعات جمع‌آوری‌شده مورد تحلیل و تفسیر قرار گرفت تا نقش بسیج در پیشگیری از اعتیاد به طور جامع و دقیق بررسی شود.

۴. یافته‌های پژوهش

نقش بسیج به عنوان یکی از مؤثرترین نهادهای مردمی در ایران، در پیشگیری از اعتیاد به مواد مخدر به دلیل اقدامات گسترده فرهنگی و اجتماعی آن بسیار حائز اهمیت است. بسیج با برگزاری برنامه‌های آگاهی‌بخشی در سطوح مختلف جامعه و با استفاده از رویکردهای اجتماع‌محور توانسته است در مناطق محروم و حاشیه‌نشین نقشی اساسی در کاهش گرایش به مصرف مواد مخدر ایفا کند. به طور خاص برگزاری کارگاه‌های آموزشی، آموزش مهارت‌های زندگی به نوجوانان و جوانان و ارائه مشاوره‌های رایگان به خانواده‌ها از جمله اقدامات موفق بسیج بوده است که طبق گزارش‌های موجود، در کاهش گرایش به مواد مخدر تأثیر ۳۰ درصدی داشته است (حبی و همکاران، ۱۳۹۰). بسیج به عنوان یک نهاد مردمی و انقلابی می‌تواند مأموریت پیشگیری از اعتیاد را از طریق سه رویکرد کلیدی دنبال کند:

- سیاست‌گذاری و حمایت قانونی: بسیج می‌تواند در تدوین و پیشنهاد اصلاحات قانونی مرتبط با پیشگیری از اعتیاد نقش داشته باشد و همکاری‌های خود را با نهادهای اجرایی و سیاست‌گذار گسترش دهد.
- اجرای برنامه‌های آموزشی و آگاه‌سازی: بسیج می‌تواند در مدارس، دانشگاه‌ها و محله‌ها دوره‌های مهارت‌های زندگی و برنامه‌های آموزشی برای پیشگیری از اعتیاد برگزار کند.
- بسیج اجتماعی و استفاده از ظرفیت پایگاه‌های مقاومت: بسیج می‌تواند از ظرفیت‌های مردمی برای ایجاد گروه‌های حمایتی، کمپین‌های آگاهی‌بخشی و برنامه‌های مداخله زود هنگام استفاده کند.

یکی از چالش‌های اصلی در مأموریت‌پذیری بسیج برای پیشگیری از اعتیاد، نبود قوانین شفاف درباره نقش این نهاد در مداخلات اجتماعی است. برخی از خلأهای قانونی شامل موارد زیرند:

- نبود سازوکار مشخص برای همکاری بسیج با مراکز ترک اعتیاد و بهزیستی؛
- نبود حمایت‌های قانونی از فعالیت‌های داوطلبانه بسیج در حوزه پیشگیری از اعتیاد؛

- محدودیت‌های اداری در اجرای برنامه‌های پیشگیرانه در مراکز آموزشی و اجتماعی. برای رفع این چالش‌ها پیشنهاد می‌شود چارچوب قانونی جدیدی تدوین شود که امکان همکاری بسیج با مراکز درمانی، مدارس و سازمان‌های مردم‌نهاد را تسهیل کند.

الگوی عملی پیشنهادی برای بسیج در پیشگیری از اعتیاد

بررسی مدل‌های موفق جهانی مانند مدل ایسلندی و برنامه «CTC» نشان می‌دهد استفاده از رویکردهای اجتماع‌محور و مداخلات زودهنگام می‌تواند به کاهش گرایش به مواد مخدر کمک کند. پیشنهاد می‌شود بسیج از الگوی عملی زیر پیروی کند (کیالها، ۱۴۰۱/ کریست‌جانسون (Kristjansson)، ۲۰۱۹):

۱. ایجاد پایگاه‌های آموزشی بسیج در مناطق پرخطر: این پایگاه‌ها می‌توانند خدمات مشاوره‌ای، مهارت‌آموزی و برنامه‌های آگاهی‌بخشی ارائه دهند.
۲. برگزاری دوره‌های مهارت‌های زندگی در مدارس و دانشگاه‌ها: آموزش مهارت‌های مدیریت استرس، تصمیم‌گیری و مهارت‌های ارتباطی برای پیشگیری از اعتیاد.
۳. همکاری بسیج با مراکز درمانی و بهزیستی: ایجاد شبکه‌ای از مراکز حمایتی که نقش بسیج را در اطلاع‌رسانی به اقدامات مداخله‌ای گسترش دهد.
۴. افزایش سرمایه اجتماعی از طریق مشارکت محلی: بسیج می‌تواند نقش تسهیل‌گر را در ایجاد گروه‌های حمایت اجتماعی برای نوجوانان و خانواده‌های در معرض خطر ایفا کند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد بسیج می‌تواند نقش مؤثری در پیشگیری از اعتیاد ایفا کند؛ اما برای افزایش کارایی این نقش لازم است یک چارچوب عملیاتی دقیق‌تر تعریف شود. پیشنهاد می‌شود بسیج از طریق سه راهکار کلیدی به مأموریت پیشگیری از اعتیاد متعهد شود:

- اصلاح قوانین و تسهیل همکاری‌های بین‌بخشی؛
- اجرای برنامه‌های آموزشی و مداخلات زودهنگام؛
- تقویت سرمایه اجتماعی و شبکه‌های حمایتی.

این اقدامات می‌توانند زمینه‌ساز کاهش گرایش به مصرف مواد مخدر در جامعه شوند.



۵. بحث، نتیجه‌گیری و پیشنهادها

۵-۱. بحث

تحقیقات نشان می‌دهند اعتیاد به مواد مخدر یکی از چالش‌های مهم اجتماعی، بهداشتی و اقتصادی است که تأثیرات مخربی بر سلامت عمومی جامعه دارد. با توجه به اینکه بسیج به عنوان یک نهاد مردمی و انقلابی نقش مهمی در مقابله با این معضل ایفا می‌کند، می‌توان به اهمیت مشارکت این نهاد در برنامه‌های پیشگیری از اعتیاد پی برد.

همان طور که پیش‌تر اشاره شد، چندین عامل بیولوژیکی و اجتماعی با افزایش خطر ابتلا به اختلالات سوء مصرف مواد (SUDs= substance use disorders) مرتبط است. در دسترس بودن مواد مخدر و هنجارهای اجتماعی در مورد مصرف مواد نیز عوامل خطر مهمی هستند. برخی از عوامل خطرزای SUD در مراحل خاصی از رشد، اهمیت بیشتری داشته، عوامل خطری که در سنین پایین‌تر رخ می‌دهند، فرد را مستعد قرار گرفتن در معرض سایر عوامل خطر که در اواخر زندگی فرد هستند، قرار می‌دهند و اغلب تأثیر آنها را چند برابر می‌کنند. بنابراین اثر عوامل خطر اغلب افزایشی نیست، بلکه هم‌افزایی و آبشاری است. مداخلات در مراحل اولیه آبشار ممکن است با احتمال بیشتری بتواند عوامل خطر پایین دستی SUD را کاهش دهد. علاوه بر این از آنجا که بعضی از عوامل خطر SUD با سایر اختلالات روان‌پریشی مشترک است، مداخلات بر این عوامل مشترک، می‌تواند از بروز سایر اختلالات پیشگیری کند. مطالعات اپیدمیولوژیک بارها نشان داده‌اند محیط‌هایی با سطوح بالای عوامل استرس‌زا، حمایت اجتماعی ضعیف، دسترسی آسان به مواد مخدر، مصرف مواد و خطر اعتیاد را افزایش می‌دهند. قرار گرفتن در معرض محیط نامطلوب اجتماعی تا حدی در طول زندگی تأثیر می‌گذارد؛ اما اثرات آن، زمانی که در کودکی یا نوجوانی رخ می‌دهد و مغز به سرعت در حال رشد است، بارزتر است (ولکو و برانکو، ۲۰۲۳). خانواده به عنوان اولین عامل حمایتی تأثیر چشمگیری بر بروز مشکلات رفتاری، روانی و شخصیتی در دوران بزرگسالی می‌گذارد (کیالها، ۱۴۰۱) و نقش مرکزی در شروع و تداوم مصرف مواد ایفا می‌کند (دنومه و بنهانو (Denomme & Benhanoh، ۲۰۱۷).



محیط‌های اجتماعی نامطلوب نیز خطر مصرف مواد مخدر و SUDها را در بزرگ‌سالی افزایش می‌دهد؛ برای نمونه بیکاری، بی‌ثباتی مسکن و اثرات نژادپرستی و تبعیض ممکن است خطر و شدت SUD را افزایش دهد. بلایای طبیعی یا انسانی (درگیری و جنگ) و عوامل اجتماعی مانند درآمد کم، شهرنشینی کنترل‌نشده و با برنامه‌ریزی ضعیف و تخریب محیط زیست نیز می‌توانند خطر مصرف مواد و SUD را افزایش دهند (ولکو و بلانکو، ۲۰۲۳).

بیشتر تلاش‌ها برای پیشگیری از اعتیاد در دوران کودکی و نوجوانی انجام می‌شود، زیرا در این دوره‌ها تغییرات عمده رفتاری رخ داده و در دوره‌ی نوجوانی، افزایش مواجهه با مواد روان‌گردان رخ داده و نوجوان تحت تأثیر فشار همسالان قرار دارد. با این حال خطرات در سایر مراحل زندگی نیز وجود دارد و نیازمند توسعه مداخلات پیشگیرانه برای سایر گروه‌های سنی هستیم (ولکو و بلانکو، ۲۰۱۹). هدف از مداخلات پیشگیرانه کاهش عوامل خطر - برای مثال رفتار انحرافی، همسالان مصرف‌کننده مواد مخدر و غفلت اجتماعی - و افزایش عوامل محافظت‌کننده - مانند حمایت والدین و آموزش - بوده که می‌توانند در زمینه‌های خانواده، مدرسه یا مراقبت‌های بهداشتی نیز اجرا شوند.

جدول شماره ۲: راهبردهای پیشگیری از اختلالات مصرف مواد (ولکو و بلانکو، ۲۰۲۳)

مداخلات	عوامل خطر قابل تغییر
آموزش خودکنترلی	تکانش‌گری
آموزش مهارت‌های اجتماعی	مهارت‌های اجتماعی ضعیف
آموزش تاب‌آوری در برابر استرس	قراگیری در معرض استرس
آموزش مهارت‌های فرزندپروری	نظارت ناکافی والدین
مداخلات آموزشی و تدریس خصوصی	اعتماد به نفس پایین
مداخلات پیشگیری اولیه	مصرف مواد در سنین پایین
سیاست‌های کاهش عرضه	دسترسی زیاد به مواد
آموزش هنجارها	درک نادرست از هنجارهای مصرف مواد مخدر
آموزش مهارت‌های امتناع	مصرف مواد هم‌تا
ایجاد فرصت‌های اشتغال، آموزش مهارت	فقر



همان طور که پیش‌تر ذکر شد، رایج‌ترین راهبرد پیشگیری، آموزش جهانی مواد مخدر مبتنی بر مدرسه است. مؤثرترین برنامه‌ها یک رویکرد جامع تأثیر اجتماعی با چهار مؤلفه را اتخاذ می‌کنند: ارائه اطلاعات؛ آموزش در مورد شیوع مصرف مواد در میان همسالان؛ آموزش مهارت‌های امتناع و مهارت‌های زندگی (ولکو و بلانکو، ۲۰۲۳). بنابراین بسیج می‌تواند با برگزاری کارگاه‌ها و سمینارهای آموزشی در مدارس، دانشگاه‌ها، مساجد و مراکز فرهنگی، به آموزش جوانان، والدین و مربیان بپردازد. این آموزش‌ها می‌تواند شامل اطلاعاتی درباره خطرات و عواقب مصرف مواد مخدر، راه‌های پیشگیری و شناسایی علائم اولیه اعتیاد همچنین ارائه اطلاعات، آموزش در مورد شیوع مصرف مواد در میان همسالان، آموزش مهارت‌های امتناع و مهارت‌های زندگی باشد. همچنین نتایج پژوهش بحرینی و همکاران نشان داد از میان چهار روش مداخله در راستای پیشگیری از اعتیاد و تغییر نگرش دانش‌آموزان نسبت به اعتیاد و مواد مخدر، روش شرکت حضوری در کلاس‌های آموزشی مهارت‌های زندگی و روش آموزش از طریق فیلم تأثیر معناداری بر تغییر نگرش دانش‌آموزان نسبت به مواد مخدر و اعتیاد داشته است (بحرینی بروجنی و همکاران، ۱۳۹۳).

یک نمونه از یک مداخله پیشگیرانه انتخابی مبتنی بر مدرسه «Preventure» است. این مداخله برای جوانان پرخطر با ویژگی‌های شخصیتی که با مصرف مواد و آسیب‌شناسی روانی مرتبط است، طراحی شده است. این ویژگی‌ها شامل ناامیدی، اضطراب بالا، تکانش‌گری بالا و هیجان‌طلبی است (کنرود (Conrod)، ۲۰۱۶).

همچنین با توجه به اینکه خانواده به عنوان اولین عامل حمایتی تأثیر چشمگیری بر بروز مشکلات رفتاری، روانی و شخصیتی در دوران بزرگسالی می‌گذارد (کیالها، ۱۴۰۱) و نقش مرکزی در شروع و تداوم مصرف مواد ایفا می‌کند (دنومه و بنهانو، ۲۰۱۷)، بهتر است در دوران بارداری یا شیرخوارگی کلاس‌های آموزشی با محتوای فرزندپروری برای مادران -به‌خصوص در مناطق محروم- برگزار شود؛ زیرا شواهدی وجود دارد مبنی بر اینکه ملاقات مادران در دوران قبل از تولد یا در دوران شیرخوارگی برای ارائه مهارت‌های فرزندپروری به مادران یا ارائه خدمات آموزشی به کودکانی که در جوامع محروم پرورش می‌یابند، می‌تواند به پیشگیری از مصرف مواد در مراحل



بعدی زندگی کمک کند (ولکو و بلانکو، ۲۰۲۳). علاوه بر این مداخلات پیشگیرانه مبتنی بر والدین یا خانواده عوامل خطر مربوط به روابط خانوادگی و همچنین همسالان و سایر تأثیرات جامعه را هدف قرار می‌دهد. در این مداخلات برنامه‌هایی ارائه می‌شود که بر آموزش مهارت‌ها به والدین - مانند ارتباطات، تنظیم قوانین، نظارت - استراتژی‌هایی برای بهبود پویایی خانواده و مداخلات ترکیبی دانش‌آموز و والدین تمرکز دارند. نتایج نشان داده‌اند مداخلات مبتنی بر والدین - یعنی صرفاً بر والدین متمرکز شده است - و برنامه‌های پیشگیری مبتنی بر دانش‌آموز و والدین تأثیرات مفیدی بر پیامدهای مصرف مواد در نوجوانان ایجاد می‌کنند. نتایج اولیه این مطالعات نشان داده است برنامه‌هایی مبتنی بر خانواده می‌تواند از مصرف الکل، دخانیات و مواد مخدر در جوانان جلوگیری کند و اثرات آن بیش از ۱۲ ماه باقی بماند. برنامه‌های فشرده ارائه‌شده توسط یک تسهیل‌گر آموزش‌دیده نسبت به مداخلات تک جلسه‌ای یا رایانه‌ای مؤثرترند (ولکو و بلانکو، ۲۰۲۳).

مداخلات پیشگیری همچنین می‌تواند از طریق رسانه‌های دیجیتال، مانند بازی‌های ویدیویی که عمدتاً برای اهداف آموزشی توسعه یافته‌اند، انجام شود (رودریگوز Rodriguez) و همکاران، ۲۰۱۴). از مزیت‌های مداخلات دیجیتال می‌توان به عدم نیاز به متخصصان پیشگیری آموزش‌دیده در محل، قابل حمل بودن مداخلات دیجیتال و همچنین امکان تحویل آنها در خانه یا جامعه اشاره کرد. همچنین این انعطاف‌پذیری به آنها اجازه می‌دهد بر برخی از موانع بر سر راه اجرای برنامه‌های سنتی مبتنی بر مدرسه که به معلمان آموزش‌دیده نیاز دارند، غلبه کنند. این مداخلات مانند برنامه‌های کاربردی گوشی‌های هوشمند و پیام‌های متنی، معمولاً برای هدف قراردادن طیف گسترده‌ای از رفتارهای بهداشتی در بزرگسالان استفاده می‌شوند و حوزه‌ای به سرعت در حال رشد در بین جوانان را تشکیل می‌دهد (توروس Rodriguez) و همکاران، ۲۰۲۱).

بسیج با تدوین قوانین حمایتی، برنامه‌ریزی صحیح، آموزش و اطلاع‌رسانی بموقع و تأمین نیروی متخصص می‌تواند نقش مؤثری در فرهنگ‌سازی و پیشگیری از سوء مصرف مواد داشته باشد. همچنین با افزایش سرمایه اجتماعی و تقویت انگیزه‌های اجتماعی در افراد به‌ویژه جوانان و نوجوانان می‌توان به طور قابل توجهی از گرایش به مواد مخدر جلوگیری کرد.



پژوهش‌های مختلف نشان داده‌اند فعالیت‌های ورزشی می‌توانند نقش مهمی در کاهش گرایش جوانان به مواد مخدر داشته باشند (صفرزایی و همکاران، ۱۳۹۴). این فعالیت‌ها باعث می‌شوند جوانان انرژی و زمان خود را در راه‌های مثبت و سازنده صرف کنند و از تمایل به مصرف مواد مخدر دوری کنند؛ برای نمونه برنامه‌های ورزشی منظم و مسابقات محلی می‌توانند جوانان را به سمت فعالیت‌های سالم و گروهی هدایت کنند.

با توجه به نقش مهم بسیج در پیشگیری از اعتیاد، لازم است برنامه‌های جامعی برای آگاه‌سازی و پیشگیری از سوء مصرف مواد طراحی و اجرا شود. این برنامه‌ها باید شامل آموزش‌های گسترده برای والدین، مدارس و جوانان باشد و از روش‌هایی مبتنی بر جامعه برای پیشگیری از رفتارهای پرخطر استفاده کنند.

۲-۵. نتیجه‌گیری

نقش بسیج در پیشگیری از اعتیاد به مواد مخدر بسیار مهم و حیاتی است. با استفاده از برنامه‌های آموزشی، توان‌مندسازی و حمایت‌های اجتماعی، می‌توان به طور مؤثر با این معضل اجتماعی مقابله کرد. به طور خلاصه برنامه‌های عملیاتی پیشنهادی برای بسیج در پیشگیری از اعتیاد به شرح زیر می‌باشد:

۱. آموزش حرفه‌ای و توان‌مندسازی: برگزاری دوره‌های آموزشی برای جوانان در حوزه‌های مختلف شغلی مانند فنون کشاورزی، تکنولوژی اطلاعات و کارهای دستی.
۲. ترویج کارآفرینی: ارائه مشاوره کارآفرینی و حمایت مالی برای شروع کسب و کارهای کوچک.
۳. بازآموزی و ارتقای مهارت‌های شغلی: فراهم کردن برنامه‌های بازآموزی برای افرادی که به دلیل اعتیاد مشکلات شغلی داشته‌اند.
۴. تشویق به فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی: برگزاری فعالیت‌های ورزشی، هنری و فرهنگی برای تقویت روابط اجتماعی و سلامت روانی جوانان.
۵. استفاده از فناوری‌های نوین: بهره‌گیری از برنامه‌ها و اپلیکیشن‌های هوشمند و واقعیت مجازی برای ارائه آموزش‌های تعاملی و مشاوره آنلاین.



نتایج این پژوهش نشان می‌دهد بسیج به عنوان یک نهاد تأثیرگذار اجتماعی، با استفاده از برنامه‌های جامع آموزشی، مشارکت اجتماعی و فعالیت‌های فرهنگی، نقشی اساسی در پیشگیری از اعتیاد در ایران داشته است. این نهاد با ارائه خدمات مشاوره‌ای به خانواده‌ها و جوانان و همچنین ایجاد فضاهایی برای فعالیت‌های سالم و اجتماعی توانسته است میزان گرایش به مواد مخدر را به‌ویژه در مناطق آسیب‌پذیر کاهش دهد. در مقایسه با سایر نهادها، بسیج به دلیل دسترسی گسترده به اقشار مختلف جامعه به‌ویژه در مناطق محروم و روستایی، توانسته است به طور مؤثری در جلوگیری از گسترش اعتیاد مؤثر باشد (حبی و همکاران، ۱۳۹۰).

بررسی‌های جهانی مانند «CTC» در آمریکا نشان می‌دهد بسیج می‌تواند با بهره‌گیری از روش‌های اجتماع‌محور و تمرکز بر سرمایه اجتماعی، مشابه با مدل‌های پیشگیری موفق جهانی عمل کند (هاوکینز (Hawkins) و همکاران، ۲۰۱۴). این دستاوردها نشان‌دهنده اهمیت بسیج در ایجاد تحول‌های اجتماعی و فرهنگی و جلوگیری از معضلاتی همچون اعتیاد است. پیشنهاد می‌گردد تحقیقات بیشتری در این زمینه انجام شود و برنامه‌های عملیاتی به طور مداوم بهبود یابند.

۳-۵. پیشنهادها

به طور کلی اقداماتی که بسیج برای پیشگیری از اعتیاد در مدارس می‌تواند انجام دهد شامل زیر است:

- برگزاری کارگاه‌ها و سخنرانی‌ها: بسیج می‌تواند برای اعضای هیئت‌مدیره، معلمان و والدین کارگاه‌ها و سخنرانی‌های آموزشی برگزار کند که در آنها به اهمیت پیشگیری از اعتیاد و راهکارهای مؤثر برای آن پرداخته شود.

- تشکیل گروه‌های پشتیبانی و مشاوره: بسیج می‌تواند برای والدین و اعضای هیئت‌مدیره مدارس گروه‌های مشاوره و پشتیبانی ایجاد کند تا آنها را در مدیریت و پیشگیری از مسائل مربوط به اعتیاد یاری دهد.

- ترویج ارتباط والدین با دانش‌آموزان: ایجاد برنامه‌هایی که والدین را به فعالیت در زمینه‌های آموزشی و تربیتی دانش‌آموزان تشویق کند و ارتباط فعال و سازنده بین خانواده و مدرسه را ترویج دهد.

- استفاده از پلتفرم‌های دیجیتالی: ارائه منابع آموزشی و اطلاعاتی به والدین و معلمان از طریق پلتفرم‌های دیجیتالی و وبسایت‌های مخصوص که محتوای آموزشی و مشاوره‌ای را فراهم می‌آورد.

- ترویج فرهنگ آگاهی و پذیرش: بسیج می‌تواند فرهنگی از پذیرش و آگاهی از خطرات اعتیاد در مدارس و خانواده‌ها ترویج کند تا اعضای جامعه آمادگی لازم برای مقابله با این چالش را داشته باشند.

این اقدامات می‌توانند به عنوان راهکارهایی برای بسیج در پیشگیری از اعتیاد در مدارس و خانواده‌ها مورد استفاده قرار گیرند و به ارتقای آگاهی و مهارت‌های لازم برای مقابله با این مسئله کمک کنند.

- گنجاندن درس تحت عنوان آموزش مهارت‌های پیشگیری از اعتیاد در محتوای آموزشی مقطع متوسطه که دارای واحد نظری و عملی باشد.

آموزش واحد نظری به شکل زیر انجام شود:

- همکاری با روان‌شناسان و متخصصان: دعوت از روان‌شناسان و افراد متخصص در زمینه اعتیاد به عنوان مهمانان ویژه که به دانش‌آموزان درباره علم اعتیاد و راهکارهای پیشگیری آموزش دهند.

- استفاده از روش‌های تعاملی: برگزاری بحث و گفت‌وگوهای گروهی که دانش‌آموزان را به اندیشیدن و بحث‌کردن در مورد اعتیاد و عواقب آن تشویق کند.

- استفاده از فیلم‌ها و مستندات: نمایش فیلم‌ها و مستندات آموزشی درباره تجربیات افراد مبتلا به اعتیاد و اثرات منفی آن بر زندگی آنها تا دانش‌آموزان به طور مستقیم با واقعیت اعتیاد آشنا شوند.

- برگزاری فعالیت‌های عملی: برگزاری تمرین‌ها و فعالیت‌های عملی که دانش‌آموزان را در مدیریت استرس، ارتباطات مؤثر و تقویت تصمیم‌گیری‌های سالم آموزش دهد.

- تشکیل گروه‌های پشتیبانی: ایجاد گروه‌های کوچکی که دانش‌آموزان در آنها با هم می‌توانند در مورد مشکلات و نگرانی‌هایشان صحبت کنند و از یکدیگر حمایت بگیرند.

واحد عملی این درس به شکل زیر اجرا شود:

- بازدید از مراکز پیشگیری از اعتیاد: مانند مراکز توان‌بخشی، مراکز مشاوره و درمان اعتیاد و یا بیمارستان‌های مرتبط.

- گفت وگو با افراد متخصص: برگزاری جلسات گفت وگو با روان شناسان، پزشکان و متخصصان دیگر در زمینه اعتیاد.

- مشارکت در فعالیت های آموزشی عملی: مانند تمرین های مهارت های ارتباطی، تقویت تصمیم گیری های سالم و مدیریت استرس.

برگزاری این بخش عملی می تواند به دانش آموزان این اجازه را بدهد که به طور مستقیم با مفاهیم آموزش داده شده در این درس در مورد اعتیاد در تعامل باشند و به شناخت عمیق تری از این مسئله دست پیدا کنند.

علاوه بر این آموزش مهارت های فردی نیز برای پیشگیری از اعتیاد باید مورد توجه قرار گیرد که برای اینکه آموزش به شیوه جذاب ارائه شود، راهکارهای زیر توصیه می شود:

- استفاده از روش های تعاملی و بازی های آموزشی: از بازی های تعاملی، شبیه سازی ها یا فعالیت های گروهی برای آموزش مهارت های ارتباطی، مدیریت استرس، تصمیم گیری سالم و مهارت های اجتناب از فشارهای مخرب استفاده کنید. این روش ها باعث می شوند آموزش جذاب تر و فعالانه تر برای شرکت کنندگان باشد.

- استفاده از وسایل آموزشی متنوع: از تصاویر، ویدئوها، نمودارها، نمونه های عملی و داستان های واقعی استفاده کنید تا مفهوم ها را برای شرکت کنندگان به واقعیت نزدیک تر کنید.

- آموزش مهارت های زندگی روزمره: به جای تنها مطرح کردن مسائل مرتبط با اعتیاد، به شرکت کنندگان یاد دهید چگونه مهارت های زندگی روزمره مانند مدیریت زمان، ارتباط اجتماعی سالم، خودمراقبتی و تعاملات مثبت را بهبود دهند.

- استفاده از تجربیات شخصی و داستان های موفق: به اشتراک گذاری تجربیات شخصی یا داستان های موفق افرادی که موفق به پیشگیری یا خروج از اعتیاد شده اند، می تواند به شرکت کنندگان الگوی مثبتی ارائه دهد و آنها را به انجام تصمیم های سالم ترغیب کند.

- آموزش به شکل متنوع و تنوع آموزشی: تنوع در روش های آموزشی مانند وینارها، کارگاه ها، نشست های گروهی، بحث های پرسش و پاسخ، فیلم نما، بازی های آموزشی و حتی آموزش های آنلاین می تواند به شرکت کنندگان انگیزه بیشتری برای شرکت و یادگیری بدهد.



- استفاده از فناوری: بهره‌گیری از فناوری‌های نوین مانند واقعیت مجازی، پلتفرم‌های آموزشی آنلاین، اپلیکیشن‌های آموزشی و محتوای تعاملی در ارائه آموزش‌های پیشگیری از اعتیاد می‌تواند بسیار جذاب و مؤثر باشد.

این روش‌ها باعث می‌شوند آموزش مهارت‌های فردی برای پیشگیری از اعتیاد به گونه‌ای جذاب و پرنرزی تر برای شرکت‌کنندگان باشد و آنها را به طور فعال و مؤثر در فرایند یادگیری شرکت دهد.

علاوه بر این باید در محتوای آموزشی مهارت‌هایی آموزش داده شود که نوجوانان تحت فشار همسالان قرار نگیرند. می‌توان از رویکردها و راهکارهای زیر استفاده کرد:

۱. ارائه آموزش‌های مهارت‌های ارتباطی و مدیریت استرس: آموزش به مهارت‌های مثل ارتباط اثربخش، مدیریت احساسات و استرس و حل مسائل کمک می‌کند تا افراد بتوانند بهتر با فشارهای همسالان خود مقابله کنند.

۲. ترویج استقلال فردی و تصمیم‌گیری مستقل: آموزش به فرد که چگونه تصمیم‌های مستقلی را اتخاذ کند و تحت فشار همسالان دیگر قرار نگیرد.

۳. ارائه تمرین‌های تقویت اعتماد به نفس: آموزش به افراد که چگونه اعتماد به نفس قوی‌تری را به دست آورند و با فشارهای همسالان خود به‌خوبی برخورد کنند.

۴. ترغیب به دیدگاه مثبت و بهبود تصمیم‌گیری: تشویق به نگرش مثبت، ارائه اطلاعات دقیق و علمی و تشویق به تصمیم‌گیری‌های سالم و ارزشمند.

۵. استفاده از روش‌های آموزشی تعاملی: استفاده از روش‌های آموزشی که شامل بحث و گفت‌وگو، ویدئوهای تعاملی و تمرین‌های گروهی باشند.

این رویکردها می‌توانند به افراد کمک کنند تا مهارت‌های لازم برای مقابله با فشارهای همسالان را یاد بگیرند و در مواجهه با موقعیت‌هایی که ممکن است آنها را زیر فشار قرار دهند، کارآمدتر باشند.

از برنامه‌هایی که بسیج برای خانواده‌ها می‌تواند طراحی و اجرا کند، می‌توان به موارد زیر اشاره

کرد:



۱. گفت وگوها و کارگاه های آموزشی: برگزاری جلسات گفت وگو و کارگاه هایی که به والدین و اعضای خانواده آموزش های مربوط به اعتیاد، نشانه های آن، راهکارهای پیشگیری و مدیریت ارائه دهد.

۲. مشاوره و پشتیبانی روان شناختی: ارائه خدمات مشاوره و پشتیبانی روان شناختی به والدین که به آنها کمک کند تا با موقعیت ها و چالش های مرتبط با اعتیاد بهتر کنار آیند.

۳. پلتفرم های آموزشی و اطلاع رسانی: ایجاد وبسایت ها، بلاگ ها یا پلتفرم های دیجیتال که منابع آموزشی، مقالات اطلاع رسانی و منابع مفید دیگر را برای خانواده ها فراهم آورد.

۴. گروه های حمایتی و تبادل تجربیات: تشکیل گروه های کوچکی که والدین بتوانند در آنها تجربیات، نگرانی ها و راهکارهای خود را درباره مدیریت و پیشگیری از اعتیاد به اشتراک بگذارند.

۵. فعالیت های خانوادگی سالم: ترغیب و حمایت از خانواده ها برای شرکت در فعالیت ها و رویدادهایی که به فرهنگ سالم و مشارکت خانوادگی تشویق کنند.

۶. ارتباط مداوم و آگاهی مسئولانه: ایجاد ارتباط مداوم با والدین از طریق نشریات، ایمیل ها، وبینارها یا برنامه های آموزشی که به والدین اجازه دهند به طور مستقیم و بازخوردی اطلاعات و راهکارهایی را دریافت کنند که به آنها کمک کند تا با موضوع اعتیاد بهتر آشنا شوند.

برای پیشگیری از اعتیاد، ارتباط والدین با فرزندان می تواند نقش بسیار مهمی داشته باشد. به همین دلیل این موارد باید در محتوای آموزش به خانواده ها گنجانده شود که در ادامه به برخی از راهکارهایی که والدین می توانند برای پیشگیری از اعتیاد از طریق ارتباط با فرزندان خود انجام دهند، اشاره می کنیم:

۱. بحث باز: با فرزندان خود در مورد مسائل مربوط به اعتیاد صحبت کنید، بدون اینکه به آنها فشار بیاورید. فراهم کردن فضایی باز برای بحث می تواند به آنها کمک کند احساس کنند می توانند درباره هر چیزی با والدینشان صحبت کنند.

۲. آموزش در مورد اعتیاد: به فرزندان خود آموزش دهید که چگونه می توانند از اعتیاد دوری کنند و عواقب آن را درک کنند؛ برای مثال درباره تأثیرات منفی مصرف مواد مخدر بر سلامتی فرد و زندگی خانوادگی صحبت کنید.

۳. تقویت مهارت‌های اجتناب: به فرزندان خود مهارت‌های اجتناب و مقاومت در برابر فشارهای همسالان را آموزش دهید؛ برای مثال به آنها بگویید چگونه می‌توانند رفتارهای مخرب و مصرف مواد مخدر را از خود دور نگه دارند.

۴. بودجه‌بندی زمان: به فرزندان خود کمک کنید تا زمان خود را به طور مفید و سازنده بگذرانند. ارائه فعالیت‌های سازنده و مفرح می‌تواند از آنها جلوگیری کند تا به فعالیت‌های مخرب و ناخواسته بپردازند.

۵. الگوبودن والدین: به عنوان والدین، خودتان نمونه خوبی از رفتار سالم و مدیریت استرس را ارائه دهید. نمایش مدیریت مهارت‌های استرس و رفتارهای سالم می‌تواند به عنوان الگوی مثبت برای فرزندان شما عمل کند.

۶. حفظ ارتباط مداوم: ارتباط مداوم با فرزندان خود را حفظ کنید و از احساسات و نگرانی‌هایشان آگاه شوید. این ارتباط می‌تواند اعتماد به نفس و احساس ارتباط نزدیک با خانواده را تقویت کند. این راهکارها می‌توانند به عنوان بخشی از استراتژی‌های پیشگیری از اعتیاد از طریق ارتباط والدین با فرزندان‌شان مورد استفاده قرار گیرند و به ارتقای اطلاعات و مهارت‌های لازم برای مقابله با فشارهای مختلف کمک کنند.

با توجه به اینکه یکی از دلایل اعتیاد جوانان، بیکاری و عدم اشتغال آنهاست، بسیج می‌تواند از طرق ایجاد اشتغال از گرایش جوانان به اعتیاد پیشگیری کند: برای ایجاد اشتغال و جلوگیری از رفتن جوانان به سمت مواد، بسیج می‌تواند از راهکارهای زیر استفاده کند:

۱. آموزش حرفه‌ای و توان‌مندسازی: بسیج می‌تواند برنامه‌های آموزشی و توان‌مندسازی را برای جوانان برگزار کند تا آنها را به مهارت‌های حرفه‌ای مختلف مانند کارهای دستی، فنون کشاورزی، تکنولوژی اطلاعات و طراحی وب آموزش دهد. این آموزش‌ها می‌توانند به جوانان کمک کنند تا مهارت‌های لازم برای یافتن شغل‌های پردرآمد و پایدار را به دست آورند.

۲. ترویج کارآفرینی و ایجاد کسب‌وکارهای کوچک: بسیج می‌تواند با تشویق به کارآفرینی و ایجاد شرایط مورد نیاز برای راه‌اندازی کسب‌وکارهای کوچک، جوانان را به ایجاد مشاغل خود ترغیب

کند. این می‌تواند شامل ارائه مشاوره کارآفرینی، اعطای وام یا حمایت مالی برای شروع کسب و کار باشد.

۳. بازآموزی و ارتقای مهارت‌های شغلی: بسیج می‌تواند برنامه‌های بازآموزی و ارتقای مهارت‌های شغلی را برای افرادی که قبلاً به دلیل اعتیاد مشکلات شغلی داشته‌اند، فراهم کند. این اقدام می‌تواند به آنها کمک کند تا به بازار کار بازگردند و از مواد دوری کنند.

۴. تشویق به فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی: بسیج می‌تواند فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی مختلف را برای جوانان برگزار کند، از جمله ورزش، هنر و فرهنگ. این فعالیت‌ها نه تنها به سلامت روانی و جسمی افراد کمک می‌کنند، بلکه باعث افزایش اعتماد به نفس و تقویت روابط اجتماعی آنها می‌شوند که می‌تواند از مصرف مواد مخدر جلوگیری کند.

۵. همکاری با صنعت و بازار کار: بسیج می‌تواند با صنعت و بازار کار همکاری کند تا نیازهای شغلی و بازار کار را شناسایی و برنامه‌های آموزشی و توان‌مندسازی را بر اساس این نیازها طراحی کند. این اقدام می‌تواند باعث افزایش فرصت‌های شغلی و کاهش فشارهای اقتصادی بر جوانان شود.

۶. با اجرای این راهکارها بسیج می‌تواند به طور مؤثری در جلوگیری از مصرف مواد مخدر در جامعه کمک کند و جوانان را به سمت اشتغال و زندگی سالم و مفید هدایت کند.

علاوه بر تمام موارد ذکرشده، در عصر جدید، می‌توان از فناوری‌ها و روش‌های نوین برای پیشگیری از اعتیاد و ارائه آموزش‌های موثر استفاده کرد. برای مثال:

۱. استفاده از اپلیکیشن‌های آموزشی: طراحی و توسعه اپلیکیشن‌های موبایل که محتوای آموزشی، بازی‌های تعاملی و اطلاعات علمی درباره اعتیاد را به نوجوانان و جوانان ارائه دهند.

۲. استفاده از واقعیت مجازی: ایجاد تجربه‌های واقعیت مجازی که در آنها افراد می‌توانند با موارد مختلف مصرف مواد مخدر و اثرات آنها بر جسم آشنا شوند.

۳. استفاده از هوش مصنوعی: استفاده از هوش مصنوعی به منظور تجزیه و تحلیل الگوهای رفتاری و پیشنهاد راهکارهای شخصی‌سازی شده برای پیشگیری از اعتیاد و مدیریت آن.

۴. برگزاری وبینارها و پادکست‌ها: برگزاری جلسات آموزشی آنلاین، وبینارها و پادکست‌هایی که به بررسی علم اعتیاد، راهکارهای پیشگیری و ارتقای آگاهی جامعه از این مسئله می‌پردازند.



۵. استفاده از شبکه‌های اجتماعی: ترویج پیام‌های پیشگیری از اعتیاد و ارائه اطلاعات آموزشی از طریق شبکه‌های اجتماعی برای رسیدن به جوانان و نوجوانان به طریقی جذاب و مؤثر.
- این تکنیک‌ها و روش‌ها می‌توانند در عصر جدید به عنوان ابزارهای مؤثری برای پیشگیری از اعتیاد و ارائه آموزش‌های مفید به جامعه مورد استفاده قرار گیرند.
- بسیج با همکاری با مساجد نیز می‌تواند نقش مهمی در پیشگیری از اعتیاد و ارتقای آگاهی جامعه از این مسئله ایفا کند. برخی از این فعالیت‌ها عبارت‌اند از:
۱. تدریس و آموزش اسلامی: ارائه آموزش‌های اسلامی که در آنها اخلاقیات و ارزش‌های اسلامی مرتبط با پیشگیری از مصرف مواد مخدر و اعتیاد به شکل واضح تشریح شود.
 ۲. برگزاری کارگاه‌ها و نشست‌های آموزشی: برگزاری کارگاه‌ها، نشست‌ها و سخنرانی‌هایی که به بحث و آگاهی از عواقب منفی مصرف مواد مخدر و اعتیاد بپردازند.
 ۳. تشکیل گروه‌های حمایتی: ایجاد گروه‌های حمایتی برای افراد مبتلا به اعتیاد و خانواده‌های آنها به منظور ارائه حمایت روانی و اجتماعی.
 ۴. ارائه مشاوره: فراهم کردن خدمات مشاوره به افراد مبتلا به اعتیاد و خانواده‌های آنها توسط مشاوران متخصص.
 ۵. نمایش فیلم‌ها و مستندها: برگزاری نمایش فیلم‌ها و مستندهایی که به بررسی عواقب اجتماعی و بهداشتی مصرف مواد مخدر بپردازند.
 ۶. استفاده از تکنولوژی: استفاده از فناوری‌های نوین مانند پلتفرم‌های آموزشی آنلاین، وبینارها و اپلیکیشن‌های موبایل برای ارائه آموزش‌های مؤثر و جذاب.
 ۷. ترویج فعالیت‌های جوانان: حمایت از فعالیت‌های فرهنگی، هنری و ورزشی برای جوانان و نوجوانان به عنوان جایگزینی برای فعالیت‌های مخرب.
 ۸. استفاده از پلتفرم‌های اجتماعی: استفاده از شبکه‌های اجتماعی و پلتفرم‌های دیجیتال برای ارائه محتوای آموزشی و آگاهی‌بخشی به جامعه.
- برای بهبود نقش آفرینی بسیج در پیشگیری از اعتیاد، لازم است یک الگوی عملیاتی مشخص تدوین شود که شامل استفاده از ظرفیت‌های بسیج در برگزاری حلقات تربیتی، معرفتی، بصیرتی و





اقدامات جهادی گروهی باشد. علاوه بر این بررسی خلأهای قانونی که ممکن است مانع اجرای این مأموریت شود، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

به طور کلی برای مقابله با معضل اعتیاد نیازمند همکاری و مشارکت همه‌جانبه نهادهای دولتی و غیردولتی، خانواده‌ها و جامعه هستیم. این همکاری‌ها می‌تواند به ایجاد یک نهضت عمومی و فراگیر در پیشگیری از اعتیاد منجر شود و به سلامت عمومی جامعه کمک شایانی نماید.



۴. منابع

۴-۱. منابع فارسی

ابلاغیه سیاست‌های مبارزه با مواد مخدر به همراه نامه رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای خطاب به رؤسای سه قوه درباره مبارزه با مواد مخدر منتشر می‌شود (۱۳۸۵). در:

<https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=۳۲۷۵۸>

احدی، رضا، و محمدی، شهرام (۱۳۹۵). عوامل مؤثر بر اعتیاد و سوء مصرف مواد مخدر در گذر پیشگیری کنشی با تأکید بر رویکرد اجتماع محور. سلامت اجتماعی و اعتیاد، ۱۲ (۳)، ۱۰۳-۱۴۹، در:

<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/۱۲۰۲۲۴۲>

بحرینی بروجنی، مجید، قاید امینی هارونی، غلام‌رضا، سعیدزاده، حمیدرضا، و سپهری بروجنی، کبری (۱۳۹۳). بررسی اثر بخشی چهار روش آموزش پیشگیری از سوء مصرف مواد بر تغییر نگرش نسبت به اعتیاد و مواد مخدر در دانش آموزان پسر مقطع متوسطه.

پیشگیری، ر.ج. س. م. ب. م. م. ا. ی. ک. ف. و. (۱۳۹۰). سند جامع پیشگیری اولیه از اعتیاد. در:

<https://newstudent.qiet.ac.ir/file/download/regulation/۱۶۰۳۰۸۱۸۴۸۰.pdf>.

حبی، محمدباقر، نائینی، محمدعلی، حاتمی، حمیدرضا، و شریفی، رضا (۱۳۹۰). بررسی نقش بسیج در فرهنگ‌سازی و پیشگیری از سوء مصرف مواد. روان‌شناسی نظامی، ۶ (۲)، ۴۷-۵۶، در:

<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/۱۱۶۸۳۸۰>.

رحیمی، فاطمه، اسماعیلی، مریم، نوری، ابوالقاسم، و مهدوی، علیرضا (۱۳۹۰). بررسی سرمایه اجتماعی با تأکید بر نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در پیشگیری از اعتیاد. فصلنامه پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی، ۱ (۴)، ۴۵، در:

<https://www.magiran.com/paper/۱۰۵۱۶۹۲>.

رضا، یازرلو (۱۴۰۱). تحلیل جامعه‌شناختی گرایش به اعتیاد و تأثیر آن بر سلامت اجتماعی. سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت، ۶ (۴)، ۴۵۷-۴۶۸.

سلیمانی، رضا (۱۳۹۵). نقش سازمان های مردم نهاد در کاهش مصرف مواد مخدر. ایده های نو در علوم و فناوری، ۱ (۲).

صرامی، حمید، و بقایی سرابی، علی (۱۳۹۷). رویکرد اجتماعی به کاهش تقاضای مواد مخدر و روان گردان ها و پیشگیری از وابستگی به مواد با تأکید بر نقش مشارکت اجتماعی. سلامت اجتماعی و اعتیاد، ۵ (۲۰)، ۲۵-۶۱.

صفرزایی، یاسر، و جلیلوند، جمشید (۱۳۹۴). نقش ورزش و فعالیت جسمانی در پیشگیری از اعتیاد نوجوانان: مطالعه مروری همایش ملی روان شناسی و مدیریت آسیب های اجتماعی، در:

<https://civilica.com/doc/556780>.

طرح یاریگر زندگی، در:

<https://news.dchq.ir/۳/?paged=۴&tag=%D%A%B۷%D۸%B۱%D۸%AD-%DB%۸C%D۸%A۷%D۸%B۱%DB%۸C%DA%AF%D۸%B۱%D۸%A۷%D۹%۸۶-%D۸%B۲%D۹%۸۶%D۸%AF%DA%AF%DB%۸C&utm>

رحیمی، فاطمه، اسماعیلی، مریم، نوری، ابوالقاسم، و مهدوی، علیرضا (۱۳۹۰). بررسی سرمایه اجتماعی با تأکید بر نقش سازمان های مردم نهاد در پیشگیری از اعتیاد. فصلنامه پژوهش های روانشناسی اجتماعی، ۱ (۴)، ۴۵، در:

<https://www.magiran.com/paper/۱۰۵۱۶۹۲>.

کیالها، شقایق (۱۴۰۱). اعتیاد در نوجوانان: مروری بر نقش عملکرد خانواده. ایده های نوین روانشناسی، ۱۶ (۱۲)، ۲۴۲-۲۶۳، در:

<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/۱۸۷۹۲۳۰>.

گام بلند مبارزه با اعتیاد با اجرای طرح ملی کرامت، در:

isna.ir/xdgKrw.

محمدی، علی (۱۳۹۶). پیشگیری از اعتیاد با رویکرد اجتماعی کردن مبارزه با مواد مخدر و بهره مندی از ظرفیت سازمان های مردمی. مجله پیشرفت های نوین در علوم رفتاری، ۲ (۱۱)، ۸۵-۱۰۰، در:

<https://www.magiran.com/paper/۱۷۴۷۷۹۴>

وطن دوست، حجت، و آرمند، محمدعلی (۱۳۹۷). رویکرد اجتماع محور در پیشگیری از اعتیاد نوجوانان و جوانان: نقش تسهیلگری مرکز سلامت روان محلی. سلامت اجتماعی و اعتیاد، ۱۸ (۵)، ۷۵-۱۰۴، در:

<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/۱۴۰۱۲۵۴>.

یازرلو، رضا (۱۴۰۱). تحلیل جامعه شناختی گرایش به اعتیاد و تأثیر آن بر سلامت اجتماعی. سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت، ۶ (۴)، ۴۵۷-۴۶۸.



۲-۴. منابع لاتین

- Ajzen, Icek. (۱۹۹۱). The theory of planned behavior. *Organizational Behavior and Human Decision Processes*, ۵۰ (۲), ۱۷۹-۲۱۱.
- Ahang, farahnaz., Imani, Abdolmajid., & Yaghoubi, Noor Mohammad. (۲۰۲۰). Scenario writing Key factors affecting social participation in community-based organizations for addiction prevention sabz-scds, ۹ (۲), ۱۱۳-۱۴۲, <https://doi.org/10.52547/scds.9.2.113>
- Blanco, Carlos., & Volkow, Nora. D. (۲۰۱۹). Management of opioid use disorder in the USA: present status and future directions. *Lancet*, ۳۹۳ (۱۰۱۸۲), ۱۷۶۰-۱۷۷۲, [https://doi.org/10.1016/S0140-6733.18.2\(18\)7336](https://doi.org/10.1016/S0140-6733.18.2(18)7336)
- Bourdon, Jessica L., Jordan Wright, Sabrina Verdecanna, Mer W. Francis, and Vivia V. McCutcheon (۲۰۲۰). Protocol for a New Family History of Addiction Density Score to Aid in the Treatment of Alcohol and Substance Use Disorders. *Drug and Alcohol Dependence Reports*. (۱۰), (۲۰۲۰/۰۶/۰۱/۲۰۲۰). ۱۰۰۳۲۱.
- Bandura, Albert. (۱۹۸۶). Social foundations of thought and action: A social cognitive theory. Prentice-Hall, Inc.
- Conrod, Patricia J. (۲۰۱۶). Personality-Targeted Interventions for Substance Use and Misuse. *Curr Addict Rep*, ۳ (۴), ۴۲۶-۴۳۶, <https://doi.org/10.1007/s40429-016-0127-6>
- Denomme, William James, & Benhanoh, Orry. (۲۰۱۷). Helping concerned family members of individuals with substance use and concurrent disorders: An evaluation of afamily member-oriented treatment program. *J Subst Abuse Treat*, (۷۹), ۳۴-۴۰, <https://doi.org/10.1016/j.jsat.2017.05.012>
- European Monitoring Centre for, D., & Drug, A. (۲۰۲۱). European Drug Prevention Prize. Retrieved from EMCDDA
- Hawkins, J David., Oesterle, Sabrina ,Brown, Eric C, Abbott, Robert D., & Catalano, Richard F. (۲۰۱۴). Youth problem behaviors ^ years after implementing the communities that care prevention system: a community-randomized trial. *JAMA Pediatr*, ۱۶۸ (۲), ۱۲۲-۱۲۹, <https://doi.org/10.1001/jamapediatrics.2013.4009>.
- Hatami Khaljan Khadijeh, Ghazi Nejad Maryam, Bastani Susan, Rad Firooz. (۲۰۲۳). Investigating the role of non-governmental organizations in solving social problems (Meta-analysis of research ۱۳۷۰-۱۳۹۸). *refahj*. ۲۳ (۸۸), ۲۳۷-۲۷۰, doi:10.32598/refahj.23.88.4080.1.



Kristjansson, Alfgeir L., Mann, Michael J., Sigfusson, Jon., Thorisdottir, Ingibjorg E., Allegrante, John P., & Sigfusdottir, Inga. Dora. (۲۰۱۹). Development and Guiding Principles of the Icelandic Model for Preventing Adolescent Substance Use. *Health Promotion Practice*, ۲ (۱), <https://doi.org/10.1177/1024839919849032>.

Kristjansson, Alfgeir Logi., Sigfusdottir, Inga Dora., & Allegrante, John P. (۲۰۱۳). Adolescent substance use and peer use: a multilevel analysis of cross-sectional population data. *Subst Abuse Treat Prev Policy*, (۸), ۲۷, <https://doi.org/10.1186/1745-0۹۷۷-۸-۲۷>.

Latimore, Amanda D., Salisbury-Afshar, Elizabeth., Duff, Noah., Freiling, Emma., Kellett, Brett., Sullenger, Rebecca. D., & Salman, Aisha (۲۰۲۳). Primary, Secondary, and Tertiary Prevention of Substance Use Disorders through Socioecological Strategies. *NAM Perspect*, <https://doi.org/10.31478/۲۰۲۳.۹b>.

Maldonado, R., Calvé, P., García-Blanco, A., Domingo-Rodriguez, L., Senabre, E., & Martín-García, E. (۲۰۲۱). Vulnerability to addiction. *Neuropharmacology*, (۱۸۶), ۱۰۸۴۶۶. <https://doi.org/10.1016/j.neuropharm.۲۰۲۱.۱۰۸۴۶۶>.

National Institute on Drug Abuse. (۲۰۲۰). Commonly Used Drugs Charts. <https://www.drugabuse.gov/drug-topics/commonly-used-drugs-charts>.

National Institute on Drug Abuse. (۲۰۲۰). Signs and symptoms of drug use. Retrieved from <https://www.drugabuse.gov/drug-topics/signs-symptoms-drug-use>.

Rodriguez, Daniel M., Teesson, Maree., & Newton, Nicola C. (۲۰۱۴). A systematic review of computerised serious educational games about alcohol and other drugs for adolescents. *Drug Alcohol Rev*, ۳۳ (۲), ۱۲۹-۱۳۵, <https://doi.org/10.1111/dar.۱۲۱۰۲>.

Torous, John., Bucci, Sandra., Bell, Imogen. H., Kessing, Lars V., Faurholt-Jepsen, Maria., Whelan, Pauline., Carvalho, Andre F., Keshavan, Matcheri., Linardon, Jake., & Firth, Joseph. (۲۰۲۱). The growing field of digital psychiatry: current evidence and the future of apps, social media, chatbots, and virtual reality. *World Psychiatry*, ۲۰ (۳), ۳۱۸-۳۳۵. <https://doi.org/10.1002/wps.۲۰۸۸۳>.

Volkow, Nora D., & Blanco, Carlos. (۲۰۲۳). Substance use disorders: a comprehensive update of classification, epidemiology, neurobiology, clinical aspects, treatment and prevention. *World Psychiatry*, ۲۲ (۲), ۲۰۳-۲۲۹, <https://doi.org/https://doi.org/10.1002/wps.۲۱۰۷۳>.

Volkow, Nora D., Han, Beth., Einstein, Emily B., & Compton, Wilson M. (۲۰۲۱). Prevalence of Substance Use Disorders by Time Since First Substance Use Among Young People in the US. *JAMA Pediatr*, ۱۷۵ (۶), ۶۴۰-۶۴۳,



<https://doi.org/10.1001/jamapediatrics.2020.6981>.



بازی شطرنج ژئوپلیتیک: کدهای آذربایجان و چالش‌های امنیتی ایران

محمدکبریا بابایی^۱*

کیومرث یزدان پناه درو^۲

محمود واثق^۳

چکیده

روابط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان، با پیشینه‌ای تاریخی و فرهنگی مشترک، زمینه‌ساز تعاملات مهمی به‌ویژه در حوزه‌های ژئوپلیتیک و امنیتی است. این پژوهش با هدف تحلیل تأثیر کدهای ژئوپلیتیکی جمهوری آذربایجان بر امنیت ملی ایران پس از جنگ دوم قره‌باغ، از روش آینده‌پژوهی بهره گرفت. با استفاده از تحلیل اهداف و روندها، ذی‌نفعان کلیدی شناسایی و تحولات

۱. دانشجوی دکتری گروه جغرافیای سیاسی، پردیس کیش دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

(kebria.babaei@ut.ac.ir)

۲. دانشیار گروه جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (kyazdanpanah@ut.ac.ir).

۳. دانشیار گروه جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (mahmoodvasegh@ut.ac.ir).



سیاسی-ژئوپلیتیکی بررسی شدند. یافته‌ها نشان دادند این کدها تأثیرات چندوجهی و قابل توجهی بر امنیت ملی ایران دارند؛ از جمله تغییر توازن قدرت منطقه‌ای، افزایش تهدیدات امنیتی مرزی و پیچیده‌تر شدن روابط دیپلماتیک؛ برای نمونه گسترش همکاری‌های نظامی آذربایجان با کشورهای غربی و احتمال پیوستن به ناتو، به عنوان یکی از کدهای ژئوپلیتیکی مورد بررسی، امنیت ایران را به طور قابل توجهی تحت الشعاع قرار می‌دهد. برای مقابله با این چالش‌ها، راهکارهایی مانند دیپلماسی مستقیم، اعمال محدودیت‌های اقتصادی و فرهنگی، تقویت همکاری‌های اقتصادی و امنیتی منطقه‌ای، توجه به مسائل قومی و مذهبی و توسعه دیپلماسی فرهنگی ارائه شدند. نتایج این پژوهش بر لزوم تقویت دیپلماسی فعال، تنوع‌بخشی به روابط منطقه‌ای و استفاده از ابزارهای دیپلماسی چندجانبه برای کاهش تنش‌ها و تضمین منافع ملی ایران تأکید دارد. اهمیت این یافته‌ها در ارائه راهبردهای عملی برای مدیریت مؤثر چالش‌های ژئوپلیتیکی ناشی از سیاست‌های جمهوری آذربایجان و ارتقای امنیت ملی ایران نهفته است.

کلیدواژه‌ها:

بازی شطرنج ژئوپلیتیک، قفقاز جنوبی، آینده‌پژوهی، جمهوری اسلامی ایران.



۱. مقدمه و بیان مسئله

امنیت ملی ایران، به عنوان موضوعی چندوجهی، به شدت تحت تأثیر ابعاد ژئوپلیتیکی و روابط با کشورهای همسایه به‌ویژه در مرزهای غربی و شمال غربی قرار دارد. ایران با بیشترین تعداد همسایه پس از روسیه و با توجه به اشتراکات قومی و مذهبی با بسیاری از آنها، در موقعیتی خاص از فرصت‌ها و تهدیدات قرار گرفته است (کریمی‌پور، ۱۳۹۴: ۷). گرایش‌های کشورهای همسایه می‌تواند هم به تعمیق روابط و همکاری منجر شود و هم تهدیدات جدی علیه امنیت ملی ایران را به همراه داشته باشد.

جمهوری آذربایجان، پس از فروپاشی شوروی، نقش کلیدی در منطقه قفقاز جنوبی و حوزه دریای خزر ایفا می‌کند؛ در حالی که در ابتدای استقلال، توجه قدرت‌های غربی به این کشور محدود بود. کشف منابع نفت و گاز و نفوذ فزاینده روسیه، آذربایجان را به کانون توجه ژئوپلیتیکی آمریکا و اتحادیه اروپا تبدیل کرده است. قدرت‌گیری حزب عدالت و توسعه در ترکیه و تغییر رویکردهای این کشور نیز قفقاز را به منطقه‌ای برای نفوذ و بازیگری ترکیه تبدیل کرده است. در این شرایط، جمهوری آذربایجان، با توجه به بحران‌های اخیر و حمایت‌های ترکیه و اسرائیل، در جایگاهی پیچیده در روابط با ایران قرار گرفته است (یوسف‌وند و تشکری‌پور، ۱۴۰۳: ۱۲۰).

این تحولات نگرانی‌هایی از حمایت احتمالی آذربایجان از رفتارهای تجزیه‌طلبانه در مناطق آذری‌نشین ایران و تهدید مرزهای غربی ایجاد کرده است. علی‌رغم وجود نقاط مشترک و همگرایی‌های بالقوه، تنش‌ها و تعارض‌ها همچنان چالشی در روابط دو کشور است (تهامی، ۱۳۹۰: ۵). این وضعیت، ضرورت بررسی دقیق‌تر روابط و چالش‌های موجود میان ایران و جمهوری آذربایجان را آشکار می‌کند. این تحقیق با تمرکز بر اهمیت مرزهای شمال غربی ایران و نقش فعال آذربایجان در قفقاز و بحران‌های منطقه‌ای، به بررسی آینده‌پژوهانه ژئوپلیتیک ایران و جمهوری آذربایجان و تأثیرات آن بر امنیت ملی ایران می‌پردازد.

اهمیت این پژوهش در استراتژیک‌بودن مسئله امنیت منطقه‌ای و ارتباط مستقیم آن با بقای کشور نهفته است. شناخت ناکافی از تحولات و ویژگی‌های محیط پیرامونی، مانع برنامه‌ریزی مؤثر در برابر تهدیدات و استفاده از فرصت‌هاست. مطالعات پیشین نشان می‌دهد در حوزه ادبیات راهبردی، خلأ جدی در شناخت فرصت‌ها و تهدیدات ناشی از روابط با جمهوری آذربایجان وجود دارد. عدم

بررسی جامع و بموقع امنیت از ناحیه محیط پیرامونی می‌تواند به غافل‌گیری راهبردی سازمان‌ها و متولیان سیاست خارجی کشور منجر شود. فرصت‌ها و تهدیدات محتمل از جانب جمهوری آذربایجان تحت تأثیر تحولات منطقه‌ای هستند و در صورت عدم توجه به آنها، آسیب‌پذیری سیاسی-اجتماعی و امنیتی-دفاعی افزایش خواهد یافت.

این پژوهش از چند جهت حائز اهمیت است: اولاً ارزیابی امنیت منطقه‌ای با توجه به تهدیدات احتمالی جمهوری آذربایجان به شناخت نقاط قوت و ضعف، فرصت‌ها و تهدیدات در مؤلفه‌های قدرت جمهوری اسلامی ایران منجر می‌شود. این شناخت در تدوین راهبردها و راهکارهای مقابله با تهدیدات و جلوگیری از غافل‌گیری راهبردی، بسیار مؤثر خواهد بود. ثانیاً شناخت ویژگی‌های امنیت منطقه‌ای در ایجاد آمادگی‌های لازم برای اقدامات مناسب و کارآمد در برابر تهدیدها و دستیابی به بازدارندگی، نقش مهمی ایفا می‌کند. شناخت دقیق بنیان‌های امنیت منطقه‌ای به حفظ هوشمندی و افزایش قدرت آفندی و پدافندی کمک خواهد کرد و در عین حال پیش‌بینی‌های لازم را فراهم کرده، ضریب امنیت کشور را افزایش می‌دهد.

مسئله اصلی تحقیق این است که چه سناریوهایی برای آینده روابط ژئوپلیتیکی ایران و جمهوری آذربایجان قابل پیش‌بینی است و این سناریوها چه تأثیری بر امنیت ملی ایران خواهند داشت؟ اهداف پژوهش شامل شناسایی و تحلیل کدهای ژئوپلیتیکی آذربایجان و تأثیرات آنها بر امنیت ملی ایران، شناسایی ذی‌نفعان کلیدی در روابط ایران و آذربایجان، تدوین سناریوهای محتمل برای آینده روابط ایران و آذربایجان با استفاده از روش آینده‌پژوهی و ارائه راهکارهایی برای کاهش تهدیدات و بهره‌مندی از فرصت‌های موجود در روابط با جمهوری آذربایجان است.

نحوه سازمان‌دهی مقاله به این صورت است که پس از مقدمه، به بررسی ادبیات موضوع و چارچوب نظری می‌پردازد؛ سپس روش‌شناسی پژوهش شامل روش آینده‌پژوهی و تکنیک‌های مورد استفاده (تحلیل اهداف و روندها، سناریونویسی) تشریح می‌شود. در ادامه یافته‌های تحقیق، شامل تحلیل کدهای ژئوپلیتیکی آذربایجان، سناریوهای تدوین‌شده و ارزیابی تأثیرات آنها بر امنیت ملی ایران ارائه خواهد شد. در نهایت بحث و نتیجه‌گیری شامل ارائه راهکارها و پیشنهادها برای سیاست‌گذاران ارائه می‌شود و منابع و مآخذ نیز در پایان مقاله ذکر خواهند شد.

۲. ادبیات موضوع و پیشینه

۲-۱. مبانی نظری

الف) ژئوپلیتیک

ژئوپلیتیک، به عنوان مطالعه تعامل پیچیده جغرافیا و سیاست، از حوزه‌های بسیار مهم علوم سیاسی و روابط بین‌الملل است. ریشه‌های این مفهوم در ضرورت درک تأثیر موقعیت جغرافیایی بر قدرت ملی و منافع کشورها نهفته است. ژئوپلیتیک چگونگی تأثیر این موقعیت بر تصمیم‌گیری‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی کشورها را بررسی می‌کند. کشورهایی با منابع طبیعی غنی معمولاً نفوذ بیشتری در عرصه بین‌الملل دارند (حافظ‌نیا، ۱۳۹۶: ۱۲). این علم، عوامل کلیدی دیگری چون مرزها، همسایگی، روابط تاریخی و دسترسی به منابع را نیز مورد توجه قرار می‌دهد. موقعیت جغرافیایی، به عنوان یک عامل تعیین‌کننده در سیاست‌گذاری‌ها، می‌تواند یک مزیت استراتژیک به شمار آید.

نظریه‌پردازان تأثیرگذار: چندین نظریه‌پرداز برجسته در شکل‌گیری و توسعه ژئوپلیتیک نقشی اساسی داشته‌اند. نظریه «هارتلند» مکنیدر با تأکید بر اهمیت جغرافیای مرکزی اوراسیا در تعیین قدرت جهانی، یک نقطه عطف در این عرصه بود. برژینسکی نیز با نظریه خود بر اهمیت «هلال ناآرام» و جایگاه استراتژیک آن در روابط بین‌الملل تأکید کرد. همچنین کارهای کوهن در زمینه تحلیل روابط قدرت در جهان و تفسیر بازیگران کلیدی، مورد توجه قرار می‌گیرد. این نظریه‌ها با وجود تفاوت‌ها به فهم بهتر بازی پیچیده ژئوپلیتیک کمک می‌کنند.

بازی شطرنج ژئوپلیتیک: روابط بین‌المللی را می‌توان به مثابه یک بازی شطرنج پیچیده در نظر گرفت. در این بازی، کشورها به عنوان مهره‌ها عمل می‌کنند و با استفاده از منابع، موقعیت جغرافیایی و استراتژی‌های خود، به دنبال دستیابی به اهداف ملی و افزایش قدرت خود هستند. هر حرکت پیامدهایی دارد و پیروزی نیازمند برنامه‌ریزی دقیق، پیش‌بینی حرکات رقیبان و توانایی انطباق با شرایط متغیر است. این بازی، هم جنبه‌های همکاری و هم رقابت را در خود جای داده است و نتایج آن می‌تواند بر ثبات یا بی‌ثباتی منطقه‌ای و جهانی تأثیر بگذارد.

ابعاد نوین ژئوپلیتیک: تحولات مدرن مانند تغییرات اقلیمی، جهانی شدن و تنوع فرهنگی، ابعاد جدیدی به ژئوپلیتیک افزوده‌اند (افضلی، ۱۳۹۶: ۴). اثرات مخرب تغییرات اقلیمی بر منابع آبی و کشاورزی می‌تواند به بروز بحران‌های امنیتی و انسانی منجر شود و کشورها را بر آن دارد تا به دنبال تأمین امنیت غذایی و منابع طبیعی خود باشند. در نتیجه ژئوپلیتیک به یک علم بین‌رشته‌ای تبدیل شده است که با اقتصاد، جغرافیا و علوم اجتماعی در ارتباط تنگاتنگ است (مجتهدزاده، ۱۳۹۹: ۱۲).

ب) امنیت ملی (جنبه‌ها و ابعاد آن)

امنیت ملی به مجموعه‌ای از اقدامات، قوانین و سیاست‌های دولت‌ها برای محافظت از تمامیت ارضی، منافع ملی و شهروندان اطلاق می‌شود. این مفهوم ابعاد مختلفی از جمله امنیت نظامی، اقتصادی، اجتماعی و انسانی را در بر می‌گیرد (علیخانی، ۱۳۹۷: ۴). امنیت نظامی توانایی کشور برای دفاع از خود در برابر تهدیدات خارجی است. امنیت اقتصادی، تأمین منابع لازم برای رشد و پیشرفت کشور را شامل می‌شود و نیازمند مدیریت اقتصاد، کنترل منابع طبیعی و ایجاد زیرساخت‌های قوی است. امنیت اجتماعی به همبستگی و ثبات اجتماعی در درون کشور مربوط می‌شود و به عواملی مانند عدالت اجتماعی، حقوق بشر و امکانات رفاهی وابسته است (نویدینا، ۱۳۸۴: ۴۱).

امنیت انسانی، تأمین رفاه و حقوق بنیادی انسان‌ها را هدف قرار می‌دهد و به مسائل بهداشت، آموزش و دسترسی به خدمات عمومی توجه دارد (کامیار راد و همکاران، ۱۴۰۳: ۱۸۶). امنیت ملی مفهومی پویا و در حال تحول است که نیازمند به‌روزرسانی مداوم استراتژی‌ها و توجه به ابعاد جدیدی مانند تروریسم، جنگ‌های سایبری و تغییرات اقلیمی است. تعاملات دیپلماتیک و اقتصادی با دیگر کشورها نیز بخشی از این استراتژی‌هاست. امنیت ملی نگرشی جامع و چندبعدی به جهت‌گیری‌های کلان سیاست‌گذاری در هر کشور است.

ج) کدهای ژئوپلیتیک

کدهای ژئوپلیتیک الگوها و قوانین غیررسمی‌اند که روابط بین‌المللی را شکل می‌دهند. این کدها بر اساس موقعیت جغرافیایی، منابع و منافع ملی، رفتار سیاسی و اقتصادی کشورها را تحت

تأثیر قرار می‌دهند. تحلیل این کدها به درک بهتر روابط بین‌المللی، ائتلاف‌ها و رقابت‌های جهانی کمک می‌کند (فتحی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۲۹).

کدهای ژئوپلیتیکی در تعیین استراتژی‌های امنیتی و نظامی نقش کلیدی دارند. کشورها به‌ویژه در مناطق پر تنش، بر اساس این کدها عمل کرده و سیاست‌های خود را تنظیم می‌کنند. دسترسی به منابع طبیعی یا قرارگیری در یک منطقه بحرانی، می‌تواند استراتژی‌های دفاعی و امنیتی یک کشور را تحت تأثیر قرار دهد. این کدها همچنین از منافع اقتصادی کشورها در عرصه بین‌الملل حمایت می‌کنند (هاشمی و همکاران، ۱۳۹۵: ۹۶).

موقعیت جغرافیایی و تأثیر آن بر روابط تجاری باعث تشکیل ائتلاف‌ها و توافقات تجاری می‌شود. پیمان‌های تجاری منطقه‌ای و بین‌المللی نمونه‌هایی از این امر هستند. کدهای ژئوپلیتیکی همچنین در مواجهه با تهدیدات مشترک، راهکارهای همکاری بین‌المللی را فراهم می‌کنند. ائتلاف‌های نظامی و همکاری‌های امنیتی از طریق این کدها شکل می‌گیرند (حافظ‌نیا، ۱۳۹۴: ۱۴۴).

مسائل زیست‌محیطی به‌ویژه تغییرات اقلیمی و کمبود منابع طبیعی به یکی از کدهای کلیدی در روابط بین‌الملل تبدیل شده‌اند. کشورها با توجه به این کدها، سیاست‌های خود را برای حل مسائل زیست‌محیطی و پایدارسازی منابع طبیعی تنظیم می‌کنند.

درنهایت کدهای ژئوپلیتیکی چارچوبی برای درک تغییرات جهانی ارائه می‌دهند. شناخت این کدها به تصمیم‌گیرندگان کمک می‌کند تا تهدیدات و فرصت‌های جدید را شناسایی و به طور مؤثر به آنها واکنش نشان دهند (فتحی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۲۹).

جدول شماره ۱: خلاصه کدهای ژئوپلیتیکی و حوزه‌های تأثیر

حوزه تأثیر	شرح	مثال
امنیت و نظامی	تعیین استراتژی‌های دفاعی و امنیتی بر اساس موقعیت جغرافیایی و منابع.	استراتژی دفاعی یک کشور ساحلی در مقایسه با یک کشور محصور در خشکی.
اقتصادی	حمایت از منافع اقتصادی از طریق تشکیل ائتلاف‌ها و توافقات تجاری.	پیمان‌های تجاری منطقه‌ای و بین‌المللی.



حوزه تأثیر	شرح	مثال
همکاری در مواجهه با تهدیدات	ایجاد ائتلاف برای دفاع در برابر تهدیدات مشترک.	همکاری‌های نظامی بین کشورها.
محیط زیست	مدیریت منابع طبیعی و مواجهه با تغییرات اقلیمی.	توافقات بین‌المللی برای کاهش گازهای گلخانه‌ای.
روابط بین‌الملل	شکل‌گیری ائتلاف‌ها، رقابت‌ها و روابط بین کشورها.	روابط بین ایران و عربستان سعودی.

د) روابط ایران و جمهوری آذربایجان

تاریخچه: روابط ایران و جمهوری آذربایجان بر پایه تاریخ، فرهنگ و تعاملات اجتماعی بنا شده است. این دو کشور عواطف فرهنگی و تاریخی مشترکی دارند (آقایف، خلیل‌اف و محمود (Agayev, Khalilov & Mahmud), ۲۰۰۲: ۸). پس از فروپاشی شوروی و استقلال آذربایجان در سال ۱۹۹۱ تهران و باکو روابط رسمی خود را برقرار و در جهت تقویت روابط تلاش کردند. تاریخچه مشترک و همسایگی نزدیک، تعاملات فرهنگی و اجتماعی را حائز اهمیت کرده است (محسنی، ۱۳۸۹).

روابط اقتصادی، سیاسی و امنیتی: روابط اقتصادی ایران و آذربایجان در طول سال‌ها توسعه یافته و به سطوح متنوعی رسیده است. دو کشور از طریق تبادل کالا، همکاری‌های انرژی و پروژه‌های مشترک در حوزه‌های صنعتی و ساختمانی، سعی در تقویت روابط اقتصادی خود دارند. ایران به عنوان یکی از شرکای مهم تجاری آذربایجان به شمار می‌آید (کشیشیان، ۱۴۰۳: ۲۲). همکاری در زمینه‌های انرژی و زیرساخت‌های حمل و نقل فرامرزی، ابعاد مهم این روابط اند. در سطح سیاسی، ایران و آذربایجان در بسیاری از مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی به همکاری می‌پردازند و در زمینه مبارزه با تروریسم و افراط‌گرایی، امنیت مرزها و ثبات منطقه‌ای مشترکات دارند و به تبادل نظر در مورد چالش‌های امنیتی می‌پردازند (مطلبی و موسوی، ۱۳۹۵: ۱۹).

توافقات و اختلافات کلیدی: توافقات میان ایران و آذربایجان شامل همکاری‌های اقتصادی، فرهنگی و امنیتی است که در قالب قراردادی رسمی و پروتکل‌های مختلف قابل مشاهده‌اند. تأسیس



کمیته‌های مشترک جهت پیگیری و تسهیل روند همکاری‌ها نیز در دستور کار است. توافقات در زمینه پروژه‌های حمل و نقل مانند کریدور شمال-جنوب می‌تواند مؤثر واقع شود (نقی‌زاده، ۱۳۷۷: ۱۲۲). با وجود این توافقات، اختلافاتی نیز وجود دارد. یکی از این اختلافات مربوط به مسائل مرزی و نامناسب بودن برخی سیستم‌های اقتصادی و تجاری است. تأثیرات تغییرات ژئوپلیتیکی در منطقه و مداخله‌گرایی‌های خارجی نیز به پیچیدگی‌های روابط دو کشور منجر می‌شود (اعظمی، ۱۳۹۳: ۵). به طور کلی روابط ایران و جمهوری آذربایجان تحت تأثیر عوامل تاریخی، فرهنگی و تعهدات اقتصادی مثبت بوده است. ظرفیت‌های موجود برای بهبود و تعمیق این روابط می‌تواند منجر به همکاری‌های بهتر و استراتژیک‌تری در آینده شود (بارانی پسایان و مرادی، ۱۳۹۵: ۳۰).

۲-۲. پیشینه پژوهش

جدول شماره ۲: خلاصه مطالعات انجام‌شده

نویسندگان	اهداف یا سؤالات اصلی	یافته‌ها
فریتز و همکاران (۲۰۰۷)	بررسی روابط چندوجهی ایران، ترکیه و آذربایجان	تأکید بر اهمیت همکاری‌های مستمر در سطوح اقتصادی، سیاسی و نظامی
کروچ و موسوی (۱۳۹۸)	بررسی چالش‌های روابط ایران و جمهوری آذربایجان	نگرش‌های امنیتی متضاد به عنوان عامل اصلی تنش در روابط تهران و باکو
اکبری و همکاران (۱۳۹۹)	بررسی تأثیرات تغییرات ژئوپلیتیکی پس از فروپاشی شوروی بر روابط امنیتی ایران و جمهوری آذربایجان	وابستگی امنیتی متقابل ایران و آذربایجان و عدم امکان غفلت از مسائل امنیتی یکدیگر
پوراحمدی و پدین (۱۳۹۹)	بررسی موانع و فرصت‌های همکاری ایران و جمهوری آذربایجان	تفاوت‌های ساختاری حکومتی و اختلافات در رژیم حقوقی دریای خزر به عنوان موانع اصلی همکاری
کاظمی‌پور دهبیه و	عوامل واگراساز و همگراساز در روابط ایران و جمهوری آذربایجان	ارائه پنج دسته راهبرد جهت توسعه روابط بین ایران و جمهوری آذربایجان



نویسندگان	اهداف یا سؤالات اصلی	یافته‌ها
همک‌اران (۱۳۹۹)	چارچوب ژئوپلیتیک کدام‌اند؟	
عباسی و مروجی‌راد (۱۴۰۰)	شناسایی کدهای ژئوپلیتیک تأثیرگذار در سیاست خارجی ایران در ارتباط با جمهوری آذربایجان	تأثیرگذاری عواملی چون همسایگی، تجانس مذهبی، اشتراک منافع در دریای خزر، تجانس جمعیتی، تجانس تاریخی-فرهنگی، وابستگی‌های جغرافیایی و ژئوپلیتیکی، رود ارس، محصوربودن آذربایجان در خشکی، مسیر انتقال انرژی، مسائل زیست‌محیطی، روابط آذربایجان با اسرائیل و آمریکا و ...
ناصری و شکوری (۱۴۰۳)	تأثیرات برنامه‌های جمهوری آذربایجان و هم‌پیمانان آن برای ایجاد دالان جدید (زنگزور) بر امنیت ایران چیست؟	ایجاد دالان تورانی ناتو، منبع انرژی برای هم‌پیمانان و محاصره ایران در شمال غرب و ازدست‌دادن یکی از گذرگاه‌ها و شاه‌راه‌های قدیمی
مهدی و صالح‌آبادی (۱۴۰۲)	کدهای ژئوپلیتیکی مؤثر بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران کدام‌اند؟	پیشینه تاریخی و فرهنگی غنی، قدرت نرم و فرهنگی، تنوع و تکثر زبانی، تنگه هرمز، ژنوم خطوط انتقال انرژی و ژئوپلیتیک شیعه به عنوان کدهای ژئوپلیتیکی مؤثر بر سیاست خارجی ایران. پرونده اتمی، مساحت، قومیت و بحران‌های قومی، سیاست انرژی به عنوان کدهای سایر کشورها در برابر ایران.

بنابراین مقاله حاضر در تمرکز بر کدهای ژئوپلیتیکی آذربایجان، تحلیل پویای روابط در قالب «بازی شطرنج ژئوپلیتیک»، تأکید بر چالش‌های امنیتی ایران، بررسی عوامل نوین منطقه‌ای و ارائه راهکارهای عملی بهبود روابط است. تمرکز ویژه بر آذربایجان، دیدگاه دقیق‌تری ارائه می‌دهد.



تحلیل «بازی شطرنج» تعاملات پیچیده را نشان می‌دهد. تأکید بر چالش‌های امنیتی، اهمیت عملی پژوهش را افزایش می‌دهد. بررسی عوامل نوین و ارائه راهکارها به سیاست‌گذاران کمک می‌کند.

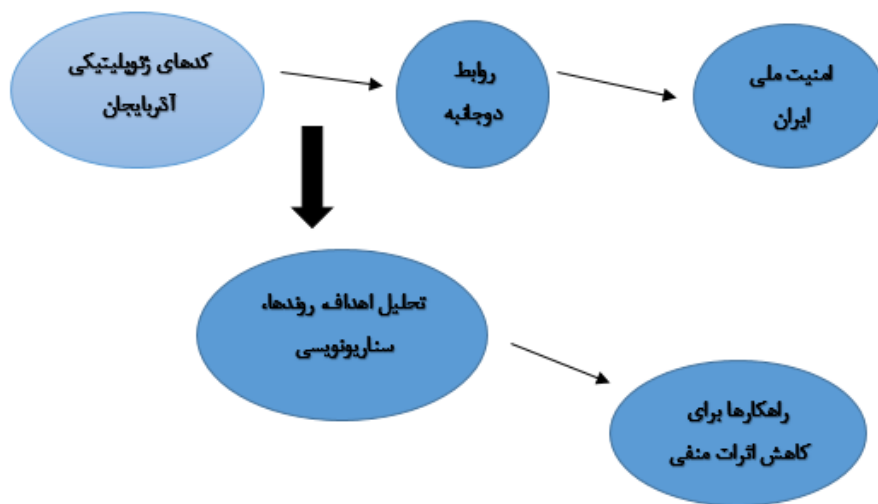
۳. روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش، با رویکردی کاربردی، به بررسی تأثیر کدهای ژئوپلیتیکی جمهوری آذربایجان بر امنیت ملی ایران پرداخته و راهکارهای عملی برای کاهش اثرات منفی آن ارائه داده است. استراتژی تحقیق کیفی است و از روش آینده‌پژوهی با تکنیک‌های تحلیل اهداف، تحلیل روندها و سناریونویسی استفاده شده است. «کدهای ژئوپلیتیکی آذربایجان» به صورت عملیاتی، شامل عواملی مانند همسایگی، اشتراکات فرهنگی، روابط با بازیگران منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای و سیاست‌های انرژی این کشور بود که بر روابط دوجانبه و امنیت ملی ایران تأثیر می‌گذاشت. «امنیت ملی ایران» به صورت عملیاتی، شامل حفظ تمامیت ارضی، ثبات سیاسی، امنیت فرهنگی و اقتصادی در برابر تهدیدات ناشی از اقدامات آذربایجان تعریف شد.

داده‌ها به روش کتابخانه‌ای از منابع معتبر علمی و اینترنتی گردآوری شدند. تحلیل داده‌ها شامل تحلیل اهداف برای شناسایی ذی‌نفعان کلیدی و میزان تأثیرگذاری آنها، تحلیل روندها برای بررسی تغییرات در روابط دو کشور و سناریونویسی برای پیش‌بینی آینده روابط بر اساس یافته‌های دو تحلیل قبلی بود. جامعه آماری شامل کلیه افراد، گروه‌ها و سازمان‌های تأثیرگذار بر روابط دو کشور بود و نمونه‌گیری به روش هدف‌مند با انتخاب متخصصان و کارشناسان حوزه روابط بین‌الملل و قفقاز انجام شد. حجم نمونه بر اساس اشباع نظری تعیین شد.

روایی اطلاعات با استفاده از منابع معتبر و تأیید متخصصان تضمین شد و پایایی با روش‌های تحلیل داده‌های سیستماتیک و شفاف و ارائه دقیق فرایند تحقیق ارتقا یافت. روش کار شامل شناسایی ذی‌نفعان کلیدی و میزان تأثیرگذاری آنها، تحلیل روندهای تاریخی روابط دو کشور، تدوین سناریوهای مختلف برای آینده روابط بر اساس یافته‌های تحلیل اهداف و روندها و ارائه راهکارهایی برای کاهش تهدیدات و بهره‌مندی از فرصت‌ها در روابط با جمهوری آذربایجان بود.

در این پژوهش از روش آینده‌پژوهی با تحلیل اهداف و روندها برای شناسایی ذی‌نفعان کلیدی، تعیین میزان تأثیرگذاری آنها و بررسی پویایی تاریخی روابط دو کشور استفاده شد. سپس با توجه به این یافته‌ها و اطلاعات حاصل از روش‌های آینده‌پژوهی، سناریوهای مختلف برای آینده روابط دو کشور تدوین شد و تأثیرات این سناریوها بر امنیت ملی ایران در حوزه‌های مختلف بررسی گردید. در نهایت با ارائه فرضیه‌هایی درباره اثرات چندوجهی کدهای ژئوپلیتیکی آذربایجان، راهکارهایی برای کاهش اثرات منفی آنها بر امنیت ملی ایران پیشنهاد شد.



شکل شماره ۱: مدل مفهومی روش اجرای تحقیق

۴. یافته‌های پژوهش

کدهای ژئوپلیتیک آذربایجان پس از بحران قره‌باغ ۲۰۲۰

پس از بحران دوم قره‌باغ در سال ۲۰۲۰ و تغییرات ژئوپلیتیک ناشی از آن، جمهوری آذربایجان تغییرات عمده‌ای در سیاست‌ها و استراتژی‌های خود ایجاد کرده است. این کشور تلاش می‌کند با توسعه زیرساخت‌های حمل و نقل و انرژی، جایگاه خود را به عنوان هاب منطقه‌ای و بین‌المللی تثبیت کند. پروژه‌هایی نظیر کریدور زنگزور و توسعه میدان‌های نفتی و گازی، نفوذ آذربایجان در

بازارهای جهانی را افزایش و وابستگی اقتصادی آن به بازارهای خاص را کاهش می‌دهد (خاتین اوغلو، ۱۴۰۲: ۲۰۷). این سیاست‌ها ضمن تقویت همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، نفوذ دیپلماتیک آذربایجان را نیز تقویت کرده است (فیروزی، ۱۳۹۰: ۷۳).

در مقابل، این تحولات ممکن است نقش ترانزیتی ایران را تضعیف و مسیرهای جدید انتقال انرژی و کالا در منطقه ایجاد کند که تأثیری منفی بر جایگاه استراتژیک و اقتصادی ایران می‌گذارد (کونورآلپ (Konuralp)، ۲۰۲۲). در ادامه، این کدها و تأثیرات آنها بر ژئوپلیتیک ایران به تفصیل بررسی و در جدول ۳ گزارش شده و در انتها راهکارهای ایران برای کاهش اثرات امنیتی آن بر اساس نظریات موجود مطرح شده است:

تنش‌های مرزی و ادعاهای ارضی در قفقاز

تنش‌های مرزی و مناقشات ارضی میان آذربایجان و ارمنستان، پس از بازگشت مناطق قره‌باغ تحت کنترل آذربایجان، همچنان ادامه دارد و می‌تواند منجر به بی‌ثباتی‌های منطقه‌ای شود. این وضعیت، خطر نفوذ گروه‌های تروریستی و قاچاقچیان به داخل ایران را افزایش می‌دهد و نیازمند تدابیر امنیتی و دیپلماتیک قوی از سوی ایران است (ولی‌قلی‌زاده، ۲۰۱۱: ۱۳۱). علاوه بر این تقویت موقعیت نظامی و امنیتی آذربایجان در این شرایط، نگرانی‌های امنیتی ایران را چند برابر کرده است و می‌تواند بر معادلات منطقه‌ای تأثیرگذار باشد. اختلافات مرزی نه تنها امنیت منطقه را تهدید می‌کند، بلکه بر روابط سیاسی و اقتصادی کشورهای اطراف نیز تأثیرگذار است و نیازمند سیاست‌های هوشمندانه و تعامل مؤثر برای کاهش تنش‌هاست (جوادی ارجمند و همکاران، ۲۰۱۷: ۲۳۵).

تلاش آذربایجان برای تقویت روابط با قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی

آذربایجان در پی تقویت روابط خود با قدرت‌های بزرگ مانند روسیه، اتحادیه اروپا و ایالات متحده است تا نقش خود را در معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی تثبیت کند. این استراتژی با هدف افزایش نفوذ منطقه‌ای و بین‌المللی آذربایجان صورت می‌گیرد و می‌تواند مواضع ایران در سازمان‌های بین‌المللی و معادلات منطقه‌ای را تضعیف کند (آیقارلو (Aiqarlu)، ۲۰۱۹: ۴۳). در عین حال این

کشور تلاش دارد روابط خود را با کشورهای همسایه، از جمله ایران، بهبود ببخشد و در تلاش است میزان تنش‌های مرزی و اختلافات ارضی با ارمنستان را کاهش دهد (بهمنی و روان‌بد، ۱۴۰۲: ۴)، هرچند همچنان این مناقشات باقی مانده و بروز تنش‌های جدید ممکن است روند همگرایی را مختل کند.

توسعه اقتصادی و زیرساختی در مناطق پس از جنگ قره‌باغ

آذربایجان پس از بازپس‌گیری مناطق در جنگ دوم قره‌باغ، بر توسعه زیرساخت‌های اقتصادی و حمل و نقل در منطقه تمرکز کرده است. ساخت جاده‌ها، پل‌ها، فرودگاه‌ها و پروژه‌های کریدور حمل و نقل شمال-جنوب و شرق-غرب، نقش این کشور را در اتصال مناطق مختلف منطقه تقویت می‌کند (هدیا (Hedia)، ۲۰۲۴: ۱۹۹). همچنین به‌روزرسانی خطوط لوله نفت و گاز، به عنوان بخشی از استراتژی انرژی آذربایجان، نقش آن را به عنوان تأمین‌کننده اصلی منابع انرژی منطقه و جهان افزایش داده است. این سیاست‌ها علاوه بر تقویت امنیت انرژی، نفوذ آذربایجان در بازارهای جهانی را ارتقا داده و وابستگی به منابع خارجی را کاهش می‌دهد که در بلندمدت می‌تواند بر جایگاه استراتژیک ایران نیز تأثیر بگذارد.

جدول شماره ۳: خلاصه‌ای از کدهای تحولات آذربایجان و تأثیرات آنها بر ژئوپلیتیک ایران

کد	شرح کد	تأثیرات بر ژئوپلیتیک ایران
توسعه زیرساخت‌ها	توسعه کریدور زنگزور و دیگر زیرساخت‌ها برای دسترسی به ترکیه و اروپا	کاهش نفوذ ایران در مسیرهای ترانزیتی و افزایش رقابت
کریدور انرژی جنوبی	تقویت خطوط لوله و زیرساخت‌های انتقال انرژی به اروپا	تأمین امنیت انرژی کشورهای مقصد و افزایش نفوذ آذربایجان در بازار جهانی
تنش‌های مرزی	باقی ماندن تنش‌ها و ادعاهای ارضی با ارمنستان	افزایش خطرات امنیتی و احتمال درگیری‌های نظامی در نزدیکی مرزهای ایران

کد	شرح کد	تأثیرات بر ژئوپلیتیک ایران
تقویت روابط بین‌المللی	تلاش آذربایجان برای ایجاد روابط با قدرت‌های جهانی	افزایش فشارهای بین‌المللی بر ایران و تضعیف مواضع ایران در سازمان‌های بین‌المللی
سرمایه‌گذاری در فناوری‌های نو	به‌کارگیری تکنولوژی‌های سبز و پایدار در بخش انرژی	بهبود بهره‌وری و جذابیت آذربایجان برای سرمایه‌گذاری‌های خارجی
پروژه‌های زیرساختی	ساخت و بازسازی جاده‌ها و پل‌ها برای تسهیل جابه‌جایی	تقویت موقعیت آذربایجان به عنوان یک هاب تجاری در منطقه
امنیت مرزها	بهبود زیرساخت‌های امنیتی و مدیریت بحران انرژی	افزایش نگرانی‌های ایران در مورد امنیت مرزها و احتمال نفوذ گروه‌های متخاصم
کاهش وابستگی اقتصادی	ایجاد بازارهای صادراتی متنوع	کاهش نفوذ اقتصادی ایران در منطقه و ایجاد استقلال برای آذربایجان

تحلیل اثرات امنیتی کدهای ژئوپلیتیکی آذربایجان بر ایران: همگرایی، واگرایی و راهکارهای مقابله

استراتژی همگرایی

ایران برای کاهش اثرات امنیتی ناشی از کدهای ژئوپلیتیکی آذربایجان، از استراتژی همگرایی استفاده می‌کند که بر همکاری‌های مشترک و کاهش تنش‌ها با کشورهای همسایه تمرکز دارد. این استراتژی شامل تقویت روابط امنیتی و اطلاعاتی با تبادل اطلاعات تهدیدات مشترک و نظارت بر تحرکات نظامی، همکاری‌های اقتصادی و زیربنایی در حوزه‌های حمل و نقل، انرژی و کشاورزی، تقویت روابط فرهنگی از طریق تبادل هنری و دانشگاهی و برگزاری جشنواره‌های مشترک، ایجاد ساختارهای امنیتی منطقه‌ای با مشارکت آذربایجان، استفاده از دیپلماسی چندجانبه برای تقویت روابط و کاهش تهدیدات، حفظ بی‌طرفی و توازن در روابط با دیگر کشورها، همکاری در زمینه



استخراج نفت و گاز، حمل و نقل دریایی و پروژه‌های انرژی و نهایتاً تقویت روابط فرهنگی برای ایجاد درک متقابل و کاهش تنش‌های احتمالی است (لطفی و دهقانی، ۱۴۰۲: ۷۵/تهری و رحمانی، ۱۴۰۱). این رویکرد، با تکیه بر اشتراکات مذهبی شیعه، به عنوان یک پایه اساسی برای تقویت همگرایی عمل می‌کند. برگزاری مراسم مذهبی مشترک، همکاری در حوزه دین، تبادل اطلاعات و پژوهش‌های مذهبی، ایجاد مراکز مشترک مذهبی و برگزاری کنفرانس‌ها، به تقویت روابط دو کشور کمک شایانی می‌کند (صالحی و نورانی، ۱۳۹۹: ۶). علاوه بر این اشتراکات تاریخی و فرهنگی مانند زبان‌های آذری و فارسی، آثار ادبی مشترک (نظامی گنجوی و شهریار)، تاریخ مشترک، آیین‌ها و مراسم مشترک (نوروز و محرم) و موسیقی و هنرهای سنتی، زمینه را برای تعاملات پایدار فراهم می‌کنند.

استراتژی واگرایی

درمقابل، نظریه واگرایی به عنوان راهکاری برای کاهش اثرات امنیتی، بر کاهش تعاملات و روابط به‌ویژه در زمینه‌های حساس تأکید دارد. این دکترین شامل محدودکردن همکاری‌های نظامی و امنیتی، قطع یا کاهش روابط تجاری و اقتصادی در بخش‌های حساس، تقویت روابط با کشورهای منطقه‌ای جایگزین مانند ارمنستان و روسیه، تضعیف نفوذ آذربایجان در مجامع بین‌المللی، تقویت قابلیت‌های دفاعی و ارتقای فناوری‌های دفاعی در مرزها و محدودکردن تبادلات فرهنگی است (عباسی و موسوی، ۱۳۹۲: ۲). اختلافات اساسی مانند اختلاف بر سر رژیم حقوقی دریای خزر و سهم ایران و آذربایجان از منابع آن و نیز گرایش‌های جدایی‌طلبانه در مناطق مرزی، به عنوان عوامل مهم واگرایی عمل می‌کنند (سلطانی و یوسف‌پور، ۱۳۹۶: ۲/حسنوی و توحیدیان، ۱۴۰۱: ۹).

دیپلماسی فعال و همکاری‌های منطقه‌ای

به عنوان راهکار مقابله با اثرات امنیتی، ایران از طریق دیپلماسی فعال و تقویت همکاری‌های منطقه‌ای تلاش می‌کند روابط خود را با جمهوری آذربایجان و کشورهای همسایه بهبود بخشد. این رویکرد شامل توازن ژئوپلیتیکی با همکاری با کشورهای قفقاز و آسیای مرکزی، اعمال محدودیت‌های



اقتصادی و فرهنگی، افزایش همکاری‌های اقتصادی از جمله پروژه‌های زیرساختی مشترک، همکاری‌های امنیتی و اطلاعاتی در زمینه‌های مبارزه با تروریسم و قاچاق مواد مخدر، برگزاری رزمایش‌های مشترک و تعیین مرزها و استفاده از دیپلماسی عمومی و فرهنگی برای ایجاد روابط نزدیک‌تر میان مردم دو کشور است (بهمنی و روان‌بد، ۱۴۰۲: ۴/ آل‌آقا و خراسانی، ۱۳۹۹: ۲۰).

جدول شماره ۴: خلاصه اقدامات و راهکارهای جمهوری اسلامی ایران در راستای مقابله با اثرات امنیتی کدهای ژئوپلیتیک جمهوری آذربایجان

راهبرد	توضیحات
تقویت روابط دیپلماتیک	ایجاد تعاملات پایدار با کشورهای قفقاز و آسیای مرکزی (ارمنستان، گرجستان)
	توازن ژئوپلیتیکی در برابر قدرت‌نمایی یک‌جانبه آذربایجان
اعمال محدودیت‌های اقتصادی و فرهنگی	استفاده از ابزارهای اقتصادی و فرهنگی برای مقابله با نفوذ خارجی
	کاهش تنش‌های ناشی از تغییرات روابط با آذربایجان
همکاری‌های اقتصادی	توسعه پروژه‌های زیرساختی مشترک (خطوط ریلی، جاده‌ها، شبکه‌های انرژی)
	افزایش همگرایی اقتصادی و وابستگی متقابل
همکاری‌های امنیتی و اطلاعاتی	همکاری در زمینه مقابله با تهدیدات مشترک (تروریسم، قاچاق مواد مخدر)
	برگزاری رزمایش‌های مشترک و توافق بر سر امنیت مرزی
تعامل فرهنگی و دیپلماسی عمومی	برگزاری برنامه‌های فرهنگی و تبادلات علمی
	تأکید بر مشترکات فرهنگی و دینی برای کاهش سوء تفاهم‌ها

۵. بحث، نتیجه‌گیری و پیشنهادها

۵-۱. بحث

مطالعه حاضر بر افزایش نفوذ آذربایجان در منطقه پس از جنگ قره‌باغ تأکید دارد. این افزایش نفوذ ناشی از توسعه زیرساخت‌ها به‌ویژه در بخش انرژی و بهبود روابط با قدرت‌های بزرگ غربی و ترکیه است (کونورآلپ، ۲۰۲۲/هدیا، ۲۰۲۴). این یافته با بسیاری از مطالعات پیشین که به افزایش نقش منطقه‌ای آذربایجان اشاره کرده‌اند، همسوست (فیروزی، ۱۳۹۰/خاتین‌اوغلو، ۱۴۰۲). با این حال در حالی که برخی مطالعات بر پیامدهای این افزایش نفوذ برای امنیت منطقه‌ای تمرکز کرده‌اند، این متن به طور خاص به تضعیف موقعیت ایران به عنوان یک بازیگر کلیدی در مسیرهای ترانزیتی و امنیت ملی اشاره می‌کند.

این تمرکز بر پیامدهای مستقیم برای ایران، یک تفاوت مهم با برخی مطالعات پیشین است که شاید به طور گسترده‌تر به کل منطقه پرداخته باشند. همچنین این مطالعه به تنش‌های مرزی و مناقشات ارضی بین ایران و آذربایجان به عنوان تهدیدهای مستقیم امنیتی برای ایران اشاره می‌کند (ولی‌قلی‌زاده، ۲۰۱۱/جوادی ارجمند و همکاران، ۲۰۱۷). این یافته نیز با مطالعات پیشین در این زمینه همخوانی دارد؛ با این حال تفاوت اساسی این متن در تأکید بر نیاز به سیاست‌های دیپلماتیک هوشمندانه‌تر است که به طور ضمنی به ناکافی بودن رویکردهای گذشته اشاره دارد. مطالعات پیشین ممکن است بیشتر بر توصیف تنش‌ها متمرکز شده باشند؛ در حالی که این متن راهکارهای احتمالی را نیز مطرح می‌کند.

موضوع مهم دیگر، رویکرد دوگانه ایران -همگرایی و واگرایی- در مواجهه با سیاست‌های آذربایجان است. این یک دیدگاه نوین است که در مطالعات پیشین به طور کامل بررسی نگردیده است. در حالی که برخی مطالعات به همکاری‌های اقتصادی یا تنش‌های سیاسی بین دو کشور پرداخته‌اند، این متن به طور صریح به وجود دورویکرد متناقض در سیاست خارجی ایران اشاره می‌کند. این موضوع، پیچیدگی روابط دو کشور را نشان می‌دهد و بر اهمیت تحلیل‌های چندوجهی در این زمینه تأکید دارد. در نهایت به نقش فضای مجازی در مدیریت تهدیدات امنیتی اشاره شد. این جنبه جدید، نشان‌دهنده توجه به ابزارهای نوین ارتباطی در روابط بین‌الملل است و چالش‌ها و

فرصت‌های مرتبط با آن را در بستر روابط ایران و آذربایجان بررسی می‌کند. این، نقطه تمایز قابل توجهی با مطالعات پیشین است که بیشتر بر ابزارهای دیپلماسی سنتی تمرکز داشته‌اند. با توجه به موارد ذکرشده می‌توان دو سناریوی محتمل برای آینده روابط ایران و آذربایجان در نظر گرفت:

همکاری و کاهش تنش: این سناریو بر تقویت رویکرد همگرایی و همکاری‌های مشترک به‌ویژه در حوزه‌های اقتصادی تأکید دارد. با این حال تحقق این سناریو نیازمند اعتمادسازی متقابل و مدیریت هوشمندانه تنش‌ها در سایر حوزه‌ها -مانند روابط با اسرائیل و ترکیه- است. این سناریو تا حدودی با مطالعاتی که بر پتانسیل همکاری‌های اقتصادی بین ایران و آذربایجان تأکید دارند، همسوس است؛ اما با توجه به تنش‌های سیاسی موجود، مسیر دستیابی به آن دشوارتر از آنچه در برخی مطالعات پیشین نشان داده شده است، به نظر می‌رسد.

تقابل و تشدید تنش: در این سناریو، رویکرد واگرایی ایران غالب شده و تنش‌ها در حوزه‌های مختلف تشدید می‌شوند. این نگرش می‌تواند به رقابت‌های ژئوپلیتیکی، افزایش هزینه‌های امنیتی و بروز بحران منجر شود. این سناریو با مطالعاتی که به افزایش تنش در منطقه اشاره داشته‌اند، همخوانی دارد؛ اما شدت و ابعاد آن می‌تواند بسته به اقدامات ایران و آذربایجان متفاوت باشد.

۵-۲. نتیجه‌گیری

در این پژوهش هدف اصلی بررسی تأثیر کدهای ژئوپلیتیکی جمهوری آذربایجان بر محیط امنیتی ایران بعد از بحران دوم قره‌باغ بوده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهند کدهای ژئوپلیتیک آذربایجان، تأثیرات چندوجهی و قابل توجهی بر امنیت ملی ایران دارد. تأثیرات مذکور تأییدکننده فرضیه تحقیق‌اند و به طور خاص بر این نکته تأکید می‌کنند که جمهوری اسلامی ایران باید اقدامات مؤثری را برای کاهش اثرات امنیتی این کدها اتخاذ کند. به عقیده این تحقیق، دیپلماسی مستقیم و اعمال محدودیت‌های اقتصادی و فرهنگی از جمله راهکارهایی هستند که می‌توانند به کاهش اثرات منفی این کدها کمک کنند. تحلیل‌های صورت گرفته نشان می‌دهند آذربایجان به عنوان کشوری در قفقاز جنوبی با مرز مشترک با ایران، موقعیت استراتژیک ویژه‌ای دارد که تأثیر مستقیمی بر سیاست‌های خارجی و امنیتی ایران می‌گذارد. تحولات اخیر در سیاست‌های داخلی و خارجی



آذربایجان به‌ویژه روابط آن با کشورهای غربی و حضور در ساختارهای امنیتی مانند ناتو، بر معادلات امنیتی ایران تأثیرگذار بوده، می‌تواند نفوذ این کشور در منطقه را کاهش دهد. این در حالی است که ایران با توجه به روابط تاریخی و فرهنگی خود با آذربایجان، همواره تلاش کرده است منافع خود را حفظ و امنیت ملی‌اش را تقویت کند. علاوه بر این کدهای ژئوپلیتیکی آذربایجان و چالش‌های سیاسی و اقتصادی مرتبط با همسایگی این کشور با ایران نشان‌دهنده آن است که علی‌رغم همکاری‌های موجود، آذربایجان ممکن است در اثر تأثیرات سیاست‌های غربی، به سمت مواضع ضدایرانی تمایل پیدا کند. بر این اساس اتخاذ دیپلماسی فعال و تقویت روابط دوطرفه از سوی ایران می‌تواند به مقابله با این تهدیدات منجر شود و منافع ملی را به نحو شایسته‌تری حفظ کند. درنهایت، تحلیل‌های حاصل از این پژوهش مؤید این واقعیت است که تأثیرات کدهای ژئوپلیتیکی آذربایجان می‌تواند به عنوان یکی از عوامل مؤثر در امنیت و منافع ملی ایران در نظر گرفته شود. بنابراین مدیریت هوشمندانه و توجه دقیق به تحولات منطقه‌ای و جهانی برای ایران ضروری است.

۵-۳. پیشنهادها

برای کاهش اثرات منفی کدهای ژئوپلیتیکی آذربایجان بر امنیت ایران، تقویت دیپلماسی فعال و همکاری‌های بازرگانی مشترک ضروری است. همکاری‌های امنیتی و اطلاعاتی و توجه به مسائل قومی-مذهبی نیز باید مورد توجه قرار گیرند. مطالعات بیشتر در خصوص رقابت قدرت‌های بزرگ و تحلیل سناریوهای مختلف برای پیش‌بینی چالش‌های احتمالی ضروری است. ارزیابی مستمر اثربخشی سیاست‌های موجود نیز مهم است. به عنوان یک راهبرد، تشکیل شورای راهبردی ایران و آذربایجان، تقویت دیپلماسی عمومی و رسانه‌ای، توسعه زیرساخت‌های ترانزیتی و ایجاد مکانیزم‌های پیشگیری از بحران پیشنهاد می‌شود.

فعال‌سازی دیپلماسی چندجانبه با سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی نیز می‌تواند مؤثر باشد. تمرکز بر ایجاد منافع مشترک اقتصادی و اعتمادسازی متقابل برای کاهش تنش‌ها و پیشگیری از گرایش‌های ضدایرانی آذربایجان حائز اهمیت است. استفاده هوشمندانه از ابزارهای دیپلماسی و همکاری‌های منطقه‌ای برای حفظ توازن ژئوپلیتیکی و حفظ منافع ملی ایران ضروری است.





ارتباطات شفاف و سازنده با آذربایجان و سایر بازیگران منطقه‌ای برای مدیریت مؤثر چالش‌ها ضروری است. کاهش سوءتفاهمات از طریق دیپلماسی عمومی و رسانه‌ای می‌تواند نقش مهمی ایفا کند. توسعه روابط اقتصادی می‌تواند به کاهش تنش‌ها و افزایش همگرایی کمک کند. در نهایت نظارت مستمر بر تحولات ژئوپلیتیکی و انعطاف‌پذیری در سیاست‌های ایران، برای مواجهه با تغییرات ضروری است.



۶. منابع

۶-۱. منابع فارسی

- اطهری، سیداسدالله، و رحمانی، فاطمه (۱۴۰۱). بررسی روابط ایران و آذربایجان: چالش‌ها و فرصت‌ها. نشریه مطالعات منافع ملی، ۸ (۳۰)، ۷۷-۴۹.
- افضلی، رسول، و رشیدی، مصطفی (۱۳۹۱). تحلیل ساختار ژئوپلیتیکی حاکم بر روابط دوجانبه ایران و جمهوری آذربایجان از سال ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۰ میلادی با رویکرد جغرافیای برساخت‌گرایی. نشریه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۴۴ (۲)، ۱۹-۱.
- افضلی، رسول (۱۳۹۶). روش‌شناسی در جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک (روش‌های فرا اثباتی). تهران: دانشگاه تهران.
- آل‌آقا، پیمان، و خراسانی، رضا (۱۳۹۹). همگرایی و واگرایی روابط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان از منظر سازه‌انگاری الکساندر ونت ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۹ میلادی. نشریه مطالعات منافع ملی، ۶ (۲۱).
- بارانی پسیان، وحید، و دلال، مراد (۱۳۹۵). مسائل مرزی ایران و آذربایجان و چالش‌های ژئوپلیتیکی آن. نشریه علوم و فنون مرزی، ۵ (۱۷)، ۳۰-۱.
- بهمنی، زهیر، و روان‌بد، امین (۱۴۰۲). بررسی تمایل جمهوری اسلامی به اتحاد با ارمنستان در مناقشه قره‌باغ و تأثیر آن بر روابط استراتژیک ایران با آذربایجان. نشریه پژوهش‌های جامعه در مطالعات سیاسی - اجتماعی تاریخ ایران، ۲ (۴)، ۲۷۷-۳۱۴.
- پوراحمدی میبیدی، حسین، و پدین، محمد (۱۳۹۹). عوامل تأثیرگذار بر روابط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان از سال ۱۹۹۲ تا ۲۰۱۶. رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، ۱۱ (۳)، ۱۱۵-۱۴۶.
- تهامی، سیدمجتبی (۱۳۹۰). امنیت ملی، داکترین سیاست‌های دفاعی و امنیتی (جلد اول و دوم). تهران: سازمان عقیدتی سیاسی ارتش، چ ۱.
- جوفار، محمدرضا، و یزدان‌پناه، کیومرث (۱۴۰۳). مفهوم‌پردازی ژئوپلیتیک صلح. نشریه پژوهشنامه روابط جهانی، ۱ (۲)، ۷۹-۴۳.

چابکی، ام‌البین (۱۳۸۹). چالش‌های روابط ایران و جمهوری آذربایجان. مطالعات اوراسیای مرکزی، ۳ (۲)، ۷۲-۸۴.

حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۹۳). اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک. مشهد: انتشارات پاپلی.

حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۹۶). اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک (ویراست دوم). مشهد: پاپلی.

حسنوی، رضا، و توحیدیان، علی (۱۴۰۱). شناسایی پیشران‌های مؤثر در آینده روابط امنیتی ایران و جمهوری آذربایجان با رویکرد آینده‌پژوهی. نشریه آینده پژوهی انقلاب، ۳ (۲)، ۶۵-۹۳.

خاتین‌اوغلو، دالغا (۱۴۰۲). خیز جمهوری آذربایجان برای توسعه انرژی‌های پاک. نشریه نفت و انرژی، ۲۰۷ (۲)، ۱۸-۲۲.

سلطانی، مصطفی، و یوسف‌پور، احمد (۱۳۹۶). تحلیل پیوندهای ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان با تأکید بر منافع ایران در حوضه دریای خزر. مقاله ارائه‌شده به دومین کنگره بین‌المللی علوم انسانی، مطالعات فرهنگی.

صالحی، منصوره، و نوازنی، بهرام (۱۳۹۹). بررسی نقش جمهوری آذربایجان در ایجاد چالش‌های قومی در آذربایجان ایران. نشریه مطالعات ملی، ۲۱ (۴)، ۱۱۸-۱۰۱.

طالعی حور، رهبر، و مهدی‌پور، امیرحسین (۱۴۰۳). ترکیه و نقش آن در روابط ایران و جمهوری آذربایجان. فصلنامه علمی مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ۳۰ (۱۲۶)، ۱۴۵-۱۶۶.

عباسی، فرید، و مروجی‌راد، فهیمه (۱۴۰۰). کدهای ژئوپلیتیک مؤثر در سیاست خارجی ایران در ارتباط با کشور آذربایجان. نهمین کنفرانس بین‌المللی دستاوردهای نوین پژوهشی در فقه، حقوق و علوم انسانی، تهران.

عباسی، مجید، و موسوی، سید محمدرضا (۱۳۹۲). روابط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان: بسترهای همگرایی و زمینه‌های واگرایی. نشریه مطالعات اوراسیای مرکزی، ۶ (۲)، ۸۰-۶۱.

علیخانی، حمید (۱۳۹۷). مفهوم صلح و امنیت بین‌الملل. تهران: قانون‌یار.

فتحی، محمدجواد، عبدخدایی، مجتبی، و شیراوند، صارم (۱۳۹۷). پیوند کد و ژنگان ژئوپلیتیک در سیاست خارجی: مطالعه موردی جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی. پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۷ (۲۴)، ۱۲۵-۱۵۶.

فیروزی، علی (۱۳۹۰). گسترش روابط جمهوری آذربایجان و اسرائیل با تأکید بر انرژی. نشریه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، (۷۳).

کاظمی‌پور دهنه، علی، مجتهدزاده، پیروز، ولی شریعت‌پناهی، مجید، و لطفی، حیدر (۱۳۹۹). الگوی



- توسعه روابط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان با رویکرد ژئوپلیتیک در راستای ارائه یک مدل راهبردی در سیاست خارجی ایران. فصلنامه جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای)، ۱۰ (۴۰)، ۶۵۸-۶۹۰.
- کامیاراد، ساناز، کامیار، غلامرضا، و کامیاراد، صفرعلی (۱۴۰۱). حق بر شهر ایمن از منظر حقوق بشر و حقوق ایران. پژوهش‌های حقوقی، ۲۱ (۵۱)، ۱۷۷-۲۰۲.
- کروچ، سیدعباس، و موسوی، سیدمهدی (۱۳۹۸). زمینه‌های تعامل، رقابت و تنش در روابط ژئوپلیتیکی ایران و آذربایجان و آرایه مدل پیشنهادی. نشریه روابط خارجی، (۴۲)، ۱۱-۴۲.
- کریمی‌پور، یدالله (۱۳۹۴). جغرافیا نخست در خدمت صلح. تهران: انتشارات انتخاب.
- کشیشیان سیرکی، گارینه (۱۴۰۲). روابط دوجانبه جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان (۱۳۷۰-۱۴۰۰). نشریه سیاست جهانی، ۱۲ (۲)، ۲۹۹-۳۲۳.
- کولایی، الهه، و اصولی، قاسم (۱۳۹۱). چگونگی تغییر روابط امنیتی شده ایران و جمهوری آذربایجان. مطالعات اوراسیای مرکزی، ۵ (۱۱)، ۷۵-۹۴.
- لطفی، میلاد، و دهقانی، سیدجلال (۱۴۰۲). نگرشی نوین به مطالعه همگرایی منطقه‌ای: کردارگرایی و کاربست آن در مطالعات همگرایی اروپا. نشریه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، ۱۵ (۱)، ۳۴-۱۱.
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۹۹). جغرافیای سیاسی ایران و ژئوپلیتیک ایرانی. تهران: فرهیختگان دانشگاه.
- مطلبی، مسعود، و موسوی، محمدرضا (۱۳۹۵). بررسی عوامل تأثیرگذار در مرزهای جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان. نشریه علوم و فنون مرزی، ۵ (۱۹)، ۴۰-۱.
- مهدبی، معصومه، و صالح‌آبادی، ریحانه (۱۴۰۲). کدهای ژئوپلیتیکی موثر بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. تعاملات دیپلماتیک، ۱ (۱)، ۵۶-۲۷.
- ناصری، علی، و شکوری، ابوالفضل (۱۴۰۳). ایران و ژئوپلیتیک دالان زنگه‌زور. فصلنامه علمی مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ۳۰ (۱۲۵)، ۹۴-۵۵.
- نقی‌زاده، سعید (۱۳۷۷). روابط ایران و جمهوری آذربایجان در آستانه قرن بیست‌ویکم. نشریه رویدادها و تحلیل‌ها، (۱۲۲)، ۲۵-۲۴.
- نویدنیا، منیژه (۱۳۸۴). چندگانگی امنیت: امنیت ملی، عمومی و امنیت اجتماعی. مطالعات امنیت اجتماعی، ۱ (۲)، ۳۵-۵۸.
- هادی اعظمی، محسن (۱۳۹۳). بررسی و شناخت تهدیدهای مرزی ایران: نمونه موردی مرز مشترک با جمهوری آذربایجان. مقاله ارائه‌شده به همایش ملی مرزنشینی توسعه پایدار و فرصت‌های سرمایه‌گذاری.
- هاشمی، سیدمصطفی، فرجی‌راد، علیرضا، و سرور، رحیم (۱۳۹۵). بررسی عوامل مؤثر ژئوپلیتیک عراق و



تأثیر آنها بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه علمی تحقیقات سیاسی و بین المللی، ۸ (۲۸)، ۶۳-۹۴.

هاشمیان، مریم (۱۳۹۵). صلح‌گرایی. تهران: نشر ققنوس.

یوسف‌وند، یعقوب، و تشکری‌پور، احمد (۱۴۰۳). تهدیدشناسی اثر روندها و رویدادهای سیاسی در سیاست‌گذاری راهبردی جمهوری اسلامی ایران. مطالعات دفاعی استراتژیک، ۲۲ (۹۸)، ۱۱۰-۱۳۴.

۲-۶. منابع لاتین

Aiqarlu, M. (۲۰۱۹). The opportunity to revive the Jolfa railway line to connect Iran to Europe. *Bandar and Darya Magazine*, (۲۸۳-۲۸۴), ۳۶-۳۷, ۴۲-۴۳, <https://www.magiran.com/p۲۲۱۵۷۷۳> [In Persian].

Akbari, Mohammad Hossein, Shahramnia, Ahmad Mustafa, & Vosoughi, Saeed (۲۰۲۱). Behavioral sample of the Republic of Azerbaijan towards the Islamic Republic of Iran in two-way interactions: Outcome of identity concepts. *Bi-Quarterly Political Knowledge*, ۱۷ (۱), ۱-۲۶.

Fritz, Verena, & Menocal, Alina Rocha (۲۰۰۷). *Understanding state-building from a political economy perspective*. London: Overseas Development Institute.

Hedia, Anri R. (۲۰۲۴). Zangezur corridor: Economic potential and political constraints. *Russia in Global Affairs*, ۲۲ (۱), ۱۹۴-۲۱۶, <https://doi.org/۱۰.۳۱۲۷۸/۱۸۱۰-۶۳۷۴-۲۰۲۴-۲۲-۱-۱۹۴-۲۱۶>.

Javadi Arjamand, Mohammad Javad, & Kikhosro Dolatyari, Yaser (۲۰۱۷). Geopolitical analysis of Iran-Armenia relations in the framework of Anderson's theory and the plan of a regional convergence after the normalization of relations between Armenia and Turkey. *Geopolitic*, ۸ (۲۶), ۱۹۲-۲۲۳, <https://www.sid.ir/paper/۱۱۵۹۸۶>.

Konuralp, Erhan (۲۰۲۲). Zengzur koridorunun bölgesel kalkınma ve ekonomik büyüme stratejik önemi çalıştay raporu. Serhat Kalkınma Ajansı.

Valigholizadeh, Ahmad (۲۰۱۱). Economic importance of the Republic of Azerbaijan in the development of the Aras Free Zone. *Studies of Central Asia and the Caucasus*, (۷۳), ۱۱۱-۱۳۴. <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/۸۴۷۷۸۴>.



کاربردهای علم اصول فقه در اخلاق و تربیت

سید علی اصغر علوی^۱

چکیده

اصول فقه یکی از مهم‌ترین علوم اسلامی است که بالندگی و پویایی خوبی در میان علوم اسلامی داشته است. از سوی دیگر باید تعامل اصول فقه با دیگر دانش‌ها تعریف و تحلیل شود. اخلاق و تربیت به عنوان عرصه‌های مؤثر و جهت‌دهنده در حکمرانی دینی نیازمند تبیین این ارتباط است و علم اصول فقه می‌تواند کاربردهایی در این دانش‌ها داشته باشد. این پژوهش به یک موضوع مغفول میان‌رشته‌ای پرداخته که در تحول علوم انسانی اسلامی و در معادلات حکمرانی بسیار ضروری است. این تحقیق که برای گردآوری اطلاعات از روش اسنادی بهره برده است، بر آن است با تکیه بر روش اجتهادی (تحلیلی-استنباطی)، تحلیلی از کاربردهای علم اصول فقه در اخلاق و تربیت ارائه دهد. در این پژوهش از سویی مسائل و عرصه‌های اخلاق و تربیت مورد بررسی و تبیین قرار گرفته است،

۱. دکتری تخصصی، جامعه المصطفی العالمیه قم، قم، ایران (نویسنده مسئول)

(modirekarbala313@chmail.ir).





سپس کاربردها و امتدادهای علم اصول فقه در این ساحت‌ها تجزیه و تحلیل شده است. رهاوردهای پژوهش نشان می‌دهد در کنار تقویت ذهن اصولی در دانش‌هایی مانند اخلاق و تربیت و اینکه علم اصول فقه مقدمه عمل در چنین عرصه‌هایی است، مباحثی مانند استصحاب و اجتناب از اتباع ظن در مسائل اخلاقی، استفاده از تجربه نگاه‌های مختلف اصولی در تحلیل و حمل رفتارها بر احسن وجه از موارد درخور توجه است. این تحقیق می‌تواند آغازی برای پژوهش‌های آتی باشد که رسالت کلان پژوهشی چنین تحقیقی را بیشتر نشان می‌دهد.

کلیدواژه‌ها:

اصول فقه، کاربرد، اصول فقه کاربردی، کاربردی‌سازی علوم، اخلاق اسلامی، تربیت اسلامی.





۱. مقدمه و بیان مسئله

اصول فقه از مهم‌ترین علوم اسلامی است که بالندگی و پویایی خوبی در میان علوم اسلامی داشته است. کاربرد این علم در مقام و جایگاه اصیلش یعنی عرصه فقه و استنباط احکام برای صاحب‌نظران این عرصه پنهان نیست. شکل‌گیری این علم و توسعه آن به دلیل نیاز فقیهان در عرصه استنباط احکام شرعی بود. بنابراین بدون تردید برای ورود در حوزه استنباط احکام و تخصص در دانش فقه، ضرورتاً باید با قواعد و مسائل اصول فقه آشنایی داشت (عباسیان، ۱۴۰۱). از سوی دیگر باید تعامل اصول فقه با دیگر دانش‌ها تعریف و تحلیل شود. دانش‌ها همان‌گونه که در فلسفه علوم به آن پرداخته شده و در فلسفه اصول و فلسفه فقه هم پذیرفته شده است، با یکدیگر پیوند دارند. مهم آن است که این نسبت مورد تحقیق و تدقیق قرار گیرد. اخلاق و تربیت به عرصه‌های مؤثر و جهت‌دهنده در حکمرانی دینی نیازمند تبیین این ارتباط است و علم اصول فقه می‌تواند کاربردهایی در این دانش داشته باشد. در این میان حذف یا بقای مباحث بی‌ثمر یا کم‌ثمر در علم اصول، موضوعی است که مطمح بحث و نظر است. هماهنگی مباحث فعلی علم اصول با مقتضیات جوامع انسانی و عرصه‌های مورد نیازی مانند اخلاق و تربیت از راهکارهای قابل پیگیری است. به این منظور باید سراغ از کاربردهای علم اصول فقه در اخلاق و تربیت گرفت. مسئله چنین پژوهشی را باید تعامل اصول فقه با دیگر دانش‌ها از جمله اخلاق و تربیت دانست که این تحقیق سعی کرده است در مورد کاربردهای آن دریچه جدیدی باز نماید. از آنجا که نقطه عزیمت پژوهش از علم اصول فقه است، برای همین تکیه ویژه و بنای اصلی تحقیق بر آن استوار است و از اصول فقه به کاربردهای آن در اخلاق و تربیت توجه شده است. همچنین نظر به اینکه این پژوهش به یک موضوع مغفول میان‌رشته‌ای پرداخته که در تحول علوم انسانی اسلامی و در معادلات حکمرانی بسیار ضروری است و نیز با عنایت به اینکه مقالات علمی-پژوهشی باید تک‌مسئله‌ای باشند، نوآوری پژوهش بر این حلقه مفقوده تمرکز یافته است که ظرفیت توسعه‌دادن آن در تحقیقات آینده را داراست.





۲. ادبیات موضوع و پیشینه

۲-۱. مبانی نظری

الف) اصول فقه

اصول فقه را به دو جهت می‌توان معنا نمود: ۱. به جهت دو تعبیر «اصول» و «فقه» که در این جهت، هر یک از این دو تعبیر، به طور جداگانه بررسی می‌شوند. ۲. به جهت مرگب و علم بودن «اصول فقه» و کاربرد مجموع دو کلمه به عنوان اسمی برای بیان و تعریف یک معنای اصطلاحی (ملکی اصفهانی، ۱۳۹۳: ۱۱۶). به اعتبار دوم که محل بحث است، اصول فقه «صنعتی است که به وسیله آن، قواعدی که ممکن است در طریق استنباط احکام واقع شوند یا در مقام عمل منتهی به احکام شوند شناخته می‌شوند» (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۹). به عقیده برخی اصول فقه «علمی است که در آن از قواعدی بحث می‌شود که نتیجه آنها در طریق استنباط حکم شرعی قرار می‌گیرد» (مظفر، ۱۴۳۰، ج ۱: ۵) و بنا بر نظر عده‌ای -که دیدگاه برگزیده است- اصول فقه «علم به عناصر مشترك برای استنباط جعل شرعی است» (صدر، ۱۴۲۳، ج ۳: ۲۹).

ب) اخلاق

برای اخلاق در منابع لغوی، معانی متعددی ذکر شده است؛ چنان‌که گاه آن را به طبع (فراهِیدی، ۱۴۰۹، ج ۴: ۱۵۱/ زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۶: ۳۳۷) و گاه به سجیه یا یک خصلت درونی تعریف کرده‌اند. در برخی منابع نیز افزون بر طبع، معانی دیگری برای آن ذکر شده است، مانند تقدیر، فطرت، سجیه و... (جوهری، ۱۴۰۴، ج ۳: ۳۳۷). اخلاق از ریشه خُلُق، در اصطلاح علمای اخلاق، تفاوت مفهومی زیادی با معنای لغوی آن ندارد. خلق به ملکه درونی راسخی گفته می‌شود که وجود آن مستلزم تحقق عمل متناسب با آن، به آسانی و بدون تکیه به فرایند فکری آگاهانه است (نراقی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۲۶/ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۷: ۳۷۲) که در این تعریف ملکه‌شدن، درونی بودن، سهولت انجام مبتنی بر خلق و بدون استعانت خودآگاه از تفکر مندرج است (حبیبی، ۱۳۹۷: ۱۰).



ج) تربیت

در لغت، تربیت و پرورش را ایجادکردن حالتی پس از حالتی دیگر در چیزی تا اینکه به حدّ نهایی و تمام و کمال آن برسد، تعریف کرده‌اند (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ۳۳۶). تربیت از ریشه «ربو» به معنای زیادت و فزونی و رشد و برآمدن گرفته شده است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۵: ۱۲۶). در اصطلاح میان تربیت و صنعت فرق گذاشته‌اند. صنعت یعنی ساختن، ولی تربیت عبارت است از پرورش دادن و به‌فعلیت‌رساندن و پروراندن استعدادهای درونی که به صورت بالقوه موجود است (مطهری، ۱۳۷۳: ۵۶).

هرچند این دو مفهوم «اخلاق و تربیت» به یک معنا نیستند، در فضای برخی رشته‌های تخصصی از این دو، با هم و در کنار هم تعبیر می‌شود و این به علت درهم‌تنیدگی و ارتباط وثیقی است که بین اخلاق و تربیت وجود دارد. به همین جهت در این مقاله هر دو عنوان ذکر شده و کاربرست‌های علم اصول در هر دو بررسی گردیده و به تعبیر اصولی به «عنوان جامع بین این دو» از منظر کاربرست، عنایت شده است.

۲-۲. پیشینه پژوهش

در حوزه «کاربردهای علم اصول» بیشتر در «دانش حقوق» پژوهش‌هایی صورت گرفته است، مانند:

جدول شماره ۱: پیشینه پژوهش

نویسندگان - روش استفاده‌شده	اهداف یا سؤالات اصلی	مهم‌ترین یافته‌ها
رضایی (۱۳۹۴)، به روش توصیفی-تحلیلی	کاربرد اصول لفظی در تفسیر قوانین در حقوق ایران	از آنجا که بخش زیادی از قوانین جاری کشور برگرفته از فقه اسلامی بوده و اصول فقه نیز زیربنا و شالوده مواد قانونی است و نیز در میان ادله اربعه، کتاب و سنت که هر دو دلیل لفظی‌اند و به صورت الفاظ عنوان شده‌اند، به دلیل آنکه



نویسندگان- روش استفاده‌شده	اهداف یا سؤالات اصلی	مهم‌ترین یافته‌ها
		نشان‌دهنده اراده شارع است و از اهمیت زیادی برخوردار می‌باشند، مبنای این پژوهش بوده است. این کتاب به کاربردهای علم اصول فقه در اخلاق و تربیت پرداخته است.
قافی و شریعتی (۱۳۹۲)	اصول فقه کاربردی	کتاب دربردارنده مباحث اصلی و کاربردی است. در این کتاب مباحث اصول فقه با نگرشی به کاربرد آن در حقوق، به صورتی متقن و ساده بیان شده و همچنین حاوی مثال‌های حقوقی و نمونه‌های واقعی است. در فصل اول به کلیات و مفاهیم می‌پردازد و از فصل دوم وارد مباحث جزئی‌تری مانند مباحث الفاظ می‌شود. کتاب به عنوان منبع درسی برای دانشجویان رشته حقوق در مقطع کارشناسی ارشد تدوین شده است. این پژوهش به صورت کلان وارد مباحث علم اصول و کاربردهای آن شده و زاویه ورود خاصی را مد نظر نداشته است.
عباسیان (۱۴۰۱)، به روش توصیفی-تحلیلی	کاربرد علم اصول فقه در تفسیر قانون	علم اصول فقه ابزارهای استنباط و قاعده‌های فقهی را ارائه می‌دهد و از آنجا که بیشتر مباحث فقهی نیازمند چنین ضوابط و ابزارهای اصولی هستند، اِشراف بر این دانش، زمینه و گام نخستین درک علم فقه می‌باشد. این مقاله به بررسی نقش این دانش در تفسیر قانون پرداخته است. تأکید این پژوهش بر مباحث حقوقی است.
منتھایی (۱۳۸۰)، به روش توصیفی-تحلیلی	علم اصول فقه و سرچشمه‌های حقوق اسلامی	این تحقیق نیز از دریچه دانش حقوق اسلامی به اصول فقه پرداخته است؛ حال آنکه اخلاق و تربیت به عنوان مکمل مباحث حقوقی باید در دایره پژوهش مستقلاً بررسی گردد تا





نویسندگان - روش استفاده شده	اهداف یا سؤالات اصلی	مهم‌ترین یافته‌ها
		بتوان با توجه به خروجی هر دو، جامعه را در مسیر حکمرانی بهتر قرار داد.
اخباری (۱۳۹۶)، به روش	جایگاه علم اصول فقه در تفسیر قرآن از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی	برخی از مطالعات در حوزه اصول فقه مانند این مقاله در فضاهایی مانند «مطالعات قرآنی و حدیثی» دیده می‌شود. این پژوهش اساساً وارد موضوع کاربرست‌ها نشده است.
منطقی (۱۳۹۶)، به روش توصیفی-تحلیلی	روش تحقیق در رفتار سازمانی با تأکید بر دانش اصول فقه	دانش اصول فقه در این تحقیق به عنوان راه‌گشای مناسبی برای شناسایی «تفاوت در معانی» شناخته و بررسی شده است. این تحقیق سعی کرده است با شناسایی مفاهیم مرتبط در حوزه تحلیل و گفتمان و اصول فقه، به توصیف آنها پردازد و سپس با تحلیل‌های عقلی، راه‌حل‌های مؤثر شناسایی شده، تطبیق‌های مناسبی بین گزاره‌های دانش علم اصول فقه و تحقیق در رفتار سازمانی ارائه نماید. این پژوهش رویکردی بنیادین به موضوع دانش اصول فقه داشته و وارد عرصه‌های امتداد بین اصول فقه و دانش‌های دیگر نشده است.

چنان‌که گذشت، پژوهش‌های پیشین وارد کاربردهای علم اصول فقه در دانش اخلاق و تربیت نشده‌اند. به همین جهت تحقیق حاضر در صدد است کاربرست‌های علم اصول فقه را در اخلاق و تربیت بررسی کند.

۳. روش‌شناسی پژوهش

روش تحقیق این مقاله اجتهادی (تحلیلی-استنباطی) است. نوع تحقیق، کاربردی و روش گردآوری اطلاعات، اسنادی-کتابخانه‌ای (یادداشت‌برداری به صورت تحلیلی-توصیفی) با روش



اجتهادی بهره خواهد برد. همچنین این پژوهش می‌کوشد با استفاده از روش «تحلیل محتوا» مباحث علم اصول و توجه به مسائل اخلاق و تربیت، کاربردهای علم اصول فقه را در اخلاق و تربیت بررسی و ارزیابی کند. مراحل انجام و به‌کارگیری روش به این صورت است که به جهت میان‌رشته‌ای بودن تحقیق، دو عرصه علم اصول فقه و دانش اخلاق و تربیت مورد مطالعه قرار گرفته و مواردی که زمینه‌های کاربردی در آن موجود بود، یادداشت‌برداری شده و در مسیر تحقیق از تجربیات و تحقیقات پیشین برای تسریع امر بهره‌برداری گردید. این رفت و برگشت به صورت تحلیلی-استنباطی ادامه خواهد یافت تا به خطوط کلی در باب کاربردهای علم اصول در اخلاق و تربیت منتج شود.

۴. یافته‌های پژوهش

۴-۱. تقویت ذهن اصولی در دانش‌هایی مانند اخلاق و تربیت

هدف از خواندن کتب اصولی، تمرین ذهنی و آمادگی برای استنباط احکام است. مطالعه علم اصول تمرین استنباط است تا خواننده آن بتواند استنباط بدوی داشته باشد و ادله که به دستش آمد، متحیر نشود و به تعبیری تسامحی «خرده مجتهد» بشود. یکی از فواید بررسی مسائل علم اصول که در کتب اصولی مطرح شده، تمرین اندیشه و تشحیذ ذهن برای استنباط است که انسان را در فضای اجتهادی بار بیاورد. نحوه استدلال‌های اصولی، نحوه ورود و خروج از مباحث، شیوه رد و پاسخ‌دادن به اقوال را باید در اصول آموخت. باید به این ریزه‌کاری‌های فنی دقت داشت (ر.ک: علوی، ۱۳۹۸: ۲۱-۲۳).

دقت در امور انسان را به ریزه‌کاری‌ها آگاه می‌کند. کسی که دقیق تربیت شد، در زندگی واقعی هم می‌تواند دقیق باشد. زندگی حساب‌شده را کسانی رقم می‌زنند که در مواجهه با اتفاقات زندگی ساده رد نشوند و در کنار هر مسئله‌ای توجه ویژه‌ای داشته باشند. وقتی ذهن اصولی شد، می‌توان امید یک زندگی اصولی را هم داشت. این مطلبی است که در اخلاق و تربیت به‌شدت مورد نیاز است و علم اصول می‌تواند این قابلیت را فراهم کند. البته طبیعی است افراط و تفریط در هیچ چیزی مطلوب نیست. به تعبیر حضرت امام خمینی علیه السلام «حق آن است که اخباری‌ها در بدینی نسبت به علم اصول راه افراط را رفته‌اند؛ همان طور که پرداختن فراوان به اصول و آن را دانش

مستقل کمال آوردانستن و در مباحث بی نتیجه آن عمر صرف نمودن، تفریط است و این عذر پذیرفته نیست که دقت در این علم، ذهن را قوی می سازد و انسان را موشکاف می کند. بر این اساس آن که قدردان عمر خویش است، به امور بی بهره نمی پردازد و تلاش خود را در نیازهای معاش و معاد مصرف می کند. به اندازه ای که استنباط بر آن تکیه دارد، دنبال می کند و زاندها را حذف می نماید» (امام خمینی، ۱۴۱۰، ج ۲: ۹۷-۹۸).

۲-۴. علم اصول فقه مقدمه عمل در اخلاق و تربیت

علم باید به عمل آراسته شود تا بال پرواز انسان شود. به تعبیر امام صادق (ع) «الْعِلْمُ مَقْرُونٌ إِلَى الْعَمَلِ فَمَنْ عَمِلَ عَمِلَ وَ مَنْ عَمِلَ عِلْمٌ وَ الْعِلْمُ يَهْتَفُ بِالْعَمَلِ فَإِنْ أَجَابَهُ إِلَّا أُرْتَحَلَ عَنْهُ: علم با عمل قرین است، هر کس بداند، باید عمل کند و هر که عمل کند، باید بداند. علم عمل را صدا زند، اگر پاسخش را بدهد، بماند، در غیر این صورت کوچ خواهد کرد» (کلینی، ۱۴۲۶، ج ۱: ۴۴). هر یک از این دو بدون دیگری، مایه اوج گرفتن پرنده وجود انسان نخواهند شد. باید به علم، عمل شود تا معجون این دو کارساز شود و انسانی متکامل تولید نماید.

اگر ذهن با آموزه هایی عقلی ورزیده شد، فی نفسه مایه رشد ذهن خواهد شد و اصولاً ذهن ورزیده، زندگی بهتری خواهد آفرید؛ اما این نباید مانع از استفاده های عملی این علوم شود. البته همین که در لابه لای مباحث نفس گیری مانند علم اصول، اندیشه ورزیده شود، فرصتی برای زندگی ورزیده تر است. این اندیشه آماده ورود در میدان های اجرایی مانند اخلاق و تربیت است.

نکته دیگری که در اینجا قابل توجه است، بحث «اصول عملیه» است. اصول به مربی می آموزد که هیچ وقت در مقام «عمل» دچار تحیر نشود؛ چون یا دلیل دارد که به آن عمل می کند و ضوابط عمل صحیح را نیز به او می آموزد و اگر دستش از دلیل خالی شد، اصول علمیه را برای رفع تحیر معرفی می کند؛ به عبارت دیگر یک مربی اصولی هیچ گاه متحیر نمی شود؛ چون یا دلیل دارد یا از اصول عملیه استفاده می کند؛ اگر تراحم شد، اهمّ و مهم می کند؛ اگر تعارض هم شد، تساقط یا تخییر را به کار می برد.

۳-۴. توجه به افعال «توصلی» و تبدیل آن به «تعبدی»

«تعبدی» و «توصلی» دو اصطلاح از اصلاحات به‌کاررفته در علم اصول فقه برای تقسیم واجب است. واجب به تعبدی و توسلّی تقسیم می‌شود. واجبی که صرف انجام‌دادن آن با هر نیتی که باشد، موجب ادای تکلیف است و نیازی به قصد تقرب به پروردگار ندارد، واجب توسلّی نام دارد. واجبی که به خودی خود تکلیف را ساقط نمی‌کند، بلکه نیازمند قصد قربت است، واجب تعبدی است. به عبارت دقیق‌تر واجب توسلّی در مقابل واجب تعبدی «واجبی است که غرض مولا به وجودیافتن آن در خارج تعلق گرفته و به مجرد تحقق آن در خارج، امر مولا نیز ساقط می‌شود و قصد قربت در آن شرط نیست، بلکه مکلف به هر انگیزه و قصدی آن را امثال کند، از عهده او ساقط می‌شود، مانند شستن لباس یا ادای دین که به هر نیتی صورت پذیرد، هر چند مثلاً برای تظاهر باشد، کفایت نموده و ذمه را آزاد می‌کند و قصد قربت در آن شرط نیست» (مشکینی، ۱۳۷۴: ۲۷۶). اما در نگاه عمیق توحیدی احکام خمسۀ تکلیفیه در زندگی یک مؤمن، یا واجب است یا مستحب، زیرا حرام و مکروه و حتی مباح هم در اعمال او نیست. از این باب است که «حَسَنَاتُ الْأَبْرَارِ سَيِّئَاتُ الْمُقَرَّبِينَ» (مجلسی، ۱۳۸۱، ج ۲۵: ۲۰۵/۲ اربلی، ۱۳۸۱، ج ۲: ۲۵۴/۲ اردبیلی، بی‌تا، ۷۸). راه رسیدن به این شیوه زندگی با «نیت» است که احکام خمسۀ تکلیفیه را به واجب و مستحب خلاصه می‌کند و بال پرواز اولیای الهی می‌شود و آنها را به این جایگاه می‌رساند. وقتی زندگی توحیدی شد، واجبات توسلّی هم رنگ تعبد می‌گیرد. درست است که در واجب توسلّی قصد قربت شرط نیست، بلکه مکلف به هر نیتی آن را انجام دهد، کفایت می‌کند، اما او همه افعالش را با قصد قربت انجام خواهد داد. وقتی راه رفتن مباح با قصد عبادت، مستحب می‌شود و همه رفتارها جهتی از توحید در آن جلوه‌گر است، می‌توان این فرصت‌های ناب را مدیریت نمود و تبدیل به احسن کرد. انسان موحد، انسان هوشمندی است که اجازه نمی‌دهد لحظه‌ای از او برای بندگی فوت شود. او هر فرصتی را در جهت کمال بیشتر خود هزینه می‌کند. این انسان است که می‌تواند با افتخار بگوید: «قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (الأنعام: ۱۶۲).

انسان در بعضی زمان‌ها غافل است. چگونه می‌توان تمام اوقات را خدایی کرد؟ جواب این است که خدای متعال برای این زمان‌ها راه حل گذاشته است؛ مثلاً اگر شب را با وضو بخوابید یا

ذکرها و آیات خاصی را که در روایات آمده است، بگویید تمام شب را برایتان عبادت می‌نویسند یا در هر مجلسی سه آیه «سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ * وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ * وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (الصافات: ۱۸۰-۱۸۳) را بخوانید حرف‌هایی که برای خدا نبوده، برای خدا نوشته می‌شود.

۴-۴. توجه به امثال امر مولی و مباحث اصولی آن در اخلاق و تربیت

یکی از مطلوب‌های علمای اصول و فقه، رسیدن به مذاق شارع است و در مواردی از این بیان استفاده کرده‌اند (برای نمونه، ر.ک: عراقی، ۱۳۸۸: ۳۴۶/حلی، ۱۴۳۲، ج ۳: ۲۲۹/صدر، ۱۴۱۷، ج ۴: ۴۳۵). رسیدن به مذاق مولی را از گروه‌های کوچکی مانند خانواده می‌توان آغاز کرد. باید به جایی رسید که اصلاً منتظر امر مولی نبود. یک همسر، پیش از نیاز همسرش، درخواست او را اجابت کند و به او پاسخ دهد و نیاز نباشد، لزوماً نیازی تشدید شود یا حتی بیان گردد تا نوبت امثال برسد. این «مانور اصولی شدن» می‌تواند از مجموعه‌های کوچک آغاز شود. حتی در تعاملات خانوادگی این مدیریت قابل اجراست؛ چراکه باید اعضای خانواده به واسطه این تمرین، خودشان را آماده حضور در عرصه اجتماع برای یاری ولیّ جامعه کنند. تربیت ولایی باید با این محوریت در منزل شروع شود و منزل به منزل به عرصه‌های بزرگ‌تر اجتماعی برسد. مادر در این میانه نقش محوری را در تربیت دارد. فرزندان یک خانه با تربیت مادرانه باید بتوانند ولیّ منزلشان را لیبیک بگویند و امثال امر مولی کنند تا بعدتر بتوانند در جامعه لیبیک‌گوی ولیّ جامعه باشند. آنها باید بتوانند با محوریت پدر خانواده این عملیات را انجام دهند تا بعدها در آزمون‌های بزرگ‌تر سربلند باشند.

ممکن است کسی اشکال کند پدر خانواده چه ارتباطی با ولیّ جامعه دارد؟ یا مثلاً کسی رفتارهای پدرش را قبول نداشته باشد و ... در پاسخ به همه این اشکال‌ها باید گفت ما در مرحله مانور داریم با این آزمون می‌شویم و این آزمونی است که از جانب خود خدای متعال طرح‌ریزی شده است. همان خدایی که «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (النساء: ۵۹) را دستور فرموده است، دستور «وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» (ر.ک: البقرة: ۸۳/النساء: ۳۶/الأنعام: ۱۵۱/الإسراء: ۲۳) را هم داده است. پس هر دو از یک اتاق فرماندهی و از زبان یک فرمانده صادر شده است (علوی، ۱۴۰۰: ۶۱-۶۲).

۵-۴. اعتماد به متخصص در اثبات شبهات موضوعیه در خانواده

«شبهات حکمیه» شک ناشی از عدم علم به اصل جعل حکم است (ثبوت اول)؛ اما در «شبهات موضوعیه» (مصادقیه) به اصل جعل، علم داریم و مشکل در شک به تحقق موضوع است (ثبوت ثانی). به تعبیر دیگر شک در معقول است. شبهات حکمیه همیشه کلی اند، بر عکس شبهات موضوعیه که جزئی اند. هر چقدر یک انسان فقیه و اصولی باشد، در مواردی باید به متخصصان دیگری مراجعه کند. فهم «شبهات حکمیه» کار فقیه است، اما در «شبهات موضوعیه»، مکلف باید با توجه به شواهد و قرائن، به حکم تکلیفی موضوع دست یابد. کشف «حکم حرمت شراب» کار فقیه است، اما اینکه «در این ظرف شراب هست یا نه» مکلف باید به نتیجه برسد. به عبارت دیگر شبهات حکمیه را باید از شارع یا نماینده شارع پرسید، اما مکلف می‌تواند شبهات موضوعیه را به کمک عقلای دیگر به نتیجه برساند. در اینجا رجوع به اهل خبره موضوعیت دارد. این را که «این فرش نجس شده یا نه»، از مرجع تقلید نباید پرسید؛ باید از اهل خانه پرسید که آیا ادرار فرزند شما به فرش رسیده است تا نجس شده باشد یا نه. در اثبات شبهات موضوعیه باید به نظرات افراد خبره اعتماد کرد. اعتماد نمودن به متخصص در اثبات شبهات موضوعیه در خانواده از مواردی است که در مباحث اخلاقی و تربیتی قابل استفاده است. نکته درس‌آموز این مسئله آن است که گاهی باید در برخی مسائل به متخصص خودش مراجعه کرد. علم انسان نباید باعث غرور و تکیه به دانش خودش شود. برای همین گاهی باید از همسر نظر خواست.

۶-۴. خلط «شبهات حکمیه» و «شبهات موضوعیه» پایه برخی تعارض‌ها و

مشاجره‌های اخلاقی

تعارض وضعیتی اجتماعی است که در آن دو یا چند نفر درباره موضوع‌های اساسی مربوط به سازمان با هم توافق ندارند یا نسبت به یکدیگر قدری خصومت احساسی نشان می‌دهند (رضائیان، ۱۳۸۲: ۶). بسیاری از چالش‌ها و نزاع‌های خانوادگی را از منظر علم اصول می‌توان دید و تحلیل نمود. حساب شبهات حکمیه از موضوعیه جداست و نباید اینها را با هم درآمیخت. منشأ بسیاری از کشمکش‌ها و مشاجرات اخلاقی، شناختن این ظرافت‌هاست. با هر یک از این دسته شبهات باید در حد خودش بحث کرد و نباید حساب یکی را به پای دیگری نوشت. این سطح از شناخت می‌تواند



مایه تفاهم‌هایی هم باشد. اگر دانسته شود که همسران در یک مسئله در سطح شبهات حکمیة تفاهم دارند، باعث وفاق اولیه‌ای خواهد بود که آن را نباید از دست داد. این نگاه می‌تواند سنگ بنای یک گفت‌وگو را شکل دهد. بر مبنای «تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ» (آل‌عمران: ۶۴) می‌توان به این مایه‌های وحدت در خانواده هم توجه کرد؛ توجهی که افراد یک خانواده را به انصاف بیشتری در قضاوت‌ها خواهد کشاند.

۷-۴. مشورت، فرصت تبدیل علم اجمالی به تفصیلی

حالات یک انسان نسبت به مفاهیم و اشیا به چند صورت است: ۱. جهل؛ یعنی نسبت به چیزی هیچ شناختی نباشد. ۲. شک؛ اگر حالت نفسانی انسان نسبت به چیزی در حالت تردید باشد، یعنی نتواند یک طرف را ترجیح دهد، به آن شک گفته می‌شود. ۳. ظن (گمان)؛ اگر حالت نفسانی انسان به گونه‌ای باشد که تردید باشد، ولی به یک طرف بیش از پنجاه درصد اعتماد باشد، به این اعتماد غالب، ظن گفته می‌شود. ۴. علم؛ اگرچه علم و یقین عرفی با علم و یقین منطقی تفاوت دارد، ولی اگر به مطلبی به گونه‌ای اعتقاد داشته باشد که به احتمال طرف دیگر اهمیتی داده نمی‌شود، به آن علم گفته می‌شود. این علم بر دو نوع است: یا مشارالیه و متعلق علم، روشن است که به آن علم تفصیلی اطلاق می‌شود و گاهی در عین علم به جامع، مشارالیه و متعلق علم مردّد است که به آن علم اجمالی گفته می‌شود (شعرانی، ۱۳۷۳: ۱۸-۲۳).

مربی در عرصه تربیتی با انواع علم‌های اجمالی مواجه است؛ علومی که به‌سادگی می‌توان آن را به علم تفصیلی تبدیل کرد. گاهی با بخشی از یک پدیده آشنایی هست و اشراف کاملی به همه اطراف آن نیست، اما با پرسش از یکی دو نفر دیگر که آنها هم حالتی مانند او دارند، حیرت برطرف می‌شود. مشورت، عقل‌های ناقص افراد را که جمع علم‌های اجمالی است، به علمی تفصیلی بدل خواهد کرد. علم انسان نباید باعث غرور و تکیه به دانش خودش شود. باید از اعضای خانواده و مجموعه خود، نظر خواست. مشورت از فرصت‌هایی است که یک مربی با آن می‌تواند از سرمایه عقول اعضای مجموعه‌اش بهره‌برد: «مَنْ اسْتَبَدَّ بِرَأْيِهِ هَلَكَ وَمَنْ شَاوَرَ الرَّجَالَ شَارَكَهَا فِي عُقُولِهَا» (نهج‌البلاغه، حکمت ۱۶۱). به برکت مشورت می‌توان از حیرت علم اجمالی به علم تفصیلی دست



یافت؛ می‌توان تقریری اصولی از مشورت داشت. مشورت، ازدواج و اساساً کارهای جمعی و تشکیلاتی، زمینه و تمهید هجرت از علم اجمالی به علم تفصیلی است.

۸-۴. نقش والدین در «وضع تعینی» فرزندان

وضع به دو صورت است: یکی وضع تعینی که به صورت آگاهانه توسط واضع انجام شود (وضع واضع معین) و دیگری وضع تعینی که ابتدا لفظ در معنایی به صورت مجاز یا حتی غلط استعمال می‌شود و کم‌کم بر اثر کثرت استعمال به مرتبه وضع می‌رسد (کثرت استعمال). بهترین مثال برای وضع تعینی، جریان نام‌گذاری فرزند است. در مراسم نام‌گذاری فرزند، والدین به صورت آگاهانه نامی را بر فرزند می‌گذارند. نام هر شخص علاوه بر اینکه «علامتی برای اوست»^۱ (فیومی، ۱۴۱۴، ج ۲: ۶۶۰/ قرشی بنابی، ۱۳۷۱، ج ۴: ۳۲۸) و «باعث تمایز و تشخیص او از دیگران می‌شود»، انتخاب صحیح آن می‌تواند «تأثیر تربیتی و روانی» زیادی بر او داشته باشد. هر بار با صداکردنش به این نام، باعث می‌شود به این اسم بیشتر توجه کند و بیشتر خودش را با حقیقت آن تطبیق دهد و حتی خود را مصداق واقعی آن بداند. انتخاب نام خوب برای نوزاد آن قدر مهم است که حضرت رسول خدا ﷺ آن را از حقوق فرزند بر گردن پدر می‌داند: «مِنْ حَقِّ الْوَلَدِ عَلَى وَالِدِهِ ثَلَاثَةٌ يُحَسِّنُ اسْمَهُ وَيُعَلِّمُهُ الْكِتَابَةَ وَيَرْوِّجُهُ إِذَا بَلَغَ» (حر عاملی، ۱۳۹۳، ج ۲۱: ۴۸۲). اسلام برای ایجاد شوق و بیان جایگاه اسم مناسب، این موضوع پراهمیت را محدود به دنیا نکرده و تا قیامت، این نسبت و ارتباط را مورد توجه قرار داده است تا آنجا که رسول خدا ﷺ فرمودند: «اسْتَحْسِنُوا أَسْمَاءَكُمْ فَإِنَّكُمْ تُدْعَوْنَ بِهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ قُمْ يَا فُلَانُ بْنُ فُلَانٍ إِلَى نُورِكَ وَ قُمْ يَا فُلَانُ بْنُ فُلَانٍ لَا نُورَ لَكَ: نام نیکو بر خود نهید، زیرا در قیامت به این نام‌ها خوانده می‌شوید؛ فلانی پسر فلانی برخیز به سوی نور خود برو و فلانی پسر فلانی برخیز که نوری نداری»

۱. اسم در لغت به معنای لفظی است که بر حقیقت و مسمایی دلالت کند. این کلمه از ماده «سمه» اشتقاق شده و «سمه» به معنای داغ و علامتی است که بر گوسفندان می‌زنند تا مشخص شود صاحب آن کیست و شاید از ریشه و ماده «سمو» گرفته شده باشد که در این صورت به معنای رفعت و بلندی است. همچنان‌که قلّه از دامنه به خاطر رفعت و بلندی‌اش ممتاز شده، نام نیز باعث تشخیص افراد و تمایز آنان از دیگران می‌شود. اسم در اصطلاح و عرف معادل نام و نشان است (قرشی بنابی، ۱۳۷۱، ج ۴: ۳۲۸).

(کلینی، ۱۴۲۶، ۶: ۱۹). همچنین می‌فرمودند: «حتی بچه‌های سقط‌شده را هم نام‌گذاری کنید، چون در روز قیامت که مردم را به اسم می‌خوانند، بچه‌های سقط‌شده به پدرانشان اعتراض می‌کنند چرا برای ما اسم نگذاشتید: «سَمُّوا أَوْلَادَكُمْ فَإِنْ لَمْ تَدْرُوهُمُ أَمْ أَنْتُمْ فَسَمُّوهُمْ بِالْأَسْمَاءِ الَّتِي تَكُونُ لِلذَّكَرِ وَالْأُنْثَى فَإِنَّ أَسْمَاءَكُمْ إِذَا لَقَوْكُمْ فِي الْقِيَامَةِ وَلَمْ تُسَمُّوهُمْ يَقُولُ السَّقَطُ لِأَيِّهِ أَلَا سَمَّيْتَنِي» (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۲: ۶۳۴). پرسشی که شایسته طرح است این است که «مگر نام برای مشخص کردن افراد نیست؟ پس غیر از این علامت‌گذاری چه نفعی می‌تواند داشته باشد که این قدر حساسیت نشان داده شده است؟» پاسخ آن است که انتخاب نام‌های بزرگان و شخصیت‌ها بر افراد باعث می‌شود صاحب آن اسم، احساس نوعی بزرگی و وقار در خود نماید و هم‌رنگی خود با شخصیت مورد نظر را افزایش دهد. این احساس روزبه‌روز بیشتر و باعث اثرگذاری بر رفتار و گفتار او می‌شود، تا جایی که خود را مسئول مواظبت از قداست آن نام می‌شمارد. وقتی نامی برای کسی انتخاب می‌شود، نوعی پیوند عاطفی بین صاحب اسم و شخصیت مورد نظر یا مکان مورد نظر که بدان نام است، برقرار می‌شود. از امام صادق علیه السلام سؤال شد: «قِيلَ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ -جُعِلَتْ فِدَاكَ- إِنَّا نَسْمِي بِأَسْمَائِكُمْ وَ أَسْمَاءِ آبَائِكُمْ، فَيَنْفَعُنَا ذَلِكَ؟ فَقَالَ؟ أَيْ وَاللَّهِ وَ هَلِ الدِّينُ إِلَّا الْحُبُّ وَ الْبُغْضُ» آیا نام‌گذاری فرزندان به نام‌های ائمه سودی دارد؟ حضرت فرمود: آری، مگر دین چیزی جز محبت است؟» (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۱۶۸/ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۱: ۱۳۰). روایات مختلفی در اهمیت نام‌گذاری و برکات آن وارد شده است (ر.ک: نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۵: ۱۲۷-۱۳۴). فارغ از اثر تربیتی نام‌گذاری بر شخصیت و هویت انسان، آثار فرهنگی نام‌گذاری‌ها هم قابل توجه است. هر نام با خود یک بار فرهنگی به دنبال دارد و بسامد یک نام در یک جامعه، آثار فرهنگی خاصی به دنبال خواهد داشت و ترویج آن می‌تواند فرصت‌ها یا تهدیدهایی را در عرصه فرهنگ ایجاد نماید. اثر این «وضع تعیینی» اثر بزرگی در زندگی و سرنوشت فرزندان خواهد داشت که این نقش را نباید دست‌کم گرفت.

۹-۴. استصحاب و اجتناب از اتباع ظن در مسائل اخلاقی

استصحاب یکی از اصول عملی پرکاربرد است که خصوصاً در مباحثی مانند فقه و حقوق کاربرد ویژه‌ای دارد (حسن‌زاده، ۱۴۰۱). کوتاه‌ترین تعریفی که از استصحاب داشته‌اند «إبقاء ما



«کان» است (انصاری، ۱۴۱۶، ج ۲: ۵۴۱)؛ یعنی حکم کردن به بقای آنچه پیش تر وجود داشته است. این اصل عملی در مباحث اخلاقی و تربیتی نیز دارای کاربرد است. در مباحث اخلاقی و تربیتی توصیه قرآن عدم اتباع از ظن و گمان است (النساء: ۱۵۷/ الأنعام: ۱۱۶/ الأنعام: ۱۴۸/ یونس: ۳۶/ یونس: ۶۶/ الحجرات: ۱۲/ النجم: ۲۳/ النجم: ۲۸). در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است که نه یقین را با شك از دست بده و نه آشکار را با پنهان و درباره آنچه خود ندیده‌ای، بر اساس گفته دیگران، داوری مکن. خداوند -عزّ و جلّ- موضوع غیبت و بدگمانی به برادران مؤمنت را با اهمیت قرار داده است: «لَا تَدْعُ الْيَقِينَ بِالشَّكِّ وَالْمَكْشُوفَ بِالْخَفِيِّ وَلَا تَحْكُمَ عَلَى مَا لَمْ تَرَهُ بِمَا يُرَوَى لَكَ عَنْهُ وَقَدْ عَظَّمَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَمْرَ الْغَيْبَةِ وَسُوءَ الظَّنِّ يَا خَوَانِكَ الْمُؤْمِنِينَ» (امام صادق، ۱۴۰۰: ۳۸۶).

ذکر این نکته شایسته است که جریان یافتن استصحاب در اصول و فقه با استصحاب در مباحثی مانند مدیریت متفاوت است. در فقه، انسان نیاز به تعیین وظیفه شخصی خود دارد و با توجه به اینکه شریعت «سمحه سهله» است، «فَإِنَّ أَحَبَّ دِينِكُمْ إِلَى اللَّهِ الْخَنِيفَةُ السَّمْحَةُ السَّهْلَةُ» (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۱: ۱۲)، لذا فرمودند اگر شك در حالت سابق داشتید، به شك اعتنا نکرده و استصحاب کنید. در مباحث مدیریت، جریان استصحاب متفاوت است، چون بحث حق الناس و بیت المال مسلمین مطرح است. در بعضی موارد باید استصحاب عدم جاری کرد؛ مثلاً در انتخاب مدیران نمی توان صرفاً به سابقه و گذشته فرد نگاه کرد، بلکه در این موارد استصحاب عدم را باید جاری نمود و برای انتخاب، یقین لاحق (پسین) لازم است و نمی توان به یقین سابق (پیشین) بسنده کرد؛ اما در مباحث اخلاقی و تربیتی چنین نیست.

اصول عملیه به طور عام و این اصل به طور خاص، در عرصه های مختلف اخلاقی و تربیتی قابل استفاده است؛ از آنجا که با رفع تحیر در بدو تکلیف و هم با دفع تفکرات معطوف به خوف و شرم بی جهت از عذاب و الطاف الهی در مقام پیشگیری از بروز مشکلات و اختلالات برمی آیند و هم در زمینه پیشگیری اولیه و هم پیشگیری ثانویه (بعد از وقوع مشکلات) مؤثر واقع می شود (ابراهیم آبادی و دیگران، ۱۳۹۶).





۱۰-۴. استفاده از تجربه نگاه‌های مختلف اصولی در تحلیل و حمل رفتارها بر

احسن وجه

در علم اصول یک مسئله از منظرهای مختلف بررسی می‌شود. گاهی چند بار یک بحث مورد بررسی قرار می‌گیرد و در رد و اثبات، رفت و برگشت می‌کند. این اتفاق باعث تجربه نگاه‌های مختلف و مواجهه‌های گوناگون با یک مسئله است. تجربه نگاه‌های مختلف به برکت اصول یکی از کاربردهای مفید علم اصول در اخلاق و تربیت است. این موضوع را می‌توان در محیط‌هایی مانند خانواده امتداد داد. چگونگی دیدن شقوق و زوایای پنهان یک مسئله یا به عبارتی «دیدن نادیدنی‌ها» را در رویه‌های مجموعه‌های تربیتی می‌توان دنبال کرد. ذهن اصولی با این تفکر می‌تواند با مشکلات زندگی به شیوه‌های بهتری مواجهه کند و در صدد حل آنها برآید. می‌توان اندیشه توان‌مندشده‌ای که مسائل را از منظرهای مختلف بررسی می‌کند، در زندگی هم عملیاتی کرد؛ می‌توان رفتار اطرافیان را در نگاه اول به یک گونه دید و در نگاه دیگر با تفسیرهای دیگر و بهتر. این همان چیزی است که دین خواسته است کار برادرت را بر بهترین وجه حمل کن: «صَعَّ أَمْرُ أَخِيكَ عَلَى أَحْسَنِهِ حَتَّى يَأْتِيَكَ مَا يَغْلِبُكَ مِنْهُ وَلَا تَظُنَّ بِكَلِمَةٍ خَرَجَتْ مِنْ أَخِيكَ سُوءًا وَأَنْتَ تَجِدُ لَهَا فِي الْخَيْرِ مَحْمِلًا» (کلینی، ۱۴۲۶، ج ۲: ۳۶۲). عمل کردن به این دست روایت، هنرِ ذهنِ اصولی است.

۱۱-۴. مراعات اصالة الصحة در تعاملات

اصل صحت از جمله اصول عملیه است که مورد جریان آن عمل دیگران است. برخی نیز معتقدند اصل صحت اختصاص به عمل دیگران ندارد، بلکه در اعمال خود مکلف نیز جاری می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۰، ج ۱: ۱۵۱)؛ یعنی بر اساس این اصل «عمل دیگران حمل بر صحت می‌شود و آثار عمل صحیح بر آن مترتب می‌شود و به شك در فساد آن عمل اعتنا نمی‌شود؛ آن عمل چه از عبادات باشد یا از غیر عبادات مانند معاملات و...؛ مثلاً اگر مشاهده کردیم که شخصی نماز می‌خواند یا مرده‌ای را غسل می‌دهد و شك کردیم در صحت نماز یا غسل دادن او، با اجرای اصل صحت حکم به صحیح بودن نماز و غسل او می‌کنیم» (ملکی اصفهانی، ۱۳۹۳، ج ۱: ۱۰۳). اما در عرصه زندگی انسان‌ها با اولین جمله‌هایی که می‌شنوند و معنایی که به ذهنشان می‌رسد، قضاوت





می‌کنند و اصالت الصّحه را مراعات نمی‌کنند. اصالت الصّحه در فعل همسر، در فعل پدر، در فعل مادر و در فعل پدرزن و مادرزن و خواهرشوهر و همه کسانی که حمل بر صحت نکردن اعمالشان، زندگی‌ها را به هم خواهد ریخت.

۱۲-۴. لزوم اشراف یک مربی به مسائل مختلف در یک مجموعه و جوانب آن

در علم اصول و در بحث اینکه وجه تمایز این علم با سایر علوم چیست، مباحثی مطرح است. آخوند خراسانی وجه تمایز علوم را موضوعات بلکه اغراض می‌داند نه موضوعات. برای همین ممکن است یک موضوع از جهتی در علم اصول بحث شود و از جهت دیگر در علم کلام و از جهتی دیگر در علم فقه مانند مساله اجتماع امر و نهی (ر.ک: آخوند خراسانی، ۱۴۰۹: ۸ و ۱۵۲). یک مربی هم باید به این مسئله توجه داشته باشد که غرض‌ها، مسائل درگیر در یک مجموعه را از هم جدا می‌کند؛ لذا ممکن است مسئله‌ای شبیه به مسئله‌ای که درگیر آن است، در مجموعه‌ای دیگر با غرضی دیگر مطرح و حل مسئله شده باشد، لذا اشراف او می‌تواند در حل مسئله در مجموعه زیردست خود کمکش کند.

۱۳-۴. تعادل و تراجیح در امور اخلاقی و تربیتی

یکی از مباحث سودمند علم اصول برای امور اخلاقی و تربیتی، مبحث «اخبار علاجیه» است. در اخبار و احادیث دستور رسیده است هنگام تعارض اخبار چه باید کرد. خبری که به طرز حل مشکل تعارض اخبار و روایات راهنمایی می‌کند «اخبار علاجیه» نامیده می‌شود (هلال، ۱۴۲۴: ۱۵۷). اصولیان نظر خود را به استناد همین اخبار علاجیه ابراز داشته‌اند و نام آن باب از اصول را که درباره این مسئله بحث می‌کند، باب «تعادل و تراجیح» نهاده‌اند (انصاری، ۱۴۱۶، ج ۴: ۷). بدین ترتیب در ادبیات اخلاقی تربیتی، جای این نوع اخبار علاجیه خالی است.

در علم اصول، قبل از همه اینها در این باره بحث می‌شود که تا حدی که ممکن است باید میان روایات جمع کرد: «الْجَمْعُ مَهْمَا أُمْكِنَ أَوَّلَى مِنَ الطَّرْحِ» (مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۱: ۴۳۴/ وحید بهبهانی، ۱۴۲۶: ۲۶۱/ سبحانی، ۱۴۲۴، ج ۴: ۳۳۵) این جمع را «بین اعمال کارهای مختلف» یک



فرد یا مجموعه هم می‌توان در نظر داشت. اگر جمع میان آنها ممکن نشد، باید دید یک طرف بر طرف دیگر رجحان دارد یا نه. اگر یک طرف رجحان داشت، همان طرف راجح گرفته می‌شود و طرف دیگر طرح می‌شود و اگر از هر حیث برابری و رجحانی ندارند، مقام تخییر است که به هر کدام عمل شود.

فهم اولویت‌ها در فعالیت‌های اخلاقی یکی از موارد ضروری است. اولویت با فعالیت و کاری است که شروع شده است؛ به استناد روایاتی که دعوت می‌کنند کاری را که شروع کردید، حداقل یک سال ادامه دهید. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: اگر شخص عملی انجام دهد، باید تا یک سال انجام دهد، سپس اگر خواست، به عمل دیگری پردازد: «إِذَا كَانَ الرَّجُلُ عَلَى عَمَلٍ فَلْيَدُمْ عَلَيْهِ سَنَةً ثُمَّ يَتَحَوَّلْ عَنْهُ إِنْ شَاءَ إِلَى غَيْرِهِ» (کلینی، ۱۴۲۶، ج ۲: ۸۲). آن حضرت در حدیث دیگری می‌فرماید: مبدا کاری بر خود لازم کنی و تا دوازده ماه از آن دست برداری: «إِنَّكَ أَنْ تَقْرَضَ عَلَى نَفْسِكَ فَرِيضَةً فَتُفَارِقَهَا أَتُنْبِي عَشْرَ هَلَالًا» (کلینی، ۱۴۲۶، ج ۲: ۸۳)، مگر اینکه بفهمید «واقعاً» اشتباه کرده‌اید و نه حتی «ظاهراً». در امور تربیتی و اخلاقی باید سعی نمود در ابتدا برنامه‌ها را با «دلیل» انتخاب کرد و نه «اصل» (الأصلُ اصیل حیث لا دلیل)؛ در غیر این صورت نوبت به اصول عملیه می‌رسد. مربی تا یقین نکرده است برنامه فعلی‌اش اشتباه است، مقام «استصحاب» است و با «شک لاحق»، «یقین سابق» خدشه‌دار نمی‌شود.

۱۴-۴. اخذ به احدث و عدم توجه به رفتارهای گذشته افراد

هرگاه دو یا چند روایت با هم تعارض داشته باشند و یکی از آن دو از امام سابق (قبلی) و روایت دیگر از امام پس از او صادر شده یا هر دو از يك امام در دو زمان صادر شده باشد، حدیثی که در زمان متأخر در زمان دوم یا از امام بعدی صادر شده، برتری دارد. به این نوع ترجیح، ترجیح به احدث می‌گویند. تأخر زمان صدور یکی از دو یا چند روایت متعارض احدثیت روایت از مرجحات سندی است و به این معناست که هرگاه دو روایت با هم تعارض کنند و یکی از آن دو از امام معصوم متقدم و دیگری از امام معصوم متأخر باشد یا اینکه دو روایت متعارض از يك معصوم علیه السلام در دو زمان روایت شده باشد، در هر دو صورت، به روایت جدیدتر یعنی روایتی که بعد



از دیگری صادر شده است، عمل می‌شود. یکی از ادله‌ای که برای تمسک به احداث بودن روایت به آن استدلال شده، این روایت امام صادق علیه السلام است که در ضمن روایت به یکی از یاران خود می‌فرماید: «أَرَأَيْتَكَ لَوْ حَدَّثْتُكَ بِحَدِيثِ الْعَامِّ ثُمَّ جِئْتَنِي مِنْ قَابِلٍ فَحَدَّثْتُكَ بِخِلَافِهِ بَايَهُمَا كُنْتُ تَأْخُذُ قَالَ قُلْتُ كُنْتُ أَخْذُ بِالْآخِرِ فَقَالَ لِي رَحِمَكَ اللَّهُ» (کلینی، ۱۴۲۶، ج: ۱، ۶۷/ حر عاملی، ۱۳۹۳، ج: ۱۸: ۷۷).

در بحث مرجحات «اخذ به احداث» در مرجحات را از منظر اخلاقی و تربیتی در زندگی هم می‌توان به کار بست؛ اگر کسی در حق دیگری کوتاهی کرد و سپس جبران نمود، اخذ به احداث کرد، مسئله یک سال قبل یا ده سال قبل یا بیست سال قبل را به رخش نکشید.

۵. بحث، نتیجه‌گیری و پیشنهادها

۱-۵. بحث

اصول فقه یکی از مهم‌ترین علوم اسلامی است که دارای بالندگی و پویایی خوبی در میان علوم اسلامی بوده است. از سوی دیگر باید تعامل اصول فقه با دیگر دانش‌ها تعریف و تحلیل شود. اخلاق و تربیت به عنوان عرصه‌های مؤثر و جهت‌دهنده در حکمرانی دینی نیازمند تبیین این ارتباط است و علم اصول فقه می‌تواند کاربردهایی در این دانش‌ها داشته باشد. این پژوهش به یک موضوع مغفول میان‌رشته‌ای پرداخته است که در تحول علوم انسانی اسلامی و در معادلات حکمرانی بسیار ضروری است.

اخلاق و تربیت به عرصه‌های مؤثر و جهت‌دهنده در حکمرانی دینی نیازمند تبیین این ارتباط است و علم اصول فقه می‌تواند کاربردهایی در این دانش داشته باشد. پژوهش‌های پیشین وارد کاربردهای علم اصول فقه در دانش اخلاق و تربیت نشده‌اند. به همین جهت تحقیق حاضر در صدد است کاربردهای علم اصول فقه را در اخلاق و تربیت بررسی کند. این تحقیق می‌تواند آغازی برای پژوهش‌های آتی باشد. این موضوع در بخش پیشنهادها، تحقیق، به صورت فهرست مفصلی ارائه شده که نشان از امتداد چنین پژوهشی در کارهای بعدی خواهد بود که رساله کلان پژوهشی چنین تحقیقی را بیشتر نشان می‌دهد.





۲-۵. نتیجه گیری

همانگی مباحث فعلی علم اصول با مقتضیات جوامع انسانی و عرصه‌هایی مانند اخلاق و تربیت از راهکارهای قابل پیگیری و مطالعات ضروری و سودمندی است که جای خالی آن در پژوهش‌های کنونی احساس می‌شود. به این منظور باید سراغ از کاربردهای علم اصول فقه در اخلاق و تربیت گرفت. محورهای بسیاری را می‌توان در علم اصول مطالعه و بررسی نمود و به کاربردهای آن در اخلاق و تربیت اندیشید. این مقاله کوشید به صورت اجمال و در حد بیان کلیات به این هدف بپردازد. به همین منظور در علم اصول به این محورها توجه ویژه‌تری شد:

۱. تقویت ذهن اصولی در دانش‌هایی مانند اخلاق و تربیت؛
۲. علم اصول فقه مقدمه عمل در اخلاق و تربیت؛
۳. توجه به افعال «توصلی» و تبدیل آن به «تبعدی»؛
۴. توجه به امثال امر مولی و مباحث اصولی آن در اخلاق و تربیت؛
۵. اعتماد به متخصص در اثبات شبهات موضوعیه در خانواده؛
۶. خلط «شبهات حکمیه» و «شبهات موضوعیه» پایه برخی تعارض‌ها و مشاجره‌های اخلاقی؛
۷. مشورت، فرصت تبدیل علم اجمالی به تفصیلی؛
۸. نقش والدین در «وضع تعیینی» فرزندان؛
۹. استصحاب و اجتناب از اتباع ظن در مسائل اخلاقی؛
۱۰. استفاده از تجربه نگاه‌های مختلف اصولی در تحلیل و حمل رفتارها بر احسن وجه؛
۱۱. مراعات اصالة الصحة در تعاملات؛
۱۲. لزوم اشراف یک مربی به مسائل مختلف در یک مجموعه و جوانب آن؛
۱۳. تعادل و تراجیح در امور اخلاقی و تربیتی؛
۱۴. اخذ به احداث و عدم توجه به رفتارهای گذشته افراد.

این فهرست به مثابه گام‌ها و پایه‌های آغازین برای پژوهش‌های بعدی در این زمینه است. به این منظور پیشنهادهایی نیز در ادامه بیان می‌شود.





۳-۵. پیشنهادها

- با توجه به یافته‌های پژوهش می‌توان پیشنهادهای زیر را برای پژوهشگران مطرح نمود:
۱. مبانی علم اصول در مباحث اخلاق و تربیت؛
 ۲. روش‌شناسی علم اصول و ارائه دستاوردهای آن در مباحث اخلاق و تربیت؛
 ۳. گستره علم اصول فقه در مسائل اخلاق و تربیت؛
 ۴. بررسی مهم‌ترین و سودمندترین مباحث علم اصول در اخلاق و تربیت؛
 ۵. ظرفیت‌های رشد و بالندگی علم اصول با توجه به مسائل اخلاق و تربیت؛
 ۶. بررسی تأثیر اهداف و جهت‌گیری علم اصول بر مباحث اخلاق و تربیت؛
 ۷. کاربرد اصول عملیه در اخلاق و تربیت؛
 ۸. بررسی آثار تشریعی و تکوینی اموری مانند ازدواج با توجه به احکام وضعی؛
 ۹. بررسی حق پدر و مادر و حکومت بر حق همسر برای مرد و برای زن، حکومت حق همسر از منظر بحث حاکم و محکوم با عنایت به قواعد باب تراحم.



۶. منابع

قرآن.

نهج البلاغه.

ابراهیم آبادی، فرشته، سالارزایی، امیرحمزه، وبرزعلی، پژمان (۱۳۹۶). کاربرد اصول و قواعد فقهی در پیشگیری از اختلال اضطرابی وسواس فکری-عملی، پژوهشهای فقهی، ۱۳ (۴)، ۸۸۷-۸۳.

ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۲). الخصال. تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین.

ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۶ق). ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، قم: دار الشریف الرضی للنشر.

ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). لسان العرب. بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع.

ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ق). من لایحضره الفقیه. تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

آخوند خراسانی، محمد کاظم بن حسین (۱۴۰۹ق). کفایة الأصول. قم: آل البيت.

اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱ق). کشف الغمة فی معرفة الأئمة. تبریز: بنی هاشمی.

اردبیلی، احمد بن محمد (۱۹۹۳م). زبدة البیان فی أحكام القرآن. تحقیق و تصحیح محمدباقر بهبودی، تهران: المكتبة الجعفرية لإحياء الآثار الجعفرية، بی تا.

امام خمینی، سید روح الله (۱۴۱۰ق). الرسائل. قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.

امام خمینی، سید روح الله (۱۳۷۸). صحیفه امام. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

انصاری، مرتضی بن محمد امین (۱۴۱۶ق). فرائد الأصول. قم: مجمع الفکر الاسلامی.

جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۰۴ق). صحاح اللغة. تحقیق احمد عبدالغفور عطار، لبنان: دار العلم للملایین.

حبیبی، رضا (۱۴۰۰). نظام اخلاقی و تربیتی اسلام. قم: حوزه علمیه قم، مرکز مدیریت حوزه های عملیه خواهران، مرکز نشر هاجر.

حر عاملی، محمد بن حسن (۱۳۹۳). وسائل الشیعة. تهران: المكتبة الإسلامية.



حسن‌زاده، مهدی (۱۴۰۱). بررسی کاربرد استصحاب در دادرسی مدنی. پژوهشهای فقهی، ۱۸ (۱)، ۱۸۶-۱۶۵.

حلی، حسین (۱۴۳۲ق). أصول الفقه. قم: مکتبه الفقه و الاصول المختصه.
راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۷۴). ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن. تهران: مرتضوی.
رضائیان، علی (۱۳۸۲). مدیریت تعارض و مذاکره (مدیریت رفتار سازمانی پیشرفته). تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

زبیدی، سیدمرتضی حسینی (۱۴۱۴ق). تاج العروس. تصحیح علی شیری، بیروت: دار الفکر.
سبحانی تبریزی، جعفر (۱۴۲۴ق). إرشاد العقول الی مباحث الأصول. قم: مؤسسه امام صادق (ع).
شعرانی، ابوالحسن (۱۳۷۳). المدخل إلى عذب المنهل فی أصول الفقه. قم: مؤسسه الهادی.
صدر، سید محمدباقر (۱۴۱۷ق). بحوث فی علم الأصول. قم: مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع).

صدر، سید محمدباقر (۱۴۲۳ق). دروس فی علم الأصول. الحلقة الثالثة، قم: مجمع الفکر.
عباسیان، پیمان (۱۴۰۱ق). کاربرد علم اصول فقه در تفسیر قانون. چهارمین کنفرانس بین المللی و پنجمین کنفرانس ملی حقوق و علوم سیاسی، ۱۴۰۱.

عراقی، ضیاءالدین (۱۳۸۸). الاجتهاد و التقليد. قم، نوید اسلام.
علوی، سید علی اصغر (۱۳۹۸). فتأمل: ملاحظات برای خوانش فقه و اصول. تهران: سدید.
علوی، سید علی اصغر (۱۴۰۰). زندگی اصولی. تهران: سدید.
عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰). تفسیر العیاشی. تحقیق و تصحیح هاشم رسولی محلاتی، تهران: المطبعة العلمية.

فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق). العین. تحقیق و تصحیح مه‌لیم خزومی و ابراهیم سامرائی، قم: هجرت.

فیومی، أحمد بن محمد (۱۴۱۴ق). المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير. قم: مؤسسه دار الهجرة.
قرشی بنابی، علی اکبر (۱۳۷۱). قاموس قرآن. تهران: دار الکتب الإسلامية.

کلینی، ابی جعفر محمد بن یعقوب (۱۴۲۶ق). اصول الکافی. بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
مجلسی، محمدتقی بن مقصود علی (۱۴۰۶ق). روضة المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه. تحقیق و تصحیح حسین موسوی کرمانی و علی‌پناه اشتها‌ردی، قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور.





- مشکینی اردبیلی، علی (۱۳۷۴). اصطلاحات الأصول و معظم أبحاثها. قم: الهادی.
- مطهری، مرتضی، (۱۳۷۳). تعلیم و تربیت در اسلام. قم: صدرا.
- مظفر، محمدرضا (۱۴۳۰ق). أصول الفقه. قم: انتشارات اسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۰). القواعد الفقهیه. قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب.
- ملکی اصفهانی، مجتبی (۱۳۹۳). فرهنگ اصطلاحات اصول. با مقدمه جعفر سبحانی، قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی.
- منسوب به امام صادق (علیه السلام) (۱۴۰۰). مصباح الشریعه. بیروت: اعلمی.
- نراقی، محمدمهدی (۱۳۸۶). جامع السعادات. قم: اسماعیلیان.
- نوری، حسین بن محمدتقی (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. قم: مؤسسة آل البيت (علیهم السلام).
- هلال، هاشم (۱۴۲۴ق). معجم مصطلح الأصول. بیروت: دار الجلیل.
- وحید بهبهانی، محمدباقر بن محمداکمل (۱۴۲۶ق). حاشیه الوافی. قم: مؤسسة العلامة المجدد الوحید البهبهانی.





Applications of the science of jurisprudence in ethics and education

seyyed Aliasghar Alavi^{۱*}

Abstract

The science of principles of jurisprudence is one of the most important Islamic sciences that has had good development and dynamics among Islamic sciences. On the other hand, the interaction of principles of jurisprudence with other sciences should be defined and analyzed. Ethics and education, as effective and guiding areas in religious governance, require an explanation of this relationship, and the science of principles of jurisprudence can have applications in these sciences. This research aims to present an analysis of the applications of the science of principles of jurisprudence in ethics and education using the ijtiḥad (deductive analysis) method. This research has used the documentary method to collect information. In this research, on the one hand, the issues and areas of ethics and education have been examined and explained, and then the applications and extensions of the science of principles of jurisprudence in these areas have been analyzed. The research findings show that in addition to strengthening the fundamental mind in sciences such as ethics and education, and that the knowledge of the principles of jurisprudence is the introduction to practice in such areas, topics such as seeking guidance and avoiding suspicion in ethical issues, and using the experience of different fundamental perspectives in analyzing and carrying out behaviors in the best possible way are noteworthy.

Keywords: Principles of jurisprudence, application, principles of applied jurisprudence, application of sciences, Islamic ethics.

۱. PhD, Al-Mustafa Al-Alamiyah University of Qom, Qom, Iran (Corresponding author) Email: modirekarbala^{۳۱۳}@chmail.ir





Geopolitical Chess Game: Azerbaijan's Codes and Iran's Security Challenges

mohammad kebria babaei^{۱*}
Qiuomars Yazdanpanah Dero^۲
Mahmoud Vasegh^۳

Abstract

Relations between the Islamic Republic of Iran and the Republic of Azerbaijan, with a common historical and cultural background, provide the basis for important interactions, especially in the geopolitical and security fields. This study used the futures research method to analyze the impact of the geopolitical codes of the Republic of Azerbaijan on Iran's national security after the Second Karabakh War. Using the analysis of goals and trends, key stakeholders were identified and political-geopolitical developments were examined. The findings showed that these codes have multifaceted and significant impacts on Iran's national security; including changing the regional balance of power, increasing border security threats, and making diplomatic relations more complex. For example, Azerbaijan's expansion of military cooperation with Western countries and the possibility of joining NATO, as one of the geopolitical codes under study, significantly overshadow Iran's security. To address these challenges, strategies such as direct diplomacy, imposing economic and cultural restrictions, strengthening regional economic and security cooperation, addressing ethnic and religious issues, and developing cultural diplomacy were proposed. The results of this study emphasize the need to strengthen active diplomacy, diversify regional relations, and use multilateral diplomacy tools to reduce tensions and ensure Iran's national interests. The importance of these findings lies in providing practical strategies for effectively managing geopolitical challenges arising from the policies of the Republic of Azerbaijan and enhancing Iran's national security.

Keywords: Geopolitical chess game, South Caucasus, futures studies, Islamic Republic of Iran.

-
۱. PhD student, Department of Political Geography, Kish Campus, University of Tehran, Tehran, Iran (Corresponding author) kebria.babaei@ut.ac.ir
 ۲. Associate Professor, Department of Political Geography, University of Tehran, Tehran, Iran kyazdanpanah@ut.ac.ir
 ۳. Associate Professor, Department of Political Geography, University of Tehran, Tehran, Iran mahmoodvasegh@ut.ac.ir





Pathology and investigation of the role and function of mass mobilization in prevention and awareness of the side effects of drug addiction

Tahereh heydarian^۱

Maryam Allahdadian^{*۲}

Abstract

Drug addiction is a major social and public health issue that requires effective preventive strategies. This study aims to examine the role and performance of Basij in addiction prevention and its mission implementation. Using a qualitative research approach based on library studies, the findings indicate that Basij can play a crucial role in reducing drug use tendencies through the formulation of supportive policies, the implementation of educational and awareness programs, and community mobilization at the neighborhood and city levels. One of the main challenges in carrying out this mission is the presence of legal gaps and operational barriers in Basij's collaboration with relevant institutions, which necessitates policy reforms. By analyzing successful global models such as the Icelandic model and the "Communities That Care" program, a proposed operational framework for Basij includes establishing educational centers in high-risk areas, organizing life skills training programs, collaborating with healthcare and welfare centers, and enhancing social capital. Additionally, national initiatives implemented in Iran, such as the Yarigarane Zendegi (Life Helpers Plan) and the Karamat Plan, were reviewed as successful case studies. These measures can contribute to reducing addiction rates and improving social well-being.

Keywords: Addiction, drugs, prevention, mobilization, social institutions

^۱. Master's student, Isfahan University of Medical Sciences, Isfahan, Iran Email: taherehdr^{۷۷}@yahoo.com

^۲. Assistant Professor, Islamic Azad University, Falavarjan Branch, Isfahan, Iran (Corresponding Author) Email: maryamallahdadian@yahoo.com





Paradigm Analysis of Defense Policy making

Hassan Ghoronh^۱
Azam babaki rad^{*۲}

Abstract

In present paper, defensive paradigms and policymaking schools are disciplined in a paradigmatic analytical framework and their paradigmatic basic theories are reviewed by which their relation to defensive policy and policymaking is determined. Categorization analysis method based on meaning building relations are used to categorize defensive paradigms and schools. research findings indicate a comprehensive categorization in the format of postmodern, symbolized and descriptive paradigms in line with realism, neorealism, Copenhagen, critical and Paris schools. However, by postmodern discussions, one cannot put these theories only in postmodern framework like feminism which has roots in other paradigms. However, such categorization is not fully separated and comprehensive that a part is due to author's weakness and a part is due to the nature of human and social sciences in which delineating the borders precisely is neither possible nor target; rather, it is enjoyable and motivating like postmodernists' Canvas Collage.

Keywords: paradigm, school, policy, defensive policymaking, basic theories

^۱. Assistant Professor, Department of Governance, Shiraz University, Shiraz, Iran
Email: hassan.ghoronh@gmail.com

^۲. Assistant Professor, Department of Public Administration, Islamic Azad University, Mashhad Branch, Mashhad, Iran (Corresponding Author)
Email: babaki.rad@gmail.com



Identifying the effective factors of Islamic governance on the success of governance in the Islamic Republic of Iran

Sadri, Mohammad Hassan*^۱

Ghasemi varjani, Mahdi^۲

Abstract

From the past to the present, the role of governments and governments in the progress and excellence of societies or their backwardness has always been discussed and disputed. Especially in the last few decades, this importance has become more visible and topics such as small government, efficient government, entrepreneurial government, electronic government and today governance are raised as a dominant paradigm. On the other hand, the phenomenon of "Islamic rule" as a new theory has shown itself in the world arena. Although it is not mentioned as a paradigm, it is mentioned in the equations of governance in the world. Islam's view of governance, which is divine governance or good governance with an Islamic approach, is a very deep and decisive view in which human excellence is established, and the interpretation of light and darkness has been used for divine governance and non-divine governance. Islamic governance affects all political, social, cultural and economic processes and provides the environment for human growth and excellence. The current research is applied in terms of purpose and descriptive survey. The main purpose of writing the present research is to identify the influencing factors of Islamic governance on the success of governance in the Islamic Republic of Iran. The statistical population of the research includes university professors and elites, and a sample of ۲۱۰ was selected to conduct the research. The important variables affecting Islamic governance were extracted from the subject literature using library studies and finally ۲۱ variables were selected and six components were obtained by analyzing the results of the final questionnaire. Of these six components, participation was not effective on Islamic governance. ۰ other factors are related to accountability, rule of law, justice, efficiency and effectiveness, and transparency, which were effective on the success of governance in the Islamic Republic of Iran.

Keywords: Governance, Islam, Islamic governance.

۱. PhD student, Islamic Azad University, South Tehran Branch, Tehran, Iran
(Corresponding author) Email: mhs_۱۶۹@yahoo.com

۲. PhD, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran Email: shahed.۱@chmail.com



**virtual governance;
Creating a foundation for the protection
and export of the values of the Islamic Revolution**

Ali Akhtarshahr^{۱*}

Abstract

Any revolution that happens in any corner of the world, even if it does not have a universal ideology, at least based on the "diffusion theory" will affect its neighboring countries and cause revolutionary movements in them. This is the goal. To find out the factors of continuity and continuity of this method in the Islamic Republic system and the difference between governance and virtual governance. What are the differences between governance and virtual governance, and does virtual governance provide a suitable platform for the maintenance and development of the Islamic Revolution? The Islamic revolution provides a safe space for the protection of the values of the Islamic revolution and its issues through active action in the field of virtual governance, and this is through the characteristics and tools of virtual governance. It is clear that the formation of virtual space is a golden opportunity for the Islamic revolution, which has the motive of civilization and globalization; In other words, the breaking of the physical borders and the weakening of the order of the nation state is more of an opportunity than a threat to the Islamic revolution, and it gives a new spirit to the global movement of the Islamic revolution, and in this way the Islamic revolution can achieve its lofty goals.

Keywords: Rulership, virtual rule, Islamic revolution, soft war.

^۱. Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Islamic Azad University, Lahijan Branch, Lahijan, Iran.
Email: akhtarshahr@yahoo.com

